

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن صاعد ۲

آموزش معارف اهل بیت
(تعقیبات، زیارات، دعاها و مناجات‌ها)

- سید هادی محدث
- حمید صفار هرنندی
- ابوالفضل علامی میانجی

فهرست

بخش سوم: دعاها

۹.....	درس نوزدهم: دعای توسّل
۲۰.....	زبان معارف: فعل لازم و متعدی
۲۳.....	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۷.....	درس بیستم: دعای شب جمعه و قنوت نماز عید
۳۴.....	زبان معارف: فعل معلوم و مجهول
۳۷.....	آشنایی با معارف اهل بیت
۴۳.....	درس بیست و یکم: دعای حضرت مهدی (علیه السلام)
۵۱.....	زبان معارف: فعل مجهول «ماضی»
۵۴.....	آشنایی با معارف اهل بیت
۶۰.....	درس بیست و دوم: دعای فرج و دعای حضرت صاحب الامر (علیه السلام)
۶۷.....	زبان معارف: فعل مجهول «مضارع»
۷۰.....	آشنایی با معارف اهل بیت
۷۴.....	درس بیست و سوم: دعای سحر، اعمال شب قدر و دعای شب‌های دهه آخر رمضان
۸۳.....	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۱) باب افعال
۸۶.....	آشنایی با معارف اهل بیت
۹۰.....	درس بیست و چهارم: دعای کمیل (۱)
۹۷.....	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۲) باب تفعیل
۱۰۰.....	آشنایی با معارف اهل بیت

۱۰۴	درس بیست و پنجم: دعای کمیل (۲)
۱۱۲	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۳) باب تَفَعَّل
۱۱۵	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۲۱	درس بیست و ششم: دعای کمیل (۳)
۱۲۸	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۴) باب اِفْتَعَلَ
۱۳۱	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۳۵	درس بیست و ہفتم: دعای کمیل (۴)
۱۴۲	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۵) باب اِنْفَعَلَ
۱۴۵	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۵۰	درس بیست و ہشتم: دعای کمیل (۵)
۱۵۶	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۶) باب مُفَاعَلَة
۱۵۹	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۶۲	درس بیست و نہم: دعای کمیل (۶)
۱۶۹	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۷) باب تَفَاعَلَ
۱۷۲	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۷۶	درس سی ام: دعای کمیل (۷)
۱۸۳	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید (۸) باب اِسْتَفْعَلَ
۱۸۶	آشنایی با معارف اہل بیت
۱۹۰	درس سی و یکم: دعای کمیل (۸)
۱۹۷	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید «فعل ماضی مجهول»
۲۰۰	آشنایی با معارف اہل بیت
۲۰۲	درس سی و دوم: دعای کمیل (۹)
۲۰۹	زبان معارف: ابواب ثلاثی مزید «فعل مضارع مجهول»

۲۱۲	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۱۵	درس سی و سوم: دعای کمیل (۱۰)
۲۲۱	زبان معارف: اسم فاعل و اسم مفعول ثلاثی مزید و رباعی (مجرد و مزید)
۲۲۴	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۲۶	درس سی و چهارم: دعای کمیل (۱۱)
۲۳۳	زبان معارف: تقسیم افعال؛ صحیح و مُعْتَل
۲۳۵	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۳۸	درس سی و پنجم: دعای کمیل (۱۲)
۲۴۴	زبان معارف: فعل مَهْمُوز
۲۴۷	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۵۰	درس سی و ششم: دعای کمیل (۱۳)
۲۵۶	زبان معارف: مُضَاعَف
۲۵۹	آشنایی با معارف اهل بیت

بخش چهارم: مناجات‌ها

۲۶۵	درس سی و هفتم: مناجات امام علی (علیه السلام) در مسجد کوفه (۱)
۲۷۳	زبان معارف: انواع فعل مُعْتَل
۲۷۶	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۸۱	درس سی و هشتم: مناجات امام علی (علیه السلام) در مسجد کوفه (۲)
۲۸۹	زبان معارف: صرف انواع فعل مُعْتَل
۲۹۲	آشنایی با معارف اهل بیت
۲۹۶	فهرست کلمات قرآن صاعد (۲)
۳۰۸	فهرست کلمات کتاب آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن
۳۲۶	کتابنامه

بخش سوم

دعاها

دعاى توسل



اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ وَاتَوَجَّهُ اِلَيْكَ، بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

يا ابا القاسم، يا رسول الله، يا امام الرحمة، يا سيدنا ومولينا، انا توجهنا واستشفعنا،

وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجتنا يا وحيها عند الله اشفع لنا عند الله.

يا ابا الحسن، يا امير المؤمنين، يا على بن ابي طالب، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا

ومولينا، انا توجهنا واستشفعنا، وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجتنا،

يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله.

يا فاطمة الزهراء، يا بنت محمد، يا قرة عين الرسول، يا سيدتنا ومولاتنا، انا توجهنا

واستشفعنا، وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجتنا، يا وحيها عند الله،

اِسْفَعِ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا ابا محمدٍ، يا حسنَ بنَ عليٍّ، ايها المُجتَبى، يا بنَ رَسولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ،

يا سَيِّدَنَا وَمَوْلِيَنَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا ابا عَبْدِ اللّٰهِ، يا حُسَيْنَ بنَ عَلِيٍّ، ايها الشَّهِيدُ يا بنَ رَسولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ،

يا سَيِّدَنَا وَمَوْلِيَنَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا ابا الحَسَنِ، يا عَلِيَّ بنَ الحُسَيْنِ، يا زَيْنَ العَابدِينَ، يا بنَ رَسولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ،

يا سَيِّدَنَا وَمَوْلِيَنَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا ابا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ، ايها البَاقِرُ، يا بنَ رَسولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ،

یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

یا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَیُّهَا الصَّادِقُ، یا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ، یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ،

یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، اَیُّهَا الْكَاطِمُ، یا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ، یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ،

یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، اَیُّهَا الرِّضَا، یا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ، یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ،

یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا ابا جعفر، يا محمد بن علي، ايها النبي الجواد، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه،

يا سيدنا ومولينا، انا توجهنا واستشفعنا، وتوسلنا بك الى الله، وقدمنك بين يدي

حاجتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله.

يا ابا الحسن، يا علي بن محمد، ايها الهادي النبي، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه،

يا سيدنا ومولينا، انا توجهنا واستشفعنا، وتوسلنا بك الى الله، وقدمنك بين يدي

حاجتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله.

يا ابا محمد، يا حسن بن علي، ايها النبي العسكري^۱، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه،

يا سيدنا ومولينا، انا توجهنا واستشفعنا، وتوسلنا بك الى الله، وقدمنك بين يدي

حاجتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله.

يا وصي الحسن، وانخلف الحجة، ايها القائم المنتظر المهدي، يا بن رسول الله،

۱. «عسكري» لقب امام دهم و يازدهم است. آن دو بزرگوار در منطقه‌ای نظامی تحت مراقبت حکام ستمکار بنی عباس بوده‌اند، از این رو به این لقب مشهور شده‌اند.

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا؛ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

در روایت دیگری آمده است که بعد از این بگویند:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أُمَّتِي، وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ،

وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ،

وَاسْتَنْقِدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ، وَبِحُجَّتِكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ

أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ؛ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ،

أَجْمَعِينَ؛ وَلَعَنَّ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ، ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معنای آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

*** تمرین و تثبیت**

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

ردیف	کلمه (آشنا)	معنا	ردیف	کلمه (آشنا)	معنا
۱	آخِرِينَ	جمع «آخر: آینده»	۱۳	زَيْنُ الْعَابِدِينَ	لقب امام چهارم <small>(علیه السلام)</small> - زینت عبادت کنندگان
۲	أَبَا جَعْفَرٍ	کنیه امامان: باقر و محمد تقی <small>(علیهما السلام)</small>	۱۴	شَهِيدٍ	شهادت - گواه
۳	أَبَا الْحَسَنِ	کنیه امامان: علی - زین العابدین - کاظم - رضا - هادی <small>(علیهم السلام)</small>	۱۵	عَسْكَرِيَّ	لقب امام دهم و یازدهم <small>(علیهما السلام)</small>
۴	أَبَا الْقَاسِمِ	کنیه پیامبر <small>(صلی الله علیه و آله)</small>	۱۶	عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	امیرمؤمنان علی <small>(علیه السلام)</small>
۵	أَبَا مُحَمَّدٍ	کنیه امامان: حسن مجتبی و حسن عسکری <small>(علیهما السلام)</small>	۱۷	قَائِمٍ	لقب امام زمان <small>(علیه السلام)</small> - قیام کننده
۶	اسْتَشْفَعْتُ	شفیع گرفتم	۱۸	كَاطِمٍ	لقب امام هفتم <small>(علیه السلام)</small> - فروشنده (خشم)
۷	اسْتَفْعُوا	شفاعت کنید	۱۹	مُجْتَبِيٍّ	لقب امام دوم <small>(علیه السلام)</small> - برگزیده
۸	بَاقِرٍ	لقب امام پنجم <small>(علیه السلام)</small> - شکافنده	۲۰	مَوَالِيٍّ	جمع «مولی: سرور»
۹	تَوَجَّهْتُ	روی آوردم	۲۱	مَوْلَاةٍ	مؤنث «مولی: سرور»
۱۰	تَوَسَّلْتُ	توسل جستم	۲۲	نَقِيٍّ	لقب امام دهم <small>(علیه السلام)</small> - خالص
۱۱	جَوَادٍ	لقب امام نهم <small>(علیه السلام)</small> - بخشنده - سخاوتمند	۲۳	وَجِيهَةٍ	آبرومند
۱۲	حَاجَاتٍ	جمع «حاجة: حاجت - نیاز»	۲۴	وَصِيٍّ	وصی - جانشین

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
توشه	عُدَّة	۸	روی می‌آورم	آتَوِّجَهُ	۱
پیش فرستادیم	قَدَّمْنَا	۹	شفیع گرفتیم	اسْتَشْفَعْنَا	۲
نزدیکی - قرب	قُرْب	۱۰	نجات دهید	اسْتَنْقِدُوا	۳
روشنی	قُرَّة	۱۱	شفاعت کن	اشْفَعْ - اشْفَعِي	۴
مورد انتظار	مُنْتَظَر	۱۲	روی آوردیم	تَوَجَّهْنَا	۵
			توسل جستیم	تَوَسَّلْنَا	۶
			دوستی - دوست داشتن	حُب	۷

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. تَوَجَّهْنَا - تَوَسَّلْنَا - قَدَّمْنَا :

الف - روی آوردیم - توسل جستیم - پیش فرستادیم

ب - روی آوردیم - توسل جستیم - مقدم داشتیم

۲. قُرْب - قُرَّة - عُدَّة :

الف - نزدیکی - روشنی - توشه

ب - نزدیک - روشن - تعداد

۳. **اسْتَنْقِدُوا - اِشْفَعُوا - مُنْتَظِرٌ :**

- الف - نجات دهید - شفاعت کنید - به انتظار باش
- ب - نجات دهید - شفاعت کنید - مورد انتظار

۴. **حُبٌّ - زَكِيٌّ - مَوْلَاةٌ :**

- الف - دوستی - پاک - سرور
- ب - دوست - پاکیزه - سرورها

۵. **اسْتَشْفَعْنَا - اتَّوَجَّهُ - تَوَجَّهْتُ :**

- الف - شفیع گرفتیم - روی می آورم - روی آوردم
- ب - شفاعت کرد ما را - روی آورد - روی آوردم

۶. **اشْفَعِي - اسْتَشْفَعْتُ - مَوَالِيٌّ :**

- الف - شفاعت کن مرا - شفاعت کردیم - دوستان
- ب - شفاعت کن - شفیع گرفتم - سروران

۷. **آخِرِينَ - قَائِمٌ - وَجِيهَةٌ :**

- الف - آیندگان - قیام کننده - آبرومند
- ب - دیگران - ایستاده - زیبا

۸. **نَقِيٌّ - وَصِيٌّ - مُجْتَبَىٌّ :**

- الف - خالص - جانشین - برگزیده
- ب - پاک - وصیت کننده - دوری کننده

۹. **بَاقِرٌ - كَاطِمٌ - جَوَادٌ :**

- الف - اقرار کننده - کوبنده - با سخاوت
- ب - شکافنده - فرو نشاننده (خشم) - بخشنده

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ:**

- الف - خدایا، قطعاً درخواست می‌کنم و روی می‌آورم به تو و پیامبر تو
- ب - خدایا، قطعاً من درخواست می‌کنم از تو و روی می‌آورم به سوی تو به وسیله پیامبرت

۲. **يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ:**

- الف - ای آبرومند نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا
- ب - ای چهره درخشان نزد خدا، شفاعت کن ما را نزد خدا

۳. **يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ، وَاخْلُفَ الْحِجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ:**

- الف - ای وصی حسن و جانشین او، حجّت، ای قائم
- ب - ای وصی حسن و جانشین (او)، (ای) حجّت، ای قائم (قیام‌کننده)

۴. **اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ^۱ إِلَى^۲ اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِي:**

- الف - شفیع گرفته‌ام شما را به سوی (نزد) خدا، پس شفاعت کنید برای من
- ب - شفیع قرار می‌دهم شما را نزد خدا، پس شفاعت کردند برای من

۵. **وَيَقْرُبُكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ:**

- الف - و به وسیله نزدیکی (به) شما، امیدوارم نجاتی از (سوی) خدا را
- ب - و نزدیکی شما، امید نجات است از سوی خداوند

۱. «بِ» در «بِكُمْ» ترجمه نشود.

۲. «إِلَى»: نزد.

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه‌های زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا اِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا	
۲	يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ	
۳	يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعِي لَنَا	
۴	يَا اَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ	
۵	اَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ	
۶	يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَيُّهَا التَّقِيُّ	
۷	اَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ	
۸	وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ	
۹	وَلَعَنَّ اللَّهُ اَعْدَاءَ اللَّهِ	
۱۰	ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ	

تمرین ۴. عبارات درس را کلمه به کلمه ترجمه نمایید.

۱. اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا:

قطعاً روی آورده‌ایم، و توسل جسته‌ایم به سوی (نزد) خدا، و

..... تو را حاجت‌هایمان.

۲. یا فاطمة الزهراء، یا بنت محمد، یا قرة عين الرسول، یا سیدتنا ومولاتنا :

..... فاطمه زهرا، ای محمد، ای چشم ، ای ما و ما.

۳. یا سادتی وموالی، انی توجهت بکم ائمتی، وعدتی لیوم فقری وحاجتی :

ای آقایان من و قطعاً من به شما و توشه ام تهیدستی ام

۴. واستنقذونی من ذنوبی عند الله، فانکم وسیلتی الی الله :

و از نزد خدا، پس شما به سوی (نزد) خدا هستید.

۵. فکونوا عند الله رجائی، یا سادتی یا اولیاء الله، صلی الله علیهم، اجمعین :

پس نزد خدا من، ای ، ای خدا، که خدا همگی.

تمرین ۵. عبارات درس را کلمه به کلمه ترجمه نمایید.

زبان معارف

فعل لازم و متعدی



در این درس، با اقسام دیگری از فعل آشنا می‌شویم. فعل در یک تقسیم‌بندی دیگر به دو نوع لازم و متعدی تقسیم می‌شود.

به دو گروه جملات زیر با توجه به معانی افعال آنها، دقت نمایید.

گروه اول	گروه دوم
ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ: رفت بدی‌ها	أَخَذَهُمُ الْعَذَابُ: گرفتار کرد آنها را عذاب
يُخْرِجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ ...: خارج می‌شود از شکم‌هایشان نوشیدنیی ...	كَذَلِكَ يُجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ ...: اینچنین، قرار می‌دهد خدا پلیدی را ...
نَفَخَ مَوْسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ: پس خارج شد موسی به سوی قومش	ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا: زد خدا مثلی را.

فعل **ذَهَبَ** به معنای رفت، فاعلی دارد که آن **السَّيِّئَاتُ** است. هنگامی که این فعل را می‌شنویم، سؤالی به ذهن می‌آید که چه کسی یا چه چیزی رفت؟ و در پاسخ آن، کلمه **سَيِّئَاتُ** فاعل فعل **ذَهَبَ** ذکر می‌شود. در دو مثال دیگر در گروه اول نیز فعل ما تنها به فاعل اکتفا کرده است. در مثال دوم، فاعل **يُخْرِجُ** (خارج می‌شود)، **شَرَابٌ** و در مثال سوم، فاعل **نَفَخَ** (خارج شد)، «موسی» می‌باشد.

هنگام شنیدن فعل **أَخَذَ** (گرفتار کرد)، دو پرسش به ذهن ما خطور می‌کند؛ پرسش نخست این که چه چیزی گرفتار کرد؟ و پرسش دوم این که چه کسانی را گرفتار کرد؟ بنابراین، فعل **أَخَذَ** تنها به فاعل اکتفا نکرده بلکه به مفعول نیز نیاز دارد، به عبارت دیگر از فاعل متعدی و تجاوز کرده و به مفعول نیز احتیاج دارد. افعال **يَجْعَلُ** (قرار می‌دهد)، **يَعْلَمُ** (می‌شناسد) و **ضَرَبَ** (زد) نیز علاوه بر فاعل خود، به مفعول نیاز دارند.

افعال گروه اول که تنها به فاعل اکتفا می‌کنند و به مفعول نیازی ندارند لازم نامیده می‌شوند. افعال گروه دوم که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز نیاز دارند متعدی نامیده می‌شوند.

علت آنکه به این افعال متعدی می‌گویند، تعدی و تجاوز آنها از فاعل به مفعول است.

* تمرین

افعال لازم و متعدی را در آیات و ادعیه زیر مشخص کنید:

۱. **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...**
(مائده: ۳۸)

۲. **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**
(نحل: ۳۸)

۳. مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ... (حج: ۱۵)

.....

۴. وَإِذَا مَرَضَتْ فَهُوَ يَشْفِينُ (شعراء: ۸۰)

.....

۵. يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ. (سبأ: ۲)

.....

۶. ... أَوْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، وَكَأَنَّ قَبْلِي ذَنْبٌ ... (دعای شبهای ماه رمضان)

.....

۷. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَسْفِيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ ... (زیارت عاشورا)

.....

۸. اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتْ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ ... (اذن دخول حرمهای شریف)

.....

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای توسل



یکی از دعاهایی که اغلب مردم با آن مأنوس هستند، دعای توسل است. فهم حقیقت توسل، گذشته از آن که برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از این دعا لازم است، جهت نمایان شدن پندار بی‌اساس فرقه انحرافی وهابیت نیز ضروری است. توسل در لغت به معنای وسیله قرار دادن شخص یا عمل یا چیزی برای رسیدن به هدف می‌باشد.

توسل به اسباب طبیعی

توسل به اسباب طبیعی برای رفع نیازهای طبیعی، مانند نوشیدن آب برای رفع تشنگی، خوردن غذا برای برطرف کردن گرسنگی، پوشیدن لباس برای جلوگیری از سرما و گرما و... هیچ یک با اعتقاد به توحید منافات ندارد، به شرط اینکه برای این اسباب و وسایل، استقلال قائل نباشیم و آنها را فقط واسطه‌هایی برای رفع نیازها بدانیم که خداوند برای ما تدارک دیده است. قرآن کریم از زبان ابراهیم خلیل علیه السلام می‌فرماید: **وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي. وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي.**^۱

۱. و (خدا) کسی است که مرا غذا می‌دهد و سیرابم می‌کند، و هنگامی که بیمار می‌شوم او مرا شفا می‌دهد؛ (شعراء، آیه ۷۹-۸۰).

توسّل به وسایل غیرمادی

توسّل به وسایل غیر مادی نیز، در صورتی که آنها را دارای استقلال ندانیم، شرک نیست:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید و در راه او جهاد کنید، به امید این که شما رستگار شوید.

چکیده سخن شهید بزرگوار آیت الله مطهری در این باره چنین است:

برخی می‌پندارند که اگر کسی یا چیزی نقشی در امور غیرمادی داشته باشد مستلزم این است که قدرتی در مقابل خدا باشد. غافل از آنکه موجودی که مستقل نیست و تأثیر مافوق‌الطبیعی آن وابسته به اراده خدا است، فقط واسطه‌ای برای رساندن فیض خدا به موجودات است. آیا اعتقاد به این که جبرئیل واسطه فیض وحی و علم الهی به پیامبران و میکائیل واسطه رزق و اسرافیل واسطه احیاء و ملک-الموت (عزرائیل) واسطه گرفتن جانهاست، شرک است؟!^۲

البته باید به کسی توسّل جست که از طرف خدا - که تمام هستی در قبضه قدرت و تدبیر اوست - به‌عنوان وسیله معرفی شده باشد.

استاد مطهری در بیان ماهیت توسّل و اینکه به چه کسانی یا چه چیزهایی می‌توان توسّل جست، می‌گوید:

بطور کلی، توسّل به وسائل و اسباب، با توجه به اینکه خدا سبب را آفریده است و آن را سبب قرار داده است و از ما خواسته است از این وسائل و اسباب استفاده کنیم به هیچ وجه شرک نیست، بلکه عین توحید است. در این جهت، هیچ فرقی

۱. مائده: ۳۵

۲. نقل به مضمون از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

میان اسباب دنیوی و اسباب اخروی نیست؛ منتهای امر، اسباب مادی را از روی تجربه و آزمایش علمی می‌توان شناخت و فهمید که چه چیز سبب است؟ و اسباب معنوی را از طریق دین، یعنی کتاب و سنت باید کشف کرد.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را وسیله‌ای برای قرب الهی معرفی کرده است: «حبل ممدود من السماء»، همان‌گونه که از اهل بیت علیهم السلام نیز به‌عنوان «حبل الله» و «العرو الوثقی» یاد شده است. بدیهی است که از این ریسمان آویخته از آسمان به سوی زمین و از دستاویز محکم الهی، برای رسیدن به قرب الهی باید بهره برد. برخی دیگر از وسیله‌هایی که برای قرب الهی باید به آنها توسل جست، در روایت امام باقر علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علی علیه السلام ذکر شده است: برترین چیزی که اهل توسل می‌توانند به آن متوسل شوند ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خدا است.^۲ انس به مالک صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: من، ابوذر، سلمان، زید بن ثابت و زید ابن ارقم نزد پیامبر بودیم که حسن و حسین علیهم السلام وارد شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بوسید و ابوذر از جای خود برخاست و [نزد آنها رفت و] خم شد و دستان آن دو را بوسید، سپس بازگشت و در جمع ما نشست. به او گفتیم: ای ابوذر، تو مردی بزرگ و شیخی از اصحاب رسول خدا هستی، تو را چه شده، که دست دو پسر بچه از بنی‌هاشم را می‌بوسی؟!

او گفت: آری، اگر شما نیز آنچه را که من از رسول خدا شنیده‌ام می‌شنیدید بیش از آنچه من انجام دادم، احترام می‌کردید! گفتیم درباره آن دو از پیامبر صلی الله علیه و آله چه شنیده‌ای؟ گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی و حسن و حسین علیهم السلام می‌گفت: ای علی، به خدا سوگند، اگر کسی آنقدر روزه بگیرد و نماز بگذارد تا مانند مشک

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

پوسیده و کهنه شود، نماز و روزه او به او سودی نمی‌بخشد مگر حُبّ و دوستی تو. ای علی، کسی که به سبب محبت شما به سوی خدا توسّل بجوید بر خدا است که او را (از درگاهش) مراند. ای علی، هر کس شما را دوست بدارد و به شما تمسک بجوید قطعاً به محکم‌ترین ریسمان (العرو الوثقی) چنگ زده است.^۱

در دعای توسّل، چهارده معصوم را واسطه میان خود و خداوند، قرار می‌دهیم و آنان را با عناوینی چون: حجت خدا بر مردم، سید و مولا خطاب می‌کنیم و از آنان با خشوع و فروتنی می‌خواهیم که نزد خدا شفیع ما شوند و حاجت‌های ما را با اذن خدا برآورند. از آن جهت که آن بندگان مقرب خداوند، دارای ولایت تکوینی هستند و تصرف در عالم هستی با اذن خداوند برای آنان مقدور است، درخواست برآوردن حاجت‌ها از آن انسان‌های به خدا پیوسته تعبیری صحیح است. زیرا همان‌گونه که گفته شد، هر عملی که از آنان در جهت تحقق خواسته‌های ما انجام شود، به عنوان سببی از اسباب الهی است و آن بزرگواران در این عرصه از خود استقلال ندارند و تنها نقش وسیله را ایفا می‌کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۲-۳۰۳.

دعای شب جمعہ



و قنوت نماز عید

دعای شب جمعہ

یا دائمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّةِ، یا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّةِ، یا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِیَّةِ؛

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، خَیْرِ الْوَرَى سَبِیَّةٍ، وَ اغْفِرْ لَنَا یا ذَا الْعُلَا، فِی هَذِهِ الْعَشِیَّةِ.

قنوت نماز عید

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ،

وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا،

وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ذُنْحَرًا (وَشَرَفًا) وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ،

أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

* تمرین و آمادگی

خواهران و برادران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً خوانده‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بنزید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با استفاده از فهرست لغات پایان کتاب، معنای آنها را زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! کلمه‌های آشنا و جدید را بخوانید و با پرسش و پاسخ از یکدیگر، آنها را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
داخل کردی	أَدْخَلْتَ	۱	خارج کردی	أَخْرَجْتَ	۱
پناه بُرد	اسْتَعَاذَ	۲	داخل می‌کنی	تَدْخُلُ	۲
بازکننده	بَاسِطٌ	۳	درود می‌فرستی	تُصَلِّي	۳
مخلوقات - آفریدگان	بَرِيَّةٌ	۴	همیشه - همیشگی	دَائِمٌ	۴
قدرتمندی	جَبْرُوتٌ	۵	جمع «صالح: شایسته»	صَالِحُونَ	۵
ذخیره	ذُخْرٌ	۶	عطا - بخشش	عَطِيَّةٌ	۶
اخلاق - خُلق - خوی	سَجِيَّةٌ	۷	بزرگی	عِظْمَةٌ	۷
ارزشمند	سَنِيَّةٌ	۸	عید	عِيدٌ	۸
بلندمرتبتگی - بلندی	عَلا	۹	جمع «مَوْهَبَةٌ: بخشش»	مَوَاهِبٌ	۹
فرمانروایی - بزرگی	كِبْرِيَاءٌ	۱۰			
آفریدگان - مخلوقات	الْوَرَى	۱۱			

*** تمرین و پرسش**

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. **أَخْرَجَتْ - أَدَخَلَتْ - تَدْخُلُ :**

- الف - خارج کردی - داخل کردی - داخل می‌کنی
- ب - خارج شد - داخل شد - داخل کردی

۲. **جَبْرُوت - ذُخْر - كِبْرِيَاء :**

- الف - قدرت - ذخیره - بزرگی
- ب - قدرت‌مندی - ذخیره - فرمانروایی

۳. **سَبِيَّة - سَنِيَّة - عَطِيَّة :**

- الف - خُلق - ارزشمند - بخشش
- ب - بزرگی - سستی - پیشکش

۴. **بَاسِط - بَرِيَّة - عَلَا :**

- الف - بازکننده - مخلوقات - بلند مرتبگی
- ب - باز - خلق - برتر

۵. **اِسْتَعَاذَ - الْوَرَى - مَوَاهِب :**

- الف - پناه بُردن - دیگران - بخشش
- ب - پناه بُرد - آفریدگان - بخشش‌ها

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ :**

- الف - ای همیشه لطف (کننده) بر مخلوقات، ای بازکننده دو دست به بخشش
- ب - ای فضل همیشگی بر بندگان، و ای دست باز در بخشش

۲. **اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ :**

- الف - خدایا (ای) صاحب بزرگی و عظمت، و ای اهل بخشش و قدرت
- ب - خدایا (ای) شایسته فرمانروایی و بزرگی، و شایسته بخشش و قدرتمندی

۳. **وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ذُخْرًا (وَشَرَفًا) وَمَزِيدًا :**

- الف - و برای محمد - که درود فرستد خدا بر او و خاندانش - ذخیره و شرافت و فزونی
- ب - و برای حضرت محمد - که درود فرستد خدا بر او و خاندانش - سربلندی و شرافت و زیادتی

۴. **وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ، أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ :**

- الف - و اینکه خارج کردی مرا از هر بدی که خارج کردی محمد و خاندان محمد را
- ب - و اینکه خارج کنی مرا از هر بدی که خارج کردی از آن محمد و خاندان محمد را

۵. **أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ :**

- الف - قطعاً درود بفرست بر محمد و آل محمد
- ب - اینکه درود بفرستی بر محمد و خاندان محمد

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ	
۲	صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ	
۳	خَيْرِ الْوَرَى سَيِّئَةً	
۴	وَاعْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعَلَا	
۵	فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ	
۶	اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ	
۷	وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ	
۸	وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ	
۹	أَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ	
۱۰	أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ	
۱۱	أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ	
۱۲	صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، ... وَ اغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعَلَاءِ، فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ :**

ای صاحب ، و بیامرز ما را ای در این

۲. **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا:**

..... از تو به حق ، که آن را برای عید.

۳. **وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدَخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ :**

و این که مرا در هر ، که در آن محمد و محمد را.

۴. **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ :**

..... قطعاً من از تو آنچه را که از تو

شایسته‌ات.

۵. **وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ :**

و به تو از آنچه از آن

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت‌اللفظی نماید.

زبان معارف

❖ فعل معلوم و مجهول

در جدول زیر دو گروه جمله، آورده شده است. با دقت در افعال به کار رفته در این جملات می‌توان فعل معلوم را از مجهول بازشناخت.

گروه اول	گروه دوم
خَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ: آفرید خدا آسمان‌ها را	خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا: آفریده شد انسان، ضعیف
قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا: قطعاً قرارداد پروردگارت زیر تو نهر آبی را	إِنَّمَا جَعَلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ ... : قرار داده شد (کیفر) شنبه فقط بر کسانی که ...
يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ: می‌آمرزد خدا شما را	قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ: بگو به کسانی که کفر ورزیدند، اگر باز ایستند آمرزیده می‌شود برای آنها آنچه قطعاً گذشت

در گروه اول، افعال: خَلَقَ، جَعَلَ و يَغْفِرُ به کار رفته که فاعل آنها ذکر شده است؛ فاعل خَلَقَ در جمله خَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ، کلمه اللهُ و فاعل جَعَلَ در قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا، کلمه رَبُّ و فاعل يَغْفِرُ در جمله يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ، کلمه اللهُ است. این افعال متعدی بوده و علاوه بر فاعل، مفعول نیز دارند.

چنان‌که ملاحظه می‌کنید، السَّمَوَاتِ نقش مفعول را در جمله اول و سَرِيًّا مفعول فعل جَعَلَ در جمله دوم، و لَكُمْ مفعول، فعل يَغْفِرُ در جمله سوم می‌باشد.

در گروه دوم نیز افعال متعدی به کار رفته است، ولی همان گونه که ملاحظه می‌شود فاعل آنها ذکر نشده است؛ در جمله نخست، **خُلِقَ** فعل و **الإنسانُ** در حقیقت مفعول آن است، یعنی آفرینش بر روی انسان واقع شده است، ولی اینکه چه کسی او را خلق کرده است در جمله ذکر نشده است یا به عبارت دیگر فاعل ذکر نشده است. فعل **جُعِلَ** در جمله دوم و **يَغْفَرُ** در جمله سوم نیز افعال متعدی هستند ولی فاعل آنها ذکر نشده است.

به افعال متعدی گروه اول که فاعل آنها ذکر شده است، معلوم و به افعال متعدی گروه دوم که فاعل آنها ذکر نشده است مجهول می‌گویند.

* تمرین

افعال معلوم و مجهول را در آیه‌ها و عبارات زیر مشخص کنید.

۱. **وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ.**

(بقره: ۱۵۴)

۲. **يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ**

(توبه: ۱۱۱)

وَالْقُرْآنِ

٣. وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.
(فرقان: ٣)

٤. وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ.

(فرقان: ٦٨)

٥. وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ.

(شعراء: ١٤)

٦. قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ.

(ذاريات: ١٠)

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای شب جمعه^۱



و قنوت نماز عید

پس از آموختن ترجمه دعاهاى این درس، شایسته است با برخی از معارف بلند این ادعیه آشنا شوید.

دعای شب‌های جمعه

در آغاز دعای شب‌های جمعه و عید فطر، خداوند با صفت «دائم الفضل» خوانده می‌شود: **يا دائمَ الفضلِ على البرية.**

«فضل» در لغت به معنای زیادتی و فزونی است و در اصطلاح، بخشش و عطیۀ‌ای است که بر عطاکننده لازم نیست، بلکه از روی احسان و لطف می‌دهد.^۲ بنابراین عطا و احسان خداوند نوعی فزون‌بخشی است؛ زیرا مخلوقات و بندگان که عطایای خدا را دریافت می‌کنند، حقی بر او ندارند. به این جهت بخشش خداوند فضل و تفضّل نامیده می‌شود.

۱. خواندن دعای مشهور «یا دائم الفضل» در شب جمعه و شب عید فطر مستحب است.

۲. مفردات راغب، ص ۶۳۹.

در مقام داوری الهی، هر انسانی سزاوار نتیجه عمل بد یا خوب خود هست، ولی خداوند با فضل خود، جزای عمل خوب او را چند برابر می‌کند^۱ و گاهی از کیفر عمل بد، به لطفش چشم‌پوشی می‌نماید. به همین جهت است که در مقام دعا به درگاه ربوبی چنین می‌گوییم: **عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُعَامِلِنَا بِعَدْلِكَ**؛ خدایا، به فضل و لطف با ما رفتار کن، نه با عدل و حسابرسی دادگرانه‌ات!

در جمله بعدی دعا، می‌خوانیم: **يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ**؛ این گشاده‌دستی خداوند در ارزانی داشتن عطایا، از رحمانیت و مهر فراگیر او نسبت به بندگانش سرچشمه می‌گیرد.

يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ؛ همه موهبت‌های الهی ارزشمند است و فقط به این مواهب سرچشمه گرفته از فضل و رحمت خدا باید دلخوش بود: **قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ**؛^۲ بگو به فضل خدا و به رحمت او باید شادمان باشند، آن بهتر است از آنچه جمع می‌کنند.

در روایات، برخی از مواهب الهی، مانند: عدل، عقل و صبر بر مصیبت‌ها، ارزشمندترین و برترین نعمت‌ها شمرده شده‌اند. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: **أَسْنَى الْمَوَاهِبِ الْعَدْلُ**؛^۳ ارزشمندترین موهبت‌ها(ی الهی) توفیق عدالت‌ورزی و دادگری است. در روایتی دیگر از آن امام بزرگوار آمده است: **خَيْرُ الْمَوَاهِبِ الْعَقْلُ**؛^۴

۱. انعام، آیه ۱۶۰.

۲. یونس، آیه ۵۸.

۳. غرالحکم، حدیث ۱۰۲۰۹.

۴. همان، حدیث ۳۳۷.

بهترین موهبت‌ها(ی) الهی عقل است. نیز از حضرتش نقل شده است که: **الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ مِنْ أَفْضَلِ الْمَوَاهِبِ**؛ شکیبایی بر مصیبت‌ها از برترین موهبت‌ها(ی) الهی) است. چه خوب است هنگامی که خداوند را به عنوان صاحب الموهب السنیة می‌خوانیم، نخست از او، برترین موهبت‌ها را بخواهیم.

در این دعا، پس از نامیدن خداوند با صفات زیبای او، بر رسول خدا و خاندان پاکش درود می‌فرستیم و از خدا در شب جمعه - که شبی ارزشمند است - آمرزش می‌خواهیم: **صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً، وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَا، فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.** در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است که - به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله - فرمود: «خداوند در ثلث پایانی شبها، فرشته‌ای را به آسمان دنیا فرومی‌فرستد. این فرشته از نخستین لحظات هر شب جمعه، فرود می‌آید و به فرمان خدا ندا می‌دهد: آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا من به او عطا کنم؟! آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟! آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را بیامرزم؟! ای جویای خیر، روی بیاور، و ای طالب شرّ و بدی، دست بردار! این ندا تا طلوع فجر بلند است، آنگاه که سپیده می‌دمد، فرشته خدا به جایگاهش در ملکوت آسمان بازمی‌گردد.»^۲

قنوت نماز عید فطر و قربان

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های نماز عید، دعای قنوت آن است، این دعا دارای مضامینی عالی است که توجه به آن، بی‌شک لذت و بهره‌مندی نمازگزار را از نماز عید دوچندان می‌کند.

۱. غرالحکم، حدیث ۶۲۶۶.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۲.

در این دعا، ابتدا خداوند با صفات «کبریاء و عظمت»، «جود و جبروت»، «عفو و رحمت»، «تقوا و مغفرت» خوانده می‌شود.

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ؛ کلمه «کبریاء»، در قرآن کریم یک بار به کار رفته است: **وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.**^۱ در این آیه، کبریاء تنها زینده خداوند متعال شمرده شده است.

راغب اصفهانی کلمه «کبریاء» را اینگونه معنا می‌کند: **التَّرْفُّعُ عَنِ الْإِنْقِيَادِ؛** یعنی برتر از آن باشد که از کسی اطاعت کند.

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: «**کبریاء**» در مورد عظمت غیرحسی به کار برده می‌شود و بازگشت آن به کمال وجود خداوند است که او کامل و کمالش بی-انتهاست. چنین وجودی فرمانروای عالم است و معنا ندارد که از کسی فرمان بپذیرد. **وَ أَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ؛** خداوند بخشنده و قدرتمند را می‌خوانیم تا به او عرض نیاز کنیم.

وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ؛ او را - که از لغزش‌ها و نافرمانی‌ها به سبب رحمتش می-گذرد - می‌خوانیم تا درخواست عفو و بخشش کنیم. در قرآن کریم، خداوند با صفت عفو و گذشت توصیف شده است: **فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا؛**^۳ امید است که خداوند از آنان درگذرد و خداوند با گذشت و آمرزنده است.

در این دعا خدا را «اهل العفو و الرحمة» می‌خوانیم. خداوند در قرآن کریم، رحمت بر بندگان را بر خود لازم و سنت حتمی خویش می‌داند:

۱. جاثیه، آیه ۳۷.

۲. مفردات راغب، ص ۶۹۸.

۳. نساء، آیه ۹۹.

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^۱ بگو برای کیست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، بگو برای خداست؛ بر خودش رحمت را مقرر کرد، حتماً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست، جمع خواهد کرد. کسانی که به خود زیان رسانند ایمان نمی‌آورند.

وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةَ؛ خدایی را که شایسته است از خشم او پروا کنیم و آمرزش گناهان برازنده اوست، تا او را با خوف و رجا بشناسیم. باید از نافرمانی او بر حذر بود، اما در عین حال اگر معصیت شود او اهل مغفرت است.

در قرآن این دو صفت الهی در کنار هم آمده است: **وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ**^۲ و یاد نمی‌کنند مگر آنگاه که خداوند بخواهد، او شایسته پروا و اهل آمرزش است.

در بخش بعدی دعا، خداوند را به حق عید مسلمانان قسم می‌دهیم و این چنین درخواست می‌کنیم: **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ذُخْرًا (وَ شَرَفًا) وَ مَزِيدًا.**

۱. بر پیامبر و خاندانش درود فرست: **أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.**
۲. ما را در همه خوبی‌هایی وارد کن که محمد و خاندانش را در آن وارد کرده- ای: **وَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ.**
۳. ما را از همه بدی‌هایی خارج کن که محمد و خاندانش را از آن خارج کرده‌ای: **وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ، أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.**

۱. انعام، آیه ۱۲.

۲. مدثر، آیه ۵۶.

۴. درخواست من، بهترین حاجتی است که بندگان صالحت از تو خواسته‌اند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

در پایان، به خدا پناه می‌برم از آنچه صالحان، از شر آن به خدا پناه برده‌اند: **وَأَعُوذُ**

بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

قرآن کریم، به ما می‌آموزد که از چه چیزهایی به خدا پناه ببریم:

۱. از وسوسه‌های شیطان‌ها: **وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ.**^۱
۲. از شر همه مخلوقات: **مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.**^۲
۳. از شر شب تاریک، آنگاه که تاریکیش فراگیر شود: **وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ.**^۳
۴. از شر ساحران: **وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ.**^۴
۵. از شر حسودان: **وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ.**^۵
۶. از شر شیطان‌های جن و انس: **مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.**^۶

۴. همان، آیه ۴.

۱. مؤمنون، آیه ۹۷.

۵. همان، آیه ۵.

۲. فلق، آیه ۲.

۶. ناس، آیه ۴-۶.

۳. همان، آیه ۳.

دعای حضرت مهدی علیه السلام



اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّبِيِّ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ،

وَآكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلْ قُلُوبَنَا

بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ

وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسُدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ.

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ،

وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ،

وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ

بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ. وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ،

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُزَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأُسْرَاءِ بِالتَّحْلُصِ

وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ.

وَبَارِكْ لِحُجَّاجِ الزُّوَارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

وَالْعُمْرَةِ. بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

* تمرین و آمادگی

خواهران و برادران محترم، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که معانی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همفکری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست پایان کتاب، معنای آنها را، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! کلمه‌های آشنا و جدید را بخوانید و با پرسش و پاسخ از یکدیگر، آنها را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
آرامش	سَكِينَةٌ	۲۰	پایداری - استقامت	اسْتِقَامَةٌ	۱
رفتار - روش	سِيرَةٌ	۲۱	جمع «أسیر: اسیر-دربند»	أَسْرَاءُ	۲
جمع «شاب: جوان-جوانی»	شَبَابٌ	۲۲	جمع «سَمْع: گوش»	أَسْمَاعٌ	۳
شبهه‌ناک - مشکوک	شُبُهَةٌ	۲۳	جمع «غني: بی‌نیاز-ثروتمند»	أَغْنِيَاءُ	۴
درست‌گویی - درستی	صَوَابٌ	۲۴	انصاف	إِنْصَافٌ	۵
شناخت	عِرْفَانٌ	۲۵	جمع «أمیر: فرمانروا-امیر»	أُمَرَاءُ	۶
پاکدامنی - عفت	عَفَّةٌ	۲۶	دوری	بَعْدٌ	۷
عمره	عَمْرَةٌ	۲۷	فروتنی	تَوَاضَعٌ	۸
چیرگی - غلبه	غَلَبَةٌ	۲۸	توفیق	تَوْفِيقٌ	۹
غیبت - پشت سر کسی بدگویی کردن	غَيْبَةٌ	۲۹	حیا - شرم	حَيَاءٌ	۱۰
جمع «فقیر: فقیر-نیازمند»	فُقَرَاءٌ	۳۰	رهای	خَلَاصٌ	۱۱
قناعت - صرفه‌جویی	قَنَاعَةٌ	۳۱	خیانت	خِيَانَةٌ	۱۲
جمع «متعلم: فراگیر»	مُتَعَلِّمِينَ	۳۲	نشاط-راحت‌شدن-آسایش	رَاحَةٌ	۱۳
جمع «مستمع: شنونده»	مُسْتَمِعِينَ	۳۳	مهربانی	رَأْفَةٌ	۱۴
جمع «مریض: بیمار-مریض»	مَرَضَى	۳۴	رعیت - مردم	رَعِيَّةٌ	۱۵
خیرخواهی - نصیحت	نَصِيحَةٌ	۳۵	علاقه‌مندی-رغبت-خواستہ	رَغْبَةٌ	۱۶
هزینه	نَفَقَةٌ	۳۶	جمع «زائر: زائر-زیارت‌کننده»	زُورَارٌ	۱۷
نیت	نِيَّةٌ	۳۷	زهد	زُهْدٌ	۱۸
وقار - سنگینی	وَقَارٌ	۳۸	دزدی - سرقت	سَرِقَةٌ	۱۹

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
کوشش	جُهْدٌ	۹	پیروی - پیروی کردن	اتِّبَاعٌ	۱
استوار کن	سَدَّدَ	۱۰	ببند	أَسَدَّدَ	۲
دلسوزی - غم‌خواری	شَفَقَةٌ	۱۱	فرو نه - فروبند	أَغْضَضُ	۳
پاک کن	طَهَّرَ	۱۲	گرامی بدار	أَكْرَمَ	۴
جمع «غازی: رزمنده - جنگجو»	غَزَاةٌ	۱۳	باز بدار - نگه دار	أَكْفَفَ	۵
پرده‌ری - بدکاری	فُجِّرَ	۱۴	پُر کن	أَمَلًا	۶
جمع «شیخ: پیر - پیرمرد»	مَشَائِخَ	۱۵	بازگشت - بازگشت کردن	أَنَابَةً	۷
			تفضل کن - بیخشای	تَفَضَّلَ	۸

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. أَسَدَّدَ - أَكْفَفَ - أَغْضَضُ :

الف - ببند - باز بدار - فروبند

ب - موانع - کفایت - چشم‌بندان

۲. اتِّبَاعٌ - أَنَابَةٌ - شَفَقَةٌ :

الف - پیروی کردن - بازگشت - دلسوزی

ب - پیروان - بازگشت - مهرورزی

۳. اِقْضِ - اِمْلَأْ - اَكْرِمْ :

- الف - برآور - پر کنید - گرامی ترین
- ب - برآور - پرکن - گرامی بدار

۴. طَهَّرْ - تَفَضَّلْ - سَدِّدْ :

- الف - پاک کن - تفضّل کن - استوار کن
- ب - پاک تر - بخشش - موانع

۵. بَارِكْ - غُزَاةٌ - جُفُورٌ :

- الف - برکت ده - رزمندگان - بدکاری
- ب - مبارک - داوران - تبهکاران

۶. جُهْدٌ - رَأْفَةٌ - رَغْبَةٌ :

- الف - جهاد - خدمت - روی گردانی
- ب - کوشش - مهربانی - خواسته

۷. مَشَائِخٌ - اَغْنِيَاءٌ - شَبَابٌ :

- الف - پیرمردان - ثروتمندان - جوانان
- ب - بزرگان - جنگ آوران - جوانی

۸. اَسْمَاعٌ - اُمَرَاءٌ - مَرَضِيٌّ :

- الف - شنیدن - بزرگان - رضایت
- ب - گوش ها - فرمانروایان - بیماران

۹. بَعْدٌ - خَلَاصٌ - سَكِينَةٌ :

- الف - دوری - رهایی - آرامش
- ب - فاصله - پاک - ایستا

۱۰. سیره - صواب - نفقه :

- الف - سیاحت - پاداش - نفاق و دورویی
- ب - روش - درستی - هزینه

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّيِّهِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ:

- الف - خدایا، روزی کن ما را توفیق فرمانبرداری، و دوری (از) نافرمانی، و راستی نیت و شناخت (امور) مورد احترام
- ب - بارخدایا، روزیم کن توفیق طاعت را، و دوری از معصیت را، و نیت درست را، و شناخت حرام را

۲. وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ:

- الف - و پُر کن دل ما را با دانش و معرفت
- ب - و پُر کن دل‌های ما را با دانش و شناخت

۳. وَتَفَضُّلٌ عَلَىٰ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ^۱ وَالنَّصِيحَةِ:

- الف - و تفضل کن بر دانشمندان ما زهد و خیرخواهی را
- ب - و ببخش بر علمای ما، ترک دنیا و نصیحت به مردم را

۴. وَعَلَىٰ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ :

- الف - و بر بیمار مسلمان بهبودی و آسایش، و بر مردگان مهربانی و رحمت را
- ب - و بر بیماران مسلمان بهبودی و نشاط، و بر مردگان آنها مهربانی و رحمت را

۵. وَعَلَى النَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ:

- الف - و بر زنان حیا و پاکدامنی، و بر بی‌نیازان فروتنی و گستردگی (روزی)
- ب - و بر زنان ما حیاء و عفت، و بر ثروتمندان ما تواضع و دست باز بودن

۱. حرف «ب» در این مورد و موارد مشابه برای سهولت، ترجمه نشود.

۶. وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ:

- الف- و بر اسیران خلوص و رزی و راحتی را، و بر فرمانروایان ما؛ عدالت و مهربانی را
- ب - و بر اسیران رهایی و راحت شدن، و بر فرمانروایان عدالت و دلسوزی

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ	
۲	سَدَّدَ السِّنْتَ بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ	
۳	وَطَهَّرَ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ	
۴	اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ	
۵	وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ ^۱ وَالرَّغْبَةِ	
۶	عَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ	
۷	عَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ	
۸	عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ	
۹	اقْضِ ^۲ مَا أَوْجَبَتْ عَلَيْهِمْ	
۱۰	مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ	

۱. حرف «ب» در این عبارت و عبارتهای مشابه، ترجمه نشود.

۲. اقْضِ: برآور.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. اَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدَّدَ السِّنْتَ بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ:

و ما را به سبب و پایداری، و زبان‌های ما را به و حکمت.

۲. وَانْكَفَى آيِدِنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضَضَ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَانْحِيَانَهُ:

و دستان ما را و دزدی، و چشمان ما را پرده‌داری و

۳. وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ:

و بر کوشش و و بر پیروی

۴. وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ:

و بر ما و، و بر و توبه.

۵. وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ:

و بر صبر و، و بر یاری و

۶. وَعَلَى الرَّعِيَةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِهِ وَبَارِكْ لِلْحَجَّاجِ وَالزُّوَارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ:

و بر انصاف و رفتار، و به حاجیان و در و هزینة (سفر).

تمرین ۵. متن درس را، ترجمه تحت‌اللفظی نمایید.

زبان معارف

فعل مجهول «ماضی» ❖

دو گروه افعال زیر را با توجه به معنای آنها مقایسه کنید:

گروه اول	گروه دوم
کَتَبَ: نوشت	كُتِبَ: نوشته شد
جَعَلَ: قرار داد	جُعِلَ: قرار داده شد
فَتَحَ: گشود	فُتِحَ: گشوده شد
رَزَقَ: روزی داد	رُزِقَ: روزی داده شد
أَخَذَ: گرفت	أُخِذَ: گرفته شد

در درس گذشته با فعل «معلوم و مجهول» آشنا شدید، به نظر شما، کدام یک از دو گروه افعال ذکر شده در جدول بالا، معلوم و کدام مجهول است؟

حتماً دریافته‌اید که فعل‌های گروه اول و دوم، در معنا و نیز در ظاهر با هم تفاوت دارند. اگرچه تعداد حروف تشکیل دهنده فعل‌های گروه اول با فعل‌های گروه دوم یکسان است و حتی ترتیب آنها نیز مانند هم است ولی حرکات بعضی از حروف آنها با هم متفاوت است.

مثلاً: «کَتَبَ» که فعل معلوم است با تغییر حرکت حرف اول (ک) و حرف دوم آن (ت)، به مجهول تبدیل شده است. به گونه‌ای که فتحه حرف اول به ضمه و فتحه حرف دوم به کسره تبدیل شده است.

شیوه ساختن ماضی مجهول

برای ساختن فعل ماضی مجهول (ثلاثی مجرد)، حرکت حرف اول فعل ماضی معلوم را به ضمّه و حرف دوم اصلی (ریشه فعل) را به کسره تبدیل می‌کنیم.

مانند: **كُتِبَ** ← **كُتِبَ**

جَعَلْنَا ← **جُعِلْنَا**

قَتَلْتُمْ ← **قُتِلْتُمْ**

*** نکته:**

برای ساختن فعل مجهول از افعالی مانند: «قَالَ، سَاءَ، جَاءَ بِ» که حرف دوم اصلی آنها «الف» است، «الف» را به «یاء» تبدیل می‌کنیم. «قَالَ ← قِيلَ»، «سَاءَ ← سِيَءٌ»، «جَاءَ بِ ← جِيَءٌ بِ»

*** تمرین**

افعال ماضی معلوم و مجهول (ثلاثی مجرد) را، در آیه‌های زیر مشخص کنید.

۱. **كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ.** (بقره: ۲۱۳)

۲. **مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.** (انفال: ۷۰)

۳. **وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا أَلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ.** (توبه: ۱۲۰)

۴. **وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ.**
(یوسف: ۶۵)
۵. **فَأَخَذَتَهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.**
(مؤمنون: ۴۱)
۶. **قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ؟**
(فرقان: ۱۵)
۷. **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ...**
(روم: ۴۷)
۸. **كُتِبُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ...**
(مجادله: ۵)
۹. **هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَنُكِرْتُمْ كَافِرًا وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ.**
(تغابن: ۲)
۱۰. **وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ ✪ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ✪ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ✪
وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ✪**
(تکویر: ۸-۱۱)

۱. رُدَّتْ در اصل رُدِدَتْ بوده، دال در دال ادغام شده و تشدید گرفته است.

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای حضرت مهدی علیه السلام



یکی از دعاهای زیبا و روح‌بخشی که در بردارنده معارف بلند تربیتی و اعتقادی است، دعای منسوب به ولیّ خدا، امام عصر عجل الله فرجه الشریف است. برای ما چشم انتظاران، طنین کلماتی که بر زبان آن دردانه روزگار، به هنگام نجوای با معبود جاری می‌شود، بسی خوش و دلنشین است. آنگاه که با خدای خویش خلوت می‌کنیم، گویی لذت به هم آمیختن زمزمه‌های دردمندانه‌مان با نغمه‌های آسمانی فرزند زهرا را لمس می‌کنیم.

درخواست توفیق فرمانبرداری

او به ما می‌آموزد که از خدای مهربان، توفیق فرمانبرداری بخواهیم: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ**، زیرا بدون توفیق الهی، راهی به سوی خوبی‌ها نخواهیم یافت. دست‌یابی به توفیق، جز در سایه تلاش برای جلب خشنودی خداوند ممکن نیست. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هرکس از خدا درخواست توفیق کند ولی [برای آن] نکوشد، خود را مسخره و ریشخند کرده است.^۱

دوری از معصیت، راستی و صدق نیت از اموری است که در این دعا از خدای بزرگ درخواست می‌کنیم.

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶.

برای آنکه به حریم‌ها و خطوط قرمز نزدیک نشویم، باید آنها را به خوبی بشناسیم. در بخشی از این دعا شناخت این حریم‌ها را درخواست می‌کنیم: **وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ**. به دنبال آن چنین درخواست می‌کنیم که خدایا، ما را به هدایت و استقامت گرامی بدار: **وَإَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ**.

بشارت به انسانهای پایدار

خداوند در قرآن کریم، انسان‌های با ایمان را که در راه عقیده خود پایداری نموده‌اند، بشارت می‌دهد که فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و ترس و اضطراب نسبت به آینده و اندوه و حزن نسبت به گذشته را از آنان می‌زدایند، و به آنان بهشت موعود را مژده می‌دهند: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا سَتَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ**.^۱

رسول خدا ﷺ نیز استقامت بر راه و روش صحیح را از شاخه‌ها و شعبه‌های عقل می‌شمارد.^۲

در ادامه دعا، از خداوند می‌خواهیم که زبان‌هایمان را با راستگویی و سخنان حکیمانه محکم و استوار سازد: **وَسَدِّدْ أَسْنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ**.

بشارت به انسانهای پایدار

قرآن کریم مؤمنان را همراه دعوت به تقوای الهی، به استوار سخن گفتن فرامی‌خواند.^۳ علامه طباطبایی می‌فرماید: سدید به معنای درست و رشدآمیز است. پس قول سدید

۱. فصلت، آیه ۳۰.

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. احزاب، آیه ۷۰-۷۱.

یعنی سخنی که بر اساس واقعیت باشد و مانند لغو یا سخن چینی، دارای فایده‌ای غیر شرعی نباشد.

بنابراین انسان با ایمان، نخست باید راستی کلام خود و لغو نبودن آن را بیازماید، آنگاه سخن بگوید. خداوند پاداش این‌گونه سخن گفتن را، اصلاح اعمال انسان و آمرزش گناهان او قرار داده است. بدیهی است که اگر انسان مراقب باشد که کلام بیهوده، دروغ و فساد آمیز نگوید، با رسوخ این ویژگی در او، از کارهای زشت جدا می‌شود.^۱

در عبارت بعدی دعا، از خداوند می‌خواهیم که دل‌های ما را لبریز از علم و شناخت کند: **وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ**. در بسیاری از گزاره‌های دینی، منظور از «قلب» مرکز اندیشه و فهم آدمی است. گرچه در مواردی نیز به جایگاه حبّ و بغض نیز «قلب» اطلاق شده است.

امام عصر عجل الله فرجه الشریف در جمله بعدی، از خداوند پاکسازی شکم‌ها از حرام و شبهه را درخواست می‌کند: **وَوَظَّهَّرَ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ**.

پرهیز از غذای شبه‌ناک

در قوانین اسلام، ضمن تأکید بر پرهیز از حرام‌خواری، سفارش شده از خوردنی‌های شبه‌ناک نیز اجتناب شود. منظور از این‌گونه خوردنی‌ها، خوراکی‌هایی است که به علت اختلاط آنها با حرام، احتمال حرام بودن آنها داده شود. چیزی که احتمال

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۷-۳۴۸.

غصبی بودن یا مردار بودن آن داده شود، خوردنی شبهه‌ناک است و نباید از آن استفاده کرد.

در قرآن کریم، تصرف در اموال یتیمان^۱، رباخواری^۲ و تصاحب اموال مردم بر اساس روش‌های باطل^۳ به عنوان برخی از مصادیق حرام‌خواری شمرده شده است. بدیهی است غذایی که با چنین اموالی تهیه شود، از روشن‌ترین نمونه‌های خوردنی‌های حرام است و علاوه بر اینکه گناهی بزرگ است، برای انسان آثار معنوی بدی به دنبال خواهد داشت.

سپس از خداوند مدد می‌جوئیم که دست‌انمان را از ستم و سرقت بازدارد: **وَ أَكْفُفْ**

أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ.

درخواست چشمان پاک

درخواست دیگر ما از خداوند این است که چشمانمان را از بدکاری و خیانت بپوشاند: **وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ؛** اعضا و جوارح ما از نعمت‌های الهی است که شکر این نعمت‌ها در بهره‌برداری خدایپسندانه از آنهاست. پوشاندن چشمان از بدکاری و خیانت، محدود کردن این عضو بدن در جهت مصلحت‌هایی است که خداوند برای ما ترسیم کرده است. در قرآن کریم خداوند از چشمان خیانت‌کار و آنچه در دل آدمیان نهفته و پنهان است با لحنی تهدیدآمیز سخن گفته است.^۴ از امام صادق (علیه السلام) حدیثی نقل شده است که در آن خیانت چشم را، دزدانه نگاه کردن دانسته‌اند.^۵

۳. توبه، آیه ۳۴.

۲. بقره، آیه ۲۷۵.

۱. نساء، آیه ۱۰.

۵. تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۱۷.

۴. غافر، آیه ۱۹.

برخی چنین می‌پندارند که خیانت چشم، تنها نگاه دزدانه و آلوده به نامحرمان است، درحالی که سرک کشیدن به اسرار مردم و سعی در دیدن اموری که افراد به دیده شدن آن رضایت ندارند، از مصداق‌های خیانت چشم است.

روگردانی از لغو و غیبت

وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ؛ قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را روگردانی از لغو می‌داند.^۱ از اموری که در قرآن، نهی شدید شده، غیبت است.^۲ در روایات معصومین علیهم‌السلام آنچه ناپسند شناخته شده، تنها لغو گفتن و غیبت کردن نیست، بلکه شنیدن آنها نیز نهی شده است. بدین جهت است که امام زمان علیه‌السلام، از خداوند درخواست می‌کند که: گوش‌هایمان را از (شنیدن) کلام بیهوده و غیبت ببند. در ادامه دعا، از خداوند می‌خواهیم که به دانشمندان ما زهد و خیرخواهی، به علم‌آموزان کوشش و علاقه‌مندی، بر شنوندگان پیام حق، پیروی از آن و پندپذیری، به مریضان شفا و راحتی از رنج بیماری، به مردگان رأفت و رحمت، به پیران و سالمندان وقار و آرامش، و به جوانان توفیق انابه و توبه عنایت بفرماید.

حیا، ویژگی بارز زنان

در بخش بعدی دعا می‌خوانیم، به زنان شرم و پاکدامنی تفضل کن: **وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ.**

حیا و شرم از فضیلت‌های اخلاقی است که برای مردان و زنان پسندیده است.^۳ ولی این صفت، یکی از بارزترین شاخصه‌های زنان صالح می‌باشد. قرآن کریم راه رفتن با

۱. مؤمنون، آیه ۳.

۲. حجرات، آیه ۱۲.

۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴.

شرم و حیای دختر حضرت شعیب (علیه السلام) را با لحنی ستایش آمیز ذکر می کند^۱ و بدین سان می آموزد که شرم، مایه شخصیت زنان است.

سپس برای بی نیازان، از پیشگاه خداوند فروتنی و گستردگی روزی درخواست می-

کنیم: **وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ.** و برای نیازمندان، شکیبایی و صرفه جویی را از

خداوند طلب می کنیم: **وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ.**

دعوت به قناعت

امام باقر (علیه السلام) به یکی از یاران خود چنین نصیحت می کند: چشم آرزویت را به کسی که (از نظر مالی) بالاتر از توست مدوز. در این باره کلام خدا برای ما کافی است که فرمود: (ای پیامبر) اموال و فرزندان آنان تو را به شگفتی میندازد. و نیز فرمود: و دیدگانت را مدوز به آنچه گروهی از آنها را از آن برخوردار کرده ایم (از اموال و اولاد و ریاست)، که شکوفه و زینت های زندگی دنیاست. اگر چیزی به دلت افتاد (و وسوسه شدی)، زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به یاد آور که قوت او نان جو، شیرینی او خرما و سوخت او شاخه درخت خرما بود، البته اگر آن را می یافت!^۲

در پایان دعا، ولی الله الأعظم عجل الله فرجه الشریف از خداوند برای رزمندگان یاری (پیروزی) و چیرگی، برای اسیران رهایی و راحتی (از رنج اسارت)، برای فرمانروایان عدل و دلسوزی، برای رعیت، انصاف و نیک سیرتی و برای حجاج فزونی زاد و نفقه مسألت می نماید.

۱. قصص، آیه ۲۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۸.

دعای فرج و دعای



حضرت صاحب الامر علیه السلام

دعای فرج

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحَجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلاً وَعَيْنًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ

طَوْعًا وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرَحَ الْخِفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ

الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي

الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا

طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلْتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلِّحْ

الْبَصْرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ؛ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكَ كَافِيَانِي،

وَ انصُرَانِي فَإِنَّكَ نَاصِرَانِي. يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغُوثَ الْغُوثَ الْغُوثَ!

أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي! السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ! الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ! يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

✱ جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
جمع «طاهر: پاک-معصوم»	طَاهِرِينَ	۷	بشتاب - شتاب	الْعَجَل	۱
طولانی - دراز - بلند	طَوِيل	۸	یاری کنید	انصرا	۲
دیده‌بان - چشم	عَيْن	۹	نگهدارنده - حفظ‌کننده	حَافِظ	۳
رهبر - پیشوا	قَائِد	۱۰	راز - پوشیده	خَفَاء	۴
مثنای «ناصر: یاری‌کننده-یار»	ناصِرَانِ	۱۱	راهنما	دَلِيل	۵
			صاحب دوران - لقب امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small>	صاحب الزمان	۶

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
بهره‌مند می‌کنی	تَمَتَّعْ	۸	دریاب	اَدْرِكْ	۱
تنگ شد	ضَاقَتْ	۹	کفایت کنید	اَكْفِيَا	۲
فرمانبردار	طَوَعَا	۱۰	به‌فریادرس - فریادرسی	الغوث	۳
سریع - زود	عَاجِل	۱۱	کنار رفت - برطرف شد	انكشَفَ	۴
شناساندی	عَرَفَتْ	۱۲	بریده شد - قطع شد	انقطع	۵
پرده	غِطَاء	۱۳	آشکار شد	بَرِحَ	۶
مثنای «کافی: کفایت‌کننده»	كافِيَانِ	۱۴	ساکن می‌کنی	تَسْكُنْ	۷

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
تکیه - تکیه‌گاه	مَعُولٌ	۱۸	چشم برهم زدن	لَجَّ البَصْرُ	۱۵
منع شده است - بازداشته شده است	مُنَعَّتْ	۱۹	یاری خواسته شده	مُسْتَعَانٌ	۱۶
			شکایت	مُشْتَكِيٌ	۱۷

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. تُسَكِّنُ - تُمَتِّعُ - عَرَفَتَ :

- الف - ساکن می‌کند - بهره‌مند می‌کند - شناساندی
- ب - ساکن می‌شود - بهره‌مند می‌شود - شناختی

۲. غِطَاءٌ - الْغَوْتُ - عَاجِلٌ :

- الف - پرده - به فریادرس - سریع
- ب - پوشش - شناکردن - شتابزده

۳. اَدْرَكَ - اِكْفِيَا - اِنْقَطَعَ :

- الف - بفهم - کفایت می‌کند - قطع کرد
- ب - دریاب - کفایت کنید - بریده شد

۴. مُشْتَكِيٌ - مَعُولٌ - مُسْتَعَانٌ :

- الف - شاکی - پناهگاه - یاری‌کننده
- ب - شکایت - تکیه - یاری خواسته شده

۱. مُسْتَعَانٌ؛ یعنی کسی که از او یاری می‌خواهند.

۵. **انْكَشَفَ - بَرَحَ - ضَاقَتْ :**

- الف - کنار رفت - آشکار شد - تنگ شد
- ب - کشف کرد - آشکارا - روشن گردید

۶. **طَوَعًا - الْعَجَل - لَمَحَ الْبَصَر :**

- الف - از روی میل - شتاب - گوشه چشم
- ب - فرمانبردار - بشتاب - چشم برهم زدن

۷. **كَافِيَان - مُنَعَتْ - قَائِد :**

- الف - کفایت کنندگان - منع شده است - پیشوا
- ب - کفایت کرد - منع کرد - ایستاده

۸. **أَنْصُرَا - عَيْنَ - خَفَاء :**

- الف - یاری کن - مثل - ترس
- ب - یاری کنید - چشم - پوشیده

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ ... فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا:**

- الف - خدایا، باش برای ولایت... در این زمان و در هر زمانی سرپرست و نگهدارنده
- ب - خدایا، تو می باشی برای ولایت... در این ساعت و هر ساعتی دوست و حافظ

۲. **إِلٰهِیْ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءِ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءِ:**

- الف - خدای من، چه بزرگ است بلا، و آشکار است مخفی گاه، و گشوده شد پرده ها
- ب - خدای من، بزرگ شده است بلا، و آشکار شده است پوشیده، و کنار رفته است پرده

۳. **وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ:**

- الف - و به تو امید است در سختی و آسانی
- ب - و بر تو است تکیه در سختی و آسایش

۴. **فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلَمَحَ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ:**

- الف - برطرف کردن سریع و نزدیک، مانند چشم‌پرهم زدن یا آن(چه) نزدیک‌تر است
- ب - برطرف کن، گشایشی زود و نزدیک، مانند لحظه‌ای یا نزدیک‌تر از آن

۵. **يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ:**

- الف - ای سرور ما ای صاحب‌الزمان، به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس
- ب - ای صاحب زمانه، فریاد رسی (می‌خواهم)، فریاد رسی (می‌خواهم)، فریاد رسی (می‌خواهم)

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارت‌های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ	
۲	حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا	
۳	إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ	
۴	وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ	
۵	أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي	
۶	عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ	
۷	عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتِهِمْ	
۸	فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا	
۹	كَلَمَحَ الْبَصْرِ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا، وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تَمْتَعَهُ فِيهَا طَوِيلًا:**
 و پیشوا و و راهنما و تا (زمانی که) او را (در)
 (درحالی که) فرمانبردار است، و او را در آن (مدتی)

۲. **وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى:**
 و زمین و آسمان، و تو، و به سوی تو

۳. **أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ:**
 صاحبان که بر ما آنها را، و به ما به وسیله
 آن آنان را.

۴. **يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اَكْفِيَانِي فَإِنِّي كَافِيَانِ، وَ اَنْصُرَانِي فَإِنِّي نَاصِرَانِ:**
 ای محمد، ای علی ای محمد، مرا، پس قطعاً شما،
 و مرا، پس قطعاً شما

۵. **أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي! السَّاعَةَ السَّاعَةَ! الْعَجَلَ الْعَجَلَ:**
 مرا مرا مرا!

تمرین ۵. متن درس را، کلمه به کلمه ترجمه کنید:

زبان معارف

❖ فعل مجهول «مضارع»

در درس گذشته با ساختار فعل مجهول «ماضی» ثلاثی مجرد آشنا شدید. در جدول زیر، افعال معلوم و مجهول مضارع در دو ستون و مقابل هم آورده شده است تا با مقایسه ساختار آنها، با نحوه ساختن فعل «مضارع مجهول» از مضارع معلوم آشنا شوید.

فعل معلوم «مضارع»	فعل مجهول «مضارع»
يَجْعَلُ: قرار می دهد	يُجْعَلُ: قرار داده می شود
يَأْخُذُ: می گیرد	يُؤْخَذُ: گرفته می شود
يُرْزِقُ: روزی می دهد	يُرْزَقُ: روزی داده می شود
يَفْتَحُ: می گشاید	يُفْتَحُ: گشوده می شود

با مقایسه فعل **يُرْزِقُ** و **يُرْزَقُ** تفاوت‌های زیر را مشاهده می‌کنیم:
 حرف «ی» در فعل معلوم، مفتوح و در فعل مجهول، مضموم است.
 حرف ماقبل آخر فعل معلوم، مضموم و حرف ماقبل آخر فعل مجهول، مفتوح است.

شیوه ساختن مضارع مجهول

برای ساختن فعل مضارع مجهول (ثلاثی مجرد)، از فعل مضارع معلوم (ثلاثی مجرد)، حرف مضارعه (ا، ت، ی، ن) را مضموم و حرف ماقبل آخر فعل را مفتوح می‌نماییم.

مانند: $\text{یرزق} \leftarrow \text{ترزق}$ $\text{ارزق} \leftarrow \text{نرزق}$
 $\text{یرزق} \leftarrow \text{ترزق}$ $\text{ارزق} \leftarrow \text{نرزق}$

* نکته:

در فعل‌هایی مانند: **یَجْعَلُ** و **یَفْتَحُ** که حرف ماقبل آخر آنها فتحه می‌باشد در فعل مجهول، تغییری در حرکت ماقبل آخر داده نمی‌شود، زیرا در فعل مجهول، لازم است حرف ماقبل آخر، مفتوح باشد.

برای ساختن فعل مجهول از افعالی مانند: **یَقُولُ**، **یَعُودُ** حرف ماقبل آخر، تبدیل به

«الف» می‌شود:

$\text{یَقُولُ} \leftarrow \text{یُقَالُ}$ $\text{یَعُودُ} \leftarrow \text{یُعَادُ}$

* تمرین

افعال مضارع معلوم و مجهول (ثلاثی مجرد) را، در آیات زیر مشخص کنید.

۱. **ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ...** (بقره: ۸۵)

۲. **وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ.**

(بقره: ۱۵۴)

۳. قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتْرٌ مَّوَدَّةٌ وَتَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ. (آل عمران: ۱۲)

۴. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (آل عمران: ۱۳۲)

۵. بَلَىٰ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران: ۱۶۹)

۶. يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ. (عنكبوت: ۲۱)

۷. اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (عنكبوت: ۶۲)

۸. فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ. (روم: ۳)

۹. سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيَسْأَلُونَ. (زخرف: ۱۹)

۱۰. بَلَىٰ وَرَسُولْنَا لَدَيْهِمْ يُكْتَبُونَ. (زخرف: ۸۰)

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای فرج و دعای



حضرت صاحب الامر علیه السلام

شاید کمتر کسی از پیروان مذهب تشیع با دعای «اللهم کن لولیک...» آشنا نباشد. این دعا طبق روایتی که مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان نقل کرده، برای شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان وارد شده است، ولی اختصاص به آن زمان ندارد و می‌توان در هر زمانی این دعا را، جهت سلامتی و ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه زمزمه نمود.

در آغاز، از آستان خداوند درخواست می‌شود که امام غایب را تا روزی که به ظهورش فرمان می‌دهد ولی، نگهدار، پیشوا، یاریگر، راهنما و دیده‌بان باشد (اللهم **كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ، صَلِّوْا تُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلاً وَعَيْنًا.**)

در پایان می‌گوییم: خدایا، او را در حمایت خود محفوظ بدار تا روزی که زمین و اهل آن را برای او فرمانبردار گردانی، و برای زمانی بلند آن وجود عزیز را بهره‌مند کنی (حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.)

دعای حضرت صاحب الامر (علیه السلام)

دومین دعای این درس نیز برای بیشتر مؤمنان و دوستداران حضرت صاحب الامر، عجل الله فرجه الشریف، شناخته شده است.

در نخستین جملات این دعا، به درگاه خداوند اینچنین شکوه می‌کنیم:

خدایا، دچار بلای بزرگ شده‌ایم و آنچنان روزگار بر ما سخت شده است که نمی‌توانیم درد خود را پنهان کنیم (إِلٰهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْعَطَاءُ).

عرب زبان‌ها اصطلاح «بَرَحَ الْخَفَاءُ» را هنگامی به کار می‌برند که درد و سختی برای انسان طاقت‌فرسا شود و کاسه صبرش لبریز شود، به ناچار لب به شکایت می‌گشاید و درد فروخورده خویش را برای همگان بازمی‌گوید؛ به بیان عامه مردم یعنی: کارد به استخوانم رسید!

در اینجا چشم‌انتظاران ظهور مصلح منتقم، با معبود خویش با زبان شکوه می‌گویند: خدایا، بی‌پرده می‌گوییم که توان پنهان کردن شرح رنج و دردمان را نداریم!

خدایا، زمین بر ما تنگ و دلگیر شده است (وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ).

بارالها! گویا آسمان از فروفرستادن رحمت بازداشته شده است! (وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ).

در قرآن کریم، می‌خوانیم که موسی علی نبینا و آله و علیه السلام به قوم خود گفت: از خدا کمک بخواهید و [در راه حق] پایداری کنید، زیرا میراث‌بران زمین به خواست خدا بندگان باتقوای او هستند.^۱ ما نیز بر اساس همین پیام قرآنی می‌گوییم: خدایا، تنها تویی که از درگاهت کمک می‌جوییم (وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ).

۱. اعراف، آیه ۱۲۸.

تنها به تو شکایت می‌کنیم (وَإِلَيْكَ الْمَشْتَكَى).

خداوند، به هنگام سختی و آسایش تنها تو پناه منی (وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ).

پس از جملات بالا، بر پیامبر و خاندان او درود می‌فرستیم، همانان که اولی‌الامر هستند و فرمانبرداری از آنان به حکم خدا بر همگان واجب است و خداوند، ما را با جایگاه رفیعشان آشنا کرده است (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ).

سپس خدا را به حق پیامبر و خاندانش قسم می‌دهیم که با گشایشی سریع به اندازه برهم زدن چشم و یا کمتر از آن، پریشانی‌ها و بلاها را از ما بزدايد (فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلِمَةَ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ).

آنگاه با توسل به پیشگاه پیامبر ﷺ و جانشین برحق او امیرمؤمنان (علیه السلام)، آنان را می‌خوانیم (يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ) و می‌خواهیم که در برابر دشمنان، از ما دفاع کنند (اَكْفِيَانِي فَإِنَّكَ كَافِيَانِ).

امام، پناهگاه بندگان و ...

از آن دو بنده مقرب خدا می‌خواهیم که یاریمان کنند (وَ أَنْصِرَانِي فَإِنَّكَ نَاصِرَانِ).

اگر از آن برگزیدگان الهی کمک می‌خواهیم، بدان جهت است که پناهگاه حقیقی بشر و یاوران راستین آنان هستند. بخشی از سخنان امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مسجد جامع مرو، درباره امام و رهبر الهی چنین است: پناهگاه بندگان در مصیبت‌ها

روزگار، امام است که امانتدار خدا در زمین، حجت خدا بر بندگان و جانشین او در سرزمین هاست، هم او که مردم را به سوی خدا فرامی خواند.^۱

زینب کبری علیها السلام در هنگام ورود به شهر کوفه مردم بی وفای آن شهر را با جملاتی ملامت کرد و فرمود: شما چگونه لکه ننگ کشتن فرزند خاتم پیامبران و آقای جوانان بهشت و ... پناهگاهتان در بلاها را می شوید؟!^۲

تعجیل در ظهور

در پایان با دلی دردمند امام زمان را صدا می زنیم و ضمن طلب فریادرسی، از حضرتش، شتاب در ظهورش را درخواست می کنیم (یا مولانا یا صاحب الزمان،
الغوث الغوث الغوث أدركني أدركني أدركني! الساعة الساعة الساعة! العجل العجل العجل!
يا أرحم الراحمين، بحق محمد وآله الطاهرين.)

تردیدی نیست که منتظران واقعی کسانی هستند که برای برطرف کردن موانع ظهور تلاش می کنند. اگر گناهکاران بر خطاهای خود اصرار بورزند و از صراط مستقیم الهی - که همان پیروی کردن از جانشینان امین امام عصر در زمان غیبت^۳ (ولی فقیه) است - سرباز زنند و تنها با خواندن این دعا و دیگر دعاهای مربوط به فرج حضرت بقیة الله، توقع اجابت داشته باشند، انتظاری غیرواقعی و توقعی بیهوده است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۱۰۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

دعای سحر، اعمال شب قدر



و دعای شبهای دهه آخر رمضان

دعای سحر

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعَثْتُ، وَبِكَ

لُدْتُ، لَا أَلُذُّ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي؛ يَا مَنْ يَقْبَلُ

الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ؛ إِنَّكَ أَنْتَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا

کَتَبْتُ لِي، وَرَضِيَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ

السَّاتِرُ عَوْرَتِي، وَالْآمِنُ رَوْعَتِي، وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اعمال شب قدر

دعای اول: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ، وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ،

وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى، وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَاتِكَ مِنَ النَّارِ.

دعای دوّم: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ، وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ.

بِكَ يَا اللَّهُ، مُحَمَّدٍ، بَعْلِيَّ، بِفَاطِمَةَ، بِالْحُسَيْنِ، بِالْحُسَيْنِ، بَعْلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، مُحَمَّدِ بْنِ

عَلِيٍّ، بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، بَعْلِيَّ بْنَ مُوسَى، بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، بَعْلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، بِالْحَجَّةِ.

دعای شبهای دهه آخر رمضان

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ

لَيْلَتِي هَذِهِ، لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنیید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
پوشاننده	سَاتَر	۷	ایمنی‌بخش	أَمِن	۱
عیب - زشتی	عَوْرَة	۸	فرستادی	أَرْسَلْتَ	۲
زندگی	عَیْش	۹	آشناتر	أَعْرَفَ	۳
سپیده‌دم - صبح	فَجْرٌ	۱۰	قرار می‌دهی	تَجَعَّلُ	۴
مقرر کردی - نوشتی	كَتَبْتَ	۱۱	عذاب می‌کنی	تُعَذِّبُ	۵
			خطا - گناه	خَطِيئَةٌ	۶

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
جمع «عتیق: آزاد شده»	عَتَقَاءُ	۹	یاری خواستم - استغاثه کردم	أَسْتَعِثُّ	۱
لغزش	عَثْرَةٌ	۱۰	گذشت کن	أَعْفُ	۲
پناه آوردم	فَرَعْتُ	۱۱	به فریاد رس	أَعِثُّ	۳
قسمت کردی - تقدیر نمودی	قَسَمْتُ	۱۲	پیوند می‌خورد	تُبَاشِرُ	۴
اندوه نفس‌گیر	كُرْبَةٌ	۱۳	پیامد	تَبِعَةٌ	۵
پناهنده نمی‌شوم	لَا أَلُوذُ	۱۴	راضی کن - خشنود کن	رَضِّ	۶
پناهنده شدم	لَذْتُ	۱۵	ترس - بیم	رَوَعَةٌ	۷
هرگز نخواهد رسید	لَنْ يُصِيبَ	۱۶	غیر	سِوَى	۸

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
مورد امید است - امید می‌رود	يُرْحَى	۲۲	مدح کردی - ستودی	مَدَحَتْ	۱۷
طلوع می‌کند - برمی‌آید	يَطْلَعُ	۲۳	پناه - پناهگاه	مَفْنَعٌ	۱۸
گذشت می‌کند	يَعْفُو	۲۴	عفوکننده - گذشت‌کننده	مُقْبِلٌ	۱۹
سپری می‌شود - می‌گذرد	يَنْقُضِي	۲۵	نازل شده	مَنْزَلٌ	۲۰
			مورد بیم است - بیم می‌رود	يُخَافُ	۲۱

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. لَذْتُ - لَأَلُوذُ - فَرَعْتُ :

- الف - پناهنده شدم - پناهنده نمی‌شوم - پناه آوردم
- ب - لذت بردم - لذت نمی‌برم - فرار کردم

۲. خَطِيئَةٌ - كُرْبَةٌ - عَثْرَةٌ :

- الف - گناه - بی‌میلی - حسرت
- ب - خطا - اندوه نفس‌گیر - لغزش

۳. اَغَثٌ - رَضٌّ - تَبِعَةٌ :

- الف - به فریاد رس - راضی کن - پیامد
- ب - به فریاد رس - راضی کرد - پیروی کرد

۴. **مُنَزَّل - مَفْرَع - مُقِيل :**

- الف - نازل شده - پناه - گذشت کننده
- ب - فرود آمده - پناهنده - گفتار

۵. **رَوْعَة - سَوَى - عُقَاء :**

- الف - رعایت - مساوی - قدیمی
- ب - ترس - غیر - آزادشدگان

۶. **اِسْتَعْتُ - تَبَاشِرُ - قَسَمَت :**

- الف - به فریاد می رسم - پیوند می خوری - قسمت می کنی
- ب - یاری خواستم - پیوند می خورد - قسمت کردی

۷. **لَنْ يُصِيبَ - يُخَافُ - يُرْجَى :**

- الف - هرگز نخواهد رسید - مورد بیم است - مورد امید است
- ب - هرگز نرسیده - می ترسد - امیدوار است

۸. **يَطْلُعُ - يَعْفُو - يَنْقُضِي :**

- الف - آگاه می شود - طلب عفو می کند - پایان می دهد
- ب - طلوع می کند - گذشت می کند - سپری می شود

۹. **أَعْفُ - آمِنُ - أَعْرِفُ :**

- الف - عفو کن - ایمنی بخش - آشنا تر
- ب - عفو کردم - ایمن بیاور - شناس

۱۰. **عَوْرَة - عَيْش - جَفْر :**

- الف - زشتی - زندگی - صبح
- ب - ابزار - خوشی - بدی

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **يَا مَفْرَعِي عِنْدَ ۱ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ ۲ شِدَّتِي:**

- الف - ای پناه من هنگام اندوه نفس گیرم، و ای فریادرس من هنگام سختی ام
- ب - ای پناهم هنگام گرفتاریم، و ای نجات‌بخش من نزد سختی من

۲. **وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي:**

- الف - و نمی‌خواهم گشایش را جز از تو، پس پناهم ده و بگشای برای من (اشکالاتم را)
- ب - و نمی‌جویم گشایش را مگر از تو، پس به فریادرس مرا (به فریادم رس)

۳. **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي:**

- الف - خدایا! قطعاً من درخواست می‌کنم از تو ایمانی را که پیوند بخورد با آن دلم
- ب - خدایا! قطعاً می‌خواهم از تو ایمانی را که آمیخته شود بدان قلبم

۴. **يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي:**

- الف - ای توشه‌ام در اندوه نفس گیرم، و ای همراه من در سختی ام
- ب - ای توشه‌اندوهم، و ای رفیق در سختی ام

۵. **أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ:**

- الف - پناه می‌برم به عظمت ذاتت، این که پایان یابد ماه رمضان
- ب - پناه می‌برم به شکوه ذات ارزشمند تو، (از) اینکه بگذرد از من ماه رمضان

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا غَوْثِي ^۱ عِنْدَ ^۲ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فِرَعْتُ	
۲	فَرِّجْ عَنِّي؛ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ	
۳	إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ	
۴	وَ الْأَمِنْ رَوْعِي، وَ الْمُقِيلُ عَثْرِي	
۵	أَسْأَلُكَ بِكَابِكَ الْمُنْزَلِ وَ مَا فِيهِ	
۶	وَ فِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ، وَ أَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى	
۷	أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عُقَاتِكَ مِنَ النَّارِ	
۸	وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ	
۹	فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ	
۱۰	بِكَ يَا اللَّهُ، مُحَمَّدٍ، بَعَلِّي	
۱۱	أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلِي هَذِهِ	
۱۲	لَكَ ^۳ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ	

۱. «غَوْثٌ» در این عبارت، به معنای اسم (فریاد رس) به کار رفته است، در حالی که معنای اصلی آن، مصدری (فریادرسی) است.

۲. عِنْدَ: هنگام.

۳. لَكَ: به (نفع) تو.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. إِلَيْكَ فِرْعَتُ، وَ بِكَ اسْتَعْتُ، وَ بِكَ لُدْتُ، لَا الْوَدُّ بِسَوَاكَ:

به تو، و از تو، و به تو، پناهنده نمی شوم

۲. يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ:

ای کسی که (عمل) اندک را، و از (گناه) بسیار، از من، و از من

۳. وَ يَقِينًا حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ^۱ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَ رَضِيَنِ مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي:

و تا (زمانی که) که هرگز به من مگر آنچه برای من، و مرا از به آنچه برای من.

۴. أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، وَ الْآمِنُ رَوْعَتِي، وَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي:

تویی عیب من، و بیم من، و (از) لغزش من، پس برای من

۵. أَوْ يَطْلُعُ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَهُ تَعَذُّبِي عَلَيْهِ:

یا سپیده دم از این، (درحالی که) (از) طرف من یا پیامد (کار بد) است، که بر آن.

تمرین ۵. متن درس را، کلمه به کلمه ترجمه کنید.

۱. «هُ» در «أَنَّهُ» ضمیر شأن است و ترجمه نمی شود.

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید (۱)



باب افعال

به جدول مقایسه‌ای زیر توجه کنید:

ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید
نَزَلَ	أَنْزَلَ
قَتَلَ	تَقَاتَلَ
نَقَلَ	اِنْتَقَلَ
ذَكَرَ	تَذَكَّرَ
غَفَرَ	اسْتَغْفَرَ

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، فعل‌های ثلاثی مجرد، از سه حرف اصلی تشکیل شده است، ولی در فعل‌های ثلاثی مزید، علاوه بر حروف اصلی، حروفی اضافه شده است. مثلاً در **أَنْزَلَ** حرف «ا»، در **تَقَاتَلَ** دو حرف «ت» و «ا»، در **اِنْتَقَلَ** دو حرف «ا» و «ت»، در **تَذَكَّرَ** دو حرف «ت» و «ک» و در **اسْتَغْفَرَ** سه حرف «ا» و «س» و «ت» به سه حرف اصلی فعل اضافه شده است.

معنای مشهور باب افعال: انتقال افعال ثلاثی مجرد به ابواب مزید، معمولاً برای به دست آوردن معانی جدید می‌باشد. مثلاً باب «افعال» در بیشتر موارد برای «متعدی

ساختن فعل لازم به کار می‌رود؛ فعل «نَزَلَ: فرود آمد»، فعل لازم است اما هنگامی که به باب افعال برده می‌شود (آنزَلَ: فرود آورد) به فعل متعدی تبدیل می‌شود. جدول زیر، فعل ماضی و مضارع غائبِ مفردِ مذکر و مصدرِ باب افعال از سه ریشه (ح، س، ن) و (ف، س، د) و (ل، ز، م) را نشان می‌دهد:

فعل ماضی	فعل مضارع	مصدر
أَحْسَنَ	يُحْسِنُ	أِحْسَانٌ
أَفْسَدَ	يُفْسِدُ	أِفْسَادٌ
أَلْزَمَ	يُلْزِمُ	الْزَامُ

در جدول فوق ملاحظه می‌شود که در باب افعال، ابتدای فعل ماضی، همزه مفتوحه و حرف مضارعه در فعل مضارع آن، مضموم می‌باشد.

شیوه ساختن ماضی و مضارع باب افعال

فعل ماضی، باب افعال، با افزودن حرف «أ» به اول فعل ماضی ثلاثی مجرد ساخته شده و فعل مضارع (غایب، مفرد، مذکر) آن، با مضموم کردن حرف مضارعه ساخته می‌شود. فعل امر حاضر آن مانند امر ثلاثی مجرد - با این تفاوت که همزه امر این باب همیشه مفتوح است - و مصدر آن، بر وزن «أفعال» ساخته می‌شوند.

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های أَحْسَنَ و يُحْسِنُ و ۶ صیغه أَحْسِنُ (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیهای زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد» از باب افعال را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ. (بقره: ۱۱)

۲. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا^۱ كَمَا آمَنَ^۲ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ. (بقره: ۱۳)

۳. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ. (بقره: ۲۲)

۴. إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ. (بقره: ۱۱۹)

۵. وَهُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُعْتَدِلُونَ صُنْعًا. (كهف: ۱۰۴)

۶. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (فرقان: ۶۷)

۷. وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ. (شوری: ۸)

۸. هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا. (منافقون: ۷)

۱. آمِنُوا: در اصل اُئْمِنُوا بوده است.

۲. آمَنَ: در اصل اُئْمَنَ بوده است.

❖ دعای سحر، اعمال شب قدر و ...

دعای سحر

در ابتدای این درس، مختصرترین دعای سحر را می‌آموزیم. در این دعا ابتدا خداوند را چنین می‌خوانیم؛ ای پناه من به هنگام اندوهم (یا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي). همین وصف برای خدا در کلام امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز آمده است: هر چیزی برای خداوند فروتن است و هر چیزی با یاری خدا پابرجاست. خداوند بی‌نیاز کننده هر نیازمند است و عزت‌بخش هر ذلیلی و نیروی هر ناتوان و پناه هر مصیبت‌زده و ستم‌دیده‌ای است.^۱

آنگاه می‌گوییم: ای فریاد رس من در هنگام سختی، به‌سوی تو پناه می‌آورم و به درگاه تو استغاثه می‌کنم (و یا غَوِّي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَ بِكَ اسْتَعَثْتُ).

سپس با دلی آکنده از اعتقاد به توحید، می‌گوییم: فقط به تو پناهنده می‌شوم و کسی جز تو را پناه خود نمی‌گیرم، و فقط از تو زدودن مشکلات و پریشانی‌هایم را درخواست می‌کنم (و بِكَ لُدْتُ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ).

آنگاه امیدبخش‌ترین قسمت دعا را می‌خوانیم: ای خدایی که عمل اندک را می‌پذیری و از گناهان فراوان گذشت می‌کنی، عمل ناچیز مرا قبول کن و گناهان فراوانم را ببخش،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

زیرا تو بسیار آمرزنده و مهربانی! (یا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: جوانی در حال احتضار بود و رسول خدا ﷺ بر بالین او حاضر شد و فرمود: بگو: «لا اله الا الله» و بارها تکرار کردند، ولی دهان او قفل شده بود (و نمی توانست این ذکر را بگوید). رسول خدا به زنی که بالای سر او نشسته بود فرمود: آیا این جوان مادر دارد؟ وی گفت: من مادر او هستم. رسول خدا فرمود: آیا از او ناراضی هستی؟ گفت: آری، شش سال است که با او سخن نمی گویم! پیامبر فرمود: از او راضی باش! مادر گفت: خدایا، برای خشنودی پیامبرت از او راضی باش! سپس پیامبر بار دیگر جوان را به گفتن «لا اله الا الله» امر فرمود و او تکرار کرد. آنگاه نبی خدا فرمود: چه می بینی؟ گفت: مرد سیاهروی بدشکلی را می بینم که لباسی کثیف بر تن کرده و بوی تعفن می دهد! او الآن گلویم را گرفته و نمی گذارد نفس بکشم. پیامبر فرمود: این دعا را بخوان: یا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. جوان دعا را خواند، آنگاه رسول خدا فرمود: حال چه می بینی؟ گفت: مردی سپید رو و زیبا و خوشبو را می بینم که لباسی زیبا بر تن دارد، او هم اکنون همراه من شده و آن سیاهروی بد چهره در حال دور شدن از من است. حضرت فرمود: دوباره دعا را بخوان، و او تکرار کرد، و گفت: اکنون فقط آن مرد خوشروی را می بینم. در این حال آن جوان به آرامی جان سپرد.^۱

سپس از خداوند ایمانی می خواهیم که با دلمان پیوند بخورد، و یقینی که هر چه را که به ما برسد، مقرر شده از سوی خدا بدانیم (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي.) و از او درخواست می کنیم که به

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۲-۲۳۳.

آنچه در زندگی نصیبمان کرده راضی باشیم (و رَضِنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

در پایان می‌گوییم: ای توشه من در هنگام اندوهم، و ای یار و همراه من در روزهای سختی من، و ای ولی نعمت من و ای هدف و منتهای خواسته‌های من! تویی پوشاننده عیبم و ایمنی‌بخش از ترس و گذشت‌کننده از لغزشم! گناهانم را بیامرز؛ ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان (يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، وَالْأَمِنُ رَوْعَتِي، وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ).

اعمال شب قدر

دعای اول: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ، وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ، وَاسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى، وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ.

یکی از اعمال شب‌های قدر، گشودن قرآن در برابر چهره و خواندن این دعاست. در این دعا، خدا را به قرآن و آیات آن، اسم اعظم الهی و برترین اسمای او و آیه‌های بیم‌دهنده و امیدبخش قسم می‌دهیم که ما را از آتش جهنم آزاد کند. در برخی دعا‌های قرآنی، مؤمنان از خداوند درخواست می‌کنند که آنان را از آتش جهنم حفظ کند.^۱

دعای دوم: دعایی است که هنگام قرآن بر سر گرفتن می‌خوانیم. در این دعا نیز خدا را به حق قرآن و پیامبر و همه مؤمنانی که در قرآن ستوده شده‌اند، و به حقی که خدا

۱. بقره، آیه ۲۰۱، آل عمران، آیه ۱۶ و ۱۹۱.

بر آنان دارد قسم می‌دهیم (اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ، وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ).

سپس با توسل به چهارده معصوم، برآورده شدن حاجت‌های خود را از خداوند می‌خواهیم.

دعای شبهای دهه آخر رمضان

در کتاب کافی، این دعا فقط برای دهه آخر ماه مبارک رمضان وارد شده است.

این دعا با استعاذه و پناه بردن به ذات خداوند آغاز می‌شود. به خدا پناه می‌بریم که مبادا ماه رمضان یا حتی شبی از شب‌های آن را به صبح برسانیم، در حالی که گناهی بر گردن ما باشد، یا پیامد و وبال آن برای ما باقی مانده باشد و ما را مستحق عذاب الهی بگرداند (أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ، أَوْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلِي هَذِهِ، لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبَعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ).

دعای کمیل (۱)



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ

الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،

وَإِبْجَاهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ

الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ،

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيِّرُ النِّعَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَ كُلِّ

خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنیید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
بسیار منزّه	قُدّوس	۵	ماندگار - باقی	باقی	۱
جمع «نِعْمَةٌ: نعمت»	نِعَم	۶	رام شد - خاضع شد	خَضَعَ	۲
نمی‌ایستد - مقاومت نمی‌کند	لَا يَقُومُ	۷	جمع «عَصْمَةٌ: مانع - لجام - نگاهبان»	عِصَم	۳
			نابودی	فَنَاء	۴

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
می‌دزد - هتک می‌کند	تَهْتِكُ	۸	احاطه داشت - فراگرفت	أَحَاطَ	۱
ذلیل شد - خوار شد	ذَلَّ	۹	مرتکب شدم - خطا کردم	أَخْطَأْتُ	۲
برتر بود	عَلَا	۱۰	مرتکب شدم - گناه کردم	أَذْنَبْتُ	۳
غلبه کردی - چیره شدی	غَلَبْتَ	۱۱	روشن شد	أَضَاءَ	۴
تحت فرمان گرفتی - مسلط شدی	قَهَرْتَ	۱۲	حبس می‌کند - مانع می‌شود	تَحْبِيسُ	۵
پر کرد	مَلَأَتْ	۱۳	تغییر می‌دهد	تَغْيِيرٌ	۶
جمع «نِقْمَةٌ: کیفر»	نِقَم	۱۴	نازل می‌کند - فرومی‌فرستد	تَنْزِلُ	۷

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. عَصَمَ - نَقَمَ - نَعَمَ :

الف - مانع - کیفر - نعمت

ب - مانع‌ها - کیفرها - نعمت‌ها

۲. اَذْنَبْتُ - قَهَرْتُ - مَلَأْتُ :

الف - مرتکب شدم - مسلط شدم - پر کرد

ب - گناه می‌کنم - مسلط شدم - پر می‌کند

۳. ذَلَّ - خَضَعَ - أَضَاءَ :

الف - خوار شد - رام شد - روشن شد

ب - خوار کرد - رام کرد - روشن شد

۴. تَحَبَّسُ - تَغَيَّرُ - تَنْزِلُ :

الف - حبس می‌کند - تغییر می‌دهد - نازل می‌کند

ب - حبس می‌کنی - تغییر می‌دهی - نازل می‌کنی

۵. أَحَاطَ - تَهْتَكُ - عَلَا :

الف - فراگرفت - درید - برتر است

ب - احاطه داشت - می‌درزد - برتر بود

۶. أَخْطَأْتُ - غَلَبْتُ - لَا يَقُومُ :

الف - مرتکب شدم - غلبه کردی - مقاومت نمی‌کند

ب - خطاکردی - چیره شدم - نمی‌ایستد

۷. قُدُوس - فَنَاء - باقی :

- الف - پاک - فانی شدن - باقی ماند
- ب - بسیار منزّه - نابودی - ماندگار

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ:

- الف - و به نیرویت که تحت فرمان گرفته‌ای به وسیله آن هر چیزی را
- ب - و به نیروی تو که مسلط است بر همه چیز

۲. وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ:

- الف - و به عظمت تو که فراگرفته هر چیزی را
- ب - و به بزرگیت که پر کرده است هر چیزی را

۳. وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ:

- الف - و به علم تو که احاطه دارد به هر چیزی
- ب - و به علم آن کسی که احاطه یافته به هر چیز

۴. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ:

- الف - خدایا، ببخش گناہانی را که از بین می‌برد هر مانعی را
- ب - خدایا، بیامرزش برای من گناہانی را که می‌درد مانع‌ها را

۵. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ:

- الف - خدایا، بیامرزش برای من گناہانی را که حبس می‌کند دعا را
- ب - خدایا، ببخش گناہانی از من را که مانع می‌شود دعا را

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ	
۲	الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ	
۳	وَخَضَعَهَا كُلَّ شَيْءٍ	
۴	وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ	
۵	وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ	
۶	وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ	
۷	وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ	
۸	يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ	
۹	اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ	
۱۰	اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **وَبِجْبُرُونَكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ:**

و به قدرتمندیت به وسیله آن (بر)، و به عزّتت که در
مقابل آن

۲. **وَبُوجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ:**

و به ذات ماندگار تو پس از هر چیزی، و به تو که
ستون‌های

۳. **وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ؛ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ:**

و به نور که برای (به سبب) آن؛ ای نور ای

۴. **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النِّقَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ:**

خدایا، برای من که کیفرها را، پیامرز
..... گناہانی را نعمت‌ها را.

۵. **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا:**

خدایا، برای من که مرتکب شده‌ام آن را، که
..... آن را.

تمرین ۵. عبارت‌های متن درس را ترجمه کنید.

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید (۲)



باب تفعیل

در درس گذشته آموختید که معمولاً باب «افعال» برای متعدی ساختن فعل لازم به کار می‌رود. در این درس با باب «تفعیل» آشنا می‌شوید که - همچون باب «افعال» - معمولاً برای «متعدی نمودن فعل لازم» به کار می‌رود. برای آشنایی با صیغ ماضی و مضارع و مصدر باب تفعیل به جدول زیر توجه کنید:

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
تَنْزِيلٌ	يُنزِلُ	نَزَلَ
تَعْلِيمٌ	يُعَلِّمُ	عَلَّمَ
تَفْجِيرٌ	يُفَجِّرُ	فَجَّرَ
تَكْرِيْمٌ	يُكْرِمُ	كَرَّمَ

ابتدا به افعال ماضی جدول توجه کنید؛ چهار فعل بالا ثلاثی است ولی حرفی به ریشه آنها اضافه شده است، بدین جهت «مزید» نامیده شده‌اند. ریشه فعل «نَزَلَ» (ن، ز، ل) و فعل «عَلَّمَ» (ع، ل، م) و «فَجَّرَ» (ف، ج، ر) و «كَرَّمَ» (ک، ر، م) بوده که حرف دوم اصلی آنها مشدّد شده است، در نتیجه یک حرف به حروف اصلی آن افزوده شده است.

در افعال مضارع جدول نیز، این حرف مشدّد ملاحظه می‌شود و حرف مضارعه آنها همچون باب «افعال»، مضموم می‌باشد.

مصدر افعال مذکور نیز بر وزن «تفعیل» آمده است، به همین علت، نام این باب را «تفعیل» نهاده‌اند.

به عبارت دیگر، وزن افعال ماضی، مضارع و مصدر در سه ستون جدول را، می‌توان به این ترتیب ذکر نمود: **فَعَلَ، يُفَعِّلُ، تَفَعَّلَ**

به فاطر بسپارید

فعل ماضی باب «تفعیل»، با مشدّد ساختن حرف دوم اصلی، فعل مضارع آن، با مضموم کردن حرف مضارعه و مشدّد ساختن حرف دوم اصلی، و فعل امر حاضر آن با حذف حرف مضارعه و مصدر آن، بر وزن «تفعیل» ساخته می‌شوند.

*** تمرین**

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «نَزَلَ»، «يُنزِلُ» و ۶ صیغه فعل «نَزَلَ» (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد» از باب تفعیل را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ.**

(بقره: ۴۹)

۲. **وَوَضَّلْنَا عَلَيْكُمْ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى.**

(بقره: ۵۷)

۳. وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ.

(بقره: ۱۱۸)

۴. فَنَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

(بقره: ۱۸۱)

۵. وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(بقره: ۲۲۳)

۶. وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ...

(بقره: ۲۳۱)

۷. لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا ... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ.

(بقره: ۲۸۶)

۸. قَالَ آتِيكَ أَلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ
وَإِلْبَاقًا.

(آل عمران: ۴۱)

۹. فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ.

(آل عمران: ۵۶)

۱۰. ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ.

(آل عمران: ۱۸۲)

دعای کمیل (۱)



دعای خضر نبی

قرن‌های متمادی است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، هر شب جمعه با امام علی علیه‌السلام هم‌نوا می‌شوند و سفره دلشان را برای معبود مهربان می‌گشایند. از لغزش‌ها و گناهان، قصورها و تقصیرها، به آستان ربّ العالمین، زبان به پوزش می‌گشایند. به پشتوانه امیر مؤمنان و امام تقوای پیشگان، دل به رحمت پروردگار، خوش می‌کنند و چشم به جود و کرم او می‌دوزند. دعای روح‌نواز کمیل، همان کلمات آسمانی است که کمیل - آن صحابی پاکباز امیرالمؤمنین - در نیمه یکی از شعبان‌های عمر مبارک علی علیه‌السلام به املائی مولایش برای کاغذ نوشت.

سید بن طاووس رحمته‌الله در کتاب ارزشمند «اقبال» می‌نویسد: در روایتی آمده است که کمیل بن زیاد می‌گوید: همراه گروهی از یاران امیرمؤمنان نزد آن حضرت در مسجد بصره نشسته بودم که یکی از اصحاب درباره معنای «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» پرسید، امام علیه‌السلام فرمود: آن نیمه شعبان است. سوگند به کسی که جان علی به دست او است، هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه هر آنچه از خوب و بد تا یک سال، برای او رقم خواهد خورد، در شب نیمه شعبان برایش مقرر می‌شود. هر بنده‌ای که این شب را به عبادت بیدار بماند و دعای خضر علیه‌السلام را بخواند، دعاهایش مستجاب خواهد شد.

پس از آنکه امام (علیه السلام) مسجد را ترک کرد، پاسی از شب گذشته بود. نزد امام رفتم، فرمود: ای کمیل برای چه آمده‌ای؟ گفتم: آمده‌ام که دعای خضر را به من بیاموزی؛ فرمود: ای کمیل، بنشین. هنگامی که این دعا را فراگرفتی هر شب جمعه، یا هر ماه یک بار، یا یک بار در سال، یا در تمام عمرت یک بار، آن را بخوان، تا خداوند تو را حمایت و یاری کند و روزی نصیبت نماید و از آمرزش او هرگز محروم نخواهی شد.

ای کمیل، رفاقت و همنشینی طولانی ما بر من واجب کرده است که از سر جود و کرم، درخواست تو را اجابت کنم. آنگاه فرمود: ای کمیل، بنویس: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ...**»^۱

تأثیر گناهان بر روح و جان

در آغاز دعا، خدا را به صفات او می‌خوانیم. سپس از او آمرزش می‌خواهیم: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ** : خدایا، گناهانی را که موانع (ارتکاب گناه) را از بین می‌برد یا پرده‌ها (بی) که از رسوایی انسان جلوگیری می‌کند) را می‌درد برایم بیامرز. ارتکاب گناه، علاوه بر آنکه گناهکار را سزاوار کیفر می‌کند، درجان او تأثیرات منفی برجای می‌گذارد.

رابطه گناه و نزول کیفر

در این بخش از دعا، آمرزش گناهانی را درخواست می‌کنیم که موانع نزول عذاب را می‌درد و انسان را آسیب‌پذیر می‌کند. امام سجاد در معرفی این گناهان می‌فرماید: گناهانی که پرده‌ها را می‌درد عبارتند از: شراب‌خواری، قماربازی، مردم را با کلام و

۱. اقبال الأعمال، سید بن طاووس، ص ۷۰۶-۷۰۷.

کار بیهوده و شوخی بی‌مورد خندانند، بازگو کردن عیب‌های مردم و هم‌نشینی با افراد متهم به گناهکاری.^۱

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ: خدایا، گناهانی که مایه فرود آمدن کیفرها می‌شود، برایم بیامرز.

گناه و فرود آمدن عقوبت

امام سجاد (علیه السلام) در ادامه، گناهانی را که سبب فرود آمدن عقوبت می‌شود، اینچنین برمی‌شمارد: سرکشی و ستم آگاهانه، تکبر بر مردم، مسخره کردن آنان.^۲

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيِّرُ النِّعَمَ: خدایا، گناهانی را که موجب تغییر و از بین رفتن نعمت‌ها می‌شود، برایم بیامرز.

گناه، سبب تغییر نعمت

امام زین‌العابدین (علیه السلام)، گناهانی را که سبب تغییر نعمت‌ها می‌شود، اینگونه معرفی می‌فرماید: ستم و بغی بر مردم، ترک عادت به کارهای خوب، ناسپاسی نعمت‌ها، ترک شکر.^۳

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ: خدایا، گناهانی را که مانع استجابت دعا می‌شود، برای من بیامرز.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۲. همان.

۳. همان.

گناه و حبس دعا

حضرت سیدالساجدین علیه السلام این گناهان را مانع برآورده شدن دعا می‌شمارد: بدی نیت، آلودگی باطن، دورویی با برادران دینی، باور نداشتن اجابت دعا، تأخیر در انجام نمازهای واجب تا جایی که وقت آن سپری شود، ترک نیکی و صدقه که وسیله تقرّب به خداست، به کاربردن کلمات زشت و آلودگی زبان به فحش و ناسزا.^۱

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ: خدایا، گناهایی را برایم بیامرز که سبب نزول بلا می‌شود.

گناه، سبب نزول بلا

امام چهارم علیه السلام در ادامه روایت می‌فرماید: گناهایی که سبب نزول بلا می‌شود عبارتند از: ترک فریادرسی دل‌سوختگان، کمک نکردن به ستمدیدگان، ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

۲. همان.

دعای کمیل (2)



اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَ أَسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ،

أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَاحِنِي وَ تَرْحَمَنِي، وَ تُجَعِّلَنِي

بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ.

اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ، وَ عَلَا مَكَانُكَ، وَ خَفِيَ مَكْرُوكُكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ غَلَبَ

قَهْرُكَ، وَ جَرَّتْ قُدْرَتُكَ، وَ لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ.

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ. ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّاتُ

بِحَبْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ^۱.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

۱. مفهوم عبارت «ظَلَمْتُ نَفْسِي... وَ مِنْكَ عَلَيَّ» این است: چون تو همیشه به یاد من بودی و به من - به طور دائم - نعمت می‌دادی، این کار تو مرا مغرور کرد که به هر حال تو، به من احسان خواهی کرد؛ در نتیجه، من گستاخی کردم و...

✱ جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
غلبه کرد - چیره شد	غَلَبَ	10	جمع «حال: حال - حالت»، احوال	أَحْوَال	۱
فرار - گریختن	فِرَار	11	رحم می‌کنی	تَرَحَّمُ	۲
قانع - قناعت‌کننده	قَانِع	12	نادانی	جَهْل	۳
جمع «قَبِيحَة»: کار زشت»	قَبَائِحُ	13	خوب - نیک	حَسَن	۴
زشت - کار زشت	قَبِيح	14	فرمانروایی - حکمرانی - حکومت	حُكُومَة	۵
قدرت - توانایی	قُدْرَة	15	درخواست	سُؤَال	۶
دیرین - قدیمی	قَدِيم	16	جمع «شدید: سختی»	شَدَائِد	۷
چیرگی - قهر	قَهْر	17	ظلم کردم - ستم کردم	ظَلَمْتُ	۸
فروتن	مُتَوَاضِع	18	آمرزنده	غَافِر	۹

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
نزدیک می‌کنی	تُدْنِي	۴	شفیع می‌گیرم	أَسْتَشْفِعُ	۱
می‌بخشی - مدارا می‌کنی	تُسَاحِحُ	۵	شدت یافت - سخت شد	أَشْتَدَّتْ	۲
الهام می‌کنی	تُلْهِمُ	۶	گستاخی کردم	تَجَرَّأْتُ	۳

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
قسمت - سهم	قِسْمٌ	۱۳	وادار می کنی - الهام می کنی	تَوَزَعُ	۷
نمی یابم	لَا أَجِدُ	۱۴	نافذ بود - دوام داشت	جَرَتْ	۸
ممکن نیست	لَا يُمَكِّنُ	۱۵	پنهان بود	خَفِيَ	۹
تغییر دهنده	مُبَدِّلٌ	۱۶	آرامش یافتم	سَكَنْتُ	۱۰
ذلیل - خوار	مُتَدَلِّلٌ	۱۷	آشکار بود - آشکار شد	ظَهَرَ	۱۱
			فقر - نیاز	فَاقَةٌ	۱۲

* تمرین و پرسش

تمرین های زیر را به کمک هم گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. تَسَاحٌ - تَلْهَمٌ - تُدْنِي :

- الف - مدارا کرد - الهام کرد - نزدیک کرد
- ب - می بخشی - الهام می کنی - نزدیک می کنی

۲. خَفِيَ - ظَهَرَ - تَجَرَّاتُ :

- الف - پنهان بود - آشکار بود - گستاخی کردم
- ب - پنهان است - آشکار است - گستاخی می کنم

۳. اِشْتَدَّتْ - جَرَتْ - فَاقَتْ :

- الف - شدت یافت - نافذ بود - فقر
- ب - سخت شد - نافذ است - فقیر شد

۴. مُبَدِّلٌ - مُتَدَلِّلٌ - لَا يُمَكِّنُ :

- الف - تغییر دهنده - خوار کننده - ممکن نبود
- ب - تغییر دهنده - خوار - ممکن نیست

۵. تَوَزَعٌ - تَجَعَلُ - تَرَحَّمُ :

- الف - الهام کرد - قرار داد - رحم کرد
- ب - الهام می کنی - قرار می دهی - رحم می کنی

۶. اَسْتَشْفَعُ - سَكَنْتُ - لَا اَجِدُ :

- الف - شفا می یابم - سکونت می یابم - نمی یابم
- ب - شفیع می گیرم - آرامش یافتم - نمی یابم

۷. قِسْمٌ - قَبَائِحٌ - غَافِرٌ :

- الف - سهم - کارهای زشت - آمرزنده
- ب - قسمت - دسته ها - بخشنده

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. وَ اَسْتَشْفَعُ بِكَ اِِلَى ۲ نَفْسِكَ :

- الف - و طلب شفاعت می کنم نزد تو

۱. حرف «ب» در «بِكَ» ترجمه نمی شود.

۲. اِِلَى: نزد.

ب - و شفیع می‌گیرم تو را نزد خودت

۲. سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ:

الف - درخواست (شخص) فروتن و ذلیل و متواضع

ب - درخواست فردی فروتن و خوار شده و خداترس

۳. وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ:

الف - و درخواست می‌کنم از تو، درخواست کسی که شدت یافته فقر او

ب - و از تو درخواست کردم، درخواست کسی که به فقر شدیدی گرفتار آمده

۴. اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ، وَ عَلا مَكَانَكَ:

الف - خدایا، بزرگ شد، تسلط تو، و بالاست مقام تو

ب - خدایا، بزرگ است تسلط تو، و برتر است جایگاه تو

۵. وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ:

الف - و نه برای (هیچ) چیزی از کار زشتم، تغییردهنده‌ای به خوبی، جز تو

ب - و هیچ یک از اعمال زشت من بد نیست که به خوبی تبدیل یابد جز به

(اراده) تو

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارت‌های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ	
۲	أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ	
۳	وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ	
۴	وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً	
۵	وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ	
۶	اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِراً	
۷	وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِراً	
۸	وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ	
۹	بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ	
۱۰	لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ، أَنْ تُدِنِّيَ مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ:

و به سبب ، این که مرا به (مقام) ، و این که مرا به

۲. أَنْ تُسَاحِبَنِي وَ تَرْحَمَنِي، وَ تُجَعِّلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا:

که مرا و به من، و مرا به و قانع.

۳. وَأَنْزَلَ بِكَ^۱ عِنْدَ^۲ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ:

و نزد تو هنگام حاجتش را، و در آنچه تو است.

۴. وَ خَفِيَ مَكْرُكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ غَلَبَ قَهْرُكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ:

و تدبیر ، و فرمان تو، و چیرگی تو، و قدرت تو.

۵. ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَ تَجَرَّاتُ بِجَهْلِي وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ:

..... به خودم، و به سبب ، و به یاد کردن تو مرا، و تو بر من.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه نمایید.

۱. أَنْزَلَ بِكَ: فرود آورده است نزد تو.

۲. عِنْدَ: هنگام.

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید (۳)



باب تَفَعَّل

معمولاً باب «تَفَعَّل» دارای معنای «لازم» و گاهی «متعدی» می‌باشد. برای شناخت ساختار افعال ماضی، مضارع و مصدر این باب به جدول زیر توجه کنید:

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
تَنَزَّلُ	يَتَنَزَّلُ	تَنَزَّلَ
تَبَدَّلُ	يَتَبَدَّلُ	تَبَدَّلَ
تَرَبَّصُ	يَتَرَبَّصُ	تَرَبَّصَ
تَمَيَّزُ	يَتَمَيَّزُ	تَمَيَّزَ

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، فعل ماضی افعال جدول بالا، با «ت» آغاز می‌شود و حرف دوم ریشه آنها مانند باب «تَفَعَّل» مشدّد شده است. فعل مضارع افعال جدول، با افزودن حرف مضارعه به اوّل فعل ماضی، ساخته شده و مصدر آن بر وزن تَفَعَّل است. به عبارت دیگر، وزن افعال ماضی، مضارع و مصدر در سه ستون جدول را می‌توان به این ترتیب ذکر نمود: تَفَعَّلُ، يَتَفَعَّلُ، تَفَعَّلُ.

به خاطر بسپارید

۱. فعل ماضی باب **تَفَعَّلُ**، با افزودن «تَ» به اوّل فعل ماضی مجرد، سپس مشدّد نمودن حرف دوم اصلی آن ساخته می‌شود.
۲. فعل مضارع این باب، با افزودن حرف مضارعه به اوّل ماضی آن ساخته می‌شود.
۳. فعل امر حاضر این باب، با حذف حرف مضارعه و تغییراتی که در آخر فعل امر ایجاد می‌شود، و مصدر آن بر وزن «تَفَعَّلُ» ساخته می‌شود.

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های **تَنْزَلُ**، **يَنْزِلُ** و ۶ صیغه فعل **تَنْزَلُ** (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد» از باب تَفَعَّلَ را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **تَخَافُونَ أَنْ يَخْتَفِكُمْ النَّاسُ فَأَوَاكُمُ وَأَيُّدِكُمْ بِنَصْرِهِ.** (انفال: ۲۶)

۲. **قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيَّةِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ.** (توبه: ۵۲)

۳. **فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ.** (توبه: ۱۱۴)

۴. **فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.** (توبه: ۱۲۹)

٥. وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ. (ابراهيم:٧)
٦. يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ. (نور:٣٧)
٧. وَيَوْمَ تَشْتَقِقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنَزَلَ الْمَلَائِكَةُ نَزِيرًا. (فرقان:٢٥)
٨. أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ... (روم:٨)
٩. وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِتُّدِ يَتَفَرَّقُونَ. (روم:١٤)
١٠. مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِّن وَّلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ. (سجده:٤)
١١. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ. (مجادله:١١)
١٢. وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا. (مزمل:٨)

دعای کمیل (۲)



در این درس با بخشی دیگر از دعای شریف کمیل آشنا می‌شوید. در آغاز، امام علی (علیه السلام) با استعانت از ذکر الهی به خداوند تقرب می‌جوید و در مقام انقطاع از همه شفیعیان، از خدا درخواست شفاعت می‌نماید (اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَاسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ).

معنای شفاعت

یکی از آموزه‌های دینی که برگرفته از قرآن و روایات است، مسأله شفاعت است. کلمه «شفاعت» از «شفع» به معنای جفت و زوج گرفته شده است. شفاعت در اصطلاح، جفت شدن و ضمیمه شدن اعمال انسان با وساطت شفیع، برای تکمیل و جبران آن اعمال است. گاهی ارزش کارهای ما آنچنان کم است که شفیعیان نیز توان جبران کاستی‌ها و اجازه شفاعت را ندارند، در این هنگام چشم امید بندگان، تنها به خداوند ارحم الراحمین دوخته است که با لطف خود، کالای کم‌ارزش آنان را بها ببخشند و خود شفیع آنان گردد! مرحوم صدرالمتألهین می‌گوید: در حدیث صحیح وارد شده است که [پس از ناتوانی همه شفیعیان] آخرین کسی که شفاعت می‌کند خدای ارحم الراحمین است.^۱

۱. تفسیر القرآن الکریم، ملاصدرا، ج ۱، ص ۳۷۵.

درخواست مقام قرب

در عبارت بعدی دعا، آن حضرت از خداوند به حق جود و بخشش او، درخواست رسیدن به مقام قرب الهی می‌کند (وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ، أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ). برترین مقام و آخرین مرتبه سالکان، قرب الهی است. در قرآن کریم، آیاتی در مدح مقرّبان و جایگاه شایسته آنان در بهشت آمده است.^۱

راه رسیدن به قرب الهی

در روایات اهل بیت راه رسیدن به قرب الهی بیان شده است. در روایت مشهور قرب نوافل از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس به ولیّ من اهانت کند برای جنگ با من به کمین نشسته است. هیچ بنده‌ای نمی‌تواند با وسیله‌ای دوست‌داشتنی‌تر از آنچه بر او واجب کرده‌ام به قرب من نائل شود. [بنده من] با انجام نوافل و مستحبات به من نزدیک می‌شود تا اینکه او را دوست می‌دارم. هنگامی که دوستش داشتم، گوش او خواهم بود که با او می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و زبانش می‌شوم که با آن سخن می‌گوید و دست او می‌شوم که با آن می‌گیرد یا می‌زند. اگر مرا بخواند او را اجابت می‌کنم و اگر از من چیزی درخواست کند به او می‌بخشم...^۲

توفیق شکر

وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ؛ در این بخش از دعا، امام (علیه السلام) از خدا توفیق شکرگزاری می‌طلبد.

۱. مطفین، آیه ۲۸؛ واقعه، آیه ۸۸

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

کلمه «وزع» به معنای بازداشتن است و در فرهنگ‌های لغت، «ایزاع» را «الهام کردن، وادار کردن» معنا کرده‌اند.^۱ در حقیقت با توجه به ریشه آن (وزع) معنای عبارت دعا این است: خدایا مرا از همه چیز به جز شکر کردن باز بدار. از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است که: شکر هر نعمتی، پرهیز از حرام است.^۲

در روایتی دیگر، امام جعفر صادق (علیه السلام)، شکر نعمت را در دوری گزیدن از امور حرام و کمال شکر را در گفتن «الحمد لله رب العالمین» دانسته است.^۳

خواسته بعدی، آن است که خداوند یاد و ذکر خود را به دل ما بیفکند (وَأَنْ تُلْهِمَنِي

ذِكْرَكَ).

آنگاه امام خاشعان، از آستان ربوبی با خضوع و خشوع، درخواست بخشش و رحمت نموده، دست‌یابی به مقام رضایت و قناعت به آنچه مقدر کرده است و نیز

تواضع و فروتنی در همه حالات را طلب می‌نماید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ

مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَاحِنِي وَ تَرْحَمَنِي، وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

مُتَوَاضِعًا).

امام علی (علیه السلام) در بخش بعدی دعا، در پیشگاه معبود کریم، با کلماتی سخن می‌گوید که حکایت از احساس نیاز به لطف خدا و دلی آکنده از باور به روا شدن حاجت‌ها

در سخت‌ترین شرایط و امید به دست‌یابی به بزرگ‌ترین خواسته‌ها نزد او دارد (اللَّهُمَّ

وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَشَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ

رَغْبَتُهُ).

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۶۸.

۲. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۹۵.

سپس همصدا با امیرمؤمنان، خداوند را به عظمت حکومت و بلندی مکانت و پنهانی تدبیر و مکر و فرمان آشکار و چیرگی و جاری بودن قدرت او بر عالم می‌ستاییم و اعتراف می‌کنیم که گریزی از گستره حکومت او نیست (اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ، وَ عَلَا مَكَانُكَ، وَ خَفِيَ مَكْرُكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ غَلَبَ قَهْرُكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَ لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ).

تأملی در معنای مکر

مفهوم پنهان بودن تدبیر و مکر خدا را با تأمل در معنای «مکر» باید جست‌وجو کرد. راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد: مکر، بازداشتن کسی از مقصود او است.^۱ در زبان عربی، به هرگونه تدبیر و چاره‌اندیشی مکر گفته می‌شود، به این جهت در قرآن کریم علاوه بر اینکه «مکر» به خدا نسبت داده شده است، از حيله و مکر دشمنان دین به «مکر بد»^۲ تعبیر شده است. البته مکر خدا، همان تدبیر الهی است ولی مکر بدکاران، فریبکاری خباثت‌آمیز است.

هشدار نسبت به مکر الهی

در نظام آفرینش هر کاری، بازتابی متناسب با خود در این جهان و عالم آخرت خواهد داشت. اگر با عصیان و سرپیچی از فرمان خداوند به خود ستم کنیم، تدبیر الهی به شکلی گریبان ما را خواهد گرفت. البته مکر و تدبیر الهی برای کسانی که آنچنان سرگرم دنیا شده‌اند که خدا را فراموش کرده‌اند به شکلی پنهان و نامحسوس رقم می‌خورد. در آیات قرآن^۳ و روایات، ما را از احساس امنیت نسبت به مکر الهی

۱. مفردات راغب، ص ۷۷۲.

۲. فاطر، آیه ۴۳.

۳. اعراف، آیه ۹۹.

بر حذر داشته‌اند. امام جعفر صادق علیه السلام احساس امنیت نسبت به مکر الهی را از گناهان کبیره شمرده است.^۱

سید الساجدین علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که شیطان ملعون، شما را به شهوات و لذات زودگذر این دنیا فرا می‌خواند، خود را از مکر خدا و شدت عذاب او در امان ندانید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: کسانی که تقوای خدا را پیشه کرده‌اند هرگاه گروهی از شیطان‌ها به سراغ آنان بیایند متذکر و بینا می‌شوند! پس دل‌هایتان را از ترس خدا آگاه کنید و به وعده ثواب نیک الهی متذکر شوید هم‌چنان که شما را از کیفر سخت ترسانده است! زیرا هر که از چیزی بترسد از آن می‌پرهیزد و کسی که از چیزی بپرهیزد، آن را از خود دور می‌کند. پس از غافلان مباشید که به زینت زندگی دنیا بگرایی و از کسانی شوی که به بدی مکر کردند...

برحذر باشید از آنچه خدا شما را با حذر داشته است و پند بگیرید از سرنوشت ستمگران که در کتاب خدا آمده است، و خود را در امان مپندارید از بخشی از آنچه در کتاب خدا به گروه ستمکار وعده داده شده است. قطعاً خداوند شما را با حکایت سرنوشت دیگران موعظه کرده است و خوشبخت کسی است که به واسطه دیگران موعظه شود و خدا در کتاب خود به شما خبر داده است که با ستمکاران پیشین چه کرده است.^۲

اعتراف به ظلم و گستاخی

در این قسمت از دعا، امام علیه السلام خدا را به عنوان یگانه کسی که آمرزنده گناهان و پوشاننده زشت‌کاری‌هاست می‌خواند، هم او که کارهای زشت را به نیکی تبدیل می‌کند. آن امام به ما می‌آموزد که پس از خواندن خدا به یگانگی و بعد از تسبیح و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۴۳.

حمد او، به ستمی که بر خود کرده‌ایم و گستاخیی که در برابر مولایمان مرتکب شده‌ایم، اعتراف کنیم و بگوییم: تویی که مرا از دیرباز یاد کرده‌ای و منت و نعمت بخشی دیرینت را بر گردنم احساس می‌کنم: **(اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ. ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَ تَجَرَّاتُ بِجَهْلِي).**

سبب ظلم و گستاخی

در عبارت **وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ** ظلم به خود و گستاخی در گناهکاری، آرامش خاطر از دوام نعمت‌های خدا بر خویش معرفی شده است. زیرا انسان از نخستین روزهای دوران جنین، در سایه لطف و امتنان الهی پرورده شده است. کودکی را در سایه نعمت‌های بی‌دریغ الهی به نوجوانی و جوانی رسانیده است و گناهان و خطاها، ذره‌ای از احسان خدا نسبت به او نکاسته است، این ریزش نعمت‌های بی‌پاسخ خیال او را آسوده کرده است، گویا تخلف از فرمان معبود، ذره‌ای آسیب به او نخواهد رساند. این شد که او را به ورطه جسارت در مقابل خدای پرمهر افکند! اما اکنون به درگاهش آمده است، تا از پشیمانی خود با آن خدای کریم سخن بگوید.

این جملات شیرین که بر زبان گنهکار جاری می‌شود و رحمت خدا را بهانه سرپیچی از فرمان خدا می‌شمارد، تنها در مقام دعا و برای جلب رحمت خداست نه آنکه حقی برای انسان خطاکار ثابت باشد و کیفر او را ناروا بداند.

دعای کمیل (۳)



اللَّهُمَّ مَوْلَايَ، كَرَّمْ مِنْ قَبِيحِ سِتْرَتِهِ، وَ كَرَّمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَ كَرَّمْ مِنْ عِتَارِ

وَقَيْتِهِ، وَ كَرَّمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَ كَرَّمْ مِنْ ثَنَاءِ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ!

اللَّهُمَّ عَظْمَ بِلَائِي، وَ أَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي، وَ قَصْرَتَ بِي أَعْمَالِي، وَ قَعَدَتَ بِي أَعْلَالِي،

وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفْسِي بِجِنَائَتِهَا وَ مَطَالِي.

يَا سَيِّدِي، فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ، أَنْ لَا يَجُوبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَ فِعَالِي، وَ

لَا تَفْضَحْنِي بِجَنِّي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ

فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي، وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي، وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
جمع «خَلَوَةٌ: تنهایی - خلوت»	خَلَوَات	۵	بدرفتاری	إِسَاءَةٌ	۱
دور کردی - دفع کردی	دَفَعْتَ	۶	کوتاهی کردن - تقصیر	تَقْرِيْبُ	۲
استمرار	دَوَام	۷	جنایت	جِنَايَةٌ	۳
پوشاندی	سَتَرْتَ	۸	مانع شد - بازداشت	حَبَسَ	۴

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
زیادی - فراوانی	كَثْرَةٌ	۱۳	کیفر - عقوبت	عُقُوبَةٌ	۹
ناخوشایند	مَكْرُوهٌ	۱۴	انجام دادم - عمل کردم	عَمَلْتُ	۱۰
			غفلت - ناآگاهی	غَفْلَةٌ	۱۱
			کار	فِعْلٌ	۱۲

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
اندک بود - کوتاه بود	قَصُرَتْ	۱۱	آگاهی یافتی - اطلاع یافتی	إِطَّلَعْتَ	۱
زمین گیر کرد	قَعَدَتْ بِـِ	۱۲	جمع «غُلّ: طوق آهنی»	أَغْلَالٌ	۲
چه بسیار - چقدر	كَمْ	۱۳	از حد گذراند	أَفْرَطَ	۳
عجله نکن - شتاب نکن	لَا تُعَاجِلْ	۱۴	گرداندی	أَقَلَّتْ	۴
رسوا نکن	لَا تَفْضَحْ	۱۵	آرزو	أَمَلَ	۵
مانع نمی شود	لَا يَجِبُ	۱۶	فریب داد	خَدَعْتَ	۶
نبودم	لَسْتُ	۱۷	پنهان	خَفِيَ	۷
سهل انگاری	مِطَالٌ	۱۸	لغزش	عَثَارٌ	۸
نگه داشتی	وَقَيْتَ	۱۹	سنگین	فَادِحٌ	۹
			جمع «فعل: کار»	فِعَالٌ	۱۰

*** تمرین و پرسش**

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. **قَصْرَتْ - قَعَدَتْ بِ- خَدَعَتْ :**

- الف - اندک بود - زمین‌گیر کرد - فریب داد
- ب - کوتاه بود - نشست - خدعه کرد

۲. **اَطَّلَعَتْ - اَقَلَّتْ - وَقَيْتَ :**

- الف - اطلاع یافتی - گرداندی - نگه داشتی
- ب - اطلاع یافت - گرداند - نگه داشت

۳. **فَادِح - كَم - عِثَار :**

- الف - سبک - خیلی کم - سازش
- ب - سنگین - چه بسیار - لغزش

۴. **لَا تُعَاجِلْ - لَا تَفْضَحْ - لَا يُحْجِبُ :**

- الف - عجله نکن - رسوا نکن - مانع نشو
- ب - عجله نکن - رسوا نکن - مانع نمی‌شود

۵. **أَمَل - مِطَال - إِسَاءَةٌ :**

- الف - آرزو - سهل‌انگاری - بدرفتاری
- ب - کار - طول دادن - بدرفتاری

۶. **أَفْرَطَ - لَسْتُ - تَفْرِيط :**

- الف - کوتاه آمد - نیستم - از حد گذراندن
- ب - از حد گذراند - نبودم - کوتاهی کردن

۷. **أَغْلَالٌ - فِعَالٌ - خَلَوَاتٌ :**

- الف - طوق‌های آهنی - کارها - تنهایی‌ها
- ب - ناجور - فَعَالِيَّتٌ - خالی و نداری

۸. **خَنِيٌّ - مَكْرُوهٌ - غَفْلَةٌ :**

- الف - پنهان - ناخوشایند - ناآگاهی‌ها
- ب - ترس - نزدیک به حرام - خطا

۹. **سَتْرَةٌ - دَفَعَتْ - حَبَسَ :**

- الف - نوشتی - دفاع کردی - مانع
- ب - پوشاندی - دفع کردی - مانع شد

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **اللَّهُمَّ مَوْلَايَ، كَرُّ مِنْ أَقْبِحِ سَتْرَتِهِ:**

- الف - خدا و سرور من! آیا کم است زشتی که پوشانده‌ای
- ب - خدایا، سرور من! چه بسیار کار زشتی که پوشاندی آن را

۲. **وَ كَرُّ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ:**

- الف - و چه بسیار ناخوشایندی را که دور کردی آن را
- ب - و چقدر حوادث ناگواری را که دفع کنی آن را

۳. **اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَايِي، وَ أَفْرَطَ بِي سُوءٌ حَالِي:**

- الف - خدایا، چقدر بزرگ است بلای من، و زیاد شد حال بد من
- ب - خدایا، بزرگ است بلای من، و از حد گذراند نسبت به من بدی حالم

۱. «مِنْ» در ترکیب «كَرُّ مِنْ» در این عبارت و مشابه آن، زایده است و ترجمه نمی‌شود.

۴. **وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفْسِي بِجَنَائِبِهَا وَ مَطَالِي:**

- الف- و فریب داد مرا دنیا با فرییش، و (فریب داد مرا) نفسم با جنایتش و سهل انگاری ام
- ب- و مغرور ساخت مرا دنیا با فرییش، و نفسم با جنایتش و کش دادنم

۵. **وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي:**

- الف- و شتاب نکن (درباره) من به کیفر، بر آنچه انجام دادم آن را در خلوت هایم
- ب- و عجله نکن در کیفر من، به سبب آنچه انجام دادم در خلوتم

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	كَمْ مِنْ ^۱ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلَّتُهُ	
۲	كَمْ مِنْ ^۲ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ	
۳	وَ قَصُرْتُ فِي أَعْمَالِي	
۴	وَ قَعَدْتُ فِي أَغْلَالِي	
۵	يَا سَيِّدِي، فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ	
۶	أَنَّ لَا يَحْجُبُ عَنْكَ دُعَائِي	
۷	سُوءٌ عَمَلِي وَ فِعَالِي	
۸	وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ	
۹	وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ	
۱۰	مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي	

۱ و ۲. «مِنْ» در این دو عبارت و موارد مشابه، زایده است و ترجمه نمی شود.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **وَ كَرُمٍ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ، وَ كَرَمٍ مِنْ عِثَارٍ وَقِيَّتِهِ:**

و سنگین از بلا (بلاهای سنگین) که آن را، و چه بسیار
که آن را [از من].

۲. **وَ كَرَمٍ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ لُشْرَتُهُ:**

و مدح که شایسته برای آن (و) آن را.

۳. **وَ قَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي، وَ قَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي، وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي:**

و نسبت به (وظیفه) من، و مرا (گردن)م،
و مرا از دوری

۴. **وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَيِّْ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي :**

و مرا با آنچه بر آن از

۵. **مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي، وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي، وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي:**

از من و، و استمرار و، و زیادی و غفلتم.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه نمایید.

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید (۴)



باب اِفْتَعَال

برای شناخت ساختار افعال ماضی و مضارع و مصدر این باب به جدول زیر

توجه کنید:

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
اِكْتِسَاب	يَكْتَسِبُ	اِكْتَسَبَ
اِنتِصَار	يَنْتَصِرُ	اِنْتَصَرَ
اِسْتِمَاع	يَسْتَمِعُ	اِسْتَمَعَ
اِتِّبَاع	يَتَّبِعُ	اِتَّبَعَ

فعل ماضی افعال جدول بالا، با «ا» آغاز می‌شود و پس از حرف اوّل اصلی

(ریشه)، حرف «ت» اضافه شده است. مثلاً: فعل ثلاثی مجرد «كَسَبَ»، هنگامی که به

باب اِفْتَعَال برده می‌شود، ابتدا الف به اوّل آن اضافه می‌شود و بعد از حرف اوّل

اصلی که «ک» است، حرف «ت» اضافه می‌شود.

فعل مضارع افعال جدول، با افزودن حرف مضارعه به جای الف زائدهٔ اوّل فعل ماضی، ساخته شده و مصدر آنها بر وزن **اِفْتَعَلَ**، ساخته شده است. مثلاً: از فعل ماضی **اِکْتَسَبَ** با تغییر «ا» به حرف مضارعه، می‌توان فعل مضارع ساخت: **يَكْتَسِبُ**.

به عبارت دیگر می‌توان وزن افعال ماضی، مضارع و مصدر را در سه ستون جدول بالا، به این ترتیب ذکر نمود: **اِفْتَعَلَ، يَفْتَعِلُ، اِفْتَعَالٌ**.

فعل امر حاضر این باب، با تبدیل حرف مضارعه، به همزهٔ مکسور و تغییراتی که در آخر فعل ایجاد می‌گردد، ساخته می‌شود:

تُكْتَسِبُ ← اِكْتَسِبْ ؛ تَكْتَسِبُونَ ← اِكْتَسِبُوا.

به فاطر بسپارید

فعل ماضی باب **اِفْتَعَالَ**، با افزودن «ا» به اوّل فعل ثلاثی مجرد، سپس اضافه نمودن حرف «ت» بعد از حرف اوّل اصلی، ساخته می‌شود. فعل مضارع، با افزودن حرف مضارعه به جای «ا» زائدهٔ ماضی آن، و فعل امر حاضر آن با تبدیل حرف مضارعه به همزهٔ مکسور و تغییراتی که در آخر فعل امر ایجاد می‌گردد، ساخته می‌شود. مصدر این باب بر وزن **اِفْتَعَالَ** است.

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «اِسْتَمَعَ»، «اِيسْتَمَعُ» و ۶ صیغه فعل «اِسْتَمِعَ» (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد، مصدر» از باب **اِفْتَعَالَ** را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبَرًا مِّنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤْا مِنَّا...** (بقره: ۱۶۷)

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ.

(بقره: ۱۶۸)

۳. إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ^۱ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ...

(بقره: ۱۷۴)

۴. وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ ...

(بقره: ۲۱۳)

۵. وَلَا تَتَّخِذُوا^۲ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.

(بقره: ۲۳۱)

۶. وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا ... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ.

(بقره: ۲۵۳)

۷. لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ.

(بقره: ۲۸۶)

۸. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً.

(آل عمران: ۱۰۳)

۹. لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ.

(نساء: ۳۲)

۱۰. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا.

(نساء: ۸۲)

۱. یَشْتَرُونَ در اصل یَشْتَرُونَ بوده است که «ی» حذف شده است.

۲. لَا تَتَّخِذُوا در اصل لَا تَوَتَّخِذُوا بوده که «و» تبدیل به «ت» و در «ت» ادغام شده (لَا تَتَّخِذُوا).

دعای کمیل (۳)



شمارش الطاف الهی

برشمردن الطاف خدا بر ما گنهکاران، علاوه بر آن که نوعی اعتراف به جرم و خطاست، هشدار برای دعاکننده است که از کرده‌های خود شرم کند و به دامن پرمهر معبود بازگردد. به این جهت در این قسمت از دعا آمده است:

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ، كَرَّمْ مِنْ قَبِيحِ سَتْرَتِهِ، وَ كَرَّمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَ كَرَّمْ مِنْ عَثَارِ وَقَيْتِهِ، وَ كَرَّمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفْعَتِهِ، وَ كَرَّمْ مِنْ ثَنَاءِ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نُشْرَتَهُ؛ چه

کارهای زشتی که از من پوشاندی، و چه بلاهای سنگینی را که از من دفع کردی، و از چه لغزش‌هایی مرا بازداشتی، و چه ناخوشایندهایی را که از من دور کردی، و چه ستایش‌هایی که شایسته آن نبودم و بر زبان مردم به سود پراکندی.

اندکی در عملکرد خود بیندیشیم؛ آیا خود را لایق مدح و ثنای بندگان خدا می‌یابیم؟ ما که بر سر سفره کرم خدای بزرگ، از نعمت‌های بی‌کران او برخورداریم، آیا بندگان قدرشناس و شاکر بوده‌ایم؟ آیا می‌توانیم شکر یکی از نعمت‌های خداوند را آن‌گونه که شایسته است، به‌جا آوریم؟

امام سجاد (علیه السلام) در دعای ابوحمزه ثمالی با تضرع می‌گوید: پس آیا با این زبان ضعیف و ناتوان، قادرم که شکر تو را گویم یا با همه توانم در راه رضایت تو عمل

کنم؟! پروردگارا! زبان بی‌ارزش من چگونه توان شکر تو را دارد و اعمال ناقابل در برابر نعمت‌های بی‌کران و احسان بی‌پایان تو چه ارزشی دارد؟! اگر مردم از نمان ما باخبر شوند، آیا ما را همچنان خواهند ستود؟ این مهربانی پروردگار است که بدی‌های بنده سراپا تقصیر خود را از چشم خلاق می‌پوشاند و او را عزیز دیگران می‌گرداند.

عبارات بعدی دعا، توصیف وخامت حال بندگان گناهکاری است که دست نیاز به سوی ربّ العالمین دراز کرده‌اند: خدایا، بالای من بس بزرگ است و بدحالی‌ام از حد گذشته است و اعمال من ناتوان‌تر از آن است که مرا نجات دهد. وابستگی‌های نابجا مرا زمین‌گیر کرده و آرزوهای دور و دراز مرا از سود و منفعت حقیقی بازداشته است: **(اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَايِي، وَ أَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي، وَ قَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي، وَ قَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي، وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي).**

نکوهش آرزوهای فراوان

آرزوهای دور و دراز، از آن جهت که انسان را از رسیدن به سعادت حقیقی باز می‌دارد، در روایات نکوهش شده است. رسول خدا ﷺ در وصیتی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای علی، چهار خصلت از بدبختی انسان است؛ خشکی چشم [و گریه نکردن از خوف خدا]، سنگدلی، آرزوهای دور و دراز و دوستی ماندن در دنیا.^۱ در بخشی از دعا می‌خوانیم که آرزوهای دور و دراز مرا از دستیابی به آنچه به سود من است بازداشته است.

ممکن است در ذهن دنیازده برخی خطور کند که چگونه آرزوها انسان را از منافع واقعی دور می‌کند؟ چه بسیار آرزوها که مقدمه‌ای برای طراحی زندگی آسوده-

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۵.

تر و لذت بیشتر است! این قضاوت نادرست بدان جهت است که انسان‌ها معمولاً منافع واقعی خود را نمی‌شناسند. برای شناخت سود راستین، و امور سودمند سزاوار است از کلمات معصومان علیهم‌السلام در این زمینه بهره بگیریم.

معاذ بن جبل می‌گوید: در سفری با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه بودیم، گفتم: ای رسول خدا، از آنچه برای ما سودمند است سخن بگو. پیامبر فرمود: اگر زندگی انسان‌های خوشبخت، مرگ شهیدان، نجات در روز محشر، سایه‌بانی برای روز داغ قیامت و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را بیاموزید، زیرا آن کلام خدای بخشنده و سپر مانع از شیطان و مایه سنگینی در ترازوی اعمال است.^۱

وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَ مَطَالِي؛ در این قسمت از دعا از دنیا شکوه می‌کنیم که با فریبکاری به ما نیرنگ زد و از نفس خویش شکایت می‌کنیم که جنایتکارانه ما را فریفت و با سهل‌انگاری، ما را گرفتار کرد و از راه‌یابی به سعادت بازداشت.

درخواست خطاپوشی

سپس از پیشگاه ربوبی می‌خواهیم که: ای آقا و سرور من، به عزتت از تو می‌خواهم که کارهای بد، مانع اجابت دعایم نشود، و مرا به سبب آنچه از سرّ و نهران من می‌دانی رسوا مساز (یا سیدی، فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ، أَنْ لَا يَجُوبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَ فَعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَنِيٍّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي).

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۲.

در دعاهای معصومان، از آستان معبود مهربان، خطاپوشی او بسیار درخواست شده است. در دعایی از امام علی (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: ... ای آنکه مرا بر گناهان می‌بینی و رسوایم نمی‌کنی.^۱

ستار بودن و خطاپوشی خداوند، از رحمت بی‌کران او سرچشمه گرفته است. در همین دعا می‌خوانیم: «تو آنچه را بر فرشتگان پوشیده است شاهد هستی، و به سبب رحمت و لطفت برخی اعمال بد بندگان را از دید ملائکه پنهان داشته‌ای».^۲

شتاب نکردن در کیفر

در آخرین عبارات این درس از خدا می‌خواهیم که کارهای بد، استمرار کوتاهی کردن‌ها و نادانی‌ها، و کثرت خواسته‌های نفسانی و غفلت ما، باعث شتاب او در کیفر دادن نشود. و از سر بزرگواری فرصت دهد تا بدی‌ها را جبران کنیم (وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَىٰ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءٍ فَعَلِيٍّ وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَقْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي).

برای شناخت علت تعجیل در کیفر، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: ای مردم، در هر نعمتی برای خدا حقی است، هر کس آن را ادا کند، خداوند بر آن (نعمت) می‌افزاید و هرکس از ادای آن کوتاهی کند، نعمت را در خطر زوال قرار می‌دهد و به فرارسیدن کیفر شتاب می‌بخشد. پس، باید خداوند شما را از (زوال) نعمت‌ها نگران ببیند، همان‌گونه که از گناهان، ترسانتان می‌بیند.^۳

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۰.

۲. وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ.

۳. میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۲۵۸.

دعای کمیل (۴)



وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي، فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا.

إِلَهِي وَ رَبِّي، مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي؟

إِلَهِي وَ مَوْلَايَ، أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَ لَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ

تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى، وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ

مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ،

وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَ أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ.

وَ قَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي، بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَدِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا

مُسْتَقْبِلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَ

لَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِدْخَالَكَ إِلَيَّ فِي سَعَةٍ

رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّني مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
بسیار مهربان	عَطُوفٌ	۹	پیروی کردم	اتَّبَعْتُ	۱
پذیرش - قبول	قَبُولٌ	۱۰	وارد کردن	ادْخَالَ	۲
آمرزش خواه - استغفار کننده	مُسْتَغْفِرٌ	۱۱	رحم کن	ارْحَمْ	۳
اعتراف کننده	مُعْتَرِفٌ	۱۲	زیاده‌روی	اسْرَافٌ	۴
گریز - راه فرار	مَفْرٌ	۱۳	جمع: «امر: فرمان - امر»	اوامِرٌ	۵
اقرار کننده - اعتراف کننده	مُقِرٌّ	۱۴	آرایشگری - آرایش - تزیین	تَزْيِينٌ	۶
پشیمان - نادم	نَادِمٌ	۱۵	کوتاهی کردن - تقصیر	تَقْصِيرٌ	۷
نظر - نگریستن	نَظْرٌ	۱۶	عذر - پوزش	عُذْرٌ	۸

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
برطرف کردن	كَشَفٌ	۱۰	آمدن	اَتَيْتُ	۱
مواظبت نکردم - پاسداری نکردم	لَمْ اَحْتَرِسْ	۱۱	مقرر کردی - جاری کردی	اَجْرَيْتَ	۲
اذعان کننده - اقرار کننده	مُدْعِنٌ	۱۲	مساعدت کرد - کمک کرد	اَسْعَدَ	۳
بخشش خواه	مُسْتَقْبِلٌ	۱۳	هوس داشت - دوست داشت	اَهْوَى	۴
عذر خواه	مُعْتَذِرٌ	۱۴	تجاوز کردم	تَجَاوَزْتُ	۵
سرشکسته - شکسته	مُنْكَسِرٌ	۱۵	مخالفت کردم	خَالَفْتُ	۶
بازگشت کننده	مُنِيبٌ	۱۶	محکم - محکم کردن	شَدَّ	۷
بند	وَأَقٌ	۱۷	پریشانی - بدحالی - زیان	ضُرٌّ	۸
			مغرور کرد - فریب داد	غَرَّ	۹

*** تمرین و پرسش**

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. **أَتَيْتُ - تَجَاوَزْتُ - خَالَفْتُ :**

- الف - آوردم - تجاوز می‌کنم - مخالفت کردم
- ب - آمدم - تجاوز کردم - مخالفت کردم

۲. **مُعْتَذِرٌ - مُنْكَسِرٌ - مُسْتَقِيلٌ :**

- الف - عذرخواه - سرشکسته - بخشش خواه
- ب - پوزش - ورشکسته - با گذشت

۳. **وَثَاقٌ - شَدٌّ - ضَرٌّْ :**

- الف - بند - محکم - بدحالی
- ب - اطمینان - سختی - زیان‌رسان

۴. **مُدْعِنٌ - مُسْتَغْفِرٌ - مُنِيبٌ :**

- الف - اعتراف کردن - آمرزش خواستن - بازگشت
- ب - اذعان کننده - آمرزش خواه - بازگشت کننده

۵. **أَسْعَدَ - أَهْوَى - غَرَّ :**

- الف - کمک کرد - هوس داشت - مغرور کرد
- ب - سعادت‌مند شد - هوسران - مغرور گردید

۶. **أَجْرِيَتْ - تَزَيَّنَ - لَمَّا أَحْتَرَسَ :**

- الف - مقرر شد - آراستن - مواظبت نکرد
- ب - مقرر کردی - آرایشگری - مواظبت نکردم

۷. **كَشَفَ - عَطُوفَ - مَفَرَّ :**

- الف - برطرف کردن - بسیار مهربان - راه فرار
- ب - بدست آوردن - ضمیمه کردن - فرار

۸. **مُعْتَرَفٌ - تَقْصِيرٌ - مُقَرَّرٌ :**

- الف - اعتراف کننده - کوتاهی کردن - اقرار کننده
- ب - شناخته شده - کوتاهی - به اقرار وادار کردن

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي، فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا:**

- الف - باش - خدایا - سوگند به عزتت، برای من، در همه حالها پرمهر
- ب - می باشی تو - ای خدا - به سبب عزت خود، در تمام حالها مهربان

۲. **أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي:**

- الف - مقرر کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن هوای نفسم را
- ب - جاری ساختی بر علیه من حکمی را که پیروی کنم از هوای نفسم

۳. **فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ:**

- الف - پس تجاوز من به سبب آن بود که جاری شد بر علیه من از آن (حکم) برخی از حدود تو
- ب - پس تجاوز کردم به سبب آنچه جاری شد بر من از آن (قضایا و حوادث) برخی از حدود تو

۴. **وَ قَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي، بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي:**

- الف - و قطعاً آمدم (به سوی) تو - ای خدای من - ، پس از آن کوتاهی کردم و زیاده روی من بر خودم
- ب - و قطعاً آوردم به محضرت - ای خدا - (عذر تقصیر)، پس از کوتاهییم و اسرافم در کارم

۵. لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا:



الف- وجود ندارد مفری از آنچه سر زد از من، و نه پناهی



ب- نمی‌یابم راه فراری از آنچه بود از من، و نه پناهگاهی

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارت‌های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	وَأَسْعَدُهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ الْقَضَاءِ	
۲	فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ ذَٰلِكَ ^۱	
۳	وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ	
۴	فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَٰلِكَ	
۵	وَأَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ	
۶	لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي	
۷	أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي	
۸	غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي	
۹	وَأَدْخَلَكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ	

۱. ذَٰلِكَ: آن (فضایا و حوادث)

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. إلهي وربِّي، مَنْ لِي غَيْرِكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي:

..... و پروردگارم، جز تو، که از او پریشانی‌ام،
و در کارم را؟

۲. وَ لَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى:

و در آن از دشمنم، پس مرا به وسیله آنچه

۳. وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَ الْأَمْرَ حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ:

و برای من در آنچه بر من در آن، و مرا تو و
..... تو.

۴. مُعْتَذِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلاً، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا:

(در حالی که)، پشیمان،،، آمرزش خواه،، اقرارکننده،
..... (و) اعتراف کننده هستم.

۵. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُدْرِي، وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَ فُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي:

پس خدایا، عذر مرا، و به سختی، و مرا از بند

تمرین ۵. عبارات درس را کلمه به کلمه ترجمه کنید.

❖ ابواب ثلاثی مزید (۵)

باب اِنْفَعَال

این باب دارای معنای «لازم» است. برای آشنایی با ساختار باب «اِنْفَعَال»، افعال ماضی، مضارع و مصدر را در جدول زیر ملاحظه و با فعل ثلاثی مجرد مقایسه کنید.

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
اِنْفِجَارٌ	يَنْفَجِرُ	اِنْفَجَرَ
اِنْقِلَابٌ	يَنْقَلِبُ	اِنْقَلَبَ
اِنْفِصَامٌ	يَنْفِصِمُ	اِنْفَصَمَ
اِنْبِغَاءٌ	يَنْبَغِي	اِنْبَغَى

با مقایسه افعال جدول با فعل‌های مجرد آنها می‌توان به ساختار فعل‌های ماضی و مضارع باب «اِنْفَعَال» پی برد؛ نخستین فعل جدول، فعلی ثلاثی است و ریشه آن «ف ج ر» است که فعل ثلاثی مجرد آن «فَجَّرَ» می‌باشد. به اول فعل ماضی مجرد، دو حرف «ا» و «ن» اضافه شده است. در فعل مضارع آن «ا» زائد حذف شده و به جای آن حرف مضارعه «ی» اضافه شده است. سه فعل بعدی جدول نیز، به همین شکل ساخته شده است. به عبارت دیگر فعل ماضی باب اِنْفَعَال بر وزن «اِنْفَعَلَّ» و فعل مضارع آن بر وزن «يَنْفَعِلُ» و مصدر آن بر وزن «اِنْفَعَال» می‌باشد.

به قاطر بسپارید

۱. فعل ماضی باب **انفعال**، با افزودن «**ان**» به اوّل فعل ثلاثی مجرد، و فعل مضارع این باب، با افزودن حرف مضارعه به جای «ا» زائده ماضی آن ساخته می‌شود.
۲. فعل امر حاضر این باب، با تبدیل حرف مضارعه به همزه مکسور و تغییراتی که در آخر فعل امر داده می‌شود، ساخته می‌شود و مصدر آن بر وزن «**انفعال**» است.

* تمرین

- الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «**انقلب**»، «**ینقلب**» و ۶ صیغه فعل «**انقلب**» (فعل امر حاضر) را صرف کنید.
- ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد، مصدر» از باب **انفعال** را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ ...**

(توبه: ۴۶)

۲. **ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ.**

(توبه: ۱۲۷)

۳. **فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بَغَيْرِ نَفْسِي لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا.**

(کهف: ۷۴)

۴. تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشِقُ^۱ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا. (مريم: ۹۰)
۵. فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ. (شعراء: ۶۳)
۶. وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. (شعراء: ۲۲۷)
۷. سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ. (فتح: ۱۵)
۸. هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا^۲ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ. (منافقون: ۷)
۹. انطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ. (مرسلات: ۲۹)
۱۰. إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ. (انفطار: ۱)

۱. در اصل، «تَنْشِقُ» بوده است.

۲. در اصل «يَنْفَضُوا» بوده است.

دعای کمیل (۴)



در این درس، بخش‌هایی دیگر از دعای شریف کمیل را می‌آموزیم. در نخستین بخش، بنده گنهکار از خدای آمرزنده می‌خواهد که: **وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي، فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا؛** خدایا، به عزتت در همه احوال، نسبت به من پرمهر باش و در همه امور مرا در سایه عطوفت خود قرار بده.

سپس از معبودش درخواست می‌کند که پریشانی و بدحالی را از او بزدايد و از سر لطف، بر او نظر نماید (إِلَهِي وَ رَبِّي، مَنْ لِي غَيْرِكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي)

راه‌های جلب نظر خدا

در روایات معصومین علیهم‌السلام، هرگاه تعبیر «نظر» خداوند مطرح می‌شود منظور، عنایت و لطف خداوند است. برای جلب نظر رحمت و لطف او سفارش‌هایی شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. گرامی داشتن برادر دینی: امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرکس دین خدا را بزرگ بدارد، حق برادرانش را بزرگ می‌شمارد و هرکس دین را سبک بشمارد برادران مؤمن خود را سبک می‌شمارد، آنگاه فرمود: شخصی سلمان فارسی را به میهمانی دعوت کرد. او گفت: من تنها نیستم و این دعوت را در صورتی که که به همراه

دوستانم باشم می‌پذیرم، میزبان شرط را پذیرفت. هنگامی که بر سر سفره نشستند، سلمان لبخندی زد که مایه شادمانی جمع شد.

میزبان پرسید: ای سلمان سبب خنده تو چیست؟ سلمان گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هر مسلمانی که برادر مسلمانش را، به خاطر خدا گرامی بدارد، خداوند با نگاه لطف به او نظر می‌کند و هر بنده‌ای که مورد نظر خداوند قرار گیرد هرگز عذاب نخواهد شد.^۱

۲. زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه: امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هنگامی که روز عرفه فرا می‌رسد، خداوند به زایران مرقد حسین بن علی (علیه السلام) نظر می‌کند و به آنان می‌فرماید: بازگردید در حالی که گناهان گذشته‌تان آمرزیده شد...^۲

۳. روزی خوردن از دسترنج خویش: از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: هرکس از دسترنج خود روزی بخورد خداوند با رحمت به او نظر می‌کند و هرگز او را عذاب نمی‌کند.^۳

۴. وساطت برای برادر مسلمان: پیامبر ﷺ در بخشی از آخرین خطبه‌ای که در واپسین روزهای زندگانی پربرکتش ایراد نمود، چنین فرمود: هرکس برای برادر مسلمانش وساطت و شفاعتی کند که مورد درخواست او بوده است، خداوند به او نظر می‌کند و بر خداست که او را هرگز عذاب نکند.^۴

۵. قرائت قرآن: رسول خدا سلمان را به قرائت قرآن سفارش نمود، و فرمود: هنگامی که مؤمن قرآن می‌خواند خداوند به او با رحمت نظر می‌کند.^۵

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۵۰.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۴.

۴. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۱.

۵. همان، ج ۸۹، ص ۱۸.

۶. گفتن «یا أرحم الراحمین»: در روایتی آمده است شخصی جمله «یا أرحم الراحمین» را بر زبان جاری می‌کرد، رسول خدا به او فرمود: (در این حال) از خدا حاجت بخواه، زیرا به تو نظر لطف کرده است.^۱

در بخش بعدی دعا، بنده به درگاه مولای خویش چنین اعتراف می‌کند: به جای آنکه از فرمان و حکم تو تبعیت کنم، از هوای نفس پیروی کردم و در مقابل دام‌های فریبنده دشمن، از خود مراقبت نکردم. در نتیجه، نفس با هوس‌های خود، مرا فریب داد و مساعدت قضای الهی مرا گرفتار کرد. به برخی از حدود الهی مجرمانه تجاوز کردم و با بعضی از فرمان‌هایت مخالفت کردم (إِلَهِي وَ مَوْلَايَ، أَجْرِيَتِ عَلِيٍّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّبَنِي بِمَا أَهْوَى، وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ).

به هر تقدیر، در همه آنچه رخ داده است باید تو را ستایش کنم. هیچ توجیهی برای آنچه - بر اساس قضا و حکم تو - بر من روا داشته شده است، ندارم. و حکم و بلای تو بر من لازم و قطعی است (فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيْمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَ أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ).

دام‌های فریب

در آموزه‌های دینی ما، عواملی ذکر شده است که بر سر راه انسان قرار می‌گیرند و او را به انحراف فرامی‌خوانند. برخی از آن عوامل به شرح ذیل می‌باشد:

۱. فریب شیطان: حماد از امام ششم (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: هیچ دلی نیست مگر اینکه برای آن دو گوش است؛ بر یکی از آن دو [گوش] فرشته‌ای راهنما و بر

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۱۹.

دیگری شیطانی فریبکار قرار دارد، یکی فرمان می‌دهد و دیگری بر حذر می‌دارد! شیطان او را به معصیت‌ها فرمان می‌دهد و فرشته او را از آنها باز می‌دارد.^۱

۲. **فریب دنیا:** امام علی علیه السلام فرمود: دنیا و آنچه در آن است بسیار فریبکار است، خود و آنچه در آن است نابود شدنی است، جز تقوا در هیچ یک از توشه‌هایش خیری نیست.^۲

۳. **هوای نفس:** امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فریب دنیا بر زمین می‌زند، فریب هوای نفس خدعه می‌زند، و فریب شیطان وسوسه می‌کند و انسان را به طمع می‌افکند.^۳ و نیز حضرتش فرمود: عقل صاحب لشکر خدا، و هوای نفس فرمانده لشکر شیطان است و نفس آدمی به یکی از این دو جذب می‌شود، هر کدام چیره شوند انسان در حوزه حکومت او خواهد بود.^۴

منظور از عبارت «**أَسْعَدَهُ عَلَىٰ ذَلِكَ الْقَضَاءُ**» آن است که بر اساس سنت‌های الهی، اگر کسی از هوای نفس پیروی کند و فریب شیطان و دنیا را بخورد، به ورطه تباهی سقوط خواهد کرد. و قضای الهی بر اساسی استوار است که نتیجه بدکرداری انسان چنین سرنوشتی شوم خواهد بود. به دیگر سخن، آدمی هرچه بکارد درو می‌کند و نباید توقع داشته باشد که بذر علف هرز، گیاهان مفید و میوه‌های شاداب، به بار آورد.

عوامل بازگرداندن قضا و سرنوشت

در روایات از صدقه و دعا به عنوان عوامل بازگرداندن قضا و سرنوشت قطعی نام برده شده است. در بخشی از سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: ای علی،

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۹۷.

۳. همان.

۴. همان، ج ۷، ص ۴۹۶.

صدقه قضا و سرنوشتی را که قطعی شده است تغییر می‌دهد.^۱ در روایات پرشماری، دعا وسیله‌ای برای ردّ و تغییر سرنوشت و قضای الهی معرفی شده است. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: دعا، سرنوشتی را که قطعی شده است تغییر می‌دهد؛ پس بسیار دعا کن، زیرا دعا کلید هر رحمت و دست‌یابی به هر حاجتی است و آنچه نزد خداست دست‌یافتنی نیست مگر با دعا. و هر دری که کوبه آن بسیار کوبیده شود، به زودی به روی زنده آن گشوده خواهد شد.^۲

در قسمت بعدی دعا، بنده پنهاننده به درگاه خدا، با لحنی آمیخته به اعتراف اظهار می‌دارد که: ای معبود من، پس از همه کوتاهی‌ها و زیاده‌روی‌ها در گناه، پوزش طلبانه اظهار ندامت می‌کنم و با دلی شکسته، درخواست بخشش و آمرزش می‌کنم. خدایا، به گناهانم اقرار می‌کنم. به خطاها و کجروی‌هایم اعتراف دارم و هرگز از آنچه کرده‌ام و وبال گردنم شده، راه گریزی ندارم. پناهگاهی ندارم که به آن رو کنم جز آنکه به پیشگاهت، عذر تقصیر آورم و از تو بخواهم که مرا در دریای پهناور رحمت خود جای دهی. خدایا، پوزش مرا بپذیر و بر رنج و محنت شدید من رحم کن و مرا از بندی که گرفتارش آمده‌ام، رهایی بخش.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶ و ۲۷.

دعای کمیل (۵)



يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي؛ يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي، وَذَكَرِي

وَ تَرْبِيَّتِي، وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي.

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي، أَ تَرَكَ مُعَذِّبِي بِبَارِكٍ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ؟! وَ بَعْدَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ

قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ،

وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي، خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ؟!

هِيَآت، أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، أَوْ تَبْعِدَ مِنْ أَدْنِيَّتِهِ، أَوْ تُشْرِدَ مَنْ

أَوْيَّتِهِ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ وَ رَحْمَتِهِ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
باریکی	دِقَّةٌ	۹	آغاز - نخست	اِبْتِدَاءٌ	۱
ربوبیت - پروردگاری	رُبُوبِيَّةٌ	۱۰	اعتراف - اقرار	اِعْتِرَافٌ	۲
رحم کردی	رَحِمْتَ	۱۱	اعتقاد پیدا کرد - استوار نمود - محکم کرد	اِعْتَقَدَ	۳
نازکی	رِقَّةٌ	۱۲	بزرگوarter	اَكْرَمٌ	۴
ضعف - ناتوانی	ضَعْفٌ	۱۳	پروراندن - تربیت	تَرْبِيَةٌ	۵
نهاد - درون	صَمِيرٌ	۱۴	تغذیه - خوراندن	تَغْذِيَةٌ	۶
کرم - آسان‌بخشی	كَرَمٌ	۱۵	اقرار به یگانگی - یگانه‌پرستی	تَوْحِيدٌ	۷
			پوست (بدن)	جِلْدٌ	۸

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
تباه می کنی	تَضَيِّعٌ	۹	جای دادی - پناه دادی	أَوَيْتَ	۱
تربیت کردی	رَبَّيْتَهُ	۱۰	نزدیک کردی	أَدْنَيْتَ	۲
گذشته	سَالَفٌ	۱۱	پیچیده شد	أَنْطَوَى	۳
استخوان	عَظْمٌ	۱۲	شروع کرد	بَدَأَ	۴
کفایت کردی	كَفَيْتَ	۱۳	دور می کنی	تَبَعِدُ	۵
خو گرفت - مشتاق شد	لَهَجَ	۱۴	دیده می شوی	تُرَى	۶
عذاب کننده	مُعَذِّبٌ	۱۵	تسلیم می کنی	تُسَلِّمُ	۷
دور بود	هَيَّاتَ	۱۶	می رانی - آواره می کنی	تُشْرِدُ	۸

* تمرین و پرسش

تمرین های زیر را به کمک هم گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. **أَوَيْتَ - أَدْنَيْتَ - كَفَيْتَ :**

- الف - جای دادی - نزدیک کردی - کفایت کردی
- ب - جای می دهی - نزدیک می سازی - کفایت می کنی

۲. **تَبَعِدُ - تُسَلِّمُ - تُشْرِدُ :**

- الف - دور می کنی - تسلیم می کنی - می رانی
- ب - دور می شوی - تسلیم می شوی - آواره می شوی

۳. **اِنطَوَى - اِعْتَقَدَ - بَدَأَ :**

- الف - دربرداشت - معتقد بود - شروع
- ب - پیچیده شد - اعتقاد پیدا کرد - شروع کرد

۴. **سَالَفَ - عَظُمَ - هَيَّاتَ :**

- الف - گذشته - استخوان - دور بود
- ب - گذشت کننده - بزرگ - دور

۵. **تُرِي - رَبَّيْتَ - تَضَيَّعَ :**

- الف - می بینی - تربیت می کنی - تباه می کنی
- ب - دیده می شوی - تربیت کردی - تباه می کنی

۶. **لَهَجَ - مُعَذِّبٌ - دِقَّةً :**

- الف - مشتاق شد - عذاب کننده - باریکی
- ب - لهجه گویایی - شکنجه گر - تیزبین

۷. **رِقَّةً - ضَمِيرٌ - اَكْرَمَ :**

- الف - دلسوزی - جایگزین اسم - باکرامت
- ب - نازکی - درون - بزرگوارتر

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **يَا رَبِّ اَرْحَمَ ضَعْفَ بَدْنِي، وَرِقَّةً جِلْدِي:**

- الف - ای پروردگار، رحم کن به ضعف بدن و نازکی پوست بدنم
- ب - ای پروردگار من، رحم کن به ضعف بدنم، و نازکی پوستم

۲. **هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي:**

- الف - ببخش مرا به کرم نخستینت، و نیکی گذشتهات به من
- ب - ببخش بر من به خاطر آغازین کرمت بر من، و گذشته نیکت نسبت به من

۳. **وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ:**

- الف - و پس از آنکه پیچیده شد بر آن، قلب من از (به سبب) شناخت تو
- ب - و بعد از آنکه در برمی گیرد قلب من آن را از معرفت تو

۴. **وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي، خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ:**

- الف - و بعد از اعتراف راستینم، و دعای فروتنانه ام برای ربوبیت تو
- ب - و پس از اعتراف من به صداقت تو، و دعای فروتنانه ام برای ربوبیت تو

۵. **أَوْ تَبَعِدُ مِنْ أَدْنَيْتِهِ، أَوْ تُشْرِدُ مِنْ أَوْيْتِهِ:**

- الف - یا دور کنی کسی را که نزدیک کردی او را، یا برانی کسی را که پناه دادی او را
- ب - یا دور سازی کسی را که نزدیک تو شد، و طرد کنی کسی را که مأوا دادی به او

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ	
۲	وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي	
۳	أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ	
۴	وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ	
۵	وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ	
۶	وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي	
۷	هَيَّاتِ، أَنْتَ أَكْرَمُ	
۸	مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَيْبَتِهِ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي، وَ ذِكْرِي وَ تَرْبِيَّتِي، وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي:**

..... کسی که آفرینش مرا، و و تربیت مرا، (به)
من را و

۲. **أَتْرَكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ:**

آیا تو من با پس از اقرار به

۳. **وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَ اعْتَقَدَهُ صَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ:**

و با آن، از (به سبب) تو، و به آن (توحید)
.....، از (به سبب) تو.

۴. **هَيْهَاتَ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تَضِيعَ مِنْ رَبِّيَّةٍ:**

.....، تو از اینکه کسی را که او را.

۵. **أَوْ تَسْلَمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ وَ رَحْمَتِهِ:**

یا به، کسی را که او را، و به او.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه نمایید.

❖ ابواب ثلاثی مزید (۶)

باب مُفَاعَلَه

کلماتی همچون «مُرَاسَلَة، مَبَارَزَة، مَشَاجِرَة» در فارسی به کار می‌رود. «مُرَاسَلَة» به معنای «با هم نامه نگاری کردن»، «مَبَارَزَة» به معنای «با یکدیگر زورآزمایی کردن» و «مَشَاجِرَة» به معنای «با یکدیگر جرّ و بحث کردن» است. به عبارت دیگر این مصادر که از باب «مُفَاعَلَة» هستند بیانگر «نوعی مشارکت» در دو طرف فعل (فاعل و مفعول) است. برای آشنایی با ساختار باب «مُفَاعَلَة» افعال ماضی، مضارع و مصدر را در جدول زیر ملاحظه کنید و آنها را با فعل مجردشان مقایسه کنید:

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
مُجَاهِدَة	يُجَاهِدُ	جَاهَدَ
مُقَاتَلَة	يُقَاتِلُ	قَاتَلَ
مُخَالَطَة	يُخَالِطُ	خَالَطَ
مُنَافَقَة	يُنَافِقُ	نَافَقَ

با مقایسه افعال جدول با فعل‌های مجرد آنها، می‌توان به ساختار فعل‌های ماضی و مضارع باب «مُفَاعَلَة» پی برد؛ ریشه نخستین فعل جدول «ج ه د» است که فعل ثلاثی مجرد آن «جَهَدَ» می‌باشد. ملاحظه می‌کنید که پس از نخستین حرف فعل

ماضی مجرد، حرف «ا» اضافه شده است و فعل مضارع آن با افزودن حرف مضارعه «ی» به اوّل فعل ماضی ساخته شده است. سه فعل بعدی جدول نیز به همین شکل ساخته شده است. بنا بر این، فعل ماضی باب **مُفَاعَلَةٌ** بر وزن «فَاعَلَّ» و مضارع آن بر وزن «يُفَاعِلُ» و مصدر آن بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» می باشد.

* نکته:

حرف مضارعه (ی، ت، ا، ن) باب «مُفَاعَلَةٌ» مانند فعل مضارع باب اِفعال و تَفَعُّيل، مضموم است.

به خاطر بسپارید

۱. فعل ماضی باب **مُفَاعَلَةٌ**، با افزودن «ا» پس از حرف اوّل فعل ثلاثی مجرد، و فعل مضارع این باب، با افزودن حرف مضارعه به اوّل ماضی آن ساخته می شود.
۲. فعل امر حاضر این باب با حذف حرف مضارعه و تغییراتی که در آخر فعل امر داده می شود، ساخته می شود و مصدر آن بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» است.

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل های «جَاهَدَ»، «يُجَاهِدُ» و ۶ صیغه فعل «جَاهِدُ» (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد، مصدر» از باب مُفَاعَلَةٌ را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ.** (بقره: ۹)

٢. وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ.

(بقره: ١٩١)

٣. وَإِن تَبَدُّوْا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوْهُ يَحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ.

(بقره: ٢٨٤)

٤. إِنْ اللَّهُ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ.

(توبه: ١١١)

٥. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

(توبه: ١٢٣)

٦. الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

(اسراء: ١)

٧. وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.

(اسراء: ٦٤)

٨. إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ.

(فتح: ١٠)

٩. إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ^١ مِنْ وَّرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.

(حجرات: ٤)

١٠. وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا.

(طلاق: ٨)

١. در اصل «يُنَادِيُونَكَ» بوده است.

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای کمیل (۵)



ناتوانی در برابر عذاب

این درس با جملاتی از دعای کمیل آغاز می‌شود که در آن امام علی (علیه السلام) به ناتوانی و بی‌تاب بودن در برابر عذاب الهی اعتراف می‌کند و از پروردگار رحیم، درخواست رحمت می‌کند. همان خدایی که ما را آفرید و پرورش داد و با نیکی به ما خورانید (يَا رَبِّ اَرْحَمَ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي؛ يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي، وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي، وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي) سپس از خداوندی که از آغاز آفریدن بندگان، به آنان نظری کریمانه داشته و با آنان به نیکی رفتار کرده است، تقاضای فضل و بخشش می‌کند (هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَسَالِفِ بَرِّكَ يَا). در ادامه، امام (علیه السلام) در سخنانی برخاسته از اعتقاد به رحمت بی‌کران الهی، او را با کلماتی ترحم برانگیز می‌خواند که: ای معبود و آقا و پروردگارم، آیا ممکن است که با آشت - پس از آنکه به یگانگی تو اعتقاد داشتم - مرا بسوزانی؟! بعد از آنکه دلم به شناخت تو روشن شد و زبانم به ذکر توحید تو مشتاق شد و نهادم از سر محبت، به یگانگی تو معتقد شد، آیا باز هم ممکن است که مرا بسوزانی؟! آیا پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه به درگاه ربوبی تو، مرا خواهی سوزاند؟! (يَا اِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، اَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ؟! وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ صَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي، خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ؟!)

معرفت الهی

در فرهنگ دینی و اسلام ناب، شناخت خداوند اهمّیت ویژه‌ای دارد و بر آن تأکید شده است. برای نمونه به برخی از سخنان امامان معصوم، در این زمینه اشاره می‌شود:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خدا را فقط کسی عبادت می‌کند که او را می‌شناسد، اما کسی که خدا را نمی‌شناسد او را گمراهانه بندگی می‌کند!

راوی می‌گوید از امام پرسیدم: فدایت شوم! معرفت و شناخت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور داشتن خداوند و پیامبرش، ولایت‌پذیری نسبت به علی علیه السلام و پیروی از او و امامان هدایت‌گر، و بیزاری جستن از دشمنانشان به سوی خدا؛ اینچنین خدا شناخته می‌شود.^۱

در این حدیث، امام پنجم عبادت واقعی را در گرو شناخت واقعی خداوند شمرده است. و در بخش پایانی سخن، ولایت پیامبر و رهبران منصوب الهی را شرط تحقق شناخت حقیقی خدا دانسته است. از همین رو در زیارت جامعه کبیره خطاب به رهبران معصوم می‌گوییم: سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا.^۲

جمیل بن درّاج می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم امتیاز و فضیلت شناخت خدا را می‌دانستند، چشم حسرت به بهره‌مندی‌های دشمنان از زرق و برق و نعمت‌های دنیا نمی‌دوختند و دنیای آنان (دشمنان) نزدشان از آنچه پای بر آن می‌گذارند و عبور می‌کنند کمتر و بی‌ارزش‌تر بود. با معرفت خدا متنعم می‌شدند و از آن لذت می‌بردند و همواره در بوستان‌های بهشت با اولیای خدا همراه بودند! معرفت خدای عزوجلّ مونس انسان در هر وحشت و همنشین او در هر تنهایی، و

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. أَلْسَلَامُ عَلَىٰ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ.

روشنایی در دل هر تاریکی است و نیرویی است در برابر هر ناتوانی، و درمان هر دردی است...^۱

محبت خدا

هر بخشی از دعا، ادعا می‌کنیم که به سبب محبت و دوستی خدا، نهاد و جانمان با توحید گره خورده است. برای آنکه بدانیم، محبت خدا چگونه به دست می‌آید، گوشِ دل به سخنان امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌سپاریم: هنگامی که انسان با ایمان از (تعلقات) دنیا تهی شود، اوج می‌گیرد و شیرینی محبت خدا را می‌یابد و نزد اهل دنیا به گونه‌ای است که گویا دیوانه شده است! در حالی که گروه محبان خدا، محبت او با گوشت و پوستشان آمیخته شده است و به چیزی جز او سرگرم نیستند.^۲

خضوع در برابر خدا

در بخشی دیگر از دعا خواندیم، که در مقابل ربوبیت پروردگاران خاضع و فروتن هستیم.

خضوع در پیشگاه خداوندی که تدبیر عالم در دست قدرت اوست، در حقیقت نوعی هماهنگی با همه آفریدگان خداست. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه‌ای بر منبر نماز جمعه، می‌فرماید: ... همه موجودات در برابر عظمت و بزرگی خداوند متواضع و هر چیزی در پیشگاه عزت او خوار است و تسلیم قدرت اوست و استقرار و ثبات همه چیز در مقابل هیبت اوست و همه چیز در برابر فرمانروایی و ربوبیت او خاضع است...^۳

او - هم‌چنین - در وصف انسان مؤمن می‌فرماید: ... متواضعانه راه می‌رود و با فرمانبرداری از پروردگار در همه حالات خاضع و فروتن برای اوست...^۴

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۳۰.

۴. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۳۶۶.

دعای کمیل (۶)



وَلَيْتَ شِعْرِي، يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ، أَسَلُّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ

سَاجِدَةً؟! وَ عَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً؟! وَ عَلَى

قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً؟! وَ عَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ، حَتَّى صَارَتْ

خَاشِعَةً؟! وَ عَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ

مُذْعِنَةً؟! مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ.

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا، وَ مَا يَجْرِي

فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْنُوهٌ، يَسِيرٌ

بِقَاؤُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَ جَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟!!

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
بندگی - بندگی کردن	تَعَبْدٌ	۷	تحمل	اِحْتِمَالٌ	۱
سجده کننده	سَاجِدَةٌ	۸	آمرزش خواستن - استغفار	اِسْتِغْفَارٌ	۲
راستگو - راست	صَادِقَةٌ	۹	جمع «لسان: زبان»	اَللُّسُنُ	۳
جمع «صَمِيرٌ: نهاد - درون»	صَمَائِرٌ	۱۰	جمع «وَطَنٌ: مکان - جایگاه»	اَوْطَانٌ	۴
جمع «عُقُوبَةٌ: کیفر»	عُقُوبَاتٌ	۱۱	ماندگاری - بقا	بَقَاءٌ	۵
کوتاه	قَصِيرٌ	۱۲	مسلط می‌کنی	تَسَلَّطٌ	۶

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
درنگ - توقف	مَكث	۱۶	ستایشگر - مدح کننده	مَادِحَةٌ	۱۳
واقع شدن - انجام شدن	وُقُوعٌ	۱۷	مدت	مُدَّةٌ	۱۴
جاری است	يَجْرِي	۱۸	اذعان کننده - اقرار کننده	مُذْعِنَةٌ	۱۵

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
شتافت	سَعَتْ	۹	خبر داده شدیم	أُخْبِرْنَا	۱
شد - گردید	صَارَتْ	۱۰	اشاره کرد	أَشَارَتْ	۲
فرمانبردار	طَائِعَةٌ	۱۱	اعتراف کرد	إِعْتَرَفَتْ	۳
کاش می دانستم	لَيْتَ شِعْرِي	۱۲	خدایی	إِلَهِيَّةٌ	۴
تصدیق کننده	مُحَقِّقَةٌ	۱۳	بزرگی - سنگینی - بزرگ	جَلِيلٌ	۵
جمع «مَكْرُهَةٌ: ناگواری - ناخوشایندی»	مَكَارِهِ	۱۴	جمع «جَارِحَةٌ: عضو بدن»	جَوَارِحٌ	۶
گویا شد	نَطَقَتْ	۱۵	پر شد	حَوَتْ	۷
این چنین	هَكَذَا	۱۶	فروافتاد	خَرَّتْ	۸

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. سَعَتْ - نَخَرَتْ - نَطَقَتْ :

- الف - شتافت - فروافتاد - گویا شد
- ب - شتافتی - فروافتادی - گویا شدی

۲. قَصِيرٌ - هَكَذَا - جَلِيلٌ :

- الف - کوتاه - این چنین - بزرگی
- ب - مقصّر - این چنین - بزرگ

۳. اَشَارَتْ - اِعْتَرَفَتْ - حَوَتْ :

- الف - اشاره - اعتراف - با محتوا شد
- ب - اشاره کرد - اعتراف کرد - پُر شد

۴. طَائِعَةٌ - مَكَارِهِ - جَوَارِحُ :

- الف - مطیع - ناخوشایند - عضو بدن
- ب - فرمانبردار - ناخوشایندی‌ها - اعضای بدن

۵. صَارَتْ - اُخْبِرْنَا - لَيْتَ شِعْرِي :

- الف - گردید - خبر داده شدیم - کاش می‌دانستم
- ب - سیر کرد - خبردار نکرد ما را - ای کاش بفهم

۶. مُحَقَّقَةٌ - اِحْتِمَالٌ - مَادِحَةٌ :

- الف - تصدیق‌کننده - تحمّل - ستایشگر
- ب - مسلّم - گمان - مدح و ثنا

۷. **الْأَسْنُ - أَوْطَانُ - عُقُوبَاتُ :**

- الف - زبان‌ها - مکان‌ها - کیفرها
- ب - زبانداری - وطن‌ها - سرانجام

۸. **تَسْلُطٌ - تَعَبٌ - مُدْعِنَةٌ :**

- الف - چیره - بندگی - اقرار
- ب - مسلط می‌کنی - بندگی کردن - اقرارکننده

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **وَلَيْتَ شِعْرِي، يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ:**

- الف - و کاش می‌دانستم، ای آقای من و خدای من و سرور من
- ب - و کاش می‌فهمیدم، ای بزرگوار و خدا و مولای من

۲. **وَعَلَى الْأَسْنِ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً:**

- الف - و بر زبان‌هایی که گویا شده‌اند به اقرار به یگانگی تو، (درحالی‌که) راستگو (بوده‌اند)
- ب - و بر زبانی که گویا نمودی بر توحید صادقانه تو

۳. **وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ، حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً:**

- الف - و بر نهادی که پر کردی از علم به خود، تا اینکه فروتن گردید
- ب - و بر نهادهایی که پر شده‌اند از علم به تو، تا شده‌اند فروتن

۴. **مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبَرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ:**

- الف - نیست این چنین گمان به تو، و نه خبر (چنین) داده شده‌ایم به (درمورد) لطف تو از تو
- ب - این گمان نمی‌رود به تو، و خبر ندادند به ما به این گونه لطف، از جانب تو

۵. **وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَىٰ أَهْلِهَا:**

- الف - و آنچه جاری شده در آن از عذاب بر اهلش
 ب - و آنچه را که جاری است در آن از ناگواری‌ها بر اهل آن

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارت‌های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	أَسْلَطُ النَّارَ عَلَىٰ وُجُوهِ	
۲	خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً	
۳	وَبِشْرِكَ مَادِحَةً	
۴	وَعَلَىٰ جَوَارِحَ سَعَتٍ	
۵	إِلَىٰ أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً	
۶	وَأَشَارَتِ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً	
۷	مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ	
۸	عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ	
۹	فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءٍ ^۲ الْآخِرَةِ	
۱۰	وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا	

۱. علی: با.

۲. «ل» در «لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ» ترجمه نشود.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **أَسْلَطُ النَّارَ عَلَىٰ وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً:**

آیا آتش را بر یی که برای سجده کنان.

۲. **وَ عَلَىٰ قُلُوبٍ اعْتَرَفْتَ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً:**

و بر که به تو (درحالی که) (بوده اند).

۳. **وَ عَلَىٰ جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَىٰ أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً:**

و بر شتافته اند. به سوی بندگیت، (درحالی که) (بوده اند).

۴. **وَ أَنْتَ تَعَلَّمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا:**

و تو ناتوانی مرا از دنیا و آن.

۵. **عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بِقَاوُهُ، قَصِيرٌ مَدَّتُهُ:**

یا اینکه بلایی و (امری) است، که اندک است، کم
است، و کوتاه است

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نماید.

❖ ابواب ثلاثی مزید (۷)

باب تَفَاعُل

کلماتی همچون «تعامل، تراضی، تفاخر» در فارسی به کار می‌رود. «تَعَامُلُ» به معنای «با هم معامله و رفتار کردن»، «تَرَاضِي» به معنای «از هم راضی بودن»، «تَفَاخُرُ» به معنای «به یکدیگر فخر فروختن» است. این مصادر که از باب «تَفَاعُلُ» هستند - مانند باب مُفَاعَلَةٌ - بیانگر «نوعی مشارکت» است. البته در این باب، دو طرف به طور مساوی در انجام کار شریک هستند، به عبارت دیگر یکی فاعل و دیگری مفعول نیست؛ بلکه هر دو طرف فعل، فاعل و کننده کار هستند. برای آشنایی با ساختار باب «تَفَاعُلُ»، افعال ماضی، مضارع و مصدر را در جدول زیر ملاحظه کنید و آنها را با فعل مجردشان مقایسه کنید:

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
تَقَاتُلُ	يَتَقَاتَلُ	تَقَاتَلُوا
تَرَاجَعُ	يَتَرَاجَعُ	تَرَاجَعُوا
تَوَاعَدُ	يَتَوَاعَدُ	تَوَاعَدُوا
تَبَارِكُ	يَتَبَارَكُ	تَبَارَكُوا

با مقایسه افعال جدول با فعل‌های مجرد آنها، می‌توان به ساختار فعل‌های ماضی و مضارع باب «تَفَاعُلُ» پی برد؛ ریشه نخستین فعل جدول «ق ت ل» است که فعل ثلاثی مجرد آن «قَتَلَ» می‌باشد. پیش از حرف اوّل فعل ماضی مجرد، حرف «ت» و

پس از آن (حرف اوّل فعل ماضی مجرد) «ا» اضافه شده است. فعل مضارع آن با افزودن حرف مضارعه «ی» به اول فعل ماضی، ساخته شده است. افعال بعدی جدول نیز به همین شکل ساخته شده است. به عبارت دیگر فعل ماضی باب «تَفَاعُلُ» بر وزن «تَفَاعُلُ» و مضارع آن بر وزن «يَتَفَاعَلُ» و مصدر آن بر وزن «تَفَاعُلُ» می‌باشد.

* نکته:

حرف مضارعه (ی، ت، ا، ن) باب «تَفَاعُلُ» مانند فعل مضارع باب‌های مجرد، مفتوح است.

به خاطر بسپارید

۱. فعل ماضی باب **تَفَاعُلُ**، با افزودن حرف «ت» پیش از حرف اوّل فعل ماضی مجرد، و «ا» پس از حرف اوّل آن و فعل مضارع آن با افزودن حرف مضارعه «ی» به اوّل فعل ماضی ساخته می‌شود.
۲. فعل امر حاضر آن با حذف حرف مضارعه و تغییراتی که در آخر فعل امر داده می‌شود، ساخته می‌شود و مصدر آن بر وزن «تَفَاعُلُ» است.

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «تَقَاتَلُ»، «يَتَقَاتَلُ» و ۶ صیغه فعل «تَقَاتَلُ» (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد، مصدر» از باب تَفَاعُلُ را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ.

(بقره: ۱۱۸)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ
كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ.

(بقره: ۲۸۲)

۳. وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي
الْأَمْرِ ...

(آل عمران: ۱۵۲)

۴. وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا.

(نساء: ۲۴)

۵. وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ.

(مائده: ۲)

۶. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ^۱ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

(مائده: ۷۹)

۷. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّابِرِينَ.

(انفال: ۴۶)

۸. وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ.

(يونس: ۴۵)

۹. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ؟

(نبأ: ۱)

۱۰. خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ.

(مطففين: ۲۶)

۱. در اصل «يَتَنَاهَوْنَ» بوده است.

دعای کمیل (۶)



وَلَيْتَ شِعْرِي، يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ، أَسَلُّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهَ نَحْرَتِ لِعَظَمَتِكَ
سَاجِدَةً؟! وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً؟!!

امیر پارسایان علی علیه السلام در جملاتی عطوفت برانگیز، با معبود و مولای خود چنین نجوا می‌کند: و کاش می‌دانستم - ای آقا و معبود و سرورم - که آیا آتش قهرت را بر صورت‌هایی که برای عظمت تو به سجده افتاده‌اند مسلط خواهی کرد؟! آیا زبان‌هایی که با صدق و راستی به توحید و یکتایی تو گویاست و شکر تو را می‌گزارد، به آتش جهنم خواهی سوزاند؟!!

معنای لغوی و اصطلاحی شکر

شکر در لغت به معنای «یادآوری نعمت و اظهار آن» است. شکر، اعتراف به نعمت به همراه نوعی تعظیم است. و بر سه نوع است: شکر قلب و آن یادآوری نعمت است. شکر زبان و آن ثناگویی در مقابل نعمت است. شکر سایر جوارح و آن جبران کردن نعمت به اندازه قدرت است. شکر فقط در مقابل نعمت و بذل است.^۱ شکر در اصطلاح، «اظهار نعمت‌های الهی و سپاس‌گزاری زبانی، قلبی و جوارحی آنهاست».

۱. قاموس قرآن، ج ۴، ص ۶۲.

شکر در نگاه امامان معصوم

نعمت‌های الهی، آن قدر فراوان است که بندگان، توان شمارش آنها را ندارند،^۱ چه رسد به آنکه بخواهند شکرگزار آنها باشند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: ای موسی، مرا آن‌گونه که سزاوار من است شکر کن. گفت: پروردگارا، چگونه تو را شکر گزارم، در حالی که می‌دانم شکر کردن من نیز خود نعمتی از سوی توست! خداوند فرمود: ای موسی، حال که دانستی آن (شکر) هم از سوی من است، حق شکر را ادا کردی.^۲

در آیات قرآن و روایات، گاهی به شکر زبانی اشاره شده و در مواردی بر شکر جوارحی و عملی تأکید شده است و در برخی از موارد، به شکر قلبی سفارش شده است.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: شکر نعمت، دوری گزیدن از کارهای حرام است و کامل شدن شکر به این است که انسان بگوید: الحمد لله رب العالمین.^۳ امام (علیه السلام) در این روایت به شکر زبانی و عملی اشاره فرموده است.

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً؟! وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ، حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً؟! وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً؟! مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ.

کلمات دلربای امام عارفان به آستان پروردگار پرمهر را پی می‌گیریم:

۱. ابراهیم، آیه ۳۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۴.

۳. همان، ص ۹۵.

خدایا، آیا بر دل‌هایی که به خدایی تو اعتراف دارند آتش می‌زنی؟! یا بر نهاد و دل-هایی که از علم به تو پر شده و خشوع سراسر آنها را فراگرفته است، آتش خشم را مسلط می‌کنی؟! آیا اعضای بدن بندگانی که تو را با رغبت، بندگی کرده‌اند و به آمرزش خواهی از تو مشغول بوده‌اند، هدف آتش کیفر تو خواهند بود؟! خدایا، ما که چنین گمانی به تو نداریم و از لطف تو چنین خبری به ما نرسیده است!

تفاوت خشوع و خضوع

در بسیاری از موارد، کلمه «خشوع» و «خضوع» با هم به کار می‌رود، به گونه‌ای که برخی آن دو را مترادف پنداشته‌اند. ولی بسیاری از اهل لغت و مفسران قرآن میان این دو کلمه تفاوت قائل هستند؛ مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد:

فرق میان خشوع و خضوع با اینکه معنای تذل و انکسار در هر دو هست، این است که خضوع اختصاص به اعضای بدن آدمی دارد، ولی خشوع مخصوص قلب است.^۱ بنابراین، خضوع نتیجه خشوع است که در اعضای بدن انسان ظاهر می‌شود. رکوع و سجود و گریستن در پیشگاه خداوند، خضوع و تواضعی است که در اثر خشوع قلبی حاصل شده است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَيَخْرُونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا»^۲ می‌نویسد: فروافتادن بر زمین برای سجده کردن و نیز گریستن در این آیه، بیانگر خضوع است، «وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» به خشوع تصریح می‌کند؛ یعنی خلاصه آیه چنین می‌شود که: ایشان برای خدا خضوع و خشوع می‌کنند.^۳

۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. اسراء، آیه ۱۰۹.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

علم و دانش، منشأ خشوع

امیرمؤمنان علیه السلام در عبارت «**وَ عَلَى صَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ، حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً**»، خشوع ضمیر مؤمنان را، نشأت گرفته از علم آنان به عظمت الهی معرفی می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «**إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**» می‌گوید:

در حقیقت، این آیه روشن می‌سازد که خشیت به معنی حقیقی کلمه، تنها در علما یافت می‌شود. و منظور از «علماء»، عالمان بالله است، یعنی کسانی که خدای سبحان را به اسماء و صفات و افعال او می‌شناسند، شناسایی کاملی که دل‌هایشان به وسیله آن آرامش می‌یابد، و لکه‌های شک و دو دلی از نفوس آنان زایل گشته، و آثار آن در اعمالشان هویدا می‌گردد، و کار آنان، تصدیق‌کننده گفتارشان می‌شود. مراد از «خشیت» در چنین زمینه‌ای، همان خشیت حقیقی است که به دنبال آن خشوع باطنی و خضوع در ظاهر پیدا می‌شود.^۱

بنابراین علم به اسماء و صفات الهی سبب خشیت می‌شود و خداترسی موجب خشوع دل می‌گردد.

در پایان به پیروی از مولای متقیان علی علیه السلام، خدا را به کرم و ربوبیتش می‌خوانیم، و با برشمردن ناتوانی‌های خود از تحمل بلاها و کیفرهای دنیا، ترحم او را طلب می‌کنیم، و از او می‌خواهیم که ما را از عذاب آخرت، که بسی هولناک‌تر و ماندگارتر از

مجازات‌های این عالم است، حفظ کند (یا کریمُ یا ربِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ، قَصِيرٌ مَدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟!)

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۵۹.

دعای کمیل (۷)



فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَ جَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ،

وَ يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ؟! لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ، وَ انْتِقَامِكَ

وَ سَخَطِكَ، وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ.

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي، وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ، الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ، الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ؟!

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟ وَ لِمَا مِنْهَا أَضْجُ وَ أَبْكِي:

لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ؟ أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مَدَّتِهِ؟ فَلْتَنْ صَبِّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ،

وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بِلَاتِكَ، وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي، صَبِرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى

فَرَاكَ؟! وَ هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟! أُمَّ

كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ، وَ رَجَائِي عَفْوِكَ؟!

فِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، أَقْسِمُ صَادِقًا، لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لِأَخْبِنَنَّ إِلَيْكَ

بَيْنَ أَهْلِهَا صَجِجَ الْأَمَلِينَ، وَ لِأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَ لِأَبْكِينَ

عَلَيْكَ بَكَاءَ الْفَاقِدِينَ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنیید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
جمع کردی - گردآوردی	جَمَعَتَ	۹	می‌گیریم	أَبْكَى	۱
ناچیز - کوچک	حَقِيرٌ	۱۰	جمع «حَبِيب: دوست»	أَحْبَاءُ	۲
صبر کردم	صَبَرْتُ	۱۱	ساکن می‌شوم - جای می‌گیرم	أَسْكُنُ	۳
طولانی بودن - بلندی - طول	طَوَّلَ	۱۲	صبر می‌کنم	أَصْبِرُ	۴
خشم - غضب	عَضَبَ	۱۳	سوگند می‌خورم - قسم می‌خورم	أُقْسِمُ	۵
جدایی	فِرَاقٌ	۱۴	انتقام	أَنْتِقَامٌ	۶
بزرگواری - کرامت	كِرَامَةٌ	۱۵	گریه - گریستن	بُكَاءٌ	۷
تاب نمی‌آورد	لَا تَقْوَمُ	۱۶	واگذاشتی - ترک کردی	تَرَكْتُ	۸

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
شیون	ضَجِيجٌ	۹	جمع «آمِل: آرزومند»	أَمِلِينَ	۱
جمع «فَاعِد: عزیز دست‌داده»	فَاعِدِينَ	۱۰	شکایت می‌کنم	أَشْكُو	۲
جداکردی	فَرَّقْتَ	۱۱	فریاد می‌زنم	أَصْرُخُ	۳
جمع «مُسْتَصْرِخ: استغاثه کننده - فریادرس خواه»	مُسْتَصْرِخِينَ	۱۲	شیون می‌کنم	أَضِجُ	۴
سبک نمی‌گردد	لَا يَخْفَفُ	۱۳	طولانی است	تَطْوُلُ	۵
گیرم که من	هَبْنِي	۱۴	حرارت - سوزش	حَرٌّ	۶
ماندگار است	يَدُومُ	۱۵	فریاد	صُرَاخٌ	۷
			قراردادی - گرداندی	صَبَّرْتُ	۸

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. آمَلینَ - فاقِدینَ - مُسْتَصْرِخینَ :

- الف - آرزومندان - عزیزازدست‌دادگان - فریادرس خواهان
- ب - عمل‌کنندگان - ساقط‌شدگان - فریادرسان

۲. اَشکو - اَصْرُخ - اَضِحُّ :

- الف - شکوه و شکایت کردم - فریاد زدم - شیون کردم
- ب - شکایت می‌کنم - فریاد می‌زنم - شیون می‌کنم

۳. حَرَّ - صُراخ - ضَجِيج :

- الف - حرارت - فریاد - شیون
- ب - آزاد - فریادرس - شیون‌کننده

۴. اُقِسمُ - اَسْكُنُ - اُبْکی :

- الف - سوگند می‌خورم - ساکن می‌شوم - می‌گیرم
- ب - قسمت می‌کنم - اسکان می‌دهم - می‌گریانم

۵. صَبْرَتَ - فَرَقَتَ - جَمَعَتَ :

- الف - می‌گردانی - جدا می‌کنی - جمع می‌کنی
- ب - قرار دادی - جدا کردی - جمع کردی

۶. تَطوُلُ - يَدومُ - هَبْنی :

- الف - طولانی - بادوام - ببخش بر من
- ب - طولانی است - ماندگار است - گیرم که من

۷. لا يُخَفِّفُ - لا تَقُومُ - أَحِبَّاءُ :

- الف - سبک نمی‌گردد - تاب نمی‌آورد - دوستان
- ب - تخفیف نمی‌دهد - نمی‌ایستد - دوست داشتن

۸. بُكَاءٌ - فِرَاقٌ - تَرَكْتُ :

- الف - فکاهی - جدایی - ترک کرد
- ب - گریه - جدایی - ترک کردی

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ^۱ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ :

- الف - و این آن (چیزی) است که تاب نمی‌آورد در برابر آن آسمان‌ها و زمین
- ب - و این است آنچه که مقاومت نمی‌کند در برابر آن آسمان و زمین

۲. لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ، وَ انتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ :

- الف - برای اینکه آن نمی‌باشد مگر از غضب تو، و انتقام تو و خشم تو
- ب - برای اینکه (آن بلای آخرت) پدید نیامده جز از غضب، و انتقام و خشم تو

۳. فَلَنْ صِيرَتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ :

- الف - پس اگر جمع شوم برای کیفر با دشمنان تو
- ب - پس قطعاً اگر قرار دهی مرا به (هنگام) کیفرها با دشمنان

۴. وَ هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظْرِ إِلَى كَرَامَتِكَ :

- الف - به فرض اینکه صبر کردم بر آتش گرمت، پس چگونه می‌توان صبر کرد بر انتظار کرمت

- ب - و گیرم که من صبر کنم بر حرارت آشت، پس چگونه صبر کنم از (محرومیت از) نگرستن به بزرگواری تو

۱. لَهُ: در برابر آن.

۵. فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا:

- الف- پس به عزتت ای آقای من و مولای من - سوگند- که اگر واگذاری مرا گویا
- ب - پس به عزتت - ای آقای من و سرور من - ، سوگند می‌خورم (درحالی‌که)
- راستگو هستم، قطعاً اگر واگذاری مرا نطق‌کننده

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ	
۲	لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو	
۳	وَلِمَا مِنْهَا أُضِجُّ وَأَبْكِي	
۴	لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ	
۵	أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ	
۶	فَهَبْنِي يَا إِلَهِي ... صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ	
۷	فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ	
۸	وَلَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يَخْفَى عَنْ أَهْلِهِ:

درحالی که آن که مدت آن، و جایگاهش، و
از

۲. وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي، وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ:

و این آن (چیزی) است که در برابر آن و زمین، ای، پس (ممکن است مقاومت) برای من در حالی که بنده تو هستم.

۳. وَ جَمَعْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَ فَرَّقْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ:

و بین من و، و بین من و

۴. أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ، وَ رَجَائِي عَفْوُكَ:

یا چگونه در، درحالی که من (به) تو است.

۵. لَا أَضِجُّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَ لَا أَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ:

قطعاً به سوی تو اهل آن، و قطعاً به سوی تو استغاثه‌کنندگان.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید.

ابواب ثلاثی مزید (۸)



باب اِسْتَفْعَال

کلماتی مانند «استخراج، استمهال، استفسار» در فارسی به کار می‌رود. «اِسْتِخْرَاج» به معنای «طلب بیرون آمدن»، «اِسْتِمْهَال» به معنای «مهلت خواستن» و «اِسْتِفْصَار» به معنای «تفسیر خواستن» است. این مصادر که از باب «اِسْتَفْعَال» هستند بیانگر «طلب کردن و خواستن چیزی» است. برای آشنایی با ساختار باب اِسْتَفْعَال، افعال ماضی، مضارع و مصدر آن را در جدول زیر ملاحظه کنید و آنها را با فعل مجردشان مقایسه کنید.

مصدر	فعل مضارع	فعل ماضی
اِسْتِغْفَار	يَسْتَعْفِرُ	اِسْتَعْفَرَ
اِسْتِدْال	يَسْتَدِلُّ	اِسْتَدَلَّ
اِسْتِجَار	يَسْتَجِرُّ	اِسْتَجَرَّ
اِسْتِمْسَاك	يَسْتَمْسِكُ	اِسْتَمْسَكَ

با مقایسه افعال جدول با فعل‌های مجرد آنها، می‌توان به ساختار فعل‌های ماضی و مضارع باب «اِسْتَفْعَال» پی برد؛ ریشه نخستین فعل جدول «غ ف ر» است که فعل ثلاثی مجرد آن «غَفَرَ» می‌باشد. پیش از حرف اوّل فعل ماضی مجرد، حرف «اِ س» ت اضافه شده است و فعل مضارع آن با حذف «ا» زائد فعل ماضی و افزودن حرف

مضارعه «ی» به اوّل فعل ماضی ساخته شده است. افعال دیگر جدول نیز به همین شکل ساخته شده است. به عبارت دیگر فعل ماضی باب **اِسْتَفْعَال** بر وزن **اِسْتَفْعَلَ** و مضارع آن بر وزن **يَسْتَفْعَلُ** و مصدر آن بر وزن **اِسْتَفْعَال** است.

به قاطر بسپارید

۱. فعل ماضی باب **اِسْتَفْعَال**، با افزودن حروف **اِسْت** پیش از حرف اوّل فعل ماضی مجرد ساخته می‌شود و مضارع آن با حذف «ا» زائد فعل ماضی آن و افزودن حروف مضارعه «ی، ت، ا، ن» به اوّل فعل ماضی ساخته می‌شود.
۲. فعل امر حاضر این باب، با جایگزینی همزه وصل به جای حرف مضارعه و تغییراتی که در آخر فعل امر داده می‌شود، ایجاد می‌شود و مصدر آن بر وزن **اِسْتَفْعَال** است.

*** تمرین**

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های **اِسْتَبَدَل**، **يَسْتَبَدِلُ** و ۶ صیغه فعل **اِسْتَبَدَل** (فعل امر حاضر) را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی، مضارع، نفی، امر، نهی، جحد، مصدر» از باب **اِسْتَفْعَال** را، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَكَاثِرًا مِّن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ.**
- (بقره: ۸۹)

٢. لَنْ يَسْتَكْبِرَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ وَمَنْ يَسْتَكْبِرْ

عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَيَسِحِّرْهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا. (نساء: ١٧٢)

٣. كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا
بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ ...

(توبه: ٦٩)

٤. هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ
مُجِيبٌ.

(هود: ٦١)

٥. وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا
يَسْتَحْسِرُونَ.

(انبیاء: ١٩)

٦. فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ
مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِي مُبِينٌ.

(قصص: ١٨)

٧. وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ.

(صافات: ١٤)

٨. فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(زخرف: ٤٣)

دعای کمیل (۷)



فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ؟! لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ، وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ.

بلای دراز مدت

عذاب اخروی آنچنان جانکاه است که تحمل آن برای انسان قابل تصور نیست. از جمله ویژگی‌های بلای آخرت، که آن را طاقت‌فرسا نموده است، طولانی بودن مدت و ماندگاری آن است.

امام باقر علیه السلام فرمود: بنده‌ای از بندگان خدا هفتاد پاییز در آتش جهنم می‌ماند - و هر پاییز، هفتاد سال دنیا است - سپس به حق محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از خدا می‌خواهد که خدایا به من رحم کن. آنگاه خدا به جبرئیل وحی می‌کند که: به سوی بنده‌ام پایین رو، و او را (از آتش) بیرون بیاور. ...^۱

امام صادق علیه السلام در بیان معنای «أحقاب» در آیه «لَبِثْنَا فِيهَا أَحْقَابًا» فرمود: احقاب یعنی هشت حُقْب و هر حُقْب، هشتاد سال آخرت است و هر سال آن سیصد و شصت و روز و هر روز آن به اندازه هزار سال دنیا است!^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۹۸.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۹.

پس از آنکه طولانی بودن بلاى آخرت را در کلام امام پنجم و ششم علیهما السلام خواندیم، می‌یابیم که چرا امام علی علیه السلام از تحمل ناپذیری بلاى آخرت می‌نالده، و رحمت الهی را طلب می‌کند.

عذاب سخت

امام علی علیه السلام، در توصیف بلاى دردناک روز جزا، تضرع‌کنان به درگاه ربوبی عرضه می‌دارد: خدایا، آسمان‌ها و زمین تاب و توان پذیرش آتش سوزان جهنم را ندارند: **وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ**؛ یعنی اگر آسمان‌های افراشته و زمین پهناور، تاب مقاومت در برابر آتش غضب تو را ندارد، چگونه بنده ضعیف تو در آن آتش دوام بیاورد؟!^۱

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آتش دنیا که در اختیار شماست، جزئی از آتش جهنم است که هفتاد بار، با آب خاموش شده، سپس شعله‌ور شده است؛ اگر چنین نبود، هیچ انسانی طاقت آن را نداشت. در روز قیامت، آتش دنیا را می‌آورند تا بر آتش جهنم قرار دهند، چنان فریادی می‌کشد که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل، از وحشت آن، به زانو روی زمین می‌افتند!^۱

عذاب روحی

یکی از آزاردهنده‌ترین شکنجه‌ها، عذاب روحی است. در این بخش از دعا، امیرمؤمنان علیه السلام پس از آنکه آتش جهنم را طاقت‌فرسا می‌شمارد، به درگاه ربوبی عرض می‌کند: خدایا، از چه چیزی به تو شکایت کنم و بر کدام درد بگریم؟ از عذاب دردناک و سختی آن، یا طولانی بودن آن؟ آنگاه می‌گوید: خدایا، اگر مرا همنشین دشمنانت کنی و میان من و دوستان و پیوستگان جدایی بیفکنی، دردناک‌تر

۱. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۸۸.

از آتش قهر تو خواهد بود. زیرا شاید به گونه‌ای آتش را تاب آورم ولی دوری تو را چه کنم؟! (یا سیدی فکیف لی، و أنا عبدک الضعیف، الذلیل الحقیق، المسکینُ المسکینُ؟! یا الهی و ربی و سیدی و مولای، لای الامور الیک اشکو؟ و لما منها اضح و ابکی: لایم العذاب و شدته؟ أم ل طول البلاء و مدته؟ فلئن صیرتني للعقوبات مع أعدائک، و جمعت بیني و بین اهل بلائک، و فرقت بیني و بین احبائک و اولیائک...)

برای انسان به حق پیوسته‌ای چون امام علی (علیه السلام) سخت‌ترین عذاب هم صحبت شدن با دشمنان خداست.

اسباب محشور شدن با بدان

در روایات آمده است که برخی گناهان سبب محشور شدن با بدان خواهد بود.

۱. غش در معامله: از رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود: کسی که در خرید و فروش با مسلمانی تقلب کند، در روز قیامت با یهودیان محشور خواهد شد؛ زیرا انسان متقلب، مسلمان نیست.^۱

۲. ضایع کردن نماز: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: نمازهایتان را تباه و ضایع نکنید، زیرا کسی که نمازش را ضایع کند، خدا او را با قارون و فرعون - که از رحمت خدا به دور باشند و خدا خوارشان کند - محشور می‌کند. و حق خداست که او را با منافقان محشور کند؛ پس وای بر کسی که مراقب نمازش نیست.^۲

۳. گواهی دروغ و باطل: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: کسی که بر علیه فردی از مردم، شهادت دروغ و باطل بدهد، در اسفل السافلین همراه با منافقان، از زبان آویزان می‌شود.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵.

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي، صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟! وَ هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟! أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ، وَ رَجَائِي عَفْوُكَ؟!

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لَأَضْحَنَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيحَ الْأَمْلِينَ، وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَ لَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ.

بر زبان راندن چنین جملات عاشقانه‌ای از عارفانی واصل رواست، که به امامان معصوم اقتدا کرده‌اند و خدا را تنها از خوف عذاب و شوق پاداش نمی‌پرستند، بلکه از سر عشق به خدا او را بندگی می‌کنند.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: عبادت‌کنندگان خدا سه گروه هستند؛ گروهی خدا را از ترس عذاب و کیفر او بندگی می‌کنند، این عبادت‌بندگان است، گروهی خدا را برای به دست آوردن ثواب و پاداش، عبادت می‌کنند، این عبادت‌تاجران و سوداگران است. گروهی خدا را به خاطر دوستی و عشق به او، عبادت می‌کنند، این عبادت‌آزادگان است.^۱

همین بندگان آزاده‌اند که سخت‌ترین عذاب نزد آنان، فراق معبود است و در پیشگاه او عاشقانه زمزمه می‌کنند: گیرم که آتش سوزان را تاب آورم، چگونه دوری تو را تحمل کنم.

علی (علیه السلام) با تضرع و خشوع از خداوند بخشش می‌طلبد و در پایان این بخش از دعا، به معبود خود چنین می‌گوید: ای سید و مولای من، به عزت صادقانه سوگند می‌خورم، اگر مرا در آتش بیفکنی، با امید (به رحمت) شیون می‌کنم و مانند عزیز از دست داده‌ها (بر فراق) خواهم گریست.

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۴.

دعای کمیل (۸)



وَلَا تُنَادِيَنَّكَ: أَيْنَ كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ،

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ؟

أَقْرَأَكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسَلِّئٍ، سُبْحَانَ فِيهَا

مُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ،

وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يَتَأَدِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَ

يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟!

يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ، وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حَلِكِ؟! أَمْ كَيْفَ

تَوَلَّهِ النَّارَ، وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ؟! أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا، وَ أَنْتَ تَسْمَعُ

صَوْتَهُ، وَ تَرَى مَكَانَهُ؟! أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟!!

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟!!

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

*** جدول کلمه‌های آشنا و جدید**

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
طعم - مزه	طَعْمٌ	۷	جمع «أَمَلٌ: آرزو»	أَمَالٌ	۱
مخالفت - تخلف	مُخَالَفَةٌ	۸	کجا	أَيْنَ	۲
توسل می‌جوید	يَتَوَسَّلُ	۹	می‌شنوی	تَسْمَعُ	۳
امیدوار است	يَرْجُو	۱۰	گناه - جرم	جُرْمٌ	۴
شیون می‌کند	يَضْجُ	۱۱	بردباری	حِلْمٌ	۵
صدا می‌زند	يُنَادِي	۱۲	صدا - صوت	صَوْتٌ	۶

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
شعله	لَهَيْبٌ	۱۰	صدا می‌زنم	أُنَادِي	۱
امیدوار	مُؤْمِلٌ	۱۱	جمع «طَبَقٌ: طبقه»	أَطْبَاقٌ	۲
جمع «مُسْتَعِيثٌ: دادخواه - یاری‌خواه»	مُسْتَعِيثِينَ	۱۲	به درد می‌آورد	تَوَلَّمُ	۳
امید دارد - امیدوار است	يَأْمَلُ	۱۳	عصیان - گناه	جَرِيرَةٌ	۴
باقی می‌ماند	يَبْقَى	۱۴	حبس شد - بازداشت شد	حُبِسَ	۵
جا به جا می‌شود	يَتَقَلَّبُ	۱۵	چشید	ذَاقَ	۶
می‌سوزاند	يُحْرِقُ	۱۶	خروش	رَفِيرٌ	۷
فرامی‌گیرد	يَشْتَمِلُ عَلَيَّ	۱۷	زندانی شد	سُجِنَ	۸
			سابقه داشت - گذشت	سَلَفَ	۹

* تمرین و پرسش

تمرین‌های زیر را به کمک هم‌گروه خود انجام دهید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. **يَأْمَلُ** - **يَتَّقِي** - **يُحْرِقُ** :

- الف - امید دارد - باقی می‌ماند - می‌سوزاند
- ب - امیدوار می‌کند - باقی می‌گذارد - می‌سوزد

۲. **رَفِيرٌ** - **لَهِيْبٌ** - **جَرِيْرَةٌ** :

- الف - خروش - شعله - عصیان
- ب - پیروز - پرخطر - جزیره

۳. **سُجِنَ** - **حِسَّ** - **أَيْنَ** :

- الف - زندانی کرد - بازداشت کرد - جای داد
- ب - زندانی شد - بازداشت شد - کجا

۴. **يَتَقَلَّبُ** - **يَشْتَمِلُ عَلَيَّ** - **مُؤَمِّلٌ** :

- الف - جا به جا می‌شود - فرا می‌گیرد - امیدوار
- ب - کم می‌کند - شامل می‌شود - امید می‌بخشد

۵. **ذَاقَ** - **سَلَفَ** - **أُنَادِي** :

- الف - ذوق زده شد - سابقه داشت - صدا زدم
- ب - چشید - سابقه داشت - صدا می‌زنم

۶. **أَطْبَاقٌ** - **تَوْلَمُ** - **مُسْتَعِيْبِيْنَ** :

- الف - طبقه‌ها - به درد می‌آورد - دادخواهان
- ب - طبقات - رنج می‌برد - فریادرسان

۷. **يَضِحُّ - يَرْجُو - يُنَادِي :**

- الف - شیون می کند - امیدوار است - صدا می زند
- ب - فریاد می کند - امید دارند - صدا زده می شود

۸. **آمال - تَسْمَعُ - تَتَوَسَّلُ :**

- الف - آرزو - شنیدی - توسل می جوید
- ب - آرزوها - می شنوی - توسل می جوید

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **وَلَا تُنَادِيكَ: أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ:**

- الف - و قطعاً صدا می زنی تو را: کجا هستی ای سرپرست مؤمنان
- ب - و قطعاً فریاد برمی آورم به سوی تو: کجایی ای دوست مؤمنان

۲. **يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ:**

- الف - ای فریادرس بیچارگان، ای دوست دل راستگویان
- ب - ای فریادرس دادخواهان، ای دوست دل‌های راستگویان

۳. **سُجِّنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ:**

- الف - زندانی شده است در آن به سبب مخالفتش، و چشیده است طعم عذاب آن به سبب نافرمانیش.

- ب - زندانی شده در آن با مخالفت او با تو و چشیده طعم عذاب زندان را به سبب معصیت او

۴. **يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ بَقِيَ فِي الْعَذَابِ، وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حَلْبِكَ:**

- الف - ای سرورم، چگونه باقی می ماند در عذاب، در حالی که او امید دارد به حلم گذشته‌ات

- ب - ای سرور من، پس چگونه باقی بماند در عذاب، در حالی که او امیدوار است به آنچه سابقه داشته است از بردباری تو

۵. أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهَبُهَا، وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، وَ تَرَى مَكَانَهُ:

الف- یا چگونه بسوزاند او را شعله آتش، در حالی که تو شنوای صدای او هستی،

و می بینی مکان او را

ب - یا چگونه می سوزاند او را شعله آن، در حالی که تو می شنوی صدای او را،

و می بینی مکان او را

تمرین ۳. ترکیبها و عبارت های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ	
۲	و يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ	
۳	هُوَ يَضِحُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ	
۴	و يُنَادِيكَ بِلسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ	
۵	و يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبِّ بَيْتِكَ	
۶	يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ	
۷	وَأَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حَلْبِكَ	
۸	أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، وَ تَرَى مَكَانَهُ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسَلِّئٍ:

پس آیا تو - که تو ای ، و (مشغولم) به تو،
(در حالی که) در آن (آتش) صدای

۲. وَ حُسِّسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ، وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ:

و میان آن، به سبب و ، در حالی که او
به سوی تو.

۳. أَمْ كَيْفَ تَوَلَّيْتَهُ النَّارَ، وَ هُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ:

..... چگونه او را آتش، در حالی که او به تو و تو.

۴. أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ:

یا فرامی گیرد او را در حالی که تو ناتوانی

۵. أَمْ كَيْفَ يَتَفَلَّقُلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ:

یا چگونه میان ، در حالی که تو راستی (راستگویی)

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید.

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید



«فعل ماضی مجهول»

به جدول زیر توجه کنید:

ماضی معلوم	ماضی مجهول
أَنْزَلَ	أُنزِلَ
نَزَلَ	نُزِلَ
تَقَبَّلَ	تُقَبَّلُ
اسْتَضَعَفَ	اسْتُضِعِفَ

در درس‌های قبل، با ساختار افعال «ماضی ثلاثی مزید معلوم» آشنا شدید، اکنون با مقایسه افعال ستون اول جدول، با افعال ستون دوم، می‌توانید با ساختار «مجهول» آنها آشنا شوید. با مقایسه فعل «أَنْزَلَ» و «أُنزِلَ» دو تغییر در فعل معلوم ملاحظه می‌شود:

۱. حرف اول فعل (ا) مضموم شده است.

۲. حرف ماقبل آخر (ز) مکسور شده است.

در دومین فعل جدول «نَزَلَ» نیز همین تغییر صورت گرفته است (مضموم شدن حرف اول و مکسور شدن حرف ماقبل آخر).

در مقایسه فعل «تَقَبَّلَ» و «تَقَبَّلَ» حرف اوّل و دوم فعل، مضموم و حرف ماقبل آخر، مکسور شده است.

در مقایسه فعل «اسْتَضْعَفَ» و «اسْتَضْعَفَ» حرف اوّل و سوم، مضموم و حرف ماقبل آخر، مکسور شده است.

بررسی مثال‌های بالا نشان می‌دهد که برای ساختن فعل ماضی مجهول ثلاثی مزید، حرف ماقبل آخر مکسور و همه حرف‌ها متحرک قبل از این حرف، مضموم می‌شود، مانند: نَزَلَ : نَزَلٌ.

به خاطر بسپارید

برای ساختن فعل ماضی مجهول ثلاثی مزید، حرف ماقبل آخر مکسور و همه حرف‌های متحرک قبل از این حرف، مضموم می‌شود مانند:

نَزَلَ ← نَزَلٌ تَقَبَّلَ ← تَقَبَّلَ اسْتَضْعَفَ ← اسْتَضْعَفَ

تبصره: الف زائده فعل ماضی باب‌های مُفَاعَلَهُ و تَفَاعَلَ در فعل مجهول، تبدیل به «واو» می‌شود، مانند:

قَاتَلَ ← قَاتِلٌ تَنَاصَرَ ← تَنَاصِرٌ

* تمرین

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «نَزَلَ» را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «ماضی مجهول ثلاثی مزید» را با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ

إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

(بقره: ۹۳)

۲. فَإِنَّ أَمِنْ بَعْضِكُمْ بَعْضًا فليُؤدِّ الَّذِي أُوتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ. (بقره: ۲۸۳)

۳. وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا ... (مائده: ۲۷)

۴. إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ... (مائده: ۴۴)

۵. وَلَقَدْ اسْتَهْزَىٰ بِرَسُولٍ مِّن قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (انعام: ۱۰)

۶. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ أَمِنَ مِنْهُمْ اتَّعَلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ. (اعراف: ۷۵)

۷. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا. (احزاب: ۱۱)

۸. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. (سبأ: ۳۴)

۹. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَنِي شَكٍّ مِنْهُ مِرْيَبٍ. (فصلت: ۴۵)

۱۰. وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ. (حشر: ۱۱-۱۲)

دعای کمیل (۸)



مولای ما، حضرت علی (علیه السلام) با جملاتی جانسوز، از سرانجام بد بندگان گنهکار، چنین می‌گوید: خدایا، آیا به خود می‌بینی که بنده‌ات به کیفر گناهانش در میان طبقه‌های جهنم زندانی شود و در حالی که تو صدای «یا رب» او را می‌شنوی، همچنان در میان آتش دوزخ بسوزانیش؟! (أَقْرَأَكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ، يُجِنُّ فِيهَا مَخَالَفَتَهُ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُسْبَى بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يَنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟! يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَتَّقِي فِي الْعَذَابِ، وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حَلْبِكَ!؟)

طبقات جهنم

در تفسیر آیه «لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ»^۱ از امام علی (علیه السلام) نقل شده است: برای جهنم هفت طبقه است که روی هم قرار گرفته است، [آنگاه امام (علیه السلام)] یک دست خود را بر دست دیگر گذارد و فرمود: این چنین. [سپس فرمود] خدا (درجات) بهشت را در کنار هم و طبقات جهنم را بر روی هم قرار داده است.^۲ بر اساس روایات اهل بیت (علیهم السلام)، این طبقات عبارتند از: **جَهَنَّمَ، لُظَى، حُطَمَةَ، سَقَرٌ،**

سَعِيرٌ وَ هَاوِيَةٌ.^۳

۱. سوره حجر، آیه ۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۴۶.

۳. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۴۶.

حال بدکاران در جهنم

در بخش بعدی دعا، با عباراتی دیگر، با توصیف حال انسان بدکاری که به خود ستم کرده است، می‌گوید: خدایا، چگونه آتش، بنده تو را بسوزاند، در حالی که او به لطف و رحمت تو دل بسته است؟! آیا در حالی که صدای ناله‌های او را می‌شنوی، در برابر نگاهت، شعله‌های آتش قهر تو، او را می‌سوزاند؟! با اینکه تو از ناتوانی او آگاه هستی، چگونه ممکن است که در میان خروش آتش او را رها کنی؟! یا میان طبقات دوزخ جا به جا شود، و تو بدانی که او راست می‌گوید؟! (أَمْ كَيْفَ تُوَلِّهِ النَّارُ، وَ هُوَ يَأْمُرُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ؟! أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبًا، وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، وَ تَرَى مَكَانَهُ؟! أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟! أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟!)

این جملات دعا، در قالب استفهام انکاری به درگاه خداوند گفته شده است؛ یعنی گرچه به ظاهر، پرسشی مطرح می‌شود، ولی گویا پرسشگر، خود پاسخ منفی آن را با زبان حال، در دل این سؤال ذکر می‌کند. آنگاه که می‌پرسیم: خدایا، آیا در حالی که بنده‌ات به لطف تو امید بسته و منتظر رحمت توست، او را عذاب می‌کنی؟! پاسخ آن در خودش نهفته است که: هرگز! خدایی که رحمتش بر غضب او پیشی گرفته است، پاسخ بنده امیدوار خود را با آتش نمی‌دهد!

البته امام تقوای پیشگان، در چند جمله بعد با کلمه «هیئات: دور است»، پاسخ این پرسش‌ها را به صورت منفی می‌دهد و انکاری بودن این استفهام‌ها را بیان می‌دارد. یادآوری می‌شود که تعبیر شفقت برانگیز امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این بخش‌های دعا، از قبیل شیرین‌زبانی بنده گنهکار، برای به دست آوردن رضایت معبود است.

دعای کمیل (۹)



أَمْ كَيْفَ تَزُجُّهُ زَبَانِيَّتَهَا، وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ! أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا

فَتَرْكُهُ فِيهَا؟!.....

هِيَآت، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

الْمُوحِدِينَ، مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيهِ

جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا،

وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا، لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنْ

الْكَافِرِينَ: مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، قُلْتَ

۱. یا رَبِّهٗ: ای پروردگار من. به این «ه»، هاء سکت می گویند و ترجمه نمی شود.

مُبْتَدَأً، وَ تَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا : ﴿أَفَنَ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾!

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
قرارگاه - محل استقرار	مَقَرَّ	۴	بزرگ بود	جَلَّ	۱
جمع: «مُوَحِّدٍ: یکتاپرست»	مُوَحِّدِينَ	۵	حکم کردی	حَكَمْتَ	۲
			جمع «مُعَانِدٍ: مخالف لجوج - مخالف حق»	مُعَانِدِي (مُعَانِدِينَ)	۳

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
مقدّس بود	تَقَدَّسَتْ	۱۱	جاودانه کردن	اِخْلَاد	۱
پُر می‌کنی	تَمَلَّأُ	۱۲	قسم یاد کردی - سوگند خوردی	اَقْسَمْتَ	۲
جمع «جاحِد: انکارکننده» با حذف نون جمع	جَاحِدِي	۱۳	اطمینان دارم - یقین دارم	اَقْطَعُ	۳
جمع «زَبَيْنَةُ: مأمور - گماشته»	زَبَائِنَةٍ	۱۴	نعمت‌بخشی - نعمت‌دادن	اِنْعَام	۴
رفتار کردی	عَامَلْتَ	۱۵	خنک - خنکی	بَرَدٌ	۵
آزادی	عِتْقٌ	۱۶	رها می‌کنی - وامی‌گذاری	تَتْرِكُ	۶
آغاز کننده	مُبْتَدِئًا	۱۷	جاودان می‌کنی	تُخْلِدُ	۷
بزرگوارانه - کریمانه	مُتَكْرِمًا	۱۸	با تندمی‌راند - با خشونت می‌راند	تَزْجُرُ	۸
شبیهِه - مانند	مُشَبِّهٌ	۱۹	منت نهادی - کرم کردی	تَطَوَّلْتَ	۹
محلّ اقامت - جایگاه	مُقَامٌ	۲۰	عذاب کردن	تَعَذِّبُ	۱۰

* تمرین و پرسش

معارف‌جویان گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. اِخْلَاد - اِنْعَام - تَعَذِّبُ :

الف - جاودان - نعمت‌بخشی - عذاب

ب - جاودانه کردن - نعمت‌دادن - عذاب‌کردن

۲. **تَطَوَّلَتْ - أَقْسَمَتْ - عَامَلَتْ :**

- الف - کرم کردی - سوگند خوردی - رفتار کردی
- ب - طولانی شدی - قسمت کردی - انجام دادی

۳. **بَرَدَ - عِتَقَ - مُقَامَ :**

- الف - خنک - آزادی - محلّ اقامت
- ب - خوبی - آزاد - منزلت

۴. **تُحِلُّدٌ - تَقَدَّسَتْ - تَمَلَّأَ :**

- الف - جاودانی شد - مقدّس بود - پُر کردی
- ب - جاودان می‌کنی - مقدّس بود - پُر می‌کنی

۵. **جَاحِدِي - زَبَانِيَّةٌ - جَلَّ :**

- الف - انکارکنندگان - مأموران - بزرگ بود
- ب - تلاش گران - پیش تازان - بزرگوار

۶. **تَزَجَّرُ - مُبْتَدِئًا - مُتَكْرِمًا :**

- الف - میرانی - شروع - گرامی دارنده
- ب - با تند می‌راند - آغازکننده - کریمانه

۷. **أَقْطَعُ - تَتْرَكُ - حَكَمْتُ :**

- الف - یقین دارم - رها می‌کنی - حکم کردی
- ب - قطع می‌کند - ترک می‌کند - حکومت کردی

۸. **مُشَبِّهٌ - مَقَرَّ - مُعَانِدِي :**

- الف - شباهت - اقرار - دشمن
- ب - شبیه - محلّ استقرار - مخالفان لجوج

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **أَمْ كَيْفَ تَزَجُرهُ زَبَانِیتَهَا، وَ هُوَ یُنَادِیكَ یَا رَبِّهٗ:**

الف- یا چگونه با تندی می‌رانند او را مأموران آن، در حالی که او صدا می‌زند

تو را: ای پروردگار من

ب- یا چگونه میرانی او را (توسط) مأموران جهنم، و او فریاد می‌زند تو را که:

ای پروردگارش

۲. **مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ:**

الف- نیست آن بدگمانی به تو و انتظار نمی‌رود از لطف تو

ب- نیست آن گمان به تو، و نیست شناخته شده از لطف

۳. **فَبِالْیَقِینِ اقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِیبِ جَاحِدِیكَ:**

الف- پس به یقین اطمینان دارم، اگر نبود آنچه حکم کردی به وسیله آن، از عذاب

کردن انکار کنندگان.

ب- پس یقیناً قطع دارم، گرچه حکم نمی‌کردی بدان از عذاب منکرانت

۴. **وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِیْهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا:**

الف- و آنچه بود برای هر یک در آن، استقرار و محل اقامتی

ب- و نبود برای هیچ کس در آن محل استقرار و نه محل اقامتی

۵. **قُلْتُ مُبْتَدَأًا، وَ تَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا:**

الف- گفتمی (در حالی که) آغازکننده (بودی)، و منت نهادی به نعمت‌بخشی بزرگوارانه

ب- این تو بودی که ابتدا گفتمی و لطف کردی با نعمت‌بخشی کریمانه است

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	هَيَاتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ	
۲	لَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ	
۳	لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا	
۴	وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مَقَامًا	
۵	لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ	
۶	أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ	
۷	مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	
۸	وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ	
۹	وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ	
۱۰	قُلْتَ مُبْتَدَأًا، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ	

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا، فَتَرَكُوهَا فِيهَا؟! هَيَاتَ:

..... چگونه به لطف در او از آن، پس
..... او را در آن؟!

۲. وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ، مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ:

و نیست به آنچه به وسیله آن، با از و احسان
.....

۳. وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادٍ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا:

و..... به وسیله آن از..... مخالفان لجوجت، آتش را..... آن را..... و سلامت.

۴. لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ:

..... تو که تو..... که پر کنی..... کافران.

۵. أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ:

پس آیا..... باشد..... مانند..... است که نافرمان.....؛

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

ابواب ثلاثی مزید



«فعل مضارع مجهول»

به جدول زیر توجه کنید و افعال دو ستون را با هم مقایسه کنید:

مضارع معلوم	مضارع مجهول
يَنْزِلُ	يَنْزِلُ
يَنْزِلُ	يَنْزِلُ
يَتَقَبَّلُ	يَتَقَبَّلُ
يَسْتَضَعِفُ	يَسْتَضَعِفُ

طریقه ساختن فعل «مضارع مجهول افعال ثلاثی مزید»، مانند افعال مجرد است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، حرف ماقبل آخر فعل، مفتوح و حرف مضارعه آن، مضموم می‌شود. مثلاً **يَنْزِلُ** با توجه به اینکه حرف مضارعه در آن مضموم است تغییری نیافته است، فقط حرف ماقبل آخر آن مفتوح می‌شود: **يَنْزِلُ**. در فعل **يَتَقَبَّلُ** نیز، چون حرف ماقبل آخر مفتوح است، تغییری در آن ایجاد نمی‌شود و تنها حرف مضارعه آن، مضموم می‌شود.

شیوه ساختن مضارع مجهول ثلاثی مزید

برای ساختن فعل مضارع مجهول مزید از فعل معلوم، حرف ماقبل آخر فعل، مفتوح و حرف مضارعه آن مضموم می‌شود. مانند:

يَنْزِلُ ← **يَنْزِلُ**
يَتَقَبَّلُ ← **يَتَقَبَّلُ**

*** تمرین**

الف- ۱۴ صیغه فعل‌های «**نَزَلَ**» را صرف کنید.

ب- در آیه‌های زیر، افعال «مضارع مجهول ثلاثی مزید» را با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ^۱ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ^۲ بِأَنْفُسِهِنَّ^۳ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...**
(بقره: ۲۳۴)

۲. **وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ^۱ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ^۲ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ^۳ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا^۴ مَعَهُمْ.**
(نساء: ۱۴۰)

۳. **وَلَمْ يَتَّخِذْ^۱ مِنَ الْآخِرِ^۲ قَالًا لَأَقْتُلَنَّكَ^۳ قَالَ إِنَّمَا يَتَّخِذُ^۴ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.**
(مائده: ۲۷)

۴. **وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ^۱ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا^۲ الَّتِي بَارَكْنَا^۳ فِيهَا...**
(اعراف: ۱۳۷)

۵. **وَمَا كَانَ^۱ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى^۲ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصَدِّقُ^۳ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ...**
(یونس: ۳۷)

۶. **وَيَوْمَ نَبْعَثُ^۱ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ^۲ شَهِيدًا^۳ ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ^۴ لِلَّذِينَ كَفَرُوا^۵ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ.**
(نحل: ۸۴)

۱. در اصل «**يُتُوفُونَ**» بوده است.

۲. در اصل «**يُفْتَرَى**» بوده است.

۷. أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنِ اتَّخَذُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلِأَنفُسِهِمْ لَئِيمًا. (حج: ۳۹)

۸. أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟ (عنکبوت: ۲)

۹. وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لُمُسِينَ. (روم: ۴۹)

۱۰. وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ. (تکویر: ۳)

دعای کمیل (9)



نخستین جملات این درس، ادامه بیان حال بندگانی است که در میان آتش، از خدای خویش درخواست رهایی می‌کنند: **أَمْ كَيْفَ تَزَجُّرُهُ زَبَانِيَّتَهَا، وَ هُوَ ينادِيكَ يَا رَبَّهُ؟! أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَرُكُهُ فِيهَا؟! هَيْهَاتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوحِدِينَ، مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ.**

خدایا، چگونه ممکن است بنده‌ای را که صدای «یا رب» او بلند است، به دست مأموران خشمگین دوزخ بسپاری؟! آیا او را که چشم به فضل تو دوخته است و آزادی می‌طلبد، در آتش رهاش می‌کنی؟! نه، چنین نیست و ما به تو چنین گمانی نداریم! از فضل و احسان تو به دور است که از بندگان یکتاپرست خود انتقام بگیری!

مأموران دوزخ (زبانیه)

تعداد مأموران: در سوره مبارکه مدثر، هنگامی که یکی از مشرکان، یعنی ولید بن مغیره را به آتش قهر الهی تهدید می‌کند، از «سَقَر» سخن می‌گوید، که نوزده مأمور بر آن گماشته شده‌اند: **عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ^۲.**

۱. **یا رَبَّهُ:** ای پروردگار من. به این «ه»، هاء سکت می‌گویند و ترجمه نمی‌شود.

۲. مدثر، آیه ۳۰.

هویت آنان: آراء مفسران درباره هویت مأموران آتش متفاوت است. علامه طباطبایی می‌فرماید: **عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ**، یعنی بر آن - سَفَر - نوزده نفر موکلند، که عهده‌دار غیر فرشته‌اند، ولی از آیات مربوط به قیامت، به ویژه تصریح آیات بعدی استفاده می‌شود که از فرشتگان هستند.^۱

خداوند در آیه بعد می‌فرماید: **وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً**؛ مراد از «اصحاب النار» همان مأموران دوزخند که عهده‌دار شکنجه دادن مجرمان هستند. این معنا هم از جمله **عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ** استفاده می‌شود و هم جمله **وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلَّا فِتْنَةً ...** آن را تأیید می‌کند.

حاصل معنای آیه این است که: ما اصحاب آتش و موکلین بر آن را از جنس ملائکه قرار دادیم که قادر بر انجام مأموریت خود هستند؛ هم‌چنان‌که در جای دیگر فرمود: **عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ**؛ پس موکلین بر آتش از جنس بشر نیستند تا مجرمان و گناهکاران، امید داشته باشند که در برابرشان مقاومت کنند، و آنان را از بین ببرند.^۳

ساکنان همیشگی دوزخ

در بخش بعدی دعا، امام علیه السلام با لحنی پرامید می‌گوید: به یقین می‌دانم که اگر برای منکران و معاندان، حکم به عذاب نکرده بودی، آتش دوزخ را بر اهل عالم، سرد و سلامت می‌نمودی و کسی را در آن جای نمی‌دادی. ولی تو خود سوگند یاد کردی

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۳۸.

۲. (آتشی) که فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر بر آن [گماشته شده] است، که خدا را در آنچه فرمانشان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند، و آنچه را مأمور شده‌اند انجام می‌دهند؛ (تحریم، آیه ۶)

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۳۹.

که جهنم را از کافران جن و انس پر کنی و معاندان را ساکنان جاودان و همیشگی آن گردانی! زیرا تو خود فرمودی: آیا اهل ایمان با نافرمانان یکسانند؟! نه، آنان مساوی نیستند (فَالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَا حِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَ لَا مَقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ: مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ أَنْ تُخْلَدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَ أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، قُلْتَ مُبْتَدَأًا، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا: ﴿أَفَنَ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ!﴾

سبب ماندگاری در دوزخ: امام جعفر صادق (علیه السلام) به پرسشی درباره سبب ماندگاری معاندان در آتش، این گونه پاسخ دادند: این گروه از اهل آتش در دوزخ همیشه می ماندند، زیرا چنان قصد نافرمانی از پروردگار را داشتند که اگر در دنیا جاودان شوند، همیشه معصیت کار بمانند. این نیت ها آنها را در آتش آخرت جاودانه می نماید. سپس آیه: **قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلْتِهِ** را تلاوت کرد و فرمود: منظور از «شاکله» نیت است.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۹۲.

دعای کمیل (۱۰)



إِلٰهِ وَ سَيِّدِي، فَاسْتُلِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا،
وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ
أَجْرَمْتُهُ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَ كُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ أَوْ
أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَ كُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ
وَكَلَّتْهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَ جَعَلْتُهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَ كُنْتُ أَنْتَ
الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ، وَ بِفَضْلِكَ
سَتَرْتُهُ، وَ أَنْ تَوْفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَلْتَهُ، أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ، أَوْ
رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
بدی - گناه	سَيِّئَةٌ	۷	ثبت کردن	أَثَبْتُ	۱
جمع «شاهد: گواه»	شُهُودٌ	۸	پنهان کردی - پنهان داشتی	أَخْفَيْتَ	۲
جمع «کاتب: نویسنده»	كَاتِبِينَ	۹	می‌آمرزی	تَغْفِرُ	۳
جمع «کریم: بزرگواری»	كَرَامٌ	۱۰	بهره	حَظٌّ	۴
پشت - بعد	وَرَاءَ	۱۱	نگهداری	حَفِظَ	۵
			خطا - اشتباه	خَطَأً	۶

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
می‌بخشی	تَهَبُ	۸	مرتکب شدم	أَجْرَمْتُ	۱
قطعی کردی - حتمی کردی	حَتَمْتُمْ	۹	پنهان کردم - پنهان داشتم	أَخْفَيْتُمْ	۲
مراقب	رَقِيبٌ	۱۰	پنهان کردم	أَسْرَرْتُ	۳
تقدیر کردی	قَدَرْتُمْ	۱۱	آشکار کردم	أَظْهَرْتُ	۴
فرمان قطعی - قضاء	قَضَيْتُمْ	۱۲	علنی کردم - آشکار کردم	أَعْلَنْتُمْ	۵
کنمان کردم - پنهان داشتم	كَنَنْتُمْ	۱۳	می‌پوشانی	تَسْتَرُونَ	۶
گماشتی - مأموریت دادی	وَكَّلْتُمْ	۱۴	فراوان می‌بخشی	تَوْفِرُونَ	۷

* تمرین و پرسش

معارف‌جوین گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. أَجْرَمْتُ - أَخْفَيْتُمْ - أَعْلَنْتُمْ :

- الف - مرتکب شدم - پنهان کردم - آشکار کردم
- ب - مرتکب شدم - پنهان کنم - آشکار سازم

۲. تَسْتَرُونَ - تَهَبُ - تَوْفِرُونَ :

- الف - پوشاندی - بخشیدی - فراوان می‌بخشی
- ب - می‌پوشانی - می‌بخشی - فراوان می‌بخشی

۳. رَقِيبٌ - قَضِيَّةٌ - حَظٌّ :

- الف - دشمن - موضوع - بهره‌مندی
- ب - مراقب - فرمان قطعی - بهره

۴. اَسْرَرْتُ - اَظْهَرْتُ - كَتَمْتُ :

- الف - پنهان کردم - آشکار کردم - کتمان کردم
- ب - پنهان می‌کنم - آشکار می‌سازم - کتمان می‌نمایم

۵. وَكَلَّتْ - حَتَمَتْ - قَدَّرَتْ :

- الف - گماشتی - قطعی کردی - تقدیر کردی
- ب - می‌گماری - حتمی می‌کنی - تقدیر کردی

۶. اِكْرَامٌ - شُهُودٌ - وِرَاءٌ :

- الف - بزرگوار - شاهد - غیر
- ب - بزرگواران - گواهان - پشت

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. اِلٰهِي وَ سَيِّدِي، فَاسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا:

- الف - خدایم و سرورم، پس از تو می‌خواهم، با قدرتت که تقدیری شده است به آن
- ب - خدای من و آقای من، پس درخواست می‌کنم از تو، به (حق) قدرتی که تقدیر کردی آن را

۲. اَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ:

- الف - اینکه ببخشی برای من در این شب، و در این ساعت
- ب - قطعاً ببخش بر من در چنین شبی، و چنین ساعتی

۳. وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمَلْتَهُ، كَتَمْتَهُ اَوْ اَعْلَنْتَهُ:

- الف - و هر خطایی که انجام دادم، چه کتمان کردم و چه علنی کردم
- ب - و هر نادانی که انجام دادم آن را، کتمان کردم آن را، یا علنی کردم آن را

۴. الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنْي:

- الف - کسانی که گماشتی آنان را به نگهداری آنچه می‌باشد از (اعمال) من
- ب - کسانی که وکالت دادی به آنها در نگهداشتن من و آنچه می‌باشد از (اعمال) من

۵. وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ:

- الف - و اینکه ارزانی بداری بهره‌ام را از هر خیری که فروفرستادی یا لطفی که برتری دادی
- ب - و اینکه فراوان ببخشی بهره مرا از هر خوبیی که فروفرستادی آن را، یا احسانی که مرحمت کردی آن را

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَرْتَهَا	
۲	وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا	
۳	وَوَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيهَا	
۴	وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ	
۵	بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ^۱	
۶	أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ ^۲	
۷	وَالشَّاهِدَ لِمَا ^۳ خَفِيَ عَنْهُمْ	
۸	وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفِيَّتَهُ، وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ	

۱. «الْكَرَامَ الْكَاتِبِينَ» اضافه صفت به موصوف است.

۲. وَرَائِهِمْ: پشت (سر) آنها.

۳. لِمَا: بر آنچه.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **وَالْقَضِيَّةَ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مِنْ عَلَيْهِ اجْرِيَّتَهَا:**

و به که آن را و آن را، و (بر) کسی که
..... جاری کردی آن را.

۲. **كُلَّ جُرْمٍ اجْرَمْتَهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتَهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ اسْرَرْتَهُ:**

هر که مرتکب شدم آن را و گناهی که، و هر
که آن را.

۳. **اَخْفَيْتَهُ اَوْ اَظْهَرْتَهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتِ بِاِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ:**

..... آن را یا آن را، و هر که به آن، نویسندگان
..... را.

۴. **وَ جَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَ كُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَّرَائِهِمْ:**

و آنها را بر من با، و تو بر من
از (سر) آنان.

۵. **اَوْ يَرْشُرْتَهُ، اَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، اَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ:**

یا که آن را، یا روزی که آن را، یا که آن
را، یا که آن را.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

اسم فاعل و اسم مفعول ثلاثی مزید ❖

و رباعی (مجرد و مزید)

با کلماتی مانند: **متفکر**: اندیشمند (تفکر کننده)، **مستکبر**: تکبر کننده، **مؤمن**: با ایمان، **مربی**: تربیت کننده، در زبان فارسی آشنا هستند. این کلمات همان گونه که از معنایشان پیداست، اسم فاعل (صفت فاعلی) هستند.

کلمات **مستضعف**: ضعیف شمرده شده، **محترم**: مورد احترام، **مردد**: تردید شده، **منظم**: تنظیم شده، کلماتی عربی است که در فارسی به کار می رود و با آنها آشنایی دارید، معنای آنها بیانگر این است که، اسم مفعول (صفت مفعولی) هستند.

اکنون به جدول زیر توجه کنید:

اسم مفعول	فعل مضارع مجهول	اسم فاعل	فعل مضارع معلوم
مُفْسَدٌ	يُفْسِدُ	مُفْسِدٌ	يُفْسِدُ
مُنظَّمٌ	يُنظِّمُ	مُنظِّمٌ	يُنظِّمُ
مُسْتَبَدَلٌ	يُسْتَبَدَلُ	مُسْتَبَدِلٌ	يُسْتَبَدِلُ
مُبَادَلٌ	يُبَادِلُ	مُبَادِلٌ	يُبَادِلُ

کلمات ستون اوّل را با کلمه‌های ستون دوم و کلمات ستون سوم را با ستون چهارم مقایسه کنید. کلمه **يُفْسِدُ** «فعل معلوم» از باب «أفعال» است و با جانشین کردن «م» به جای «ی» از آن اسم فاعل ساخته شده است. کلمه **يُفْسِدُ** فعل «مجهول» از باب «أفعال» است و با جانشین کردن «م» به جای «ی» از آن اسم مفعول ساخته شده است.

به خاطر بسپارید

اسم فاعل ابواب ثلاثی مزید، از فعل مضارع معلوم و با جایگزینی «م» به جای «ی» ساخته می‌شود و اسم مفعول این ابواب، از فعل مضارع مجهول و با جایگزینی «م» به جای «ی» ساخته می‌شود.

تبصره: «اسم زمان و مکان و مصدر میمی ابواب ثلاثی مزید» بر وزن اسم «مفعول» آنها است، مانند: **مُسْتَقَرٌّ** قرارگاه، **مُدْخَلٌ**: وارد شدن.

*** تمرین**

در آیه‌های زیر، اسم فاعل (ثلاثی مزید) و اسم مفعول (ثلاثی مزید) و اسم زمان و مکان و مصدر میمی را با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. **وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ.**
(بقره: ۱۴)

۲. **وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.**
(بقره: ۱۶۴)

۳. **الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ.**
(آل عمران: ۱۷)

۴. قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَنَزَلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

(مائده: ۱۱۵)

۵. وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ.

(انعام: ۹۸)

۶. يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؟!

(يوسف: ۳۹)

۷. إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ.

(يوسف: ۶۷)

۸. وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ.

(حجر: ۴۷)

۹. وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا.

(كهف: ۲۹)

۱۰. وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ.

(شعراء: ۵۲)

۱۱. لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة...

(احزاب: ۶۰)

۱۲. مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ

(فاطر: ۲)

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای کمیل (۱۰)



بخش‌های گوناگون، دعای کمیل

دعای شریف کمیل را می‌توان به چند بخش تقسیم نمود. دعا با حمد و ثنای خداوند و بیان اوصاف کمالی حضرت حق آغاز می‌شود. سپس بنده گنهگار، به خطاها و کارهای زشت خود اعتراف می‌کند و در بخش‌های بعدی، با شیرین زبانی از معبود خود، بخشش و گذشت طلب می‌کند. بخش بعدی دعا که از این درس آغاز می‌شود، دربرگیرنده درخواست‌ها و نیازها و حاجات بنده به درگاه خداوند است.

در آغاز این بخش، همنوا با امام متقین به سرور و معبودمان می‌گوییم: معبود من، آقای من، تو را به توانمندیت و به قضای حتمیت می‌خوانم و از تو می‌خواهم که امشب، و در این زمان، همه جرم‌ها و گناهان و زشتکاری‌ها و اعمال نابخردانه و گناهان پنهانی و آشکار مرا ببخشایی (الهی و سیدی، فَاسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا، وَ غَلَبْتَ مِنْ عَلَيْهِ اجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ اجْرَمْتَهُ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتَهُ، وَ كُلَّ قَبِيحٍ اسْرَرْتَهُ، وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمَلْتَهُ، كَتَمْتَهُ أَوْ اَعْلَنْتَهُ، اَخْفَيْتَهُ أَوْ اظْهَرْتَهُ).

مأموران ثبت اعمال

آنگاه عرضه می‌داریم: خدایا، همه گناهانی را که فرشتگان گماشته، از من ثبت کرده-

اند، بیامرزد: وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتُ بِاِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ.

از فرشتگانی که مأمور ثبت گفتار و کردار ما هستند در قرآن به «الکرام الکاتبین» نویسنندگان ارجمند» یاد شده است.^۱

امیر مؤمنان (علیه السلام) این فرشتگان ارجمند را، گماشتگان خدا برای حفظ گزارش اعمال ما و شهادتی بر ما می‌داند، همان‌گونه که تمامی اندام‌های بدن بر اعمال ما گواهی خواهند داد (الَّذِينَ وَكَلَّمَهُمْ بِحِفْظٍ مَا يَكُونُ مِنْهُ، وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي).

به دنبال آن به پیشگاه پروردگار، عرضه می‌دارد: تو بر همه فرشتگان نظارت داری و آنچه را که از آنان پنهان است نیز می‌دانی، ولی به لطف و رحمت از آنان می‌پوشانی، تا بنده‌ات رسوا نشود! (وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که دو مؤمن با هم سخن می‌گویند، فرشتگان به یکدیگر می‌گویند: ما فاصله بگیریم، شاید آنان رازی دارند و خدا بر آنان پوشانده است. اسحاق بن عمار (راوی این روایت) می‌گوید: از امام (علیه السلام) پرسیدم: آیا خدا نمی‌فرماید: مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؟ یعنی انسان هیچ سخنی نمی‌گوید مگر اینکه نزد او فرشته‌ای مراقب و آماده است؟ فرمود: ای اسحاق، اگر فرشتگان نشنوند، خدای دانای سر می‌شنود و می‌بیند.^۳

در پایان، از خداوند می‌خواهیم که بهره ما را از خوبی و احسان و روزی، فراوان گرداند و گناهان ما را بیامرزد و خطاهایمان را ببوشاند (وَ أَنْ تُوَفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضْلَتَهُ، أَوْ بِرِّ نَشْرَتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ).

۱. انفطار، آیه ۱۱.

۲. ق، آیه ۱۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۲۱.

دعای کمیل (۱۱)



یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، یا اِلهی و سَیِّدی و مَولای و مالِکِ رَبِّی، یا مَنْ بِیَدِهِ ناصِیَتی،

یا عَلِیماً بِضُرِّی و مَسْکِنَتی، یا خَیْراً بِفُقْری و فاقَتی، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، اَسْئَلُکَ

بِحَقِّکَ و قُدْسِکَ، و اَعْظَمِ صِفاَتِکَ و اَسْمائِکَ، اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتی مِنْ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ،

بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً، و بِخِدمَتِکَ مَوْصُولَةً، و اَعْمالی عِنْدَکَ مَقْبُولَةً، حَتّی تَکُونَ اَعْمالی

و اَورادی کُلُّها وِرداً واحِداً، و حالی فی خِدمَتِکَ سَرْمَداً.

یا سَیِّدی یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلی، یا مَنْ اِلیْهِ شَکَوتُ اَحْوالی، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، قَوِّ

عَلی خِدمَتِکَ جَوارِحی، و اَشْدُدْ عَلَی العَزِیمَةِ جَوارِحی، و هَبْ لی الجِدَّ فی خَشِیَّتِکَ،

و الدَّوامَ فی الاتِّصالِ بِخِدمَتِکَ، حَتّی اَسْرَحَ اِلیکَ فی مَیادینِ السَّابِقینَ، و اَسْرِعْ

إِيَّاكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَ أَشْتَقُّ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمَشْتَقِينَ، وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ،

وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

✽ جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
پاکی	قُدُس	۹	پیوستن	اتِّصَالَ	۱
درماندگی	مَسْكَنَةٌ	۱۰	می ترسم	أَخَافُ	۲
جمع «مُشْتَأِقٌ: مشتاق - دل بسته»	مُشْتَأِقِينَ	۱۱	جمع «وَرِدٌ: ورد - ذکر»، اوراد	أَوْرَاد	۳
جمع «مَوْقِنٌ: یقین کننده»	مَوْقِنِينَ	۱۲	جمع «وَقْتُتٌ: وقت - زمان»	أَوْقَات	۴
جمع «مِیْدَانٌ: میدان»	مِیْدَانِينَ	۱۳	کوشش - جدیت	جِدِّ	۵
ورد - ذکر	وَرِدٌ	۱۴	خدمت	خِدْمَةٌ	۶
دست	یَدٌ	۱۵	جمع «سَاقٍ: پیشی گیرنده - سبقت گیرنده»	سَاقِیْنَ	۷
			جمع «صِفَةٌ: صفت»	صِفَات	۸

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
جمع «جَاحِحٌ: دنده»، نیروهای درونی	جَوَاحِحُ	۸	جمع می شوم - گرد می آیم	أَجْتَمِعُ	۱
ترس - بیم	خَشِیَّةٌ	۹	نزدیک می شوم	أَدْنُو	۲
نزدیک شدن - نزدیکی	دُنُو	۱۰	روانه می شوم	أَسْرَحُ	۳
بندگی - بردگی	رِقٌّ	۱۱	می شتابم	أُسْرِعُ	۴
همیشگی	سَرْمَدٌ	۱۲	مشتاق می شوم - دل بسته می شوم	أَشْتَأِقُ	۵
شکایت کردم	شَكَوْتُ	۱۳	محکم کن - سخت گردان	أَشْدُدُ	۶
تصمیم - اراده	عَزِیْمَةٌ	۱۴	جمع «بَارِزٌ: قهرمان»	بَارِزِينَ	۷

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
پیوند خورده - پیوسته	مَوْصُولَةٌ	۱۸	نیرومند کن - نیرو ببخش	قَوِّ	۱۵
پیشانی - موی جلوی سر	نَاصِيَةٌ	۱۹	ترس	مَخَافَةٌ	۱۶
			آباد شده - آباد	مَعْمُورَةٌ	۱۷

* تمرین و پرسش

معارف جویان گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. اَدْنُوْ - اَسْرَحُ - اُسْرَعُ :

- الف - نزدیک می‌شوم - روانه می‌شوم - می‌شتابم
- ب - نزدیک شد - روانه گردید - شتافت

۲. اَشْدُدُ - قَوِّ - دَنُوْ :

- الف - سخت کن - نیرومند کن - نزدیک کن
- ب - محکم کن - نیرومند کن - نزدیکی

۳. مَسْكَنَةٌ - مَعْمُورَةٌ - مَوْصُولَةٌ :

- الف - درماندگی - آباد شده - پیوند خورده
- ب - سکونت یافته - آباد شده - وصل شده

۴. اَشْتَاقُ - اَجْتَمَعُ - شَكُوْتُ :

- الف - مشتاق شوم - جمع کردم - شکایت می‌کنم
- ب - مشتاق می‌شوم - جمع می‌شوم - شکایت کردم

۵. **خَشِيَّةٌ - سَرْمَدٌ - مَخَافَةٌ :**

- الف - ترس - همیشگی - ترس
- ب - فروتنی - دائمی - از روی ترس

۶. **بَارِزِينَ - جَوَانِحَ - رِقِّ :**

- الف - قهرمان - نیروی درونی - برده
- ب - قهرمانان - نیروهای درونی - بندگی

۷. **نَاصِيَةٌ - مِيَادِينَ - مَوْقِنِينَ :**

- الف - پیشانی - میدانها - یقین کنندگان
- ب - فراموشی - وسطها - اوقات

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. **يَا اِهْلِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِّي :**

- الف - ای معبود من و آقای من و سرور من و صاحب بندگی من
- ب - ای پروردگار من و ای آقای من و ای سرور من و ای صاحب اختیار من

۲. **اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ، وَ اَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ اَسْمَائِكَ :**

- الف - درخواست می‌کنم به حق تو و پاکی تو، صفات و اسمهای بزرگت
- ب - درخواست می‌کنم از تو به حق تو و پاکی تو، و بزرگترین صفات تو و نامهای تو

۳. **يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي، يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكْوَتُ اَحْوَالِي :**

- الف - ای آقای من، ای کسی که بر او است تکیه‌گاه من، ای کسی که به سوی او شکایت می‌کنم از احوالم
- ب - ای آقای من، کسی که بر او تکیه می‌کنم، و کسی که به او شکوه می‌کنم از حالاتم

۴. وَ هَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ:

- الف- و ببخش به من جدیت در ترس (از) تو، و استمرار در پیوستن به خدمت تو را
- ب- و ببخش برای من جدی گرفتن ترس از تو را، و استمرار پیوند به خدمت خود را

۵. وَ أَشْتَأِقُ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ:

- الف- و اشتیاق به نزدیک شدن را در (زمره) مشتاقان (به من عطا فرما)
- ب- و مشتاق شوم به نزدیکی به تو در (زمره) مشتاقان

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ	
۲	أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ	
۳	وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ	
۴	أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ	
۵	بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً	
۶	وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً	
۷	وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي	
۸	وَأُسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ	
۹	وَ أَشْتَأِقُ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ	
۱۰	وَ أَدْنُو مِنْكَ ^۱ دُنُو الْمُخْلِصِينَ	

۱. مِنْكَ: به تو.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي، يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَتِي، يَا خَبيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي:**

ای کسی که او است (سرنوشتم)، ای به و ، ای آگاه به و

۲. **حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِداً وَاحِداً، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً:**

تا کارهایم و همه‌اش یگانه (یک ورد)، و در همیشگی.

۳. **قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي:**

..... بر خدمتت ، و بر اراده،

۴. **حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ:**

تا به سوی تو در ، و به سوی تو در (زمره)

۵. **وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَ أَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَ اجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ:**

و نزدیک شوم به تو مخلصان، و بترسم از تو ، جمع شوم در با

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

تقسیم افعال: صحیح و مُعْتَلّ



به جدول افعال زیر توجه کنید:

معتل	مهموز	مضاعف	سالم
وَعَدَ	أَخَذَ	مَدَّ	جَعَلَ
قَالَ	أَبَى	فَرَّ	شَرِبَ
لَقِيَ	أَكَلَ	وَدَّ	حَسُنَ

در کتاب آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با افعال بسیاری در قرآن آشنا شدید. برخی از افعالی که آموخته‌اید از گروه افعال ستون اوّل هستند و از ساده‌ترین شکل‌های افعال هستند. برخی دیگر، افعالی هستند که مانند افعال ستون دوم دو حرف اصلی آن مثل هم هستند، مانند: «مَدَّ» که در اصل «مَدَد» بوده و دو حرف متمائل آن در هم ادغام شده‌اند. برخی از افعال نیز مانند افعال ستون سوم دارای حرف همزه هستند. گروه دیگر از افعالی که آموخته‌اید و صرف بسیاری از صیغه‌های آنها معمولاً با تغییراتی همراه است، مانند افعال ستون چهارم جدول می‌باشند. مهم‌ترین ویژگی این افعال، وجود یک یا دو حرف عله (و، ی، ا) در حروف اصلی آنهاست.

اقسام چهارگانه فعل

۱. سالم: فعلی است که در آن حرف عله و همزه و حروف متمائل به کار نرفته است، مانند: **نَصَرَ**
 ۲. مُضَاعَف: فعلی است که دو حرف اصلی آن «مثل هم» باشند، مانند: **مَدَّ**
 ۳. مَهْمُوز: فعلی است که یکی از حروف اصلی آن «همزه» باشد، مانند: **أَكَلَ**
 ۴. مُعْتَل: فعلی است که یک یا دو حرف اصلی آن «حرف عله» باشد (حروف عله عبارتند از: و، ی، ا)، مانند **وَعَدَ، قَالَ، لَيْتَ**
- افعال سالم، مُضَاعَف و مَهْمُوز را «صحیح» می‌نامند، زیرا در آن حروف عله به کار نرفته است.

* تمرین

در آیه‌های زیر، اسم فاعل (ثلاثی مزید) و اسم مفعول (ثلاثی مزید) و اسم زمان و مکان و مصدر میمی را با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ. (هود: ۳۸)
۲. وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ ... (هود: ۱۲۰)
۳. وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ. (حجر: ۱۴)
۴. وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ ... (اسراء: ۴)
۵. يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا. (طه: ۱۰۹)
۶. الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ. (حج: ۳۵)
۷. حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ. (مؤمنون: ۶۴)
۸. وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ. (عنكبوت: ۲۷)
۹. وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ. (روم: ۲۷)
۱۰. وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ. (روم: ۵۵)

آشنایی با معارف اهل بیت

دعای کمیل (۱۱)



در این بخش از دعا، خداوند را چنین می‌خوانیم: ای پروردگار من، ای معبود من و آقا و سرورم، ای صاحب اختیار من، ای کسی که پیشانی من به دست توست، ای دانا به پریشانی و درماندگی‌ام، ای آگاه به نیاز و فقر من (یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، یا اِلهی وَ سَیِّدی وَ مَولای وَ مالِکِ رِقی، یا مَنْ بَیدِه ناصِبتی، یا عَلِیماً بِضُرِّی وَ مَسْکَنَتی، یا خَیْراً بِفَقْرِی وَ فاقَتی).

معنای ناصیه

«ناصیه» در لغت به معنای «موی جلوی پیشانی» است. در دست گرفتن موی جلوی سر انسان به معنای آن است که وی کاملاً در اختیار است، زیرا برترین و بالاترین جزء بدن او به دست دیگری است. به همین جهت است که علی (علیه السلام) برای بیان تسلط کامل خداوند بر بندگان، از عبارت «یا من بیده ناصیتی» بهره گرفته است.

درخواست‌های بزرگ

در قسمت بعدی دعا، خداوند را به ربوبیتش می‌خوانیم و از او می‌خواهیم که لحظه لحظه شب و روز ما را، به یاد خود آباد کند و آن اوقات را در خدمت خود قرار دهد و کارهایمان را بپذیرد، تا جایی که همه اذکار و اعمال ما یک ذکر (و یک عمل) گردد، که همان ذکر خدای یکتاست، و پیوسته به بندگی خدا و خدمت در راه او

مشغول باشیم (یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ، وَ أَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَ أَعْمَلِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَلِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا).

شرایط پذیرش عمل

الف - تقوا: از نخستین روزهای حیات بشری، آن هنگام که دو فرزند آدم (علیه السلام) هابیل و قابیل هر یک عمل را برای تقرب به پیشگاه معبود تقدیم کردند، نتیجه عمل آنان یکسان نبود و نزد خدا دو گونه ارزش گذاری شد. در قرآن می خوانیم:

و داستان دو فرزند آدم را به حق، بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت! (برادر دیگر) گفت: (من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد!^۱

بخش پایانی آیه، علت قبولی اعمال را تقوا می شمارد.

ب - اخلاص: در روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که سبب قبولی اعمال، اخلاص در عمل است.^۲ یعنی کاری را که تنها برای رضای خدا انجام دهیم، حتماً مورد پذیرش خداوند قرار خواهد گرفت.

۱. مائده، آیه ۲۷.

۲. غرالحکم، ص ۱۵۵، کلام ۲۹۱۵.

ج - ولایت اهل بیت: بر اساس روایتی از امام صادق (علیه السلام)، اقرار به ولایت امامان معصوم (علیهم السلام) وسیله قبولی اعمال است: «نخستین چیزی که در پیشگاه خدا از بنده پرسیده می شود، درباره نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حج واجب و ولایت ما اهل بیت است؛ پس اگر (بنده) به ولایت ما اقرار کرد و سپس از دنیا رفت، نماز و روزه و زکات و حج او مورد قبول درگاه الهی قرار می گیرد، ولی اگر در پیشگاه خداوند به ولایت ما اقرار نکرد، خدا هیچ یک از اعمال او را نمی پذیرد»^۱ در بخش بعدی دعا، از خداوند می خواهیم که تمام اعضا و جوارح ما را در راه خدمت خود، نیرو ببخشد و دل و جانمان را بر اراده و تصمیم صحیح استوار سازد (یا سَیِّدِی یا مَنْ عَلَیْهِ مَعْوَى، یا مَنْ إِلَیْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِی، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، قَوِّ عَلَی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِی، وَاشْدُدْ عَلَی الْعَزِیمَةِ جَوَانِحِی).

آنگاه، جدیت در خداترسی را طلب می کنیم و از او می خواهیم که ما را در میدان بندگی خدا، یاری کند و به ما اشتیاق تقرّب و نزدیکی به خودش را در جمع مخلصان و مشتاقات قرب الهی عطا کند. ترس ما از خدا را ترس اهل یقین قرار دهد و ما را همسایه و همنشین مؤمنان راستین قرار دهد (وَهَبْ لِی الْجِدَّ فِی خَشِیَّتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِی الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَیْكَ فِی مَیَادِنِ السَّابِقِیْنَ، وَ أَسْرِعَ إِلَیْكَ فِی الْبَارِزِیْنَ، وَ أَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِی الْمُشْتاقِیْنَ، وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِیْنَ، وَ أَخافَكَ مَخافةَ الْمُوقِنِیْنَ، وَ اجْتَمَعَ فِی جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِیْنَ).

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

دعای کمیل (۱۲)



اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدُهُ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ

نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَ أَقْرَبِيهِمْ مَنزِلَةً مِنْكَ، وَ أَحْصِيهِمْ رُفْقَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ

إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَ جُدِّي بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ

لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجَاءً، وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيْمًا، وَ مَنْ عَلَىٰ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَ أَقْلِي عَثْرَتِي،

وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَ ضَمَنْتَ

لَهُمُ الْإِجَابَةَ.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزیند و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
جمع «عبد: بنده»	عَبِيد	۲	ضمانت کردی	ضَمِنْتَ	۱

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
توجه کن	اِعْطَفْ	۴	حفظ کن - نگهدار	اِحْفَظْ	۱
چشم‌پوشی کن - درگذر	اَقْلْ	۵	ویژه‌ترین - خاص‌ترین	اَخْصْ	۲
تقرّب - نزدیکی	زُلْفَةَ	۶	اراده کن - بخواه	اَرِدْ	۳

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
دل‌باخته - مشتاق	لَهَج	۱۱	لغزش	زَلَّة	۷
بی‌تاب - شیدا	مَتَمِّمٌ	۱۲	مکر ورزید - نیرنگ ورزید	كَادَ	۸
بزرگواری - عظمت	مَجْدٌ	۱۳	مکر بورز - نیرنگ بورز	كِدٌ	۹
			دست‌یافتنی نیست - دست‌یافته نمی‌شود	لَا يُنَالُ	۱۰

* تمرین و پرسش

معارف‌جویان گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. اَرَدَ - اِعْطَفَ - اَقْلَ :

- الف - اراده کن - توجه کن - چشم‌پوشی کن
- ب - اراده کرد - توجه نمود - چشم‌پوشی کرد

۲. كِدٌ - لَهَجٌ - كَادٌ :

- الف - نیرنگ بزَن - دل‌باخته شو - نیرنگ زد
- ب - مکر بورز - دل‌باخته - نیرنگ ورزید

۳. زَلَّةٌ - زُلْفَةٌ - مَجْدٌ :

- الف - لغزش - تقرّب - بزرگواری
- ب - خوار - پریشانی - عظمت

۴. ضَمِنْتَ - أَحْصَى - مُتِمًّا :

- الف - ضمانت کردی - ویژه‌ترین - شیدا
- ب - ضمانت کردی - مخصوص گرداند - بی‌تاب

۵. لَا يُنَالُ - عَبِيدٌ - أَحْفَظُ :

- الف - نمی‌رسد - بنده - حفظ کن
- ب - دست‌یافتنی نیست - بندگان - نگه دار

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاَرِدْهُ :

- الف - و خدایا هر کس اراده کند نسبت به من بدی را، پس بخواه نسبت به او (بدی) را
- ب - و خدایا هر کس اراده بدی نسبت به من نمود، پس دفع کن او را

۲. وَ اَقْرَبِيْهِمْ مِّنْزِلَةً مِّنْكَ، وَ اَخْصِيْهِمْ زُلْفَةً لِّدِيْكَ :

- الف - و نزدیک کن، آنان را از نظر جایگاه به تو، و اختصاص بده آنان را در نزدیکی به خود
- ب - و نزدیک‌ترین آنان (از نظر) منزلت به تو، و ویژه‌ترین آنان (از نظر) تقرّب نزد تو

۳. وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِجَدِّكَ، وَ احْفَظْنِيْ بِرَحْمَتِكَ :

- الف - و توجه کن بر من با بزرگواریت، و نگه دار مرا به سبب رحمتت
- ب - و لطف کن به من با بزرگیت، و تا حفظ کنم جانب رحمت تو را

۴. **وَمَنْ عَلَىٰ حَسْنِ اجَابَتِكَ:**

- الف - و منت است بر من حسن اجابت تو
- ب - و منت بگذار بر من با اجابت خوبت

۵. **وَ أَقْلَنِي عَثْرَتِي، وَ اغْفِرْ زَلَّتِي:**

- الف - و چشم پوشی کن از من لغزشم را، و بیامرز لغزشم را
- ب - و چشم پوشی کن لغزشم را، و بیامرز انحرافم را

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَّارِدُهُ	
۲	وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ	
۳	نَصِيبًا عِنْدَكَ	
۴	وَ اقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ	
۵	وَ اخْصِمِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ	
۶	فَإِنَّهُ لَا يَبَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ	
۷	وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ	
۸	قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ	

۱. نَصِيبًا: (از نظر) بهره.

۲. «ه» در «أَنَّهُ» ضمیر شأن است و ترجمه نمی شود.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **وَمَنْ كَادَنِي فَكَدَّهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ:**

و هر کس نسبت به من، پس با او، و مرا از بندگانت (از نظر) نزد (خود)ت.

۲. **فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ:**

پس قطعاً آن به سبب تو، و به من با

۳. **وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً:**

و زبان مرا به ت، و مرا بی تاب.

۴. **فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ :**

پس تو بر به

۵. **وَآمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ:**

و آنها را به، و برای آنها را

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

فعل مَهْمُوز



در درس قبل با فعل مهموز آشنا شدید در این درس با برخی تغییرات که در فعل مهموز ایجاد می‌شود آشنا خواهید شد.

به افعال «آمَنَ» و «آجَرَ» توجه کنید:

حروف اصلی فعل «آمَنَ» (ا، م، ن) و حروف اصلی فعل «آجَرَ» (ا، ج، ر) می‌باشد. این دو فعل، ثلاثی مزید و از باب افعال هستند، بنابراین بر وزن «أَفْعَلُ: أَمَنَ» هستند ولی ملاحظه می‌کنید که به جای و همزه کنار هم، «أ» آورده شده است. مانند این تغییر در برخی افعال مهموز رخ می‌دهد. مثلاً: فعل «آتَى» در اصل «أَتَى»، «آنَسَ» در اصل «أَنَسَ»، «آذَنَ» در اصل «أَذَنَ» بوده است، با دقت در این مثال‌ها می‌یابیم که در افعال ذکر شده، همزه ساکن، تبدیل به الف مدی شده است.

کلماتی مثل: «ایمان، ایتاء، ایثار» نیز مهموز و همزه آنها تبدیل به یاء شده است، یعنی در اصل «إِئْمَانٌ، إِئْتَاءٌ، إِئْتَارٌ» بوده است.

به فاطر بسپارید

برخی تغییرات در افعال و مصادر مهموز به این شرح است:

- همزه ساکن، پس از همزه مفتوح به الف مدی تبدیل می‌شود؛ مانند: أَمَنَ (آمَنَ)
- همزه ساکن، پس از همزه مکسور به یاء مدی تبدیل می‌شود؛ مانند: إِئْتَاءٌ (ایْتَاء)

*** تمرین**

در آیه‌های زیر، افعال و مصادر مهموز را مشخص کنید.

۱. أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.

(بقره: ۴۴)

۲. وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

(بقره: ۵۳)

۳. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

(بقره: ۱۸۸)

۴. يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ.

(نساء: ۱۵۳)

۵. وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالذِّينِ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.

(انعام: ۱۰)

۶. رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ.

(انعام: ۱۲۸)

۷. فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ.

(مؤمنون: ۱۹)

٨. قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكْفِرُوا. (مؤمنون: ١٠٨)

٩. قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ.

(قصص: ٢٦)

١٠. وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ٥)

دعای کمیل (۱۲)



فضل الهی

پیشوای تقوای پیشگان در بخش دیگری از دعا عرضه می‌دارد: خدایا، هرکس بنای بدی کردن به من را دارد، یا به من نیرنگ می‌زند تو به او بدی و نیرنگ کن و مرا از بهره‌مندترین بندگانت قرار ده و نزدیک‌ترین آنان به خودت قرار ده، زیرا رسیدن به چنین مقام و جایگاهی، جز با فضل تو امکان‌پذیر نیست (اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَ أَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ).

فضل خدا بر نافرمانان

در قصه بنی‌اسرائیل، پس از آنکه خداوند الطاف خود را نسبت به این قوم خیره‌سر برمی‌شمارد، می‌فرماید: **ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ**؛ ای بنی‌اسرائیل، شما پس از آن همه نعمت که خداوند به شما ارزانی داشت، از حق روی‌گردانید؛ اگر فضل و رحمت خدا نبود شما از زیانکاران بودید. عمل امت ناسپاس موسای کلیم (علیه‌السلام)، آنان را مستحق عذاب سخت و هلاکت می‌نمود، ولی خداوند از سر لطف و احسان، آنان را به عقوبتی که سزاوارشان بود، نرساند.

در جنگ احد، عده‌ای از مسلمانان به طمع جمع‌آوری غنایم، فرمان پیامبر را زیر پا گذاشتند و مواضع خود را ترک کردند، در نتیجه شکستی سخت بر مسلمانان وارد شد. سزای این نافرمانی، عقوبت الهی بود، ولی خداوند از روی لطف و فضل خود آنان را عفو کرد: **وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحْسَبُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرَأَيْتُمْ مَا يُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ^۱**

بنابراین دو قصه قرآنی، دامنه فضل و لطف خداوند آن‌چنان گسترده است که حتی نافرمانان و گناهکاران را زیر چتر حمایت خود می‌گیرد. بدیهی است که فضل خداوند نسبت به بندگان نیکوکارش بیشتر خواهد بود.

در بخش بعدی دعای کمیل، از خداوند درخواست می‌شود که: خدایا، با جودت به من ببخش، و به بزرگواریت بر من توجه کن، و به رحمت مرا حفظ کن و زبان مرا به یادت مشتاق کن (و **جُدُلِي بِجُودِكَ، وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا**).

مصادیق ذکر خدا

قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، مؤمنان را به ذکر و یاد خداوند فرامی‌خواند. یکی از مصادیق «ذکر»، ذکر زبانی است که در احادیث پیامبر و امامان معصوم به آن سفارش شده است. امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: کسی که به او زبانی ذاکر و یادکننده خدا داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.^۲

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۱. آل عمران، ۱۵۲.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: باید بیشتر سخن شما ذکر خدا باشد.^۱
در حدیثی دیگر از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: و هر کلامی که در آن ذکر خدا
نباشد، لغو و بیهوده است.^۲

دل شیدا

امیرمؤمنان در تعبیری دل‌انگیز و عاشقانه از پروردگار، دلی شیدا و بی‌تاب از حبّ
معبود می‌طلبد: **وَقَلْبِي بِحَبِّكَ مُتَمِيمًا**؛ دوستی بی‌شائبه و خالص، دل را بی‌تاب و شیدای
محبوب می‌کند، به گونه‌ای که بی‌خبران در عقل او تردید می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هنگامی که انسان مؤمن از دنیا کناره می‌گیرد اوج گرفته،
شیرینی دوستی خدا را می‌یابد، در حالی که نزد اهل دنیا مانند کسی است که عقلش
دچار اختلال شده است، ولی حقیقت این است که آنچنان با شیرینی محبت خدا
در آمیخته است، که به غیر او مشغول نمی‌شود!^۳

پیامبر ﷺ فرمود: شعیب (علیه السلام) از حبّ خدا آن‌قدر گریست که کور شد. خداوند بینایی
را به او بازگرداند و این حادثه چهار بار تکرار شد. بار چهارم خداوند به او وحی
نمود که ای شعیب: تا کی این رفتار از تو ادامه خواهد یافت؟! اگر از ترس آتش
است، بدان که تو را از آتش در امان داشتیم، و اگر به شوق بهشت است که آن را
برای تو مباح گردانم. شعیب گفت: ای معبود من و ای آقای من، تو می‌دانی که از
ترس آتش و به شوق بهشت نگریم، بلکه محبت تو بر دلم گره خورده است و تا
به دیدار تو نائل نشوم، شکیبیا نخواهم شد...^۴

۱. تحف العقول، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۲۱۵.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۳۰.

۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۷.

دعای کمیل (۱۳)



فَالْيَاكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي

دُعَائِي، وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ، وَ لَا تَقْطَعْ مِنِّي فَضْلِكَ رَجَائِي، وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

مِنِّي أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ؛ فَإِنَّكَ فَعَالٌ بِمَا تَشَاءُ.

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَ طَاعَتُهُ غِنَى، اِرْحَمْ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ

الْبُكَاءُ. يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ

الْمِيَامِينَ مِنْ إِلَهِي، وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
سلاح - جنگ‌افزار	سِلَاح	۵	انجام بده	اِفْعَلْ	۱
دانا - عالم	عَالِم	۶	می‌خواهی	تَشَاءُ	۲
انجام‌دهنده	فَعَّال	۷	دفع‌کننده	دَافِع	۳
قطع نکن	لَا تَقْطَعْ	۸	دوا - دارو	دَوَاء	۴

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
تعلیم داده نمی‌شود	لَا يَعْلَمُ	۶	کفایت کن	اِكْفِ	۱
دراز کردم	مَدَدْتُ	۷	برسان - ابلاغ کن	بَلِّغْ	۲
جمع «مُسْتَوْحِشٍ»: وحشت‌زده»	مُسْتَوْحِشِينَ	۸	سرمایه	رَأْسُ مَالٍ	۳
جمع «مِیْمُونٍ»: خجسته - بابرکت»	مِیَامِینَ	۹	تمام‌کننده - بخشنده	سَابِغٍ	۴
قرار دادم	نَصَبْتُ	۱۰	جمع «ظُلْمَةٌ»: تاریکی»	ظُلْمٌ	۵

*** تمرین و پرسش**

معارف‌جویان گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. ظُلْمٌ - مِیَامِینَ - مُسْتَوْحِشِینَ :

- الف - تاریکی‌ها - بابرکت‌ها - وحشت‌زدگان
- ب - ستم‌ها - اواسط - وحشتناک

۲. اِكْفِ - بَلِّغْ - دَافِعٌ :

- الف - کفایت کن - ابلاغ کن - دفاع‌کننده
- ب - کفایت کن - برسان - دفع‌کننده

۳. لَا تَقْطَعُ - لَا يَعْلَمُ - سَابِغُ :

- الف - قطع نکن - تعلیم داده نمی‌شود - تمام‌کننده
- ب - قطع نکن - تعلیم نده - سبقت‌گیرنده

۴. مَدَدْتُ - نَصَبْتُ - فَعَّالٌ :

- الف - کمک می‌کنم - نصب می‌کنم - پرخروش
- ب - دراز کردم - قرار دادم - انجام‌دهنده

۵. رَأْسُ مَالٍ - سِلَاحٌ - دَوَاءٌ :

- الف - سرمایه - سلاح - دارو
- ب - مازاد سرمایه - خیر - درد

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي:

- الف - پس به عزتت، اجابت کن دعایم را
- ب - پس سوگند به عزتت، اجابت کن برای من دعایم را

۲. وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي:

- الف - و برسان آرزوی مرا (به اجابت)، و قطع نکن به فضل خود امیدم را
- ب - و برسان مرا به آرزوهایم، و قطع نکن از احسانت امید مرا

۳. يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ:

- الف - ای (که) سریع است رضایت (تو)! بیامرز کسی را که مالک نیست مگر دعا (کردن) را
- ب - ای (که) به سرعت راضی می‌شوی! بیامرز برای من که مالک نیستم جز دعا را

۴. اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ:

- الف - رحم کن کسی را که سرآمد مالش امید به تو است، و سلاح او گریه است
- ب - رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید، و سلاحش گریه است

۵. **يا عالماً لا يعلم ... وافعل بي ما انت اهله:**

- الف - ای دانایی که فرانگرفته‌ای؛ و انجام بده آنچه را که تو شایسته آن هستی
- ب - ای دانایی که تعلیم داده نشده است؛ و انجام بده نسبت به من آنچه را
- تو شایسته آن هستی

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارات‌های کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي	
۲	يا سريع الرضا، اغفر	
۳	لمن ^۱ لا يملك الا الدعاء	
۴	فانك فعال ^۲ لما ^۳ تشاء	
۵	وذكره شفأء، و طاعته غنى	
۶	ارحم من رأس ماله الرجاء	
۷	يا عالماً لا يعلم ^۳	
۸	صلى الله على رسوله	
۹	والائمة الميامين من آله	
۱۰	وسلم تسليماً	

۱ و ۲. «ل» در «لمن» و «لما» ترجمه نمی‌شود.

۳. لا يعلم: تعلیم داده نشده است.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي:**

پس ای پروردگرم - و به سوی تو دراز کردم

۲. **وَاصْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا:**

و مرا از جنّ و انسان از؛ ای (که) است (تو).

۳. **فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ. يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ:**

پس قطعاً تو آنچه را که ای نام او و یاد او

۴. **يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ:**

ای نعمت‌ها، ای کيفرها، ای روشنایی در

۵. **وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيُّمَةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا:**

و خدا بر و خجسته از و درود فرستادنی.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

فعل مُضَاعَفٌ ❖

در درس ۳۴ با تعریف فعل «مُضَاعَفٌ» آشنا شدید؛ بنا بر تعریف مضاعف، فعل‌های «مَدَّ» که در اصل مَدَدَ بوده و فعل فَرَّ که در اصل فَرَّرَ بوده است، فعل «ماضی مضاعف» است. فعل مضارع این افعال به ترتیب: «يَمُدُّ» و «يَفِرُّ» می‌باشد. اکنون به تصریف فعل «مَدَّ» و «يَمُدُّ» توجه نمایید:

فعل ماضی	فعل مضارع
مَدَّ	يَمُدُّ
مَدَّا	يَمُدَانِ
مَدَّوْا	يَمُدُّونَ
مَدَّتْ	تَمُدُّ
مَدَّتَا	تَمُدَانِ
مَدَّتْ	يَمُدُّنَ
مَدَّتَتْ	تَمُدُّ
مَدَّتُمَا	تَمُدَانِ
مَدَّتُمْ	تَمُدُّونَ
مَدَّتَتْ	تَمُدِّينَ
مَدَّتُمَا	تَمُدُّانِ

فعل مضارع	فعل ماضی
تَمَدَّدَنَّ	مَدَدْتَنِي
أَمَدُّ	مَدَدْتُ
تَمَدَّدَ	مَدَدْنَا

ملاحظه می‌کنید که در برخی از صیغه‌ها، دو حرف متمائل در هم ادغام و به جای آن بر روی حرف دوم تشدید آورده شده است و در برخی صیغه‌ها، ادغام صورت نگرفته است. برای اطلاع بیشتر از قواعد ادغام افعال و اسما مضاعف، می‌توانید به کتاب‌های صرف مراجعه کنید.

* تمرین

الف- فعل «فَرَّ» و «يَفِرُّ» را با استفاده از جدول درس صرف کنید.

ب- افعال مضاعف را در آیه‌های زیر مشخص کنید.

۱. وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكَأْبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ.

(آل عمران: ۶۹)

۲. عَسَى اللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا.

(نساء: ۸۴)

۳. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ.

(انعام: ۱۰۸)

٤. فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَبَعًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ
وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.

(اعراف:١٤٣)

٥. وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ.

(طه:٣٧)

٦. فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ.

(طه:١٣٤)

٧. وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ.

(جاثية:٤)

٨. فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ.

(ذاريات:٢٩)

٩. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.

(واقعه:٧٩)

١٠. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.

(صف:١٠)

١١. وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ...

(قارعه:٨)

١٢. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ.

(مسد:١)

دعای کمیل (۱۳)



دست نیاز

در این بخش از دعا، امام علی علیه السلام در جمله‌ای معترضه - به خداوند می‌گوید: ای پروردگار من، چهره‌ام را به سوی تو می‌کنم، و دستم را به آستانت دراز می‌کنم و پس از آن حاجت‌های دیگرم را عرضه می‌دارم: **فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَ اِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي.**

بالا بردن دست نیاز

شاید این سؤال برای برخی از مردم پیش بیاید، که چرا هنگام دعا، دستانمان را به سوی آسمان بلند می‌کنیم. برای پاسخ به این پرسش، سخنی از امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ یکی از کافران را با هم می‌خوانیم: شخص کافر گفت: در هنگام دعا، چه فرقی می‌کند که دستانتان را به سوی آسمان بلند کنید یا به سوی زمین پایین بیندازید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: این در علم و احاطه و قدرت خدا یکسان است، ولی خداوند فرمان داده است که دستانمان را به سوی آسمان و عرش دراز کنیم زیرا خداوند آنجا را معدن رزق قرار داده است.^۱

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۲۴.

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: پس از پایان نماز، باید نمازگزار دو دستش را برای دعا به سوی آسمان بلند کند. کسی پرسید: ای امیر مؤمنان، آیا خدا در همه جا نیست؟! فرمود: بله هست. گفت: پس چرا باید دستان را به سوی آسمان بلند کرد؟ امام علیه السلام فرمود: آیا این آیه را نخوانده‌ای: «و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده شده‌اید»^۱ پس روزی را از جایی جز مکان رزق باید جست؟^۲

در بخش بعدی دعا، امیرمؤمنان از خداوند برآورده شدن حاجت‌ها را می‌طلبد و از او می‌خواهد که رشته امیدها را مگسلد و او را از شر دشمنان حفظ کند. از او با ندای یا سریع الرضا، آمرزش می‌طلبد و ... (فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاصْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ؛ فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ. يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنًى.)

ارزش دعا

در آموزه‌های دینی، از دعا و اهمیت آن، فراوان سخن گفته شده است. خداوند همگان را به دعا فرامی‌خواند و وعده اجابت می‌دهد.^۳ او به پیامبرش می‌فرماید: اگر بندگانم درباره من پرسیدند، بگو: من به آنان نزدیک هستم و هرگاه دعاکننده‌ای مرا بخواند، او را اجابت می‌کنم.^۴

۱. ذاریات، آیه ۲۲.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۴.

۳. وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ (غافر، آیه ۶۰).

۴. وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ (بقره، آیه ۱۸۶).

از رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود: دعا، مغز عبادت است، و کسی که دعا را دارد هلاک نمی‌شود.^۱

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در حدیثی دیگر، دعا را کلید موفقیت معرفی می‌کند.^۲
اگر بخواهیم به ارزش و کارکرد دعا بیشتر پی ببریم، کلام امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام کارگشاست، آنجا که فرمود: دعا سپر مؤمن است.^۳

گریه، سلاح اهل دعا

در جمله بعدی دعا، از پیشگاه خدای پرمهر خود درخواست می‌کنیم که: خدایا، به کسی که سرمایه‌اش امید، و سلاحش گریه و اشک است، رحم کن: **إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ.**

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در آداب دعا، به اشک ریختن و گریستن بر آستان ربوبی سفارش بسیاری نموده‌اند.

گریه، نشانه رحمت الهی

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هنگامی که پوست بدنت (از ترس) جمع شد، و چشمانت اشکبار شد، بدان که به مقصد و حاجت خود رسیده‌ای؛ پس این حال معنوی را قدر بدان.^۴

سرور پارسایان، علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَام چه زیبا فرموده است که: گریه سلاح بندگان پناهنده به درگاه معبود است.

۱. الدعوات، ص ۱۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۷۸.

فرزند بزرگوار او امام صادق (علیه السلام) نیز به این سلاح برآن، چنین اشاره می‌کند: هیچ چیزی نیست مگر آنکه برای آن پیمانه و وزنی است، به جز اشک که یک قطره آن دریاهایی از آتش را خاموش می‌کند! پس هنگامی که چشم انسان از اشک پر شود، صورت او را غبار و تیرگی و خواری نخواهد پوشاند، و هرگاه اشک آدمی از چشمانش سرازیر شود، خدا [بدن] او را بر آتش حرام می‌گرداند، به گونه‌ای که اگر در میان امتی، یک گریه‌کننده بگرید، همه آنان مورد رحمت خداوند قرار خواهند گرفت.^۱

در پایان، از خداوندی که به فراوانی نعمت می‌بخشد، و در تاریکی‌های تنهایی و وحشت، یار ماست، و از دانایی که هرگز تعلیم ندیده است، می‌خواهیم که بر محمد و خاندانش درود و رحمت فرستد، و با ما آنچه‌ان که شایسته او است (با کرم و بزرگواری)، رفتار کند (یا سَابِغِ النَّعْمِ، یا دَافِعِ النَّقَمِ، یا نُورِ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، یا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ الْمِيَامِينَ مِنَ اللَّهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا).

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۸۲.

بخش چهارم

مناجاتها

مناجات امام علیؑ



در مسجد کوفہ (۱)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ: يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا، إِنَّ

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا. وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ

سُوءُ الدَّارِ. وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا، وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، لِكُلِّ

أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَاءَ أَنْ يُغْنِيَهُ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ يَدُّ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ

وَأَخِيهِ، وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ، وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا إِنَّا لَطَّيِّفُونَ،

نَزَاعَةً لِلشَّوَى.

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنیید و با همکاری هم مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
مجازات نمی‌پذیرد - دفاع نمی‌کند	لَا يَجْزِي	۶	برگزیدم - گرفتم	اتَّخَذْتُ	۱
گناهکار - مجرم	مُجْرِمٌ	۷	جمع «قَدَم»: پا - قدم»	أَقْدَامٌ	۲
فرزند	مَوْلُودٌ	۸	امان - ایمنی	أَمَانٌ	۳
جمع «نَاصِيَةٌ»: پیشانی - موی جلو سر»	نَوَاصِيٍّ	۹	چهره - علامت	سِيمَا	۴
پدر	وَالِدٌ	۱۰	مالک نیست	لَا تَمْلِكُ	۵

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
همسر (زن)	صَاحِبَةٌ	۵	فرد - شخص	إِمْرِيٌّ	۱
قبیله - خاندان	فَصِيلَةٌ	۶	جای می‌دهد	تُوُوِي	۲
آتش شعله‌ور	أَلْفِي	۷	دفاع‌کننده - مجازات‌پذیر	جَازٍ	۳
مرد - شخص	مَرءٌ	۸	پوست سر	شَوِيٌّ	۴

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
فرار می کند - می گریزد	يَفِرُّ	۱۴	بَر کَنده - کَنده	نَزَاعَةٌ	۹
نجات می دهد - رهایی می بخشد	يُنَجِّي	۱۵	شناخته می شود	يَعْرِفُ	۱۰
گرفته می شود	يُؤْخَذُ	۱۶	به دندان می گزد - گاز می گیرد	يَعِضُّ	۱۱
دوست می دارد	يُودُّ	۱۷	مشغول می کند - بی نیاز می کند	يُعْنِي	۱۲
			فدیه می دهد - فدا می کند	يَفْتَدِي	۱۳

* تمرین و پرسش

معارف جویان گرامی، پاسخ های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. تَوَوَّى - يَنْجِي - يَعْنِي :

- الف - جای می دهد - نجات می دهد - مشغول می کند
- ب - جای داده می شود - نجات می یابد - بی نیاز کرد

۲. صَاحِبَةٌ - فَصِيلَةٌ - نَزَاعَةٌ :

- الف - همسر - خاندان - بَر کَنده
- ب - هم صحبت - جدایی - دعوا کردن

۳. يَعْرِفُ - يُؤْخَذُ - يُودُّ :

- الف - می شناسد - می گیرد - دوست می دارد
- ب - شناخته می شود - گرفته می شود - دوست می دارد

۴. اَمْرِيءَ - شَوِي - لَفِي :

- الف - زن - پوست می کند - زبانه می کشد
- ب - شخص - پوست سر - آتش شعله ور

۵. مَرءٌ - مَوْلُودٌ - جَازٌ :

- الف - مرد - فرزند - مجازات پذیر
- ب - شخص - پسر - مجازات کننده

۶. يَعْضُ - يَفْرُ - يَفْتَدِي :

- الف - به دندان می گزد - فرار می کند - فدیة می دهد
- ب - گاز می گیرد - فراری می دهد - فدیة می گیرد

۷. لَا يَجْزِي - لَا تَمْلِكُ - نَوَاصِي :

- الف - مجازات نمی پذیرد - مالک نیست - پیشانی ها
- ب - مجازات نشود - تو مالک نیستی - نصیحت ها

۸. وَالِدٌ - سِيْمَا - اَقْدَامٌ :

- الف - فرزند - علامت - قدم
- ب - پدر - چهره - قدم ها

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ:

- الف - روزی که سود نمی بخشد مال و نه فرزندان، مگر کسی که بیاید به سوی خدا با قلبی سالم
- ب - روزی که سود نمی رساند دارایی و فرزندان، مگر کسی که بیاورد (نزد) خدا قلبی تسلیم شده

۲. **يَوْمَ يَعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي ۱ وَالْاَقْدَامِ:**

الف- روزی که می شناسد مجرمان را با چهره هایشان، پس می گیرند پیشانی آنها
و گام هایشان



ب- روزی که شناخته می شوند گناه کاران با چهره شان، پس (آن گاه) گرفته می شود
پیشانی ها و پاها



۳. **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ:**

الف - روزی که سود نمی بخشد ستمکاران را عذرخواهی آنها، و برای آنها لعنت
است و برای آنها است خانه بد



ب - روزی که سود نمی برند ستمکاران از عذرخواهی شان، و برای آنها لعنت و
برای آنها بد خانه ای است



۴. **يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا، وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ:**

الف- روزی که مالک نیست فردی برای فردی (دیگر) چیزی را، و فرمان در آن
روز برای خداست



ب- روزی که مالک نمی شود فردی، فردی دیگر را چیزی، و امور در آن روز
از آن خداست



۵. **لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ:**

الف- برای هر فردی از آنها در آن روز وضعی است که اختصاص دارد به خودش



ب- برای هر شخصی از آنها در آن روز کاری است، که مشغول می کند او را



۱. «پ» در «بِالنَّوَاصِي» ترجمه نمی شود.

تمرین ۳. ترکیب‌ها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ	
۲	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ	
۳	يَوْمَ يَعْزُضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ	
۴	يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا	
۵	لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا	
۶	أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ	
۷	مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ	
۸	أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ يُوَدُّ الْمُجْرِمُ	
۹	لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ ^۱	
۱۰	كَلَّا إِنَّهَا لَلظَى، نَزَاعَةٌ لِلشَّوَى ^۲	

۱. «ب» در «بَنِيهِ» ترجمه نمی‌شود.

۲. «ل» در «لِلشَّوَى» معنا نمی‌شود.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. **يَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ: يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا:**

روزی که ستمکار بر (دو دستش را)، می گوید: ای کاش
با پیامبر

۲. **يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٌ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا:**

روزی که پدر از، و نه فرزندی (که) او از چیزی را.

۳. **يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ:**

روزی که شخص از و و و

۴. **يَوْمَ يُوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمئِذٍ بِبَنِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ:**

روزی که گناه‌کار که از (در مقابل) فرزندانش را و و برادرش را.

۵. **وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ، وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا إِنَّهَا لَأُفْلَى:**

و که و کسانی که همگی، سپس (فدیه دادن) او را قطعاً آن است.

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

انواع فعل مُعْتَلِّ



در درس سی و چهارم با فعل معتل آشنا شدید. دانستید که برخی از افعال معتل، دارای یک حرف عله و برخی دارای دو حرف عله می‌باشند. برای آشنایی با اقسام فعل معتل به جدول زیر توجه کنید.

مثال	اجوف	ناقص	لغیف
وَعَدَ	قَالَ (قَوْلَ)	لَقِيَ	وَقِيَ (وَقَى)
يَبْسُ	جَاءَ (جِئاً)	دَعَا (دَعْوَ)	طَوَى (طَوَى)
وَصَلَ	بَاعَ (بَيْعَ)	رَمَى (رَمَى)	نَوَى (نَوَى)
وَرِثَ	خَافَ (خَوْفَ)	نَجَّى (نَجَى)	حَوَى (حَوَى)
وَكَّرَ	لَامَ (لَوْمَ)	لَهَى (لَهْوَ)	قَوَى

در افعال ستون اول که دارای یک حرف عله هستند، حرف عله، اولین حرف

اصلی فعل را تشکیل می‌دهد؛ مانند: **وَعَدَ**؛ این افعال، «**مثال**» نامیده می‌شوند.

افعال ستون دوم، مانند افعال ستون اول دارای یک حرف عله می‌باشند، با این تفاوت که حرف عله، دومین حرف اصلی آنها را تشکیل می‌دهد؛ مانند: **قَالَ** که در اصل «**قَوْلٌ**» بوده و طبق قاعده به «الف» تبدیل شده است.^۱ به این افعال «**أَجْوَفٌ**» می‌گویند.

افعال ستون سوم نیز دارای یک حرف عله است. حرف عله این افعال، آخرین (سومین) حرف اصلی آنها را تشکیل می‌دهد، مانند: **دَعَا** که در اصل «**دَعْوَةٌ**» بوده و طبق قاعده، به «الف» تبدیل شده است.^۲ این افعال را «**ناقص**» می‌نامند.

افعال ستون چهارم دارای دو حرف عله بوده است و به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. افعالی که نخستین و آخرین (سومین) حرف اصلی آنها، حرف عله باشد مانند: **وَقَى**. این افعال را «**لَفِيفٌ مَّفْرُوقٌ**» می‌نامند.
۲. افعالی که دومین و آخرین (سومین) حرف اصلی آنها حرف عله باشد، مانند: **نَوَى** که در اصل **نَوَى** بوده است و طبق قاعده، به «الف» تبدیل شده است.^۳ به این افعال، «**لَفِيفٌ مَّقْرُونٌ**» می‌گویند.

* تمرین

انواع فعل معتل را در آیه‌های زیر مشخص کنید.

۱. **إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.** (بقره: ۱۳۱)

۱. این قاعده و دیگر قواعد مربوط به افعال معتل را، «اعلال» می‌نامند. علاقه‌مندان می‌توانند قواعد اعلال را در کتب صرف مطالعه کنند.

۲ و ۳. این قاعده و دیگر قواعد مربوط به افعال معتل را، «إِغْلَال» می‌نامند. علاقه‌مندان می‌توانند قواعد اعلال را در کتب صرف مطالعه کنند.

۲. وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ.

(نساء: ۱۲۸)

۳. وَمَا أَكَلَ السَّعِيعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ.

(مائده: ۳)

۴. فَطَوَعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

(مائده: ۳۰)

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا ...

(انفال: ۱۵)

۶. أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ.

(نحل: ۱)

۷. فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا.

(كهف: ۶۲)

۸. إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ.

(قصص: ۷۶)

۹. وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ.

(يس: ۳۹)

۱۰. لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ.

(مدثر: ۳۷)

مناجات امام علی (علیه السلام)

در مسجد کوفه (۱)



امیر مؤمنان، عابدترین مردم

عروة بن زبیر می گوید: در مسجد رسول الله ﷺ، با جمعی از اصحاب، درباره عملکرد مجاهدان بدر و بیعت رضوان سخن می گفتیم که ابوالدرداء گفت: آیا به شما بگویم که پرهیزگارترین و عابدترین یاران رسول خدا کیست؟ گفتند: بگو! وی گفت: علی بن ابی طالب! عروة بن زبیر می گوید: به خدا قسم، همه اهل مجلس از ابوالدرداء روی گرداندند. ولی مردی از انصار او را فراخواند و گفت: ای عویمر (ابوالدرداء)، سخنی گفتی که هیچ کس موافق آن نیست! ابوالدرداء گفت: من چیزی را گفتم که دیده‌ام، هر کسی نظر دیگری دارد، هر چه از علی دیده است بگوید. من علی را در منطقه بنی النجار دیدم که از غلامانش فاصله گرفت، و از کسانی که دنبالش بودند پنهان گردید و در پشت نخل‌ها خلوت کرد. هنگامی که او از ما دور شد، گمان کردم به منزلش رسیده است.

ناگهان صدایی غم‌انگیز و نغمه‌ای جانسوز شنیدم، به دنبال صدا رفتم، دیدم او علی بن ابی طالب است. خود را پنهان نمودم و به آرامی تا نزدیکی او رفتم. او در دل تاریک شب، چند رکعت نماز گزارد، سپس مشغول دعا و گریه به درگاه خدا شد. گرم مناجات با خدا بود و می گفت: خدایا، آنگاه که در عفو می‌اندیشم

گناهانم بر من آسان می‌گردد، ولی هنگامی که به یاد سخت‌گیری تو می‌افتم، مصیبتم بزرگ می‌شود.

سپس گفت: آه، اگر نامه اعمالم را بخوانم، خواهم دید که گناهان فراموش شده را، تو برشمرده‌ای! و می‌گویی: او را بگیرید. در این حال، چه انسان به بند کشیده- ای خواهم بود که نه خانواده‌اش توان رها کردن او را دارند و نه قبیله او. و هنگامی که فرشتگان خشمگین، او را فرامی‌خوانند همگان به حال او رقت می‌کنند! پس از آن گفت: آه از آتشی که جگرهای [گنهکاران] را بریان می‌کند، آه از آتشی که پوست سر و تن آنان را بر می‌کند، آه از فرورفتن در شراره‌های آتشی که زبانه می‌کشد. سپس غرق در گریه شد و دیگر نه صدای او را شنیدم و نه از وی حرکتی دیدم.

پیش خود گفتم شاید به سبب شب‌زنده‌داری طولانی به خواب رفته است، خوب است که او را برای نماز صبح بیدار کنم. به سوی او آمدم، ناگهان دیدم مانند چوبی خشک به روی زمین افتاده است. او را حرکت دادم ولی تکان نخورد. گفتم:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ به خدا قسم، علی جان داده است!

به منزل او آمدم تا خبر رحلتش را به خانواده‌اش بدهم. فاطمه فرمود: ای ابوالدرداء، چه دیدی؟ قصه را بازگو کردم، فاطمه علیها السلام فرمود: به خدا قسم، این حالت بیهوشی‌ای است که از خشیت خدا او را فرا می‌گیرد. سپس فاطمه بر بالین علی آمد و بر صورتش آب پاشید، تا اینکه به هوش آمد. علی علیه السلام به چهره گریان من نگریست و فرمود: ابوالدرداء، چرا می‌گریی؟! گفتم: از آنچه بر سر خودت می‌آوری؛ فرمود: ای ابوالدرداء، اگر در روز حساب مرا بنگری، آن روزی که اهل گناه، یقین کنند که عذاب خواهند شد؛ همان روزی که فرشتگان عذاب و مأموران سخت‌گیر دوزخ، مرا به وحشت می‌افکنند، در پیشگاه خداوند قدرتمند می‌ایستم و دوستان رهایم می‌کنند و اهل دنیا به حالم ترخم می‌کنند، حتماً بیشتر بر من رقت

خواهی کرد. ابوالدرداء می‌گوید: من در هیچ یک از اصحاب رسول خدا ﷺ چنین حالات و خشیتی را سراغ ندارم.^۱

خاطره‌ای که از ابوالدرداء نقل شد، بیانگر حالت دلدادگی امام به حق پیوسته و شیفته محبت الهی است. مناجات، رازگویی میان محب و محبوب است و معمولاً به دور از چشم و گوش اغیار انجام می‌شود. گرچه مناجات نیز نوعی دعا و خواندن معبود است، ولی همان‌گونه که از معنایش (در گوشه سخن گفتن) بر می‌آید، دعایی به دور از چشم دیگران است که بین بنده و پروردگارش صورت می‌پذیرد.

مناجاتی جانگداز و هشدار دهنده

یکی از مناجات‌های جانگدازی که دارای مضامینی هشدار دهنده است، مناجات حضرت علی (علیه السلام) در مسجد کوفه است. امام پارسایان در نخستین بخش این مناجات پرمحتوا، با عبارتی برگرفته از آیه قرآن، از خداوند امان می‌خواهد، امان برای روزی که ثروت و فرزند سودی نمی‌بخشد و فقط قلب سلیم کارساز است

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).

قلب سلیم، دلی است که سالم باشد. در مقابل قلب سلیم، قلب بیمار است (فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً).

معنای قلب سلیم

قلب سلیم در سخنان معصومین (علیهم السلام) به معانی مختلفی تفسیر شده است. در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است که: قلب سلیم، قلبی است که جز خداوند در آن

۱. الأمالی (للصدوق)، ص ۷۸-۷۹.

۲. تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۸.

جای ندارد، و هر دلی که در آن شرک یا شک نسبت به خدا باشد، (از درجه اعتبار) ساقط شده است.^۲ و نیز، فرمود: قلب سلیم قلبی است که دچار دوستی دنیا نباشد.^۱ این سخن امام ششم با کلام مشهور رسول خدا ﷺ، تأیید می‌شود که فرمود: دوستی دنیا سر منشأ هر گناهی است.^۲ زیرا اگر محبت دنیا دل را فرا بگیرد، جایی برای محبت خدا باقی نمی‌گذارد و آنچه مورد رضایت خدا نیست (گناه)، صفحه دل را خواهد پوشاند.

قیامت، روز حسرت و افسوس

در بخش بعدی مناجات، سرور تقوا پیشگان از خداوند امان‌خواهی می‌کند، برای روزی که ستمکار بر دو دست خود دندان حسرت می‌گزد و می‌گوید: ای کاش راه خود را با فرستاده خدا برمی‌گزیدم و از او پیروی می‌کردم: (وَأَسْأَلُكَ الْإِمَانَ يَوْمَ يَعْزُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ: يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا). عبارت «يَوْمَ يَعْزُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ: يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» از آیه ۲۷ سوره مبارکه فرقان اقتباس شده است.

برخی از مفسران در شأن نزول این آیه نوشته‌اند: این آیه درباره عقیبة بن ابی معیط و ابی بن خلف فرود آمده است که با هم دوست بودند. عقیبة حضرت رسول ﷺ را به منزل خود دعوت نمود. پیغمبر ﷺ فرمود: من غذا نمی‌خورم مگر اینکه شهادتین بگویی؛ عقیبة شهادتین گفت و پیامبر ﷺ از غذای او خورد. وقتی این خبر به ابی بن خلف رسید، او را ملامت نمود و گفت: مگر از دین پدرانت برگشته‌ای که سخن محمد ﷺ را می‌پذیری؟ عقبه گفت: نه، ولی چون محمد مهمان من بود، حیا کردم که غذا نخورده از خانه‌ام بیرون بروم و این کار را کردم.

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۸. ۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۸.

ابی گفت: از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه آب دهان بر روی او بیندازی؛ عقبه پذیرفت و برای انجام این جسارت هولناک به سوی مسجد الحرام به راه افتاد. آن مرد پلید، پیامبر را در دارالندوه در حال نماز یافت و هنگامی که حضرتش پیشانی خضوع بر سجده گذارده بود، به روی مبارک آن بزرگوار، آب دهان انداخت.^۱ روز قیامت، هنگام حسرت و افسوس کسانی مانند عُقْبَةَ بن اَبی معیط است که برای دوستی با نابکاران از حق فاصله گرفتند.

پرهیز از همنشینی با بدکاران

علاوه بر قرآن کریم، در روایات پیشوایان دین نیز درباره همنشینی با افراد بدکار و فاسد، هشدارهای فراوانی داده شده است که به برخی از آن هشدارها اشاره می‌کنیم:

۱. ترک همنشینی با فاجران؛ امام صادق علیه السلام فرمود: با انسان بدکار همنشین مشو، زیرا از بدکاریش به تو می‌آموزد.^۲

۲. پرهیز از فاسقان و منافقان و خائنان؛ حضرت علی علیه السلام در نصایحی به کمیل فرمود: ای کمیل، همواره حق‌گو باش، و تقوای پیشگان را یاری کن، و از فاسقان و نافرمانان دوری گزین. ای کمیل، از منافقان دوری کن و با خائنان همنشینی مکن.^۳

۳. دوری از اهل بدعت؛ امام صادق علیه السلام فرمود: با اهل بدعت همنشینی نکنید، زیرا اگر با آنان همنشینی کنید نزد مردم مانند یکی از آنها شمرده خواهید شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: انسان بر دین دوست و همنشین خود است!^۴

در عبارات بعدی مناجات، امیرمؤمنان با برشمردن اوصاف هولناک و هشدار دهنده روز جزا، امان الهی را طلب می‌کند. ما نیز همچون مولایمان، اوصاف روز جزا را با دلی آکنده از بیم و امید باز می‌گوییم و از خداوندِ امنیت‌بخش، امان می‌خواهیم.

۲. تحف العقول، ص ۳۷۶.

۱. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۹، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، ج ۲، ص ۲۶.

مناجات امام علی علیه السلام



در مسجد کوفه (۲)

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى؟! مَوْلَايَا يَا

مَوْلَايَا، أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ؟! مَوْلَايَا يَا

مَوْلَايَا، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ؟!

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ؟!

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ؟!

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ؟!

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ؟! مَوْلَايَا

يا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعْطَى، وَأَنَا السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى؟! مَوْلَايَ يَا

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِيَ إِلَّا الْبَاقِي؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا

الزَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ،

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ،

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعَافَى وَ أَنَا الْمُبْتَلَى، وَ هَلْ

يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافَى؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ

الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ، وَ هَلْ يَرْحَمُ

الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي؟!

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ؟!

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَمَتِّحُنُّ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَمَتِّحِينَ إِلَّا

السُّلْطَانُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحِيرَ إِلَّا

الدَّلِيلُ؟! مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَفُورُ وَ أَنَا الْمَذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَذْنِبَ إِلَّا

الْعَفُورُ؟!.....

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ؟!.....

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ؟! مَوْلَايَ

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ؟! مَوْلَايَ يَا

مَوْلَايَ، إِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ، وَكْرَمِكَ وَفَضْلِكَ؛ يَا ذَا الْجُودِ

وَإِلْحْسَانِ، وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.....

* تمرین و آمادگی

برادران و خواهران گرامی، متن درس را یک بار بخوانید. کلماتی را که قبلاً آموخته‌اید ولی معنی آنها را فراموش کرده‌اید علامت بزنید و با همکاری هم‌مباحثه خود و در صورت لزوم، با مراجعه به فهرست لغات پایان کتاب، معانی آنها را یافته، زیر کلمات بنویسید.

* تمرین و تثبیت

فراگیران عزیز! با مرور کردن جدول کلمات و پرسش مکرر از یکدیگر، سعی کنید معنای کلمات آشنا و جدید را به خاطر بسپارید.

* جدول کلمه‌های آشنا و جدید

معنا	کلمه (آشنا)	ردیف	معنا	کلمه (آشنا)	ردیف
گرفتار	مُبْتَلَى	۶	بخیل - تنگ چشم	بَخِيل	۱
سرگردان	مُتَحِيرٌ	۷	روزی‌دهنده	رَازِق	۲
آفریده - خلق شده	مَخْلُوق	۸	ازبین‌رونده - از بین رفتنی	زَائِل	۳
روزی‌خوار - روزی‌داده‌شده	مَرْزُوق	۹	کوچک	صَغِير	۴
زیر دست - مغلوب	مَغْلُوب	۱۰	فناپذیر - نابودشدنی	فَانِي	۵

معنا	کلمه (جدید)	ردیف	معنا	کلمه (جدید)	ردیف
پرورده - تحت تدبیر	مَرْبُوب	۶	راضی شو - خشنود شو	أَرْضَ	۱
عافیت بخش	مُعَافَى	۷	نعمت بخشی	أَمْتَان	۲
عطا کننده	مُعْطَى	۸	گمراه - گمشده	ضَالّ	۳
امتحان شده - آزموده	مُتَحَنّ	۹	شایسته عظمت - بزرگ منش	مُتَكَبِّر	۴
صاحبدار - مملوک	مَمْلُوك	۱۰	گناهکار	مُذْنِب	۵

* تمرین و پرسش

معارف جویان گرامی، پاسخ‌های صحیح را انتخاب کنید و علامت بزنید.

تمرین ۱. کدام پاسخ صحیح است؟

۱. مُذْنِب - مُعَافَى - مُعْطَى :

- الف - گناهکار - عافیت بخش - عطا کننده
- ب - گناه - سلامت - عطا بخش

۲. زَائِل - فَانِي - ضَالّ :

- الف - از بین رفتنی - فناپذیر - گمراه
- ب - از بین برنده - فناکننده - گمراه کننده

۳. مَمْلُوك - مَرْبُوب - مُتَحَنّ :

- الف - تصرف شده - تحت تربیت - امتحان کننده
- ب - صاحبدار - پرورده - امتحان شده

۴. بخیل - صغیر - امتنان :

- الف - تنگ چشم - کوچک - نعمت بخشی
- ب - تنگ نظر - کوچک تر - تشکر

۵. ارض - مرزوق - متحیر :

- الف - راضی شد - روزی - سرگردان
- ب - راضی شو - روزی داده شده - سرگردان

۶. متکبر - مبتلی - مغلوب :

- الف - بزرگ منش - گرفتار - زیر دست
- ب - مغرور - آزمایش کننده - شکست خورده

تمرین ۲. پاسخ صحیح را علامت بزنید:

۱. أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّالِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الدَّالِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ؟!

- الف - تو پیروز و من خوار هستم، و آیا رحم می کند به (فرد) خوار، جز پیروز
- ب - تو محترم هستی و من بی مقدار، و آیا رحم می کند به بی مقدار، جز شخص محترم

۲. أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى؟!

- الف - تو عطاکننده و من درخواست کننده هستم، و آیا رحم می کند به درخواست کننده
- جز عطاکننده
- ب - تو بخشنده و من سؤال کننده ام، و آیا رحم می کند به سؤال کننده، جز بخشنده
-

۳. أَنْتَ الْمُعَافَى وَأَنَا الْمُبْتَلَى، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافَى؟!

- الف - تو عافیت بخش و من گرفتار هستم، و آیا رحم می کند به گرفتار، جز عافیت بخش
- ب - تو بخشنده ای و من مورد آزمایش، و آیا رحم می کند به مورد آزمایش، جز
- بخشنده

۴. أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي؟!!

- الف- تو هدایت کننده و من گمراه هستم، و آیا رحم می کند به گمراه، جز هدایت کننده
- ب- تو هدایت می کنی و من گمراه می شوم، و آیا رحم می کند به گمراه، جز هدایت گر

۵. أَنْتَ السُّلْطَانُ^۱ وَ أَنَا الْمُتَحَنُّ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَنُّ إِلَّا السُّلْطَانُ؟!!

- الف- تو مسلط و من امتحان کننده هستم، و آیا رحم می کند به امتحان کننده، جز سلطان
- ب- تو مسلط و من امتحان شده هستم، و آیا رحم می کند به امتحان شده، جز مسلط

تمرین ۳. ترکیبها و عبارتهای کوتاه زیر را ترجمه کنید.

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي	
۲	وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي	
۳	أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ	
۴	وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ	
۵	أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ	
۶	أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ	
۷	أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ	
۸	أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ	
۹	وَ أَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ	
۱۰	يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ الطَّوْلِ	

۱. سُلْطَان: مسلط.

تمرین ۴. ترجمه عبارات زیر را کامل کنید:

۱. مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحِيرَ إِلَّا الدَّلِيلُ:

سرور من ای! تو و من، و آیا جز

۲. مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغُفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغُفُورُ:

ای من! تو و من، و آیا به جز

۳. مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ:

سرور من ای! تو و من، و آیا به جز

۴. اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ، وَكْرَمِكَ وَفَضْلِكَ:

..... به من با و از من با و و

۵. يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

ای صاحب و و؛ به ای

تمرین ۵. متن درس را با دقت، ترجمه تحت اللفظی نمایید

زبان معارف

صرف انواع فعل معتل



نَفِيف		نَاقِص		اَجْوَف		مِثَال	
مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی
يَقِي	وَقِيَ	يَدْعُو	دَعَا	يَقُولُ	قَالَ	يَعِدُّ	وَعَدَّ
يَقِيَانِ	وَقِيَا	يَدْعُوَانِ	دَعَا	يَقُولَانِ	قَالَا	يَعِدَانِ	وَعَدَا
يَقُونَ	وَقَوْا	يَدْعُونَ	دَعَوْا	يَقُولُونَ	قَالُوا	يَعِدُونَ	وَعَدُوا
يَقِيَتْ	وَقَيْتْ	تَدْعُو	دَعَتْ	تَقُولُ	قَالَتْ	تَعِدُّ	وَعَدَتْ
تَقِيَانِ	وَقَيْتَا	تَدْعُوَانِ	دَعَتَا	تَقُولَانِ	قَالَتَا	تَعِدَانِ	وَعَدَتَا
يَقِينَ	وَقَيْنَ	يَدْعُونَ	دَعَوْنَ	يَقْلَنَ	قَلْنَ	يَعِدْنَ	وَعَدْنَ
يَقِيَتْ	وَقَيْتْ	تَدْعُو	دَعَوْتُ	تَقُولُ	قُلْتُ	تَعِدُّ	وَعَدْتُ
تَقِيَانِ	وَقَيْتِمَا	تَدْعُوَانِ	دَعَوْتِمَا	تَقُولَانِ	قُلْتِمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتِمَا
تَقُونَ	وَقَيْتُمْ	تَدْعُونَ	دَعَوْتُمْ	تَقُولُونَ	قُلْتُمْ	تَعِدُونَ	وَعَدْتُمْ
تَقِينَ	وَقَيْتِ	تَدْعِينَ	دَعَوْتِ	تَقُولِينَ	قُلْتِ	تَعِدِينَ	وَعَدْتِ
تَقِيَانِ	وَقَيْتِمَا	تَدْعُوَانِ	دَعَوْتِمَا	تَقُولَانِ	قُلْتِمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتِمَا
تَقِينَ	وَقَيْتِنَّ	تَدْعُونَ	دَعَوْتِنَّ	تَقْلَنَ	قَلْنِ	تَعِدْنَ	وَعَدْنَ
أَقِي	وَقَيْتُ	أَدْعُو	دَعَوْتُ	أَقُولُ	قُلْتُ	أَعِدُّ	وَعَدْتُ
نَقِي	وَقِينَا	نَدْعُو	دَعَوْنَا	نَقُولُ	قُلْنَا	نَعِدُّ	وَعَدْنَا

معنای لغوی «عَلَّة» در زبان عربی به معنای «بیماری» است، حروف عله را از آن نظر به این نام خوانده‌اند که گویا فعل را دچار بیماری می‌کند و در مواردی از پذیرش وزن تعیین شده افعال و اسماء خودداری می‌کند. فعل‌ها و دیگر مشتقات معتل، در برخی موارد، دچار تغییراتی می‌شوند که این‌گونه تغییرات در قالب قواعد «اعلال» توجیه می‌شود. در این درس، نمونه‌ای از تصرف «افعال مجرد معتل» ارائه شده است تا فراگیران عزیز، پس از آموختن این افعال صرف شده، با بخشی از تغییرات در صیغه‌های خاص، آشنا شوند.

* تمرین

انواع افعال معتل را در آیات زیر، با ذکر صیغه آنها مشخص کنید.

۱. مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. (عنکبوت: ۵)

۲. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (عنکبوت: ۲۳)

۳. يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (عنکبوت: ۵۵)

۴. وَيَوْمَ يَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ. (روم: ۱۲)

۵. لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

(احزاب: ۲۴)

۶. خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا.

(احزاب: ۶۵)

۷. وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ.

(سبأ: ۵)

۸. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ.

(فاطر: ۱۸)

۹. وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

(غافر: ۲۰)

۱۰. وَمَا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ.

(زخرف: ۶۳)

آشنایی با معارف اهل بیت

مناجات امام علی علیه السلام

در مسجد کوفه (۲)



در این درس با ترجمه و مفاهیم قسمت پایانی مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه، آشنا می‌شوید. امام علی علیه السلام در این بخش، خداوند را با برخی از اسماء حسنا و می‌خواند. اسم‌هایی که نمایشگر کمال آن معبود بی‌همتاست. در مقابل، از خود با صفاتی که از نقص و ناتوانی آدمی حکایت دارد، یاد می‌کند. تبیین مفاهیم تمام این اسماء الهی فراتر از گنجایش این درس است، بنابر این فقط به توضیح برخی از اسم‌های خداوند در این مناجات، اکتفا می‌کنیم.

حی

مفهوم حیات (زنده بودن) در مورد دو گروه از مخلوقات به کار می‌رود: یکی گیاهان که دارای رشد و نمو هستند، و دیگری حیوانات و انسان، که علاوه بر رشد و نمو دارای شعور و اراده می‌باشند. اما معنای به کار برده شده در مورد گروه اول، نقص و نیاز صاحب آن را نشان می‌دهد، زیرا لازمه رشد و نمو این است که موجود رشد یابنده، در آغاز کمالی را نداشته باشد و در اثر عواملی تغییراتی در آن پدید آید و تدریجاً به کمال جدیدی برسد، و چنین اموری را نمی‌توان به خدای متعال نسبت داد. زیرا خداوند همیشه دارای همه کمالات بوده و هست.

معنای حیات، در مورد گروه دوم، این است که موجودی دارای علم و فاعلیت ارادی باشد. این معنای حیات، ذاتاً بیانگر نقص و نیاز نیست. البته برخی مصداق‌های آن، با نقص‌ها و محدودیت‌هایی همراه است، البته می‌توان برای آن، مرتبه‌ای نامتناهی در نظر گرفت که هیچ نقص و محدودیت و نیازی نداشته باشد.

یکی از مصداق‌های توأم با نقص آن، حیات انسان است. آدمی دارای علم و اراده است، ولی با توجه به محدود بودن و ناقص بودن، دارای علم ناقص و اراده محدود است؛ در نتیجه دارای حیات با درجه پایین‌تری است. اما حیات خداوند به علت علم و اراده مطلق او، حیات مطلق و بی‌نقص است.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: خدای متعال در حالی که هیچ چیز جز او نبوده، نوری بوده است که تاریکی‌ای در او نیست، و دانایی بوده، که جهلی در او نیست و زنده-ای بوده، که مرگی در او نیست؛ امروز نیز چنین است و تا ابد چنین خواهد بود.^۱

حیات و زندگی خداوند مانند سایر صفات کمالی او، صفتی است که عدم و نیستی در آن راه ندارد و همواره هست. سپس او حی و زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، همان‌گونه که خود می‌فرماید: و بر خدای زنده‌ای که نمی‌میرد توکل کن.^۲

امیر پارسایان، علی (علیه السلام) در این مناجات عرضه می‌دارد: ای مولا و سرور من، تو زنده‌ای و من مرده‌ام، آیا کسی جز زنده، به مرده رحم می‌کند؟! (مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ؟!؛) این که ما خود را در برابر خداوند مرده می‌دانیم، برای این است که حیات و زندگی، وابسته به خواست خداوند است و اگر او لحظه‌ای اراده کند، زندگی از ما گرفته می‌شود، در حالی که در حیات او، هرگز مرگ راه ندارد.

۱. توحید صدوق، ص ۱۴۱.

۲. فرقان، آیه ۵۸.

رحمن

یکی از مفسران معاصر می‌نویسد: از آیات قرآن چنین برمی‌آید که در دوران جاهلیت، کلمه «رحمن» شناخته شده نبوده است. زجاج در این باره می‌گوید: «الرحمن» نامی از نام‌های خداوند است که در کتب پیشینیان ذکر شده بود، ولی آن را اسم‌های خدا نمی‌دانستند و هنگام ظهور اسلام، به آنان گفته شده که از اسمای خداست. و «الرحمن» نزد اهل لغت به معنی «صاحب رحمتی است که پایان ندارد»، زیرا «فَعْلَان» از وزن‌های اسم مبالغه است. درباره کسی که در نهایت سیرابی، تشنگی، خوشحالی، و شادمانی باشد می‌گویی: رَيَّان، عَطْشَان، فَرْحَان و جَذْلَان.^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: و هنگامی که به آنان گفته شود به رحمان سجده کنید، می‌گویند: رحمان چیست؟!...^۲

در تاریخ اسلام آمده است که پیامبر ﷺ دستور داد، در آغاز پیمان‌نامه صلح حدیبیه نوشته شود: بسم الله الرحمن الرحيم؛ سهیل بن عمرو (نماینده مشرکین مکه) گفت: من این اسم را نمی‌شناسم، بنویس «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ».^۳

مفسران قرآن گفته‌اند: «الرحمن» دلالت بر رحمت فراگیر خداوند نسبت به همه بندگان دارد، خواه مؤمن باشند خواه کافر.^۴

در این بخش از مناجات مولایمان می‌خوانیم: تویی که رحمت همه انسان‌ها را فرا می‌گیرد، چه کسی شایسته‌تر از خدای رحمان است که به بنده نیازمند رحمت، رحم کند؟! (مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ؟!)

۴. المیزان، ج ۱، ص ۱۶.

۱. مفاهیم القرآن، ج ۶، ص ۲۶۵.

۲. فرقان، آیه ۶۰.

۳. السيرة النبوية (لابن هشام)، ج ۲، ص ۳۱۷.

عزیز

کلمه عزیز، از مصدر «عزّة» گرفته شده است. در کتاب مفردات قرآن آمده است: عزّت حالت بازدارنده انسان از مغلوب شدن است. می‌گویند: أرضٌ عَزَازٌ، یعنی زمین سخت و نفوذ ناپذیر.^۱ بر اساس معنایی که راغب اصفهانی در کتاب مفردات نوشته است، عزیز یعنی شکست‌ناپذیر و نفوذ ناپذیر.

امام متقین (علیهم السلام)، در این مناجات به پیشگاه مولا و معبود خود می‌گوید: ای سرور من، تو عزیز و شکست‌ناپذیر هستی و من خوار و ذلیل، آیا کسی جز عزیز بر ذلیل رحم

می‌کند؟! (مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ؟!)

متکبر

متکبر از «کبر» گرفته شده و به معنای بزرگی است. متکبر کسی است که خود را برتر و بزرگتر از دیگران می‌بیند. این صفت فقط شایسته و سزاوار خداوند است و بر دیگران ناپسند و عیب شمرده می‌شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نقل از خدای تعالی فرمود: تکبر بالا پوش من و بزرگی، لباس من است، هر کس در یکی از این دو با من به نزاع برخیزد، او را در آتش می‌افکنم.^۲

امیر مؤمنان (علیه السلام) در بخشی از مناجات خود می‌گوید: ای سرور من و مولای من، تو متکبر و شایسته کبریائی و من خاشع و متواضع هستم، آیا از کسی جز تو توقع

می‌رود که به بندگان فروتن رحم کند؟! (مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ،

وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ؟!)

۱. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۳.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۹.

فهرست کلمات

قرآن صاعد (۲)

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۳	ثبت کردن	أَثَبَات	۱۹	جمع «آخر: آینده»	آخِرِينَ
۳۴	جمع می شوم - گرد می آیم	أَجْتَمِعُ	۳۱	جمع «أمل: آرزو»	أَمَالٍ
۳۳	مرتکب شدم	أَجْرَمْتُ	۳۰	جمع «أمل: آرزومند»	أَمَلِينَ
۲۷	مقرر کردی - جاری کردی	أَجْرَيْتَ	۲۳	ایمنی بخش	أَمِنَ
۲۴	احاطه داشت - فراگرفت	أَحَاطَ	۲۸	جای دادی - پناه دادی	أَوَيْتَ
۳۰	جمع «حَبِيب: دوست»	أَحِبَاءَ	۳۴	پیوستن	اتِّصَالَ
۲۹	تَحَمَّلَ	أَحْتَمَالَ	۲۶	بدرفتاری	إِسَاءَةَ
۳۵	حفظ کن - نگه دار	أَحْفَظُ	۲۲	کفایت کنید	أَكْفِيَا
۲۵	جمع «حال: حال-حالت»، احوال	أَحْوَالٍ	۳۷	فرد - شخص	أَمْرِيءَ
۳۴	می ترسم	أَخَافُ	۲۱	پُر کن	أَمْلَأُ
۲۹	خبر داده شدیم	أَخْبَرْنَا	۲۱	انصاف	أَنْصَافٍ
۲۰	خارج کردی	أَخْرَجْتُ	۳۲	نعمت بخشی - نعمت دادن	أَنْعَامٍ
۳۵	ویژه ترین - خاص ترین	أَخْصَى	۱۹	کنیه امامان: حسن مجتبی و حسن عسکری (علیه السلام)	أَبَا مُحَمَّدٍ
۲۴	مرتکب شدم - خطا کردم	أَخْطَأْتُ	۱۹	کنیه امامان: علی-زین العابدین - کاظم-رضا-هادی (علیهم السلام)	أَبَا الْحَسَنِ
۳۳	پنهان کردی - پنهان داشتی	أَخْفَيْتَ	۱۹	کنیه پیامبر ﷺ	أَبَا الْقَاسِمِ
۳۳	پنهان کردم - پنهان داشتم	أَخْفَيْتَ	۱۹	کنیه امامان: باقر و محمد تقی (علیهما السلام)	أَبَا جَعْفَرٍ
۳۲	جاودانه کردن	أَخْلَدَ	۲۸	آغاز - نخست	أَبْتَدَأَ
۲۷	وارد کردن	أَدْخَلَ	۳۰	می گزیم	أَبْغَى
۲۰	داخل کردی	أَدْخَلْتَ	۲۱	پیروی - پیروی کردن	اتِّبَاعٍ
۲۲	دریاب	أَدْرَكَ	۲۷	پیروی کردم	اتَّبَعْتُ
۳۴	نزدیک می شوم	أَدْنُو	۳۷	برگزیدم - گرفتم	اتَّخَذْتُ
۲۸	نزدیک کردی	أَدْنَيْتَ	۱۹	روی می آورم	أَتَوَجَّهُ
۲۴	مرتکب شدم - گناه کردم	أَذْنَبْتُ	۲۷	آدم	أَتَيْتُ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۹	شفاعت کنید	اشْفَعُوا	۲۷	رحم کن	ارْحَمْ
۳۰	شکایت می‌کنم	اشْكُو	۳۵	اراده کن - بخواه	ارِدْ
۳۰	صبر می‌کنم	اصْبِرْ	۲۳	فرستادی	ارْسَلْتَ
۳۰	فریاد می‌زنم	اصْرُخْ	۳۸	راضی شو - خشنود شو	ارْضْ
۲۴	روشن شد	أضاءَ	۲۵	شفیع می‌گیرم	اسْتَشْفِعْ
۳۰	شیون می‌کنم	أضِجْ	۱۹	شفیع گرفتم	اسْتَشْفَعْتُ
۳۱	جمع «طَبَقَ: طَبَقَه»	أطباق	۱۹	شفیع گرفتیم	اسْتَشْفَعْنَا
۲۶	آگاهی یافتی - اطلاع یافتی	أطَّلَعْتَ	۲۰	پناه بُرد	اسْتَعَاذَ
۳۳	آشکار کردم	أظْهَرْتُ	۲۳	یاری خواستم - استغاثه کردم	اسْتَعَثْتُ
۲۸	اعتراف - اقرار	اعْتَرَفَ	۲۹	آمرزش خواستن - استغفار	اسْتَغْفَرَ
۲۹	اعتراف کرد	اعْتَرَفْتُ	۲۱	پایداری - استقامت	اسْتَقَامَةً
۲۸	اعتقاد پیدا کرد - استوار نمود - محکم کرد	اعتقدَ	۱۹	نجات دهید	استنقذوا
۲۳	آشناتر	أعرف	۲۱	ببند	أسدّد
۳۵	توجه کن	اعطفْ	۳۴	می‌شتابم	أسرعْ
۲۳	گذشت کن	أعفْ	۲۱	جمع «أسیر: اسیر - دربند»	أسراء
۳۳	علنی کردم - آشکار کردم	أعلنتْ	۲۷	زیاده‌روی	أسراف
۲۳	به فریاد رس	أغثْ	۳۴	روانه می‌شوم	أسرحْ
۲۱	فرو نه - فرو بند	أغضضْ	۳۳	پنهان کردم	أسررتْ
۲۶	جمع «غَلَّ: طوق آهنی»	أغلال	۲۷	مساعدت کرد - کمک کرد	أسعدَ
۲۱	جمع «غَنَى: بی‌نیاز- ثروتمند»	أغنياء	۳۰	ساکن می‌شوم - جای می‌گیرم	أسكنْ
۲۶	از حدّ گذراند	أفرطَ	۲۱	جمع «سَمِعَ: گوش»	أسماع
۳۶	انجام بده	أفعلْ	۲۹	اشاره کرد	أشارتْ
۳۷	جمع «قدم: پا - قدم»	أقدام	۳۴	مشتاق می‌شوم - دل‌بسته می‌شوم	أشتاقْ
۳۰	سوگند می‌خورم - قسم می‌خورم	أقسمُ	۲۵	شدت یافت - سخت شد	أشدتْ
۳۲	قسم یاد کردی - سوگند خوردی	أقسمتْ	۳۴	محکم کن - سخت گردان	أشددْ
			۱۹	شفاعت کن	اشْفَعْ - اشْفَعِي

کلمه	معنا	درس	کلمه	معنا	درس
أَقْطَعُ	اطمینان دارم - یقین دارم	۳۲	أَوْقَاتٌ	جمع «وَقْتُتْ: وقت - زمان»	۳۴
أَقْلُ	چشم‌پوشی کن - درگذر	۳۵	أَهْوَى	هوس داشت - دوست داشت	۲۷
أَقَلَّتْ	گرداندی	۲۶	أَيْنَ	کجا	۳۱
أَكْرَمُ	بزرگوارتر	۲۸	بَارِزِينَ	جمع «بَارِزٌ: قهرمان»	۳۴
أَكْرِمُ	گرامی بدار	۲۱	بَاسِطٌ	بازکننده	۲۰
أَكْفُفْ	کفایت کن	۳۶	بَاقِرٌ	لقب امام پنجم (علیه السلام) شکافنده	۱۹
أَكْفَفَ	بازبدار - نگه دار	۲۱	بَاقٍ	ماندگار - باقی	۲۴
أَلْسِنٌ	جمع «لسان: زبان»	۲۹	بَخِيلٌ	بخیل - تنگ‌چشم	۳۸
أَلْعَجَلِ	بشتاب - شتاب	۲۲	بَدَأَ	شروع کرد	۲۸
أَلْعَوْثُ	به فریاد رس - فریادرسی	۲۲	بَرِحَ	آشکار شد	۲۲
أَلْوَرَى	آفریدگان - مخلوقات	۲۰	بَرَدٌ	خنک - خنکی	۳۲
أَلْهِيَّةٌ	خدایی	۲۹	بَرِيَّةٌ	مخلوقات - آفریدگان	۲۰
أَمَانٌ	امان - ایمنی	۳۷	بَعْدَ	دوری	۲۱
أَمْتَانٌ	نعمت‌بخشی	۳۸	بَقَاءٌ	ماندگاری - بقا	۲۹
أَمْرَاءٌ	جمع «أَمِيرٌ: فرمانروا - امیر»	۲۱	بَكَاءٌ	گریه - گریستن	۳۰
أَمَلٌ	آرزو	۲۶	بَلَّغٌ	برسان - ابلاغ کن	۳۶
أَنَابَةٌ	بازگشت - بازگشت کردن	۲۱	تَوَوَّى	جای می‌دهد	۳۷
أَنَادَى	صدا می‌زنم	۳۱	تَوَلَّمَ	به درد می‌آورد	۳۱
أَنْتَقَامُ	انتقام	۳۰	تَبَاشَرُ	پیوند می‌خورد	۲۳
أَنْصَرَا	یاری کنید	۲۲	تَبِعَةٌ	پیامد	۲۳
أَنْطَوَى	پیچیده شد	۲۸	تَبَعَدَ	دور می‌کنی	۲۸
أَنْقَطَعَ	بریده شد - قطع شد	۲۲	تَبَرَّكَ	رها می‌کنی - وامی‌گذاری	۳۲
أَنْكَشَفَ	کنار رفت - برطرف شد	۲۲	تَجَاوَزَتْ	تجاوز کردم	۲۷
أَوَامِرٌ	جمع: «أَمْرٌ: فرمان - امر»	۲۷	تَجَرَّاتٌ	گستاخی کردم	۲۵
أُورَادٌ	جمع «وَرْدٌ: ورد - ذکر»، اوراد	۳۴	تَجَعَّلٌ	قرار می‌دهی	۲۳
أَوْطَانٌ	جمع «وَطْنٌ: مکان - جایگاه»	۲۹	تَحْسِبُ	حسب می‌کند - مانع می‌شود	۲۴

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۴	تغییر می دهد	تَغَيَّرَ	۳۲	جاودان می کنی	تَجَدَّدَ
۲۶	کوتاهی کردن - تقصیر	تَقْصِرُ	۲۰	داخل می کنی	تَدْخُلُ
۲۱	تفضل کن - ببخشی	تَفْضَلُ	۲۵	نزدیک می کنی	تَدْنِي
۳۲	مقدس بود	تَقَدَّسَتْ	۲۸	پرورندان - تربیت	تَرْبِيَةٌ
۲۷	کوتاهی کردن - تقصیر	تَقْصِيرُ	۲۵	رحم می کنی	تَرْحَمُ
۲۵	الهام می کنی	تَأْلَهُمُ	۳۰	واگذاشتی - ترک کردی	تَرَكْتَ
۲۲	بهره مند می کنی	تَمْتَعُ	۲۸	دیده می شوی	تَرَى
۳۲	پُر می کنی	تَمْلَأُ	۳۲	با تندی می راند - با خشونت می راند	تَرْجُرُ
۲۴	نازل می کند - فرو می فرستد	تَنْزِلُ	۲۷	آرایشگری - آرایش - تزئین	تَزِينُ
۲۱	فروتنی	تَوَاضَعُ	۲۵	می بخشی - مدارا می کنی	تَسَاهَجُ
۱۹	روی آوردم	تَوَجَّهْتُ	۳۳	می پوشانی	تَسْتَرُ
۱۹	روی آوردیم	تَوَجَّهْنَا	۲۲	ساکن می کنی	تَسْكُنُ
۲۸	اقرار به یگانگی - یگانه پرستی	تَوْحِيدُ	۲۹	مسلط می کنی	تَسْلُطُ
۲۵	وادر می کنی - الهام می کنی	تَوْزِعُ	۲۸	تسلیم می کنی	تَسْلِمُ
۱۹	توسل جستم	تَوَسَّلْتُ	۳۱	می شنوی	تَسْمَعُ
۱۹	توسل جستیم	تَوَسَّلْنَا	۳۶	می خواهی	تَسْأَلُ
۳۳	فراوان می بخشی	تَوْفَّرُ	۲۸	می رانی - آواره می کنی	تَشْتَرِدُ
۲۱	توفیق	تَوْفِيقُ	۲۲	درود می فرستی	تُصَلِّي
۳۳	می بخشی	تَهَبُ	۲۸	تباه می کنی	تَضَعُ
۲۴	می دزد - هتک می کند	تَهْتِكُ	۳۰	طولانی است	تَطْوُلُ
۳۲	جمع «جاحد: انکارکننده» با حذف نون جمع	جَاهِدِي	۳۲	منت نهادی - کرم کردی	تَطْوَلُ
۳۷	دفاع کننده - مجازات پذیر	جَازٍ	۲۹	بندگی - بندگی کردن	تَعْبُدُ
۲۰	قدرتمندی	جَبْرُوتُ	۲۳	عذاب می کنی	تُعَذِّبُ
۳۴	کوشش - جدیت	جَدُّ	۳۲	عذاب کردن	تُعَذِّبُ
۲۵	نافذ بود - دوام داشت	جَرَتْ	۲۸	تغذیه - خوراندن	تَغْذِيَةٌ
۳۱	گناه - جرم	جَرَمُ	۳۳	می آمرزی	تَغْفِرُ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۱	حیا - شرم	حَيَاءٌ	۳۱	عصیان - گناه	جَرِيرَةٌ
۳۴	خدمت	خِدْمَةٌ	۳۲	بزرگ بود	جَلَّ
۳۴	ترس - بیم	خَشْيَةٌ	۲۸	پوست (بدن)	جِلْدٌ
۲۴	رام شد - خاضع شد	خَضَعَ	۲۹	بزرگی - سنگینی - بزرگ	جَلِيلٌ
۳۳	خطا - اشتباه	خَطَأٌ	۳۰	جمع کردی - گردآوری	جَمَعْتَ
۲۹	پر شد	حَوَتْ	۲۶	جنایت	جِنَايَةٌ
۲۱	حیا - شرم	حَيَاءٌ	۱۹	لقب امام نهم (علیه السلام) - بخشنده - سخاوتمند	جَوَادٌ
۲۷	مخالفت کردم	خَالَفْتُ	۲۹	جمع «جَارِحَةٌ: عضو بدن»	جَوَارِحٌ
۲۶	فربد داد	خَدَعْتُ	۳۴	جمع «جَانِحَةٌ: دنده»، نیروهای درونی	جَوَانِحٌ
۲۹	فرو افتاد	خَرَّتْ	۲۱	کوشش	جُهْدٌ
۲۳	خطا - گناه	خَطِيئَةٌ	۲۵	نادانی	جَهْلٌ
۲۲	راز - پوشیده	خَفَاءٌ	۱۹	جمع «حَاجَةٌ: حاجت - نیاز»	حَاجَاتٌ
۲۵	پنهان بود	خَفِيَ	۲۲	نگهدارنده - حفظ کننده	حَافِظٌ
۲۶	پنهان	خَفِيَ	۱۹	دوستی - دوست داشتن	حَبٌّ
۲۱	رهایی	خَلَاصٌ	۲۶	مانع شد - بازداشت	حَبَسَ
۲۶	جمع «خُلُوَّةٌ: تنهایی - خلوت»	خُلُواتٌ	۳۱	حبس شد - بازداشت شد	حَبِسَ
۲۱	خیانت	خِيَانَةٌ	۳۳	قطعی کردی - حتمی کردی	حَتَمْتَ
۲۰	همیشه - همیشگی	دَائِمٌ	۳۰	حرارت - سوزش	حَرٌّ
۳۶	دفع کننده	دَافِعٌ	۲۵	خوب - نیک	حَسَنٌ
۲۶	دور کردی - دفع کردی	دَفَعْتُ	۳۳	بهره	حِظٌّ
۲۸	باریکی	دَقَّةٌ	۳۳	نگهداری	حِفْظٌ
۲۲	راهنما	دَلِيلٌ	۳۰	ناچیز - کوچک	حَقِيرٌ
۳۴	نزدیک شدن - نزدیکی	دَنُوٌ	۳۲	حکم کردی	حَكَمْتَ
۳۶	دوا - دارو	دَوَاءٌ	۲۵	فرمانروایی - حکمرانی - حکومت	حُكُومَةٌ
۲۶	استمرار	دَوَامٌ	۳۱	بردباری	حِلْمٌ
۳۱	چشید	ذَاقَ			

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۴	جمع «سابق: پیشی گیرنده - سبقت گیرنده»	سَابِقِينَ	۲۰	ذخیره	ذَخِرَ
۳۶	تمام کننده - بخشنده	سَابِغٍ	۲۴	ذلیل شد - خوار شد	ذَلَّ
۲۳	پوشاننده	سَاتِرٍ	۲۱	نشاط - راحت شدن - آسایش	رَاحَةً
۲۹	سجده کننده	سَاجِدَةً	۳۸	روزی دهنده	رَازِقٍ
۲۸	گذشته	سَالِفٍ	۳۶	سرمایه	رَأْسَ مَالٍ
۲۶	پوشاندی	سَاتَرْتُ	۲۱	مهربانی	رَأْفَةً
۳۱	زندانی شد	سَجِنَ	۲۸	ربوبیت - پروردگاری	رُبُوبِيَّةٍ
۲۰	اخلاق - خلق - خوی	سَجِيَّةٍ	۲۸	تربیت کردی	رَبَّيْتُ
۲۱	استوار کن	سَدَدٍ	۲۸	رحم کردی	رَحِمْتُ
۲۱	دزدی - سرقت	سَرِقَةً	۲۳	راضی کن - خشنود کن	رَضِيَ
۳۴	همیشگی	سَرْمَدٍ	۲۱	رعیت - مردم	رَعِيَّةٍ
۲۹	شتافت	سَعَتٍ	۲۱	علاقه مندی - رغبت - خواسته	رَغْبَةً
۲۵	آرامش یافتم	سَكَنْتُ	۳۴	بندگی - بردگی	رِقِّ
۲۱	آرامش	سَكِينَةً	۲۸	نازکی	رِقَّةً
۳۶	سلاح - جنگ افزار	سَلَاحٍ	۳۳	مراقب	رَقِيبٍ
۳۱	سابقه داشت - گذشت	سَلَفٍ	۲۳	ترس - بیم	رَوْعَةً
۲۰	ارزشمند	سَنِيةٍ	۳۸	ازبین رونده - ازبین رفتنی	زَائِلٍ
۳۳	بدی - گناه	سَيِّئَةٍ	۳۲	جمع «زَيِّنَةٌ: مأمور - گماشته»	زَيِّنَاتٍ
۲۳	غیر	سَوِيٍّ	۳۱	خروش	زَفِيرٍ
۲۱	رفتار - روش	سِيْرَةٍ	۳۵	لغزش	زَلَّةٍ
۳۷	چهره - علامت	سِيْمَا	۳۵	تقرّب - نزدیکی	زُلْفَةً
۲۱	جمع «شَاب: جوان - جوانی»	شَبَابٍ	۲۱	جمع «زَائِر: زائر - زیارت کننده»	زُورًا
۲۱	شبهه ناک - مشکوک	شَبَهَةٍ	۲۱	زهد	زُهْدٍ
۲۵	جمع «شَدِيد: سختی»	شَدَائِدٍ	۱۹	لقب امام چهارم (علیه السلام) - زینت عبادت کنندگان	زَيْنُ الْعَابِدِينَ
۲۷	محکم - محکم کردن	شَدَّ	۲۵	درخواست	سُؤَالَ
۲۱	دلسوزی - غم خواری	شَفَقَةً			

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۲	جمع «طاهر: پاک - معصوم»	طَاهِرِينَ	۳۴	شکایت کردم	شَكَوْتُ
۳۱	طعم - مزه	طَعْمٌ	۳۷	پوست سر	شَوَى
۲۲	فرمانبردار	طَوَّعًا	۳۳	جمع «شاهد: گواه»	شُهِدُوا
۳۰	طولانی بودن - بلندی - طول	طَوَّلَ	۱۹	شهید - گواه	شَهِيدٌ
۲۲	طولانی - دراز - بلند	طَوِيلٌ	۲۲	صاحب دوران - لقب امام مهدی <small>علیه السلام</small>	صَاحِبَ الزَّمَانِ
۲۱	پاک کن	طَهَّرَ	۳۷	همسر (زن)	صَاحِبَةٌ
۳۶	جمع «ظلمة: تاریکی»	ظَلَمٌ	۲۹	راستگو - راست	صَادِقَةٌ
۲۵	ظلم کردم - ستم کردم	ظَلَمْتُ	۲۹	شد - گردید	صَارَتْ
۲۵	آشکار بود - آشکار شد	ظَهَرَ	۲۰	جمع «صالح: شایسته»	صَالِحُونَ
۲۲	سریع - زود	عَاجِلٌ	۳۰	صبر کردم	صَبِرْتُ
۳۶	دانا - عالم	عَالِمٌ	۳۰	فریاد	صَرَخَ
۳۲	رفتار کردی	عَامَلْتُ	۳۸	کوچک	صَغِيرٌ
۳۵	جمع «عبد: بنده»	عَبِيدٌ	۳۴	جمع «صفة: صفت»	صِفَاتٌ
۳۲	آزادی	عَتَقَ	۲۱	درست گویی - درستی	صَوَابٌ
۲۳	جمع «عتیق: آزاد شده»	عَتَقَاءٌ	۳۱	صدا - صوت	صَوْتٌ
۲۶	لغزش	عَثَرَ	۳۰	قراردادی - گرداندی	صَبَّرْتُ
۲۳	لغزش	عَثْرَةٌ	۲۲	تنگ شد	ضَاقَتْ
۱۹	توشه	عَدَّةٌ	۳۸	گمراه - گمشده	ضَالٌّ
۲۷	عذر - پوزش	عَذْرٌ	۳۰	شیون	ضَجِيجٌ
۲۱	شناخت	عَرَفَانَ	۲۷	پریشانی - بدحالی - زیان	ضَرٌّ
۲۲	شناساندی	عَرَفْتُ	۲۸	ضعف - ناتوانی	ضَعْفٌ
۳۴	تصمیم - اراده	عَزِيمَةٌ	۲۹	جمع «ضمیر: نهاد - درون»	ضَمَائِرٌ
۱۹	لقب امام دهم و یازدهم <small>علیهما السلام</small>	عَسْكَرِيٌّ	۳۵	ضمانت کردی	ضَمَنْتَ
۲۴	جمع «عصمة: مانع - لجام - نگاهبان»	عِصَمٌ	۲۸	نهاد - درون	ضَمِيرٌ
۲۷	بسیار مهربان	عَطُوفٌ	۲۹	فرمانبردار	طَائِعَةٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۰	جمع «فاقد: عزیز از دست داده»	فَاقِدِينَ	۲۰	عطا - بخشش	عَطِيَّةٌ
۲۵	فقر - نیاز	فَاقَةٌ	۲۸	استخوان	عَظْمٌ
۳۸	فناپذیر - نابودشدنی	فَانِي	۲۰	بزرگی	عَظْمَةٌ
۲۳	سپیده دم - صبح	فَجْرٌ	۲۱	پاکدامنی - عفت	عِفَّةٌ
۲۱	پرده دری - بدکاری	فَجْوَرٌ	۲۹	جمع «عقوبه: کیفر»	عَقُوبَاتٌ
۲۵	فرار - گریختن	فِرَارٌ	۲۶	کیفر - عقوبت	عَقُوبَةٌ
۳۰	جدایی	فِرَاقٌ	۲۴	برتر بود	عَلَا
۳۰	جداکردی	فَرَّقْتُ	۲۰	بلند مرتبگی - بلندی	عَلَا
۲۳	پناه آوردم	فَرَعْتُ	۱۹	امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
۳۷	قبیله - خاندان	فَصِيلَةٌ	۲۱	عمره	عَمْرَةٌ
۳۶	انجام دهنده	فَعَالٌ	۲۶	انجام دادم - عمل کردم	عَمَلْتُ
۲۶	جمع «فعل: کار»	فَعَالٌ	۲۳	عیب - زشتی	عَوْرَةٌ
۲۶	کار	فَعَلٌ	۲۰	عید	عِيدٌ
۲۱	جمع «فقیر: فقیر - نیازمند»	فَقَرَاءٌ	۲۳	زندگی	عَيْشٌ
۲۴	نابودی	فَنَاءٌ	۲۲	دیده بان - چشم	عَيْنٌ
۲۲	رهبر - پیشوا	فَائِدٌ	۲۵	آمرزنده	غَافِرٌ
۱۹	لقب امام زمان (علیه السلام) - قیام کننده	فَائِمٌ	۲۷	مغرور کرد - فریب داد	غَرَّ
۲۵	قانع - قناعت کننده	قَانِعٌ	۲۱	جمع «غازی: رزمنده- جنگجو»	غَزَاةٌ
۲۵	جمع «قبيحة: کار زشت»	قَبَائِحٌ	۳۰	خشم - غضب	غَضَبٌ
۲۷	پذیرش - قبول	قَبُولٌ	۲۲	پرده	غِطَاءٌ
۲۵	زشت - کار زشت	قَبِيحٌ	۲۶	غفلت - ناآگاهی	غَفْلَةٌ
۲۵	قدرت - توانایی	قَدْرَةٌ	۲۵	غلبه کرد - چیره شد	غَلَبَ
۳۳	تقدیر کردی	قَدَّرْتُ	۲۱	چیرگی - غلبه	غَلَبَةٌ
۳۴	پاکی	قَدَسٌ	۲۴	غلبه کردی - چیره شدی	غَلَبْتُ
۱۹	پیش فرستادیم	قَدَّمْنَا	۲۱	غیبت - پشت سر کسی بدگویی کرد	غَيَّبَةٌ
۲۴	بسیار منزّه	قَدَّوسٌ	۲۶	سنگین	فَادِحٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۸	کرم - آسان بخشی	کَرَمٌ	۲۵	دیرین - قدیمی	قَدِيمٌ
۲۷	برطرف کردن	كَشَفَ	۱۹	نزدیکی - قرب	قُرْبٌ
۲۸	کفایت کردی	كَفَيْتَ	۱۹	روشنی	قُرَّةٌ
۲۶	چه بسیار - چقدر	كَمْ	۲۵	قسمت - سهم	قِسْمٌ
۲۵	نمی یابم	لَا أَجِدُ	۲۳	قسمت کردی - تقدیر نمودی	قَسَمْتُ
۲۳	پناهنده نمی شوم	لَا أُوذِي	۲۶	اندک بود - کوتاه بود	قَصْرٌ
۲۶	عجله نکن - شتاب نکن	لَا تَعْجَلْ	۲۹	کوتاه	قَصِيرٌ
۲۶	رسوا نکن	لَا تَفْضَحْ	۳۳	فرمان قطعی - قضاء	قَضِيَّةٌ
۳۶	قطع نکن	لَا تَقْطَعْ	۲۶	زمین گیر کرد	قَعَدَاتٍ بِـ
۳۰	تاب نمی آورد	لَا تَقْوِمُ	۲۱	قناعت - صرفه جویی	قَنَاعَةٌ
۳۷	مالک نیست	لَا تَمْلِكُ	۳۴	نیرومند کن - نیرو ببخش	قَوِّ
۳۷	مجازات نمی پذیرد - دفاع نمی کند	لَا يَجْزِي	۲۵	چیرگی - قهر	قَهْرٌ
۲۶	مانع نمی شود	لَا يَحْجُبُ	۲۴	تحت فرمان گرفتی - مسلط شدی	قَهَّرْتَ
۳۰	سبک نمی گردد	لَا يَخْفَفُ	۳۳	جمع «کاتب: نویسنده»	كَاتِبِينَ
۳۶	تعلیم داده نمی شود	لَا يَعْلَمُ	۳۵	مکر ورزید - نیرونگ ورزید	كَادٌ
۲۴	نمی ایستد - مقاومت نمی کند	لَا يَقُومُ	۱۹	لقب امام هفتم <small>عليه السلام</small> - فرونشاندۀ (خشم)	كَاطِمٌ
۲۵	ممکن نیست	لَا يُمْكِنُ	۲۲	مثنای «کافی: کفایت کننده»	كَافِيَانِ
۳۵	دست یافتنی نیست - دست یافته نمی شود	لَا يَنَالُ	۲۰	فرمانروایی - بزرگی	كِبْرِيَاءٌ
۲۳	پناهنده شدم	لَذْتُ	۲۳	مقرر کردی - نوشتی	كَتَبْتُ
۲۶	نبودم	لَسْتُ	۳۳	کتمان کردم - پنهان داشتم	كَتَمْتُ
۳۷	آتش شعله ور	لَظِي	۲۶	زیادی - فراوانی	كَثْرَةٌ
۲۷	مواظبت نکردم - پاسداری نکردم	لَمْ أَحْتَرِسْ	۳۵	مکر بورز - نیرونگ بورز	كَدٌّ
۲۲	چشم بر هم زدن	لَمَحَ الْبَصَرَ	۳۳	جمع «گریم: بزرگوار»	كَرَامٌ
۲۳	هرگز نخواهد رسید	لَنْ يَصِيبَ	۲۳	اندوه نفس گیر	كَرْبَةٌ
۳۵	دلباخته - مشتاق	لَهَجٌ	۳۰	بزرگواری - کرامت	كَرَامَةٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۹	اذعان کننده - اقرار کننده	مَدْعِنَةٌ	۲۸	خو گرفت - مشتاق شدم	لُحَج
۳۸	گناهکار	مَذْنِبٌ	۳۱	شعله	لُهِيبٌ
۳۷	مرد - شخص	مَرءٌ	۲۹	کاش می دانستم	لَيْتَ شَعْرِي
۳۸	پرورده - تحت تدبیر	مَرْبُوبٌ	۳۱	امیدوار	مَوْءِلٌ
۳۸	روزی خوار - روزی داده شده	مَرْزُوقٌ	۲۹	ستایشگر - مدح کننده	مَادِحَةٌ
۲۱	جمع «مريض: بیمار - مريض»	مَرْضَى	۳۲	آغاز کننده	مُبْتَدَأٌ
۳۰	جمع «مستصرخ: استغاثه - کننده - فریادرس خواه»	مُسْتَصْرِخِينَ	۳۸	گرفتار	مُبْتَلٍ
۲۲	یاری خواسته شده	مُسْتَعَانٌ	۲۵	تغییر دهنده	مُبْدِلٌ
۲۷	آمرزش خواه - استغفار کننده	مُسْتَغْفِرٌ	۳۸	سرگردان	مُتَحِيرٌ
۳۱	جمع «مستغیث: دادخواه - یاری خواه»	مُسْتَغِيثِينَ	۲۵	ذلیل - خوار	مُتَذَلِّلٌ
۲۷	بخشش خواه	مُسْتَقِيلٌ	۲۱	جمع «متعلم: فراگیر»	مُتَعَلِّمِينَ
۲۱	جمع «مستمع: شنونده»	مُسْتَمْعِينَ	۳۸	شایسته عظمت - بزرگ منش	مُتَكَبِّرٌ
۳۶	جمع «مستوحش: وحشت زده»	مُسْتَوْحِشِينَ	۳۲	بزرگوارانه - کریمانه	مُتَكْرِمًا
۳۴	درماندگی	مُسْكِنَةٌ	۲۵	فروتن	مُتَوَاضِعٌ
۲۱	جمع «شیخ: پیر - پیرمرد»	مُشَاحِجٌ	۳۵	بی تاب - شیدا	مُتِمٌّ
۳۲	شبهه - مانند	مُشَبِّهٌ	۱۹	لقب امام دوم (علیه السلام) - برگزیده	مُجْتَبِيٌّ
۳۴	جمع «مشتاق: مشتاق - دل بسته»	مُشْتَاقِينَ	۳۵	بزرگواری - عظمت	مُجْدٌ
۲۲	شکایت	مُشْتَكِيٌّ	۳۷	گناهکار - مجرم	مُجْرِمٌ
۲۶	سهل انگاری	مُطَالٌ	۲۹	تصدیق کننده	مُحَقِّقَةٌ
۳۸	عاقبت بخش	مُعَافِيٌّ	۳۴	ترس	مُخَافَةٌ
۳۲	جمع «معاند: مخالف لجوج - مخالف حق»	مُعَانِدِينَ (مُعَانِدِينَ)	۳۱	مخالفت - تخلف	مُخَالَفَةٌ
۲۷	عذر خواه	مُعْتَذِرٌ	۳۸	آفریده - خلق شده	مُخْلُوقٌ
۲۷	اعتراف کننده	مُعْتَرِفٌ	۲۹	مدت	مُدَّةٌ
۲۸	عذاب کننده	مُعَذِّبٌ	۲۳	مدح کردی - ستودی	مُدْحِتٌ
			۳۶	دراز کردم	مُدَدْتُ
			۲۷	اذعان کننده - اقرار کننده	مُدْعِنٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۴	جمع «موقِن: یقین کننده»	مَوْقِنٌ	۳۸	عطا کننده	مُعْطٍ
۱۹	مؤنث «مولى: سرور»	مَوْلَاةٌ	۳۴	آباد شده - آباد	مَعْمُورَةٌ
۳۷	فرزند	مَوْلُودٌ	۲۲	تکیه - تکیه گاه	مَعُولٌ
۳۴	جمع «میدان: میدان»	مِیَادِینٌ	۳۸	زیر دست - مغلوب	مَغْلُوبٌ
۳۶	جمع «مِیمون: خجسته - بابرکت»	مِیَامِینٌ	۲۷	گریز - راه فرار	مَفْرٌ
۲۷	پشیمان - نادم	نَادِمٌ	۲۳	پناه - پناهگاه	مَفْرِعٌ
۲۲	مثنای «ناصر: یاری کننده-یار»	نَاصِرَانٌ	۳۲	محل اقامت - جایگاه	مُقَامٌ
۳۴	پیشانی - موی جلوی سر	نَاصِیَةٌ	۳۲	قرارگاه - محل استقرار	مَقَرٌّ
۳۷	برکننده - کننده	نَزَاعَةٌ	۲۷	اقرار کننده - اعتراف کننده	مَقَرٌّ
۳۶	قرارداد	نَصَبٌ	۲۳	عفو کننده - گذشت کننده	مَقْبِلٌ
۲۱	خبرخواهی - نصیحت	نَصِیْحَةٌ	۲۹	جمع «مکروهه: ناگواری - ناخوشایندی»	مَكْرَاهٌ
۲۹	گویا شد	نَطَقَتْ	۲۹	درنگ - توقف	مَكْثٌ
۲۷	نظر - نگرستن	نَظَرٌ	۲۶	ناخوشایند	مَكْرُوهٌ
۲۴	جمع «نعمه: نعمت»	نَعَمٌ	۲۴	پرکرد	مَلَأَتْ
۲۱	هزینه	نَفَقَةٌ	۳۸	امتحان شده - آزموده	مُتَحَنٌ
۲۴	جمع «نعمه: کیفر»	نَعِمٌ	۳۸	صاحبدار - مملوک	مَمْلُوكٌ
۱۹	لقب امام دهم - خالص	نَقِیٌّ	۱۹	مورد انتظار	مُنْتَظَرٌ
۳۷	جمع «ناصیه: پیشانی - موی جلو سر»	نَوَاصِیٌ	۲۳	نازل شده	مُنْزَلٌ
۲۱	نیت	نِیَّةٌ	۲۲	منع شده است - بازداشته شده است	مُنْعَتٌ
۳۷	پدر	وَالِدٌ	۲۷	سرشکسته - شکسته	مُنْكَسِرٌ
۲۷	بند	وَأَقٌ	۲۷	بازگشت کننده	مُنِيبٌ
۱۹	آبرومند	وَجِیْبَةٌ	۱۹	جمع «مولى: سرور»	مَوَالِیٌ
۳۳	پشت - بعد	وَرَاءٌ	۲۰	جمع «موهبه: بخشش»	مَوَاهِبٌ
۳۴	ورد - ذکر	وَرْدٌ	۳۲	جمع: «موحد: یکتاپرست»	مَوْحِدِینٌ
۱۹	وصی - جانشین	وَصِیٌّ	۳۴	پیوند خورده - پیوسته	مَوْصُولَةٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۱	امیدوار است	یَرْجُو	۲۱	وقار - سنگینی	وَقَارٌ
۲۳	مورد امید است - امید می رود	یَرْجَى	۲۹	واقع شدن - انجام شدن	وَقِيعٌ
۳۱	فرامی گیرد	یَسْتَمِلُ عَلٰی	۲۶	نگه داشتی	وَقِيتٌ
۳۱	شیون می کند	یَضْحِكُ	۳۳	گماشتی - مأموریت دادی	وَكَلَّتْ
۲۳	طلوع می کند - برمی آید	یَطْلُعُ	۳۰	گیرم که من	هَبْنِیْ
۳۷	شناخته می شود	یَعْرِفُ	۲۹	این چنین	هَكَذَا
۳۷	به دندان می گزد - گاز می گیرد	یَعَضُّ	۲۸	دور بود	هَمِيَّاتٌ
۲۳	گذشت می کند	یَعْفُو	۳۷	گرفته می شود	يُؤْخَذُ
۳۷	مشغول می کند - بی نیاز می کند	یَغْنِي	۳۱	امید دارد - امیدوار است	يَأْمَلُ
۳۷	فدیه می دهد - فدا می کند	يَفْتَدِي	۳۱	باقی می ماند	يَبْقَى
۳۷	فرار می کند - می گریزد	يَفِرُّ	۳۱	جا به جا می شود	يَتَقَلَّبُ
۳۱	صدا می زند	يُنَادِي	۳۱	توسل می جوید	يَتَوَسَّلُ
۳۷	نجات می دهد - رهایی می بخشد	يُنَجِّي	۲۹	جاری است	يَجْرِي
۲۳	سپری می شود - می گذرد	يَنْقُضِي	۳۱	می سوزاند	يُحْرِقُ
۳۷	دوست می دارد	يُودُّ	۲۳	مورد بیم است - بیم می رود	يُخَافُ
			۳۴	دست	يَدٌ
			۳۰	ماندگار است	يَدُومٌ

فهرست کلمات

کتاب آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۴	گناه	اِثْمٌ	۱	نشانه‌ها - آیه‌ها	آيَاتٌ	۲۵	پدران	آبَاءٌ
۵	دوری گزینید	اجْتَنِبُوا	۱۳	آیا	أَيُّ	۱۶	بدهید	آتُوا
۲۱	پاداش	أَجْرٌ	۳۹	پیشوایان	أُمَّةٌ	۳۸	دادند	آتَوْا
۱۶	قرار بده	اجْعَلْ	۳۷	طلب کردن	اِبتِغَاءٌ	۳۱	داد	آتَى
۳۶	زمان - أجل - پایان مدت	أَجَلٌ	۴۱	طلب کنید - بجوید	اِبتَغُوا	۶	دادیم	آتَيْنَا
۷	همگی	أَجْمَعِينَ	۲۱	همیشه	أَبَدًا	۳۸	آثار	آثَارٌ
۴۲	اجابت می‌کنم	أَجِيبُ	۶	ابراهیم (علیه السلام)	إِبْرَاهِيمَ	۲۱	قیامت - آخر	آخِرٌ
۸	یکتا - یک	أَحَدٌ	۴۴	چشم‌ها	أَبْصَارٌ	۳	آخرت	آخِرَةُ
۲۶	گروه‌ها - حزب‌ها	أَحْزَابٌ	۳۵	پایدارتر	أَبْقَى	۷	دیگران	آخَرِينَ
۲۴	نیکی کردن - احسان	أَحْسَانٌ	۴۱	صبح	إِبْكَارٌ	۶	آدم (علیه السلام)	آدَمَ
۱۱	بهترین - بهتر	أَحْسَنٌ	۶	پسر	إِبْنٌ	۴۷	گوش‌ها	أَذَانٌ (جمع أذُن)
۲۱	نیکی گردانید - نیکی کرد	أَحْسَنَ	۴۷	فرزندان	أَبْنَاءٌ	۶	خاندان	آلٌ
۴۵	نیکی کردید	أَحْسَنْتُمْ	۴۷	درها	أَبْوَابٌ	۴۵	نعمت‌ها	آلَاءٌ
۲۳	خوبی (نیکی) کردند	أَحْسَنُوا	۶	پدر	أَبِي - أَبِ - أَبِ	۴۰	جمع «إله»	آلِهَةٌ
۸	نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله)	أَحْمَدٌ	۱۰	پیروی کرد	اتَّبَعَ	۲۱	ایمان آورد	آمَنَ
۳۵	زنده کرد	أَحْيَا	۶	پیروی کرد	اتَّبَعُوا	۲۷	ایمان آوردیم	آمَنَّا
۴۷	خبرها	أَخْبَارٌ	۹	پیروی کنید	اتَّبِعُوا	۳۶	ایمان آوردید	آمَنْتُمْ
۱	تفاوت - آمد و شد	اِخْتِلَافٌ	۲۶	گرفت	اتَّخَذَ	۴	ایمان آوردند	آمَنُوا
۱۱	اختلاف ورزیدند	اِخْتَلَفُوا	۱۵	گرفتند	اتَّخَذُوا	۸	ایمان بیاورید	آمِنُوا
۲۰	فرا گرفت - گرفت	أَخَذَ	۵	تقوا پیشه کنید	اتَّقُوا	۳۲	جمع «آمین: در امان»	آمِنِينَ - آمِنُونَ
۳۶	فرا گرفت - گرفت	أَخَذَتْ	۱۸	تقوا پیشه کردند	اتَّقُوا	۴۰	اوقات - ساعات	آنَاءٌ
			۳۰	باتقواترین - باتقواتر	اتَّقَى	۳۹	پناه‌دادند - جای دادند	أَوْوُوا
			۱۸	آمد	آتَى	۱	نشانه - آیه	آيَةٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۹	درخواست می‌کنم	أَسْأَلُ	۴۴	گردید	أَرْتَدُّ	۶	گرفتیم - گرفتار کردیم	أَخَذْنَا
۳۷	شدیدتر	أَشَدُّ	۴۳	پاها	أَرْجُلُ	۳۷	دیگر	أَخْرَ
۴۶	شکر می‌کنم	أَشْكُرُ	۳۲	خویشان-رحیم‌ها	أَرْحَامُ	۳۴	خارج کردن - بیرون کردن	إِخْرَاجُ
۴۶	شکر کن	أَشْكُرْ	۳۹	رحم کن	إِرْحَمْ	۱۹	خارج کرد	أَخْرَجَ
۲۳	شکر کنید	أَشْكُرُوا	۸	فرستاد	أَرْسَلَ	۷	خارج کن	أَخْرِجْ
۲۱	رسید	أَصَابَ	۵	فرستادیم - ارسال کردیم	أَرْسَلْنَا	۲۷	خارج کردیم	أَخْرَجْنَا
۳۲	صبر کن	إِصْبِرْ	۱	زمین - سرزمین	أَرْضُ	۳۲	دوستان	أَخِلَاءُ
۳۴	صبر کنید	إِصْبِرُوا	۳۲	نزدیک می‌شود- نزدیک شد	أُزِلَّتْ	۵	برادر	أَخُو-أَخِي- أَخًا- أَخ
۱۵	اهل- یاران	أَصْحَابُ	۱۶	همسران - جفت‌ها	أَزْوَاجُ	۳۸	برادران	إِخْوَانُ
۶	برگزید	أَصْطَفَى	۴۵	بدی کردید	أَسَأْتُمْ	۳۲	داخل شوید	أَدْخَلُوا
۳۰	اصل - ریشه	أَصْلُ	۴۲	اجابت کنم	أَسْتَجِبُ	۳۸	دعوت کن - بخوان	أُدْعُ
۴۲	اصلاح کردن	إِصْلَاحُ	۲۳	اجابت کنید	أَسْتَجِيبُوا	۳۸	دعوت کنید - بخوانید	أُدْعُوا
۴۴	اصلاح کرد	أَصْلَحَ	۳۷	کمک بگیرید	اسْتَعِينُوا	۵	هنگامی که	إِذَا
۳۰	صوت‌ها - صداها	أَصْوَاتُ	۲	آموزش بخواه	اسْتَعْفِرْ	۱۲	هنگامی که - در این هنگام (ناگهان)	إِذَا
۳۷	گمراه‌تر	أَضَلَّ	۴۱	آموزش می‌خواهند -آموزش خواستند	اسْتَعْفِرُوا	۱۷	هنگامی که - در این هنگام (ناگهان)	إِذَا
۵	اطاعت کنید	أَطِيعُوا	۲۷	تکبر ورزیدی	اسْتَكْبَرْتَ	۴۰	اعلام - اعلان	أَذَانَ
۴۳	ستم‌کارتر	أَظْلَمُ	۲۰	تکبر ورزیدند	اسْتَكْبَرُوا	۴۶	یاد کنم - به یاد آورم	أَذْكُرُ
۳۴	عبادت می‌کنم - بندگی می‌کنم	أَعْبُدُ	۳۱	حضرت اسحاق <small>عليه السلام</small>	إِسْحَاقُ	۶	به یاد آور - یاد کن	أَذْكُرْ
۹	عبادت کن	أَعْبُدْ	۷	يعقوب <small>عليه السلام</small>	إِسْرَءِيلُ	۷	به یاد آورید - یاد کنید	أَذْكُرُوا
۳	عبادت کنید - بندگی کنید	أَعْبُدُوا	۴۵	تسلیم کرد	أَسْلَمَ	۹	اجازه	أَذِنَ
۲۵	آماده کردیم	أَعْتَدْنَا	۱	نام	اسْمُ	۴۸	آزار - اذیت	أَذَى
۳۷	تمسک بجوید	أَعْتَصِمُوا	۳۳	نام‌ها	أَسْمَاءُ	۴۰	اراده کرد - خواست	أَرَادَ
۴۰	آماده کرد	أَعَدَّ	۳۱	حضرت اسماعیل <small>عليه السلام</small>	إِسْمَاعِيلُ			
۲۰	دشمنان	أَعْدَاءُ (جمع عدو)	۶	الگو	أَسْوَةٌ			
۱۹	آماده شده است	أَعْدَتْ						
۳۰	عدالت پیشه کنید	إِعْدِلُوا						

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۰	اما	أَمَّا	۱۹	بزرگتر	أَكْبَرُ	۳۴	عرب‌های بادیه‌نشین	أَعْرَابُ
۴۱	یا	أَمَّا	۱۳	بیشتر	أَكْثَرُ	۴۱	روی بگردان	أَعْرِضْ
۵	امت - گروه	أُمَّةٌ	۳۰	گرامی‌ترین - گرامی‌تر	أَكْرَمُ	۱۴	بخشید	أَعْطَى
۳۰	امتحان کرد	أَمْتَحَنَ	۱۳	آگاه باشید	أَلَا	۳۳	دانانتر	أَعْلَمُ
۳۶	جمع «مَثَلٌ»	أَمْثَالٌ	۲	مگر - جز	أَلَّا	۳۵	می‌دانم	أَعْلَمُ
۳۰	امر کرد - فرمان داد	أَمَرَ	۲۴	جمع «لُبٌّ خرد»	أَلْبَابُ	۳۱	بدانید	أَعْلَمُوا
۱۶	امر - فرمان - کار	أَمْرٌ	۳۹	خانه خدا	الْبَيْتِ	۱۶	کارها - اعمال	أَعْمَالٌ
۳۹	مالک هستم	أَمْلِكُ	۱۱	آنکه - کسی که - که	الَّتِي	۴۶	انجام دهید	أَعْمَلُوا
۴۲	جمع «أُمَّةٌ»	أُمَّمٌ	۴۲	دعاکننده - دعوت کننده	الدَّاعِ (الدَّاعِي)	۳۴	کور - نابینا	أَعْمَى
۱۴	در امان بودن - امنیت - امن	أَمِنَ	۳	کسی که - آنکه - که - آنچه	الَّذِي	۱۳	پناه می‌برم	أَعُوذُ
۲۲	اموال - ثروت‌ها	أَمْوَالٌ	۳	کسانی که - آنانکه	الَّذِينَ	۴۳	چشم‌ها	أَعْيُنِهِ (جمع عين)
۴۷	جمع «أَمْرٌ»	أُمُورٌ	۳	از حروف مقطعه	الر	۷	غرق کردیم	أَغْرَقْنَا
۱۶	مادران	أُمَّهَاتٌ	۹	قیامت (زمان)	السَّاعَةِ (سَاعَةٌ)	۳۸	بیامرز	أَغْفِرُ
۵	امانت‌دار - مورداعتماد - امن	أَمِينٌ	۱۷	زبان‌ها	اللسنة	۴۱	غافل کردیم	أَغْفَلْنَا
۱۲	که - اینکه	أَنَّ	۱	طغیانگر - طغیانگران	الطَّاغُوتِ	۳۹	دروغ بست	أَقْتَرَى
۱	اینکه - که	أَنَّ	۵	افکند - انداخت	الَّتِي	۳۷	رستگار شد	أَفْلَحَ
۱	قطعاً - حتماً	إِنَّ	۴۴	از حروف مقطعه	الم	۳۳	دهان‌ها	أَفْوَهِ
۱۶	اگر - اگرچه	إِنْ	۱۰	خدا - خداوند	اللَّهِ	۴۴	دل‌ها	أَفئِدَةٌ
۳۲	نیستند - نیست	إِنْ	۱	رنگ‌ها	ألوان	۳۸	به پا داشت	أَقَامَ
۳۱	اگر تقوا پیشه کنید	إِنْ تَتَّقُوا	۱	معبود - خدا	إِلَهٍ	۱۲	به پا داشتند	أَقَامُوا
۳۱	اگر ایمان بیاورید	إِنْ تَوَمَّنُوا	۲	به سوی - به - تا	إِلَى	۲۵	بکشید	أَقْتَلُوا
۲۶	من	أَنَا	۳	دردناک	أَلِيمٌ	۳۰	نزدیک‌تر - نزدیک‌ترین	أَقْرَبُ
۳۲	خبرها	أَنْبَاءٌ (جمع نبأ)	۲۰	بلکه - آیا - یا	أَمْ	۳۷	به پادار	أَقِمِ
۷	پیامبران	أَنْبِيَاءٌ	۱۵	مادر	أُمٌّ	۱۱	استوارترین - استوارتر	أَقْوَمُ
۳۲	تو	أَنْتَ	۴۰	ناسپاسی می‌کنم - کفر می‌ورزم	أَكْفُرُ	۱۶	به پا دارید	أَقِيمُوا

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۴	ایمان	إِيمَان	۳	دنیا - اولین	أُولَى	۲۵	شما	أَنْتُمْ
۳۹	پیمان‌ها - سوگندها	إِيمَان	۴۱	یا	أَوْ	۳۰	زن - جنس ماده	أُنْثَى
۱	به	بِ	۱۰	وحی کردیم	أَوْحَيْنَا	۱۲	انجیل	إِنْجِيل
۲	نسبت به	بِ	۳۳	اول	أَوَّل	۷	نجات دادیم	أَنْجَيْنَا
۴	با (به همراه) - به وسیله - به سبب	بِ	۳۱	فرزندان	أَوْلَاد (جمع وُلْد)	۵	بیم ده - بترسان	أَنْذِرْ
۴۷	در	بَاب	۶	سزاوارتر (بین) - سزاوارتر	أَوْلَى	۹	نازل کرد - فرورفتاد	أَنْزَلَ
۴۴	خالق - پدیدآورنده	بَارِئٌ	۱۶	صاحبان	أَوْلَى-أَوْلُوا	۹	نازل شد	أَنْزِلَ
۴۷	عذاب - جنگ - قدرت - آسیب	بَأْسٌ	۱۵	سرپرستان - دوستان	أَوْلِيَاء (جمع وِلَى)	۵	فرورفتادیم - نازل کردیم	أَنْزَلْنَا
۲۰	باطل	بَاطِلٌ	۱۲	آنان - آنها	أُولَئِكَ	۲۶	انسان - انسان	إِنْسَانٌ
۳۳	باطن	بَاطِنٌ	۲۵	جمع «أَوَّل» - پیشینیان	أَوْلَئِن-أَوْلُونَ	۲۵	انسان - بشر	إِنْسَانٌ
۳۳	دریا	بَحْرٌ	۲۳	هدایت یافتید	أَهْتَدَيْتُمْ	۲۸	فراموشاند - از یاد برد	أَنْسَى
۳۳	خشکی	بَرٌّ	۴	هدایت کن	أِهْدِ	۲۶	یاران	أَنْصَارٌ
۳۵	برق	بَرْقٌ	۱۲	اهل - خانواده - شایسته	أَهْلٌ	۳۸	بنگر	أَنْظُرْ
۳۱	برکت‌ها	بَرَكَاتٌ	۱۸	خانواده‌ها	أَهْلٍ (أَهْلِينَ)	۲۸	چهارپایان	أَنْعَامٌ
۱۱	دلیل روشن	بُرْهَانٌ	۴۵	کدام	أَيُّ	۳۳	نعمت داد	أَنْعَمَ
۲۸	بیزار	بُرَىءٌ	۲۹	شما را	إِيَّاكُمْ	۳۶	نعمت دادی	أَنْعَمْتَ
۱۹	بشارت بده	بَشِّرْ	۳۲	جمع «یوم: روز»	أَيَّامٌ	۱۶	جان‌ها - افراد - خودها	أَنْفُسٌ
۲۶	بشر - انسان	بَشَرٌ	۲۳	او را	إِيَّاهُ	۳۷	انفاق کردند	أَنْفَقُوا
۱۰	بشارت	بَشْرَى	۲۳	مرا	إِيَّايَ	۸	اینکه - که	أَنْمَا
۸	بشارت‌دهنده	بَشِيرٌ	۳۸	بیاور	أَتِ بِ	۸	فقط - جز این نیست	أَنْمَا
۱۰	بینش‌ها - بصیرت‌ها	بَصَائِرٌ	۴۵	دادن	أَتَاءٌ	۱۹	نهرها - جوی‌ها	أَنْهَارٌ (جمع نَهْر)
۲	بینا	بَصِيرٌ	۳۸	بیاورید	أَتُوا بِ	۴۰	از کجا - هر جا - هر وقت	أَنْى
۳۶	شکم‌ها	بَطُونٌ (جمع بَطْن)	۳۸	دستان	أَيْدِي (جمع يَد)	۲۹	داده شدند	أَوْتُوا
۱۷	رستاخیز - برانگیختن	بَعَثٌ	۳۳			۴۶	داده شد	أَوْقِي
						۳۴	داده شدید	أَوْقِيْتُمْ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۳	گواهی می‌دهد	تَشْهَدُ	۱۱	بیانگر	تَبَيَّنَ	۵	برانگیختیم	بَعَثْنَا
۲۵	گواهی می‌دهید	تَشْهَدُونَ	۴۸	اشکار شد - روشن شد	تَبَيَّنَ	۸	بعد - بعد از - پس از	بَعْدَ
۴۷	صبر کنید	تَصْبِرُوا	۱۳	پروا می‌کنید - تقوای پیشه می‌کنید	تَتَّقُونَ	۱۸	برخی - بخشی - بعضی	بَعْضُ
۳۵	گردش - گردانیدن	تَصْرِيفٌ	۴۸	تلاوت می‌شود - خوانده می‌شود	تُتْلَى	۳۲	دور	بَعِيدٌ
۲۲	آرام می‌گیرد	تَطْمَئِنُّ	۳۹	جهاد می‌کنید - کوشش می‌کنید	تُجَاهِدُونَ	۴۸	ناگهانی	بَغْتَةً
۱۳	برتر است	تَعَالَى	۱۴	می‌یابی (هرگز نخواهی یافت)	تَجِدُ (لَنْ تَجِدَ)	۴۸	سرکشی - طغیان - حسد	بَغْيٌ
۲۳	عبادت می‌کنید - بندگی می‌کنید	تَعْبُدُونَ	۳۸	می‌یابید	تَجِدُوا	۲۶	بلکه	بَلْ
۹	ببندیشید - می‌انديشيد	تَعْقِلُونَ	۱۹	جاری است - حرکت می‌کند	تَجْرِي	۱۶	رساندن - ابلاغ	بَلَاغٌ
۳۲	می‌دانی	تَعْلَمُ	۱۸	جزا داده می‌شود	تُجْزَى	۲۷	بله - آری	بَلَى
۳۳	می‌دانید	تَعْلَمُونَ	۳۳	دوست بدارید (دوست می‌دارید)	تُحِبُّوا (تُحِبُّونَ)	۴۸	دختران	بَنَاتٌ
۲۸	انجام می‌دهید	تَعْمَلُونَ	۱۹	زیر	تَحْتَ	۱۸	فرزندان - پسران	بَنُونَ - بَنِينَ (جمع ابن)
۴۳	فخر فروشی	تَفَاخُرٌ	۴۵	می‌پنداری	تَحْسَبُ	۷	فرزندان	بَنِي
۲۹	دور می‌کند - دور کرد	تَفَرَّقَ بِهِ	۴۱	محشور می‌شوید	تُحْشَرُونَ	۱۰	روشنگر - بیان	بَيِّنٌ
۲۳	انجام می‌دهید	تَفْعَلُونَ	۹	خارج می‌کنی	تُخْرِجُ	۲۰	چه بد است - بد است	بِئْسَ
۳۱	رستگار می‌شوید	تَفْلِحُونَ	۱	خاک	تُرَابٌ	۱۰	میان - بین	بَيْنَ
۴۲	قبول کن	تَقَبَّلْ	۱۳	بازگردانیده می‌شوید	تُرْجَعُونَ	۳۵	بیان کردیم	بَيَّنَّا
۳۸	پیش فرستید	تَقَدَّمُوا	۹	مورد رحمت قرار گیرید - مورد رحمت قرار می‌گیرید	تُرْحَمُونَ	۵	دلایل روشن	بَيِّنَاتٌ
۳۶	می‌گویید	تَقُولُ	۴۸	باقی گذاشت	تَرَكَّ	۲۸	جمع «بیت: خانه»	بَيْوتٌ
۲۳	می‌گویید	تَقُولُونَ	۳۷	می‌بینی	تَرَى	۳۸	توبه پذیرفت - توبه کرد	تَابَ
۳۰	تقوا - پرهیزگاری	تَقْوَى	۳۰	توشه برگیرید	تَزِدُوا	۳۸	توبه کردند	تَابُوا
۴۳	زیاده‌خواهی	تَكَاثُرٌ	۳۶	آرامش یابید	تَسْكُنُوا	۴۵	تأنی (مؤنث)	تَأْتِي (مؤنث)
۴۵	تکذیب می‌کنید	تَكْذِبَانِ	۴۶	شکر کنید - شکر می‌کنید	تَشْكُرُونَ	۴۷	می‌خورید	تَأْكُلُونَ
۳۸	تکذیب می‌کنید	تَكْذِبُونَ	۳۶	شکر کنید - شکر می‌کنید	تَشْكُرُونَ	۴۶	بجویید - طلب کنید	تَبْتَغُوا
۴۵	می‌باشی	تَكُونُ	۴۶	شکر کنید - شکر می‌کنید	تَشْكُرُونَ	۳۰	تبدیل - تغییر	تَبْدِيلٌ
۳۵	باشد (می‌باشد)	تَكُونُ (تَكُونُ)						

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۶	آوردم	جِئْتُ بِ	۲۷	جمع کننده	جامع	۲۵	کفر می‌ورزید	تَكْفُرُونَ
۲۷	آوردیم	جِئْنَا بِ	۳۹	جهاد کرد - کوشش کرد	جاهد	۱۰	آن - این	تِلْكَ
۲۸	حکم کنندگان	حاکمین	۱۴	جهاد کردند - کوشش کردند	جاهدوا	۴۴	منحرف شوید	تَمِيلُوا
۲۰	نابود شد - تباه شد	حِطَّتْ	۳۹	جهاد کنید - کوشش کنید	جاهدوا	۳۷	بیم می‌دهی	تَنْذِر
۲۸	تا - تا اینکه	حَتَّى	۳۶	کوه	جبل	۴۶	فروفرستادن - فروفرستاده	تَنْزِيل
۴۰	حج	حَجَّ	۴۰	جهنم	جَهِيم	۴۴	بسیار توبه‌پذیر	تَوَّاب
۳۹	حج خانه خدا	حج البيت	۴۶	جدید	جدید	۴۴	پذیرش توبه - توبه	تَوْبَةٌ
۲۹	حدود - مرزها	حدود	۴۷	جزء - بخش	جزء	۴	توبه کنید - بازگردید	توبوا
۱۱	سخن - داستان	حدیث	۲۰	کبفر - پاداش	جزاء	۱۲	تورات	توراة
۲۸	محترم - حرام	حرام	۷	قرار داد	جعل	۲۸	توکل کن	توكل
۳۹	سختی - سنگینی	حرج	۷	قرار دادیم	جعلنا	۱۶	روی بگردانید - روی گردانیدند	تولوا
۱۹	حرام کرد	حرم	۳۲	قرار دادند	جعلوا	۳۰	روی گرداند	تولى
۱۹	حریر - ابریشم	حریر	۲۸	پوست‌ها	جلود	۱۶	روی گردانید	توليتم
۱۸	حساب	حساب	۳	همه - همگی	جميعاً	۲۵	ایمان می‌آورید - ایمان دارید	تؤمنون
۳۱	کافی - بس	حسب	۳۴	زیبا	جميل	۲۱	استوار - پایدار - ثابت	ثابت
۳۱	خوب - خوبی - زیبایی	حسن	۲۶	جن	جن	ثلاث - ثلاثة	سه گانه - سه	ثلاث
۳۸	به خوبی	حسناً	۱۹	باغ‌ها - بهشت‌ها	جَنَاتٍ (جمع جَنَّة)	۷	سپس	ثم
۴۵	جمع «حسنة»: نیکی»	حَسَنَات	۳۶	جنون - چنیان - جن	جِنَّة	۴۷	میوه‌ها	ثمرة (جمع ثمرة)
۶	خوب - خوبی - نیکی	حسنة	۴۵	لشکرها - لشکریان	جُنود	۲۶	قوم ثمود	ثمود
۴۲	بهترین - بهتر - خوب	حسنى	۴۴	جو - فضا	جو	۳۰	پاداش - ثواب	ثواب
۱۱	نگهداران	حافظون - حافظين	۲۵	جواب - پاسخ	جواب	۱۰	آمد	جاء
۸	حق - درست - صحیح	حَقَّ	۴۷	گرسنگی	جوع	۲۷	آمد	جاءت
۳۹	حقیقی - حقیقتاً	حقاً	۳۹	جهاد - کوشش	جهاد	۵	آوردند	جاءوا بِ
۳	حکومت - قضاوت - حکم	حکم	۴۴	نادانی	جهالة	۴۰	بحث کن - مناظره کن	جادل
			۲۶	دوزخ	جهنم			

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۲	دعا - خواندن	دَعْوَةٌ	۲۰	خواری	نَخْرِي	۶	حکمت	حِكْمَةٌ
۱۹	دنیا	دُنْيَا	۲۸	خسارت - زیان	خَسَارًا	۲	با حکمت - کاردان	حَكِيمٌ
۲۵	جنبندگان	دَوَابٌّ (جمع دَابَّة)	۴۰	زیان کرد	خَسِرَ	۲۵	حلال	حَلَالٌ
۷	غیر - کم تر	دُونَ	۱۸	زیان	خَسِرَانِ	۳۳	بر دبار	حَلِيمٌ
۳۲	خانه ها - سرزمین	دِيَارٍ	۱۷	زیان رساندند	خَسِرُوا	۹	از حروف مقطعه	حَمٍ
۳	جزا - آیین - دین	دِينٍ	۴۲	درگذشت - گذشت	خَلَّتْ	۲	ستایش	حَمْدٌ
۳۳	درون - ذات	ذَاتٍ	۲۰	جاودان - جاودانگی	خُلِدَ	۳۴	ستوده	حَمِيدٌ
۴۷	چشیدند	ذَاقُوا	۳۳	بعد (از) - پشت	خَلْفٌ	۴۰	سوزان - گرم	حَمِيمٌ
۴۵	پندگیران - اهل تذکر	ذَاكِرِينَ	۱	خلق کرد - آفرید	خَلَقَ	۶	حق گرا	حَنِيفٌ
۲۶	فرزندان - نسل	ذُرِّيَّةٌ	۱	خلقت - آفرینش	خَلَقَ	۳۵	اطراف	حَوْلٌ
۴۱	یاد می کند - یاد کرد	ذَكَرَ	۱۷	خلق کردیم - آفریدیم	خَلَقْنَا	۲	زنده	حَيٌّ
۴۱	یاد کردند	ذَكَرُوا	۳۸	خمس - ۱/۵ (مازاد درآمد)	خُمْسٌ	۱۹	حیات - زندگی	حَيَاةٌ
۴۱	یادآوری - تذکر - پند	ذِكْرِي	۴۸	خیانت پیشه	خَوَانٌ	۳۱	جایی که - هر جا - هرگونه	حَيْثُ
۳۰	مرد - جنس نر	ذَكَرٌ	۲۱	ترس	خَوْفٌ	۳۶	زمان - هنگام	حِينَ
۱۱	قرآن - یادآوری - یاد	ذِكْرٌ	۱۸	بهتر - بهترین - خوبی - مال	خَيْرٌ	۸	پایان بخش	خَاتَمٌ
۱	آن - این	ذَلِكَ	۲۲	خوبی ها	خَيْرَاتٌ	۱۸	زیان کاران	خَاسِرُونَ - خَاسِرِينَ
۲۹	این - آن	ذَلِكَ	۲۲	اختیار	خَيْرَةٌ	۳۶	فروتن - متواضع	خَاشِعٌ - خَاشِعَةٌ
۴۳	گناه	ذَنْبٌ	۴۸	جنبنده	دَابَّةٌ (مفرد) دَوَابٌّ	۳۷	جمع «خاشع»: فروتن»	خَاشِعُونَ - خَاشِعِينَ
۲۹	گناهان	ذُنُوبٌ	۴۲	خوارشوندگان	دَاخِرِينَ	۱۹	خالص	خَالِصٌ - خَالِصَةٌ
۳۱	دارای - صاحب	ذُو - ذَا - ذِي	۱۸	خانه - سرا	دَارٌ	۱۵	جاودانان	خَالِدُونَ - خَالِدِينَ
۳۸	بچشید	ذُوقُوا	۲۷	حضرت داود (علیه السلام)	دَاوُدَ	۲	با خبر - آگاه	خَبِيرٌ
۳۷	دیدند - دید	رَأَوْا	۲۲	رتبه ها - درجه ها	دَرَجَاتٌ (جمع دَرَجَةٌ)	۴۵	بگیر	خَذَّ
۳۹	رحم کنندگان	رَاحِمِينَ	۲۳	خواند	دَعَا	۲۹	بگیرید - برگیرید	خَذُّوا
۲	پرمهر - بسیار مهربان	رَعُوفٌ	۲۵	دعا - صدازدن	دَعَاءٌ	۲۷	خزانه ها - انبارها	خَزَائِنٌ (جمع خَزَانَةٌ)

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۸	سالم	سَلِيم	۱۷	زلزله	زَلْزَلَةٌ	۳۰	دیدنی	رَأَيْتَ
۲۷	حضرت سلیمان <small>عليه السلام</small>	سُلَيْمَان	۳۲	همسر - جفت	زَوْج	۲	پروردگار	رَبِّ
۲۷	آسمان	سَّمَاء	۱۹	زینت	زِينَةٌ	۸	مردان	رِجَال
۴۴	گوش‌ها - گوش - شنیدن	سَمْع	۴۰	به‌زودی (حرف استقبال)	سَسَّ	۲۸	مرد	رَجُل
۱	آسمان‌ها	سَمَاوَات	۱۹	سبقت بگیرد - پیشی بگیرد	سَابِقُوا	۸	رحمت	رَحْمَةٌ
۶	نامید	سَمِيَ	۴۵	پیشگامان - سبقت‌گیرندگان	سَابِقُونَ	۱	بخشنده	رَحْمَن
۲	شنوا	سَمِيع	۳۴	جادوگر	سَاحِر	۱	مهربان	رَحِيم
۳۳	سنت - روش - شیوه	سُنَّة	۱۹	جادوگر	سَارِعُوا	۲۵	روزی داد	رَزَقَ
۱۸	بد - بدی	سَوْء	۴	تسبیح کن - پاک شمار	سَبَّحَ	۱۳	روزی	رَزَقَ
۳۹	مساوی - راست	سَوَاء	۴۰	منزه است	سَبَّحَانَ	۲۲	روزی دادیم	رَزَقْنَا
۳۷	علامت آینده‌دور	سَوْفَ	۴۴	هفتگانه - هفت	سَبْعَ - سَبْعَةٌ	۵	جمع کلمه «رسول»	رَسُلٍ
۳۹	خواهید دانست	سَوْفَ تَعْلَمُونَ	۱۰	راه‌ها	سَبِيلٍ	۵	پیامبر - فرستاده - رسول	رَسُولٍ
۳۱	گناهان - بدی‌ها	سَيِّئَاتٍ (جمع سَيِّئَةٍ)	۲۲	راه	سَبِيلٍ	۴۵	خشنود شدند	رَضُوا
۳۳	خواست	سَاءَ	۳۲	جادو	سَجَّرَ	۱۰	رضایت - خشنودی	رَضُوا
۴۱	سپاس‌گزار	شَاكِرٍ	۳۵	تسخیر کرد - رام کرد	سَخَّرَ	۴۵	خشنود شد	رَضِيَ
۴۶	جمع «شاکر»: شکرگزار»	شَاكِرِينَ	۲۴	محکم - استوار	سَدِيدٍ	۱۵	رکوع‌کنندگان	رَاكِعُونَ
۵	ناظر - گواه	شَاهِد	۳۳	پنهان	سَرَّ	۹	رمضان	رَمَضَانَ
۳۰	درخت	شَجَرَةٌ	۱۸	سریع	سَرِيعٍ	۳۴	روح	رُوح
۲۸	سخت - شدید	شَدِيدٍ	۳۳	کوشش	سَعَى	۴۸	خودنمایی - ریا	رِيَاءٍ
۲۵	بدترین - بد - بدی - شر	شَرَّ	۲۵	آتش افروخته	سَعِيرٍ	۳۵	بادها	رِيَّاحٍ (جمع رِيح)
۳۶	آشامیدنی - نوشیدنی	شَرَابٍ	۳۷	سفر - مسافرت	سَفَرٍ	۱۰	شک - تردید	رَيْبٍ
۲۶	جمع «شریک»	شُرَكَاء	۲۷	کم‌خردان	سَفَهَاءٍ (جمع سَفِيه)	۴۵	باد	رِيحٍ
۲۶	شریک	شَرِيكٍ	۷	دلیل - برهان - تسلط	سُلْطَانٍ	۳۰	توشه	زَادٍ
۳۰	شعائر	شُعَائِرٍ	۴	درود - سلام - سلامت	سَلَامٍ	۲۷	افزود - زیاد کرد	زَادَ - زَادَتْ
						۴۲	حضرت زکریا <small>عليه السلام</small>	زَكَرِيَّا
						۱۵	زکات	زَكَاةٍ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۳۲	روشنایی	ضیاء	۱۸	جمع «صادق»	صادقین - صادقون	۵	شعیب <small>عليه السلام</small>	شعیب
۱۰	از حروف مقطعه	طس	۳۶	صاعقه	صاعقة	۱۱	درمان - شفا	شفاء
۴۴	غذا	طعام	۲۱	کار شایسته - شایسته	صالح	۱۳	شفاعت - وساطت	شفاعة
۴	طلوع	طلوع	۱۴	کارهای شایسته	صالحات	۴۰	جمع «شفیع»: واسطه»	شفعاء
۳۵	امید	طمع	۱۵	شایستگان	صالحین	۲۹	شفاعت کننده - واسطه	شفیع
۱۹	پاکیزه‌ها	طیبات	۳۴	شکیبایی - استقامت - صبر	صبر	۳۴	تردید - شک	شک
۱۹	پاکیزه - پاک	طیبة - طیب	۳۷	صبر کردند	صبروا	۴۶	شکر کند - شکر کرد	شکر
۴۴	پرندگان - پرنده	طیر	۱۸	راستی - راستین	صدق	۴۶	شکر - سپاس	شکر
۱۸	ستمکاران	ظالمین - ظالمون	۴۴	جمع «صدقی»: صدقه - زکات»	صدقات	۴۶	بسیار شکرگزار - قدردان	شکور
۳۳	ظاهر	ظاهر	۴۸	صدقه - زکات	صدقة	۱	خورشید	شمس
۲۹	ظلم کرد	ظلم	۲۵	مانع شدند	صدوا	۲۷	آشکار - پیدا	شهادة
۱۴	ستم - ظلم	ظلم	۳۳	سینه‌ها - دل‌ها	صدور (جمع صدر)	۳۳	جمع «شهید»: شهید - گواه»	شهداء
۷	تاریکی‌ها	ظلمات	۶	بسیار راستگو	صدیق	۹	ماه	شهر
۴۱	ظلم می‌کنند - ظلم کردند	ظلموا	۳۳	راستگویان	صدیقین (جمع صدیق)	۴۴	خواستگی‌های نفسانی	شہوات
۲۴	گمان	ظن	۳	راه	صراط	۱۵	شیطان‌ها	شیاطین
۲۹	قوم حضرت هود <small>عليه السلام</small>	عاد	۱۵	نماز - درود - رحمت	صلوة	۲	چیز	شیء
۲۷	عاقبت - فرجام	عاقبة	۲۳	روزه - روزه‌داشتن	صيام	۴۵	پیر	شیخ
۲	جمع «عبد: بنده»	عباد	۳۹	ضرر - زیان	ضرر	۳۹	شیطان	شیطان
۲۶	عبادت - بندگی	عبادة	۳۰	زد	ضرب	۴۷	مؤنث «صابرین»	صابرات
۹	بنده	عبد	۱۰	زدیم	ضربنا	۳۴	شکیبایان - صبرکنندگان	صابرین - صابرون
۳۷	تعداد - عدّه - طلاق	عدّة	۳۹	ضعیف - ناتوان	ضعیف	۲۱	پیروان حضرت یحیی <small>عليه السلام</small>	صائبین
۲۴	عدل - عدالت - معادل	عدل	۲۳	گمراه شد - گم شد	ضلّ	۳۶	همنشین - دوست	صاحب
۱۹	جاودان	عدن	۲۵	گمراهی	ضلال	۳۸	راستگو - راست	صادق
۱۵	دشمن	عدو	۲۵	گمراه شدند	ضلّوا	۴۷	مؤنث «صادقین»	صادقات

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۳	پدیدآورنده	فَاطِرٌ	۲۶	کار	عَمَلٌ	۲۰	عذاب - شکنجه	عَذَابٌ
۳۸	انجام دهندگان	فَاعِلُونَ - فَاعِلِينَ	۲۱	انجام داد	عَمِلَ	۹	عربی (زبان عربی)	عَرَبِيٌّ
۴۷	میوه	فَاكِهَةٌ	۱۴	انجام دادند	عَمَلُوا	۱۳	عرش - تخت فرمانروایی	عَرْشٌ
۲۵	پیروزی	فَتْحٌ	۲۰	از	عَنْ	۱۹	وسعت	عَرْضٌ
۳۱	می گشاییم - گشودیم	فَتَحْنَا	۲۱	نزد	عِنْدَ	۲۷	عزت - شکست ناپذیری	عِزَّةٌ
۳۱	آزمایش - فتنه	فِتْنَةٌ	۳۰	عنکبوت	عَنْكَبُوتٌ	۴۷	اراده - تصمیم	عِزْمٌ
۴۳	کار زشت	فَحْشَاءٌ	۳۱	پیمان	عَهْدٌ	۲	باعزت - پیروز - رهبر	عِزِّيزٌ
۳۰	شاخه - فرع	فِرْعٌ	۶	عیسی	عِيسَى	۳۳	چه بسا - امید است	عَسَى
۷	فرعون	فِرْعَوْنٌ	۳۲	چشمه ها	عَيْونٌ (جمع عَيْن)	۱۸	سخت	عَسِيرٌ
۱۲	وسیله جدا ساختن حق از باطل - قرآن	فُرْقَانٌ	۲۹	بی خبر - غافل	غَافِلٌ	۴۱	شب	عَشِيٌّ - عَشِيَّةٌ
۳۹	گروه - دسته	فَرِيقٌ	۲۲	چیره - پیروز	غَالِبٌ	۲۸	عصیان کردند - سرپیچی کردند	عَصَوًا
۳۲	فساد - تباهی	فَسَادٌ	۴	غروب	غُرُوبٌ	۲	بزرگ	عَظِيمٌ
۲۱	لطف - احسان - برتری	فَضْلٌ	۲۷	فریب	غُرُورٌ	۴۳	کیفر	عِقَابٌ
۳۵	پدید آورد	فَطَّرَ	۴۴	بسیار آمرزنده	غَفَّارٌ	۳۷	آشکارا	عَلَانِيَةً
۴۰	انجام داد	فَعَلَ	۳۴	بی خبران	غَافِلُونَ - غَافِلِينَ (جمع غَافِل)	۳۳	آموزش داد - تعلیم داد	عَلَّمَ
۴۱	انجام دادند	فَعَلُوا	۲	بسیار آمرزنده	غَفُورٌ	۳۰	علم - دانایی	عِلْمٌ
۴۳	فقر - تهیدستی	فَقْرٌ	۴۱	شدید - سخت	غَلِيظٌ	۳۴	دانشمندان	عُلَمَاءٌ (جمع عالم)
۲۲	پس باید توکل کند	فَلْيَتَوَكَّلْ	۳۸	سود بردید	غَنِمْتُمْ	۱۲	تعلیم دادم	عَلَّمْتُ
۲۶	پس باید انجام دهد	فَلْيَعْمَلْ	۳۹	بی نیاز	غَنِيٌّ	۲	جهانبیان	عَالَمِينَ
۱۹	رستگاری	فَوْزٌ	۲۴	غیب-ناپیدا-نهان	غَيْبٌ	۳۲	برتری - بلندی	عُلُوٌّ
۳۴	برتر - بالا - بالاتر	فَوْقٌ	۱۳	غیر - به جز	غَيْرٌ	۴	بر	عَلِيٌّ
۱	در	فِي	۳	پس	فَ	۲	بلند مرتبه	عَلِيٌّ
۴۴	نگه دار	قِيٌّ	۴۱	کار زشت	فَاحِشَةٌ	۲	دانا	عَلِيمٌ
۳۹	بجنگید - پیکار کنید	قَاتِلُوا	۲۸	نافرمان - قانون شکن	فَاسِقٌ	۲	پدر حضرت مریم <small>عَلَيْهَا السَّلَامُ</small>	عِمْرَانٌ
۵	گفت	قَالَ	۱۲	نافرمانان	فَاسِقُونَ - فَاسِقِينَ	۶		

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۵	کتاب آسمانی - کتاب - فریضه - سرنوشت	کتاب	۳۴	اندک - کم	قلیل	۲۸	گفت	قالت
۱۴	بسیار	کثیر - کثیره	۱	ماه	قمر	۱۲	گفتند	قالوا
۴۸	بسیار دروغگو	کذاب	۲۹	قدرت - نیرو	قوة	۴۷	مؤنث «قانتین»	قانتات
۳۹	دروغ - کذب	کذب	۲۱	گفتار - سخن	قول	۴۷	فرمانبرداران	قانتین - قانتون
۳۰	تکذیب کرد	کذب	۲۴	بگویند	قولوا	۳۵	قیام کننده - ایستاده - برپا	قائمة (قائم)
۲۶	تکذیب کرد	کذبت	۱	قوم - گروه	قوم	۳	پیش - پیش از - قبل	قبل
۲۷	تکذیب کردی	کذبت	۳۵	نیرومند	قوی	۳۴	کشتن	قتل
۲۰	تکذیب کردند	کذبوا	۲۸	(مایه استواری - ایستاده) ایستادگان	قیام	۵	قطعاً	قد
۹	این چنین	کذلک	۱۷	قیامت	قیامة	۹	قدر - تقدیر - اندازه گیری	قدر
۴۸	ناخوش داشتید - بدتان آمد	کرهتم	۱۲	گفته شد	قیل	۲	توانا	قدیر
۱۳	ارزشمند - بزرگواری	کریم	۱۴	پایدار	قیماً	۸	قرآن	قرآن
۱۸	به دست آورد - انجام داد	کسبت	۲	پایدار	قیوم	۳۸	خویشاوندی	قریبی
۴۲	به دست آوردید - انجام دادید	کسبتم	۱۷	مانند	ک	۳۱	شهرها - آبادی ها	قری (جمع قریة)
۲۵	به دست آوردند - انجام دادند	کسبوا	۴	تو - تو را	ک - ایاک	۳۰	نزدیک	قریب
۲۸	کعبه	کعبة	۲۷	دروغ گوینان	کاذبون - کاذبین	۲۴	عدالت - عدل	قسط
۳۳	کافی است - کافی بود	کفی	۱۵	کافران	کافرین - کافرون	۲۴	قصاص	قصاص
۲۵	کافران	کفار (جمع کافر)	۳۹	دست جمعی - با هم - همه	کافة	۲۲	حکم کند - حکم کرد	قضى
۲۶	کفرورزید - کافر شد - ناسپاسی کرد	کفر	۲	می باشد - بود - شد	کان	۴۳	قضاوت شود - قضاوت شد - انجام شد	قضى
۳۹	کفر - کفرورزیدن - ناسپاسی	کفر	۲۶	امیدوار است	کان یرجوا	۸	بگو	قل
۳۳	ناسپاسی	کفران	۶	بود - می باشد	کانت	۱۴	دل - قلب	قلب
۱۱	کفر ورزیدند - کافر شدند	کفروا	۴۲	پیری - کهنسالی	کبر	۳۶	گفتید	قلتم
۴۱	ناسپاس	کفور	۲۱	بزرگ - دشوار	کبیر - کبیره	۳۴	قلم	قلم
			۱۷	واجب کرد - نوشت - مقرر کرد	کتب	۲۲	دل ها	قلوب (جمع قلب)
			۲۳	واجب شد - مقرر شد - نوشته شد	کتب			

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۳	ندانستی	لَمْ تَعْلَمُوا	۱۶	باطل نکنید	لَا تَبْطُلُوا	۲	هر - همه	كُلٌّ
۲۶	نگرفت	لَمْ يَتَّخِذْ	۲۹	پیروی نکنید	لَا تَتَّبِعُوا	۳۹	چنین نیست	كَلَّا
۳۶	تفکر نکردند	لَمْ يَتَّفَكَّرُوا	۴۸	تجسس نکنید	لَا تَجَسَّسُوا	۴۵	شما - تان	كَا (مثنی)
۱۲	حکم نکردند - حکم نکرد	لَمْ يَحْكَمْ	۴۵	عبادت نکنید	لَا تَعْبُدُوا	۳۰	وعده‌ها - گفتارها - فرمانها	كَلِمَاتٍ
۳۸	تترسد - تترسید	لَمْ يَخْشَ	۲۷	فساد نکنید - تباهی نکنید	لَا تُفْسِدُوا	۳۰	گفتار - فرمان	كَلِمَةً
۲۲	شک نکردند	لَمْ يَرْتَابُوا	۲۹	نزدیک نشوید	لَا تُقْرَبُوا	۲۳	بخورید	كُلُوا
۴۱	نخواست	لَمْ يَرِدْ	۴۶	ناسپاسی نکنید - کافر نشوید	لَا تَكْفُرُوا	۱	شما - تان	كَمْ
۳۷	ندیدند - ننگریستند	لَمْ يَرَوْا	۵	ولی - لیکن	لَكِنَّ - لَكِنَّ	۲۳	هم چنانکه	كَمَا
۲۸	زیاد نکرد - نیفزود	لَمْ يَزِدْ	۳۱	گمان نمی‌کند	لَا يَحْتَسِبُ	۹	بودیم - هستیم	كُنَّا
۳۵	سیر نکردند	لَمْ يَسِيرُوا	۳۳	احاطه ندارند	لَا يَحِيطُونَ	۲۷	بودی	كُنْتَ
۴۴	ندانستند	لَمْ يَعْلَمُوا	۴۸	مسخره نکند	لَا يَسْخَرُ	۴۳	بودم	كُنْتُ
۴۶	کافر نشدند	لَمْ يَكْفُرُوا	۴۳	ظلم نمی‌شوند	لَا يُظْلَمُونَ	۱۷	می‌باشید - بودید	كُنْتُمْ
۲۶	نمی‌باشد - نبود	لَمْ يَكُنْ	۴۸	غیبت نکند	لَا يَغْتَابُ	۱۸	اختلاف می‌ورزیدید	كُنْتُمْ تَخْتَلِفُونَ
۱۴	نیامیختند	لَمْ يَلْبَسُوا	۴۲	رستگار نمی‌شوند	لَا يَفْلِحُونَ	۲۴	باشید	كُونُوا
۲۵	ایمان نیاوردند - ایمان نیاورد	لَمْ يُؤْمِنُوا	۱۹	لباس - پوشش	لِبَاسٍ	۳۹	نیرنگ - چاره‌اندیشی	كَيْدٍ
۱۱	زمانی که	لَمَّا	۴۸	گوشت	لَحْمٍ	۳۰	چگونه - هرگونه	كَيْفٍ
۲۵	هرگز نه (نفی) ابد برای آینده)	لَنْ	۱۶	نزد	لَدُنَّ	۱	حتماً - قطعاً	لَ
۳۲	هرگز سود نخواهد بخشید	لَنْ تَنْفَعَكَ	۳۵	بازی	لَعِبٍ	۱	برای - به - برای اینکه	لِ
۱۲	اگر - اگرچه - چنانچه - ای کاش	لَوْ	۹	به امید اینکه - شاید	لَعَلَّ	۲	حرف نفی (نیست - نه)	لَا
۳۰	حضرت لوط	لُوطٍ	۲۷	لعنت کرد	لَعَنَ	۷	نگیرید	لَا تَتَّخِذُوا
۴۶	چرا نه	لَوْلَا	۱۸	لعنت	لَعْنَةً	۴۱	اطاعت نکن	لَا تَطِيعُوا
۳۵	سرگرمی	لَهْوٍ	۳۷	کلام یا کار بیهوده - لغو	لَعْوٍ	۲۸	نباشید	لَا تَكُونُوا
۴۳	کاش	لَيْتَ	۲۰	دیدار	لِقَاءٍ	۴۱	غافل نکند - مشغول نکند	لَا تَلْهُ
۲۵	تا زیاد کند - تا بیفزاید	لِيَزِدُوا	۴۶	لقمان (عليه السلام)	لِقَمَانَ	۲۵	هرگز نپندارند - هرگز نپندارد	لَا يَحْسِبَنَّ
۲۹	نیست	لَيْسَ	۳۰	ندیدی - ننگریستی	لَمْ تَرَ	۲۴	نخورید	لَا تَأْكُلُوا

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۹	مسکن‌ها	مَسَاكِن (جمع مَسْكَن)	۴۷	مجاهدین	مُجَاهِدِينَ - مُجَاهِدُونَ	۳۹	نیستند	أَيَسُوا
۴۶	قرارگاه	مُسْتَقَر	۲۶	مجرمان - گناهکاران	مُجْرِمِينَ - مُجْرِمُونَ	۱	شب	لَيْلٍ - لَيْلَةٌ
۳	راست - مستقیم	مُسْتَقِيم	۳۳	دیوانه	مُجْنُون	۲	آنچه - هرچه	مَا
۲۹	مسجد	مَسْجِد	۴۵	مفرد: «مُحْسِنِينَ»: نیکوکاران»	مُحْسِن	۸	حرف نفی (نیست)	مَا
۳۵	جمع «مُسَخَّرَه»: تسخیر شده»	مُسَخَّرَات	۱۴	نیکوکاران	مُحْسِنِينَ - مُحْسِنُونَ	۹	چیست - چه	مَا
۴۸	اسراف‌کننده	مُسْرِف	۲۰	حاضر شدگان	مُحْضِرُونَ	۲۷	آنکه	مَا
۶	فرمانبردار - مسلمان	مُسْلِم	۸	نام رسول خدا ﷺ	مُحَمَّد	۹	چه می‌دانی	مَا أَدْرَاكَ
۳۳	مسلمانان	مُسْلِمُونَ	۴۷	احاطه‌کننده	مُحِيط	۶	نبود - نمی‌باشد	مَا كَانَ
۶	جمع «مُسْلِمٍ»	مُسْلِمِينَ - مُسْلِمُونَ	۳۶	متفاوت	مُخْتَلِف	۳۵	آب	مَاء
۳۶	معین	مُسْعِي	۳۱	راه نجات - گشایش	مُخْرَج	۲۵	مردند	مَاتُوا
۳۵	حضرت مسیح علی‌ه‌السلام	مَسِيح	۷	خالص شده	مُخْلِصًا	۳۱	چه چیز؟	مَاذَا
۱۴	مشرق	مَشْرِق	۹	خالص‌کننده - خالص	مُخْلِصًا	۱۸	مال - دارایی	مَال
۲۶	زنان مشرک	مُشْرِكَات	۴۲	جمع «مُخْلِصِينَ»: خالص‌کننده»	مُخْلِصِينَ	۲۶	جایگاه	مَأْوَى
۱۴	مشرکان	مُشْرِكِينَ - مُشْرِكُونَ	۳۴	خالص شدگان	مُخْلِصِينَ (جمع مُخْلِص)	۹	مبارک - بابرکت	مُبَارَكٍ - مُبَارَكَةٌ
۱۰	تصدیق‌کننده	مُصَدِّق	۴۳	پادش پی‌درپی	مُدْرَار	۴۸	اسراف‌کنندگان	مُبْذِرِينَ
۲۷	اصلاح‌کنندگان	مُصْلِحُونَ - مُصْلِحِينَ	۳۵	شهرمدینه - شهر	مَدِينَةٌ	۸	بشارت‌دهنده	مُبَشِّرًا
۲۱	مصیبت	مُصِيبَةٌ	۴۳	بازگشت	مُرْجِع	۴۶	روشنی‌بخش	مُبْصِرٍ - مُبْصِرَةٌ
۱۳	سرانجام‌بازگشت - بازگشتگاه	مُصِير	۴	پیامبران - فرستاده‌شدگان	مُرْسِلِينَ	۷	آشکار - روشنگر	مُبِين
۱۹	پاک - پاکیزه	مُطَهَّرَةٌ	۱۴	ارشاد‌کننده - مربی	مُرْشِد	۳۵	کالا - بهره‌مندی	مَتَاع
۵	با	مَعَ	۲۷	بیماری - مرض	مَرَض	۱۰	افرا باتقوا	مُتَّقِينَ - مُتَّقُونَ
۳۲	جمع «مَعْدُودَه»: معدود - معین»	مَعْدُودَات	۳۷	بیمار - مریض	مَرِيض	۴۸	افراد باتکبر - متکبران	مُتَكَبِّرِينَ
۱۸	معذرت‌عذرخواهی	مُعْذِرَةٌ	۶	مریم علیها‌السلام	مَرْيَمَ	۱۰	مثل	مِثْل
۳۷	روی‌گردانان	مُعْرِضُونَ - مُعْرِضِينَ	۳۸	جمع «مَسْجِد»: مسجد»	مَسَاجِد	۲۶	مانند - مثل	مِثْل
						۳۰	پاداش - ثواب	مَثُوبَةٌ
						۴۸	جایگاه	مَثْوَى

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۱	صدا زد	نادی	۲۲	چه کسی؟	من ذا	۲۴	کار خوب- خوب - شناخته شده	مَعْرُوف
۱۵	آتش	نار	۲۶	زنان منافق	مِنَافِقَات	۳۴	شناخته شده	مَعْلُوم
۲	مردم	ناس	۲۶	مردان منافق	مِنَافِقِينَ - مِنَافِقُونَ	۱۴	مغرب	مَغْرِب
۲۰	یاوران - یاری کنندگان	نَاصِرِينَ (جمع نَاصِر)	۹	بیم‌دهندگان	مَنْذِرِينَ	۱۹	آمزش - گذشت	مَغْفِرَةٌ
۴۶	خبر	نَبَأٌ	۲۴	کار زشت - کار بد - بد	مُنْكَرٌ	۳۳	کلیدها	مِفْتَاحٍ (جمع) مِفْتَاحٍ
۲۷	رویدنی - گیاه	نَبَاتٌ	۳۰	مرگ	مَوْتٌ	۲۷	تبهکاران - فسادکنندگان	مُفْسِدُونَ - مُفْسِدِينَ
۴۷	می‌آزماییم	نَبِّئُو	۱۵	(جمع میت) مردگان	مَوْتَى	۲۲	رستگاران	مُفْلِحُونَ (جمع مُفْلِح)
۶	پیامبر	نَبِيٌّ	۳۶	دوستی - محبت	مُودَةٌ	۳۲	جایگاه	مَقَامٌ
۶	پیامبران	نَبِيِّينَ - نَبِيِّونَ	۶	موسی (علیه السلام)	مُوسَى	۴۷	قسمت شده - تقسیم شده	مَقْسُومٌ
۳۷	تلاوت می‌کنیم - می‌خوانیم	نَتْلُو	۱۰	پند	مَوْعِظَةٌ	۲۷	پایدار- به‌پادارنده	مُقِيمٌ
۳۶	پاداش می‌دهیم	نَجْزِي	۱۵	سرور - یاور	مَوْلَى	۳۵	مکر کرد	مَكَّرَ
۳۲	قرار می‌دهیم	نَجْعَلُ	۱۴	هدایت یافته	مُهْتَدٍ (مُهْتَدِي)	۳۵	تدبیر - حيله	مَكْرٌ
۳۵	ستارگان	نُجُومٌ	۱۴	هدایت یافتگان	مُهْتَدُونَ - مُهْتَدِينَ	۲۹	جایگاه- مکان- جا	مَكَانٌ
۴۱	نجات دادیم	نَجَّيْنَا	۴۵	مهاجران	مُهَاجِرِينَ	۴۳	سرکردگان - بزرگان	مَلَأَ
۱۱	ما	نَحْنُ	۲۲	مرد با ایمان	مُؤْمِنٌ	۲۸	فرشتگان جمع «مَلَك: فرشته»	مَلَائِكَةٌ
۲۱	داخل می‌کنیم	نَدْخُلُ	۲۶	زنان مؤمن	مُؤْمِنَاتٌ	۶	آیین - دین	مِلَّةٌ
۸	بیم‌دهنده	نَذِيرٌ	۲۲	زن با ایمان	مُؤْمِنَةٌ	۳۵	فرشته	مَلَكٌ
۳۴	بالا می‌بریم	نَرْفَعُ	۱	افراد با ایمان - مؤمنان	مُؤْمِنِينَ - مُؤْمِنُونَ	۳	صاحب	مَالِكٌ
۳۶	ببینیم - می‌بینیم	نَرَى	۳۰	مرده	مَيِّتٌ	۱۳	فرمانروا	مَلِكٌ
۹	فروفرستاد	نَزَّلَ	۴۸	مرده	مَيِّتٌ	۳	فرمانروایی	مَلِكٌ
۱۱	فروفرستادیم	نَزَّلْنَا	۶	پیمان	مِيثَاقٌ	۷	فرمانروایان	مُلُوكٌ
۲۸	زنان	نِسَاءٌ	۱۱	وسیله سنجش - معیار	مِيزَانٌ	۳	کسی که - کسانی که هر کس	مَنْ
۴	به‌کم می‌گیریم	نَسْتَعِينُ	۴۴	انحراف - کشش	مَيْلٌ	۱۹	چه کسی - چه کسانی	مَنْ
۲۸	فراموش کردند	نَسُوا	۴	ما را - ما - مان	نَا	۱	از	مِنْ
۴۰	فراموش کرد	نَسِيَ						

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۴۲	بخشید	وَهَبْ	۱	روز	نَهَارٌ	۳۴	بخواهیم - می خواهیم	نَشَاءٌ
۳۰	وای	وَيْلٌ	۱۴	هدایت می کنیم	نَهْدِي	۲۷	گواهی می دهیم	نَشْهَدُ
۱	او - آن - ش	ه - ه	۴۶	می دهیم	نُؤْتِ	۱۵	مسیحیان	نَصَارَى
۱۲	آن - او - ش	ها	۱۲	ایمان می آوریم	نُؤْمِنُ	۲۵	یاری	نَصْرٌ
۳۹	هجرت کردند	هَاجَرُوا	۸	قسم به - سوگند به	و	۶	مسیحی	نَصْرَانِيٌّ
۲۱	هدایت کننده	هَادٍ (هادی)	۱	و	و	۳۹	یاری کردند	نَصَرُوا
۲۱	یهودی شدند	هَادُوا	۳	یگانه - یک	وَاحِدٌ - وَاحِدَةٌ	۲۵	بهره	نَصِيبٌ
۳	این	هَذَا - هَذِهِ	۱۳	وسیع	وَاسِعٌ - وَاسِعَةٌ	۱۳	یاور - یار	نَصِيرٌ
۷	برادر حضرت موسی (علیه السلام)	هَارُونَ	۱۳	پایدار	وَاصِبٌ	۳۶	می زنیم	نَضْرِبُ
۴۲	بیخش	هَبْ	۱۲	مادر	وَالِدَةٌ	۳۶	نطفه	نَطْفَةٌ
۱۴	هدایت کرد	هَدَى	۳۸	پدر و مادر	وَالِدَيْنِ	۴	عبادت می کنیم - بندگی می کنیم	نَعْبُدُ
۴	هدایت	هَدَى	۴۱	یافتیم	وَجَدْنَا	۳۶	می دانیم - می شناسیم	نَعْلَمُ
۲۷	هدایت کردیم	هَدَيْنَا	۲۹	صورتها - چهرهها	وَجُوهٌ	۱۸	چه خوب است	نَعْمٌ
۴۶	مسخره	هَزَأُوا	۳۷	خشنودی - ذات - صورت - خود	وَجْهٌ	۷	نعمت	نِعْمَةٌ
۲۶	آیا	هَلْ	۷	دستیار	وَزِيرٌ	۳۲	پر نعمت - نعمتها	نَعِيمٌ
۵	آنان - آنها - شان	هَؤُلَاءِ	۲۹	سفارش کرد - وصیت کرد	وَصَى	۱۷	خود - فرد - جان - نفس	نَفْسٌ
۷	آنها (دو نفر)	هُمَا	۲۹	سفارش کردیم - وصیت کردیم	وَصَيْنَا	۳۶	بیان می کنیم	نَقِصِلُ
۴۴	آنها (ضمیر جمع غایب مؤنث)	هُنَّ	۱۹	وعده داد	وَعَدَ	۳۹	سود	نَفْعٌ
۴۲	آنجا	هُنَاكَ	۱۲	وعده	وَعْدٌ	۴۷	کاستن - نقص	نَقْصٌ
۲	او - آن	هُوَ	۴۳	وعده داده شد	وَعِدٌ	۲۵	مهلت می دهیم	نَمْلِي
۲۹	حضرت هود (علیه السلام)	هُودٌ	۷	نگاهبان - کارساز	وَكِيلٌ	۴۸	خبر می دهیم	نُنَبِّئُ
۴۱	هوس - خواسته (دل) - هوا (ی نفس)	هُوَى	۴۰	و باید باشد	وَلْتَكُنْ	۱۱	فرو می فرستیم	نُنزِلُ
۴۰	اینان	هَؤُلَاءِ	۲۶	فرزند	وَلَدٌ	۲۱	یاری می کنیم	نُنصِرُ
۱۱	آن - او	هُيْ	۳	سرپرست - دوست	وَلِيٌّ	۵	نوح (علیه السلام)	نُوحٌ
۳	من	يَ	۱۲	و باید حکم کنند (کنند)	وَلْيَحْكُمُوا	۳۲	وحی می کنیم	نُوحِي
۳	ای	يَا - يَا أَيُّهَا - أَيُّهَا				۷	روشنایی - نور	نُورٌ

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۹	داخل می کند	يَدْخُلُ	۱۵	سرپرستی می کند - روی می گرداند	يَتَوَلَّى	۴۶	می آورد	يَأْتِي
۴۲	داخل می شوند	يَدْخُلُونَ	۲۱	استوار می سازد	يُسَبِّتُ	۸	می آید	يَأْتِي
۴۳	می خواند	يَدْعُو	۳۹	جهاد می کند - کوشش می کند	يُجَاهِدُ	۴۴	می گیرد - می پذیرد	يَأْخُذُ
۲۹	می خوانند	يَدْعُونَ	۴۳	می یابد	يَجِدُ	۴۸	بخورد - می خورد	يَأْكُلُ
۱۰	دو دست	يَدَي - يَدَا	۴۰	می یابند	يَجِدُونَ	۴۴	می خورند	يَأْكُلُونَ
۴۶	می برد	يَذْهَبُ	۲۱	جزا دهد - جزا می دهد	يَجْزِي	۲۴	امر می کند	يَأْمُرُ
۴۵	(از بین) می برند	يَذْهَبِينَ	۳۱	قرار می دهد	يَجْعَلُ	۲۴	امر می کنند	يَأْمُرُونَ
۴۲	باز می گردند	يَرْجِعُونَ	۱۷	جمع می کند	يَجْمَعُ	۴۷	وسعت می بخشد - گسترش می دهد	يَبْسُطُ
۴۰	رحم می کند	يَرْحَمُ	۱۶	دوست می دارد	يُحِبُّ	۴۳	می بیند	يَبْصُرُ
۴۶	بخواهد	يُرِيدُ	۲۱	غمگین می شوند	يُحْزِنُونَ	۴۶	ببازماید - می آزمايد	يَبْلُو
۳۱	روزی می دهد	يَرْزُقُ	۲۹	محشور شوند - جمع شوند	يُحْشَرُونَ	۲۹	بیان می کند	يُبَيِّنُ
۴۲	می فرستد	يُرْسِلُ	۲۹	محشور می شوند - جمع می شوند	يُحْشَرُونَ	۴۸	به دنبال دارد	يَتَّبِعُ
۳۴	بالا می برد	يَرْفَعُ	۱۱	حکم کند - حکم می کند	يُحْكِمُ	۴۴	پیروی می کنند	يَتَّبِعُونَ
۳۷	می بینند	يُرَوْنَ	۸	زنده می کند	يُحْيِي	۴۰	می گیرد	يَأْخُذُ
۳۰	می بیند	يُرِي	۲۹	می ترسند	يُخَافُونَ	۳۴	متذکر می شود	يَتَذَكَّرُ
۳۵	نشان می دهد	يُرِي	۲۲	خوار کند - خوار می کند	يُخَذِّلُ	۱۰	متذکر شوند - متذکر می شوند	يَتَذَكَّرُونَ
۳۶	بخواهد - می خواهد - اراده می کند	يُرِيدُ	۳۶	خارج می شود	يُخْرَجُ	۱	تفکر می کنند - می اندیشند	يَتَفَكَّرُونَ
۳۲	می خواهند	يُرِيدُونَ	۱۰	خارج می کند	يُخْرِجُ	۳۱	تقوا پیشه کند (تقواپیشه می کند)	يَتَّقِي (يَتَّقِي)
۳۴	پاک می گرداند - پاک می گرداند	يُرِيحُ	۱۵	خارج می کنند	يُخْرِجُونَ	۲۹	تقوا پیشه کنند - تقواپیشه می کنند	يَتَّقُونَ
۸	از حروف مقطعه قرآن	يس	۳۷	می ترسند	يُخْشَوْنَ	۳۴	تلاوت کند - تلاوت می کند	يَتْلُو
۴۰	شتاب می کنند	يَسَارِعُونَ	۳۴	می ترسد	يُخْشَى	۳۵	تلاوت می کنند	يَتْلُونَ
۴۳	آمزش می خواهد	يَسْتَغْفِرُ	۱۳	می آفریند	يُخْلِقُ	۲۶	توبه می پذیرد - توبه می کند	يَتُوبُ
۴۲	تکبر می ورزند	يَسْتَكْبِرُونَ	۲۹	خلق می کنند	يُخْلِقُونَ	۴۴	توبه می کنند	يَتُوبُونَ
۲۸	مساوی اند	يَسْتَوُونَ	۴۸	دفاع می کند	يُدَافِعُ	۳۶	به تمامی می گیرد - می میراند	يَتَوَفَّى
۳۴	مساوی است	يَسْتَوِي	۱۱	تدبّر کنند	يُدَبِّرُوا			
۴۰	سجده می کنند	يَسْجُدُونَ						
۳۱	آسانی	يسر						

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۲۹	می گویند	يَقُولُونَ	۴۳	وعده می دهد	يَعِدُ	۵	مسلط می کند	يَسْلُطُ
۲۴	به پاخیزند - به پا می خیزد	يَقُومُ	۲۶	عذاب می کند	يُعَذِّبُ	۴۵	می شنوند	يَسْمَعُونَ
۱۵	به پا می دارند	يَقِيمُونَ	۴۷	می شناسند	يَعْرِفُونَ	۴۳	آسان - اندک	يُسِّرُ
۳۹	یقین - باور	يَقِينٌ	۲۸	سرپیچی کند (سرپیچی می کند)	يَعْصِي (يَعْصِي)	۳۴	سؤال می کنند - درخواست می کنند	يَسْأَلُونَ
۳۸	باشند	يَكُونُوا	۴۰	حفظ کند - حفظ می کند	يَعِصِمُ	۴۶	بخواهد	يَشَاءُ
۳۳	کتمان می کنند	يَكْتُمُونَ	۳۰	بزرگ بدارد	يَعْظِمُ	۳	می خواهد - بخواهد	يَشَاءُ
۲۶	تکذیب می کند	يَكْذِبُ	۱	تعقل می کنند - می اندیشند	يَعْقِلُونَ	۲۶	شرک ورزیده شود - شرک ورزیده می شود	يُشْرِكُ
۲۷	دروغ می گویند	يَكْذِبُونَ	۳۱	حضرت يعقوب (عليه السلام)	يَعْقُوبُ	۲۶	شرک می ورزد - شریک می گیرد	يُشْرِكُ
۲۹	به دست می آورند - انجام می دهند	يَكْسِبُونَ	۲۷	می دانند - شناسد	يَعْلَمُ	۲۶	شرک می ورزند - شریک می گیرند	يُشْرِكُونَ
۲۸	کفر می ورزد	يَكْفُرُ	۱۲	تعلیم می دهد	يُعَلِّمُ	۲۷	می فهمند - درک می کنند	يُشْعِرُونَ
۳۱	می پوشاند	يَكْفُرُ	۱۳	می دانند	يَعْلَمُونَ	۴۶	شکر می کند	يُشْكِرُ
۲۰	کفر می ورزند	يَكْفُرُونَ	۳۸	آباد می کند	يَعْمُرُ	۴۶	شکر می کند	يُشْكِرُونَ
۲۲	باشد - می باشد	يَكُونُ	۲۱	انجام می دهد	يَعْمَلُ	۲۷	گواهی می دهد	يُشْهِدُ
۴۴	نگه می دارد	يَمْسُكُ	۲۹	عمل می کنند - انجام می دهند	يَعْمَلُونَ	۴۱	درود می فرستد	يُصَلِّي
۱۳	مالک است	يَمْلِكُ	۳۰	پایین می آورند - فرو می نهند	يَغْضُونَ	۲۳	زیان می رساند	يُضِرُّ
۸	می میراند	يَمِيتُ	۲۵	می آموزد	يُعَلِّمُ	۱۴	گمراه می کند	يُضِلُّ - يُضِلُّونَ
۴۸	خبر می دهد	يُنَبِّئُ	۴۲	دروغ می بندند	يُفْتَرُونَ	۴۵	تباه می کند	يُضَيِّعُ
۳۵	فرو می فرستد - نازل می کند	يُنزِلُ	۲۵	انجام می دهد	يُفْعَلُ	۱۶	اطاعت شود - اطاعت می شود	يُطَاعُ
۲۲	یاری می کند	يُنصِرُ	۲۷	می فهمند	يُفْقَهُونَ	۳۳	اطاعت کند (اطاعت می کند)	يُطِيعُ (يُطِيعُ)
۴۵	یاری می شوند	يُنصِرُونَ	۲۲	می جنگند - می رزمند	يُقَاتِلُونَ	۴۰	اطاعت می کنند	يُطِيعُونَ
۴۵	می نگرند - انتظار دارند	يَنْظُرُونَ	۴۳	گفته می شود	يُقَالُ	۴۳	ظلم کند - ظلم می کند	يُظَلِّمُ يُظَلِّمُونَ
۱۸	سود می بخشد	يَنْفَعُ	۴۴	می پذیرد - قبول می کند	يُقْبَلُ	۲۹	ظلم می کنند	يُظَلِّمُونَ
۲۲	انفاق می کنند	يَنْفِقُونَ	۲۰	می کشند	يُقْتَلُونَ	۱۳	عبادت می کنند	يُعْبَدُونَ
۲۴	باز می دارند - نهی می کنند	يَنْهَوْنَ	۴۷	تنگ می گرداند	يُقْدِرُ			
۸	وحی می شود	يُوحَى	۲۷	می گوید	يَقُولُ			
۳۲	وا می گذارد	يُورِثُ						

درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه	درس	معنا	کلمه
۱۴	ایمان بیاورد - ایمان می آورد - ایمان دارد	يُؤْمِنُ	۱۵	یهودیان	يَهُودٍ	۳۱	حضرت یوسف علیهِ السَّلَامُ	يُوسُفُ
۹	ایمان می آورند - ایمان دارند	يُؤْمِنُونَ	۶	یهودی	يَهُودِيٍّ	۱۰	یقین دارند	يُوقِنُونَ
۱۸	آن روز - چنین روزی	يَوْمَئِذٍ	۴۸	مؤاخذه کند - مؤاخذه می کند	يُؤَاخِذُ	۳	روز	يَوْمٍ
۲۰	نامید شدند	يَسْمَوْنَ	۱۵	می دهند	يُؤْتُونَ	۴۵	هدایت یابند - هدایت می یابند	يَهْتَدُونَ
			۱۳	می دهد	يُؤْتِي	۳	هدایت می کند	يَهْدِي

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ارشاد القلوب، حسن بن محمد الدیلمی، الشریف الرضی، قم.
۳. اصول کافی، محمد بن یعقوب الكلینی، اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۴. إقبال الاعمال، علی بن موسی بن طاووس، دارالکتب الاسلامیة.
۵. الامالی، شیخ طوسی، مؤسسة البعثة للطباعة والنشر والتوزيع، تهران، اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶. الامالی، محمد بن علی بن بابویه، الاعلمی، بیروت.
۷. اهل البيت فی الكتاب و السنة.
۸. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۹. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم طبری
آملی، المكتبة الحیدریة، نجف.
۱۰. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبة الحرانی، انتشارات اسلامی.
۱۱. تفسیر الصافی، مولی محسن فیض کاشانی، دارالمرتضی للنشر، اول.
۱۲. تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم صدرالمتألهین، بیدار.
۱۳. تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعة عروسی الحویزی، انتشارات اسماعیلیان.
۱۵. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، انتشارات اسلامی.
۱۶. اللّغوات، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی عجل
الله تعالی فرجه الشریف.

۱۷. السيرة النبوية، عبدالملك بن هاشم الحميري، دارالمعرفة، بيروت.
۱۸. عدة الداعي و نجاح الساعي، احمد بن فهد الحلبي، دارالمرضى - دارالكتاب الاسلامي، بيروت، اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۹. علل الشرائع، محمد بن علي بن بابويه، كتابفروشي داوري.
۲۰. عيون اخبار الرضا، محمد بن علي بن بابويه القمي (صدوق)، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۲۱. غرر الحكم و درر الكم، عبدالواحد بن محمد تميمي آمدی، دفتر تبليغات، قم.
۲۲. قاموس قرآن، سيد علي اكبر قرشي، دارالكتب الاسلاميه.
۲۳. مجموعه آثار شهيد مطهري، مرتضى مطهري، انتشارات صدرا.
۲۴. مجموعه ورام، مسعود بن عيسى ورام بن ابي فراس، مكتبة فقيه، قم.
۲۵. المَحَجَّةُ البَيضاء في تهذيب الاحياء، مولى محسن فيض كاشاني، انتشارات اسلامي، قم، دوم، ۱۳۶۳ هـ. ش.
۲۶. مستدرک الوسائل، حسين بن محمد تقى نوري، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۷. المعجم المفصل في الاملاء، ناصيف يمين، دارالكتب العلميه، بيروت، سوم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۸. معجم مفردات الفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، دارالقلم - الدار الشاميه، بيروت - دمشق.
۲۹. مفاهيم القرآن، جعفر سبحاني، انتشارات مؤسسه الامام الصادق عليه السلام.
۳۰. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه، دفتر انتشارات اسلامي.
۳۱. مواقف الشيعة، آيت الله احمدى ميانجى، مؤسسه النشر الاسلامي.
۳۲. ميزان الحكمة، محمدى رى شهرى، مؤسسه دارالحديث.
۳۳. نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف رضى، هجرت.
۳۴. وسائل الشيعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملى، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.